

جوانان

" آتیه امر الہی بر شانہ جوانان امروز

مستقر و مؤسس است. " (۱)

حضرت ولی امر اللہ

1870

1870

1870

1870

" طوبی از برای نفسی که در اول جوانی و ریعان شباب بپوشد
خدمت امر مالک متذکره و مآب اقیام نماید و بحسب مزین شود
ظهور این فضل اعظم از خلق سموات و الارض است طوبی
لِلدَّرَاسِخِینَ وَ نَعِیمًا لِلثَّابِتِینَ . . . " حضرت بهاء الله

" هوالله ای جوانان قرن یزدان شما باید در این عصر
 جدید قرن ربّ مجید چنان منجذب جمال مبارک گردید و مفتون
 دلبر آفاق شوید که مصداق این شعر گردید: ای عشق منم از تو
 سرگشته و سودائی، اندر همهء عالم مشهور بشیدائسی، ای
 عزیزان عبدالبهاء ایام زندگانی را فصل ربیع است و جلوهء
 بدیع، سنّ جوانی را توانائی است و ایام شباب بهترین اوقات
 انسانی، لهذا باید بقوتی رحمانی و نیّتی نورانی و تأییدی
 آسمانی و توفیقی ربّانی شب و روز بکوشید تا زینت عالم
 انسانی گردید و سرحلقهء اهل عشق و دانائی و به تنزیه و
 تقدیس و علوّ مقاصد و بلندی همّت و عزم شدید و علویّت فطرت
 و سمو همّت و مقاصد بلند و خلق رحمانی در بین خلق مبعوث
 گردید و سبب عزّت امرالله شوید، مظهر موهبت الله گردید و
 بموجب وصایا و نصایح جمال مبارک روحی لِاحِبَّائِهِ الفداءء روش
 و حرکت جوئید و بخصایص اخلاق بهائی ممتاز از سایر احزاب
 شوید عبدالبهاء منتظر آن است که هر یک بیشهء کمالات را شیر
 ژبان شوید و صحرای فضائل را نافهء مُشکبار باشید وَ عَلَیْكُمْ
 اَلْبَهَاءُ اَلْاَبْهَى ع ع "

حضرت عبدالبهاء

فهرست

- فصل ۱ ویژگیهای فردی و اجتماعی جوانی.
- فصل ۲ جوانی، سن انتخابهای اساسی.
- فصل ۳ نقش تاریخی جوانان در امر الهی.
- فصل ۴ روابط متقابل و وظایف والدین نسبت به فرزندان (جوانان)
- فصل ۵ وظایف جامعه نسبت به جوانان.
- فصل ۶ کسب معارف یکی از وظایف جوانان.
- فصل ۷ کسب علوم و فنون یکی از وظایف جوانان.
- فصل ۸ خدمت یکی از وظایف جوانان.
- فصل ۹ تبلیغ، یکی از وظایف جوانان.
- فصل ۱۰ ازدواج.
- فصل ۱۱ وضعیت کنونی عالم.
- فصل ۱۲ دستورالعملها و نکته‌ها.

فصل اول

" ویژگیهای فردی و اجتماعی جوانی "

فهرست عناوین فصل اول :

- جوانی سن ادراک .
- جوانی سن توانائی .
- جوانی سن قدرت .
- جوانی سن شور و نشاط و علاقه به تحرک و نقل مکان .
- جوانی سن الگوپذیری .
- جوانی سن جوش و خروش .
- جوانی سن تجارب قلیل - بضاعت مزاجه - همت - شهامت - فعالیت - آمادگی به خدمت - امید و اطمینان .
- جوانی سن آمادگی انهماک در شهوات .
- جوانی سن مبارزه و کف نفس .
- جوانی سن حصول صفات اصلیه در اثر قدرت و توانائی .
- تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ دشوار است .
- جوانی سن مواجهه با مشکلات و امتحانات .
- جوانی سن تجسس و تحقیق .
- جوانی سن آزمایشها و مبارزات .
- جوانی سن طاقت و تحمل ، انطباق با شرایط جدید ، حرارت و محبت .
- جوانی سن پیش روی تحرک و فعالیت .
- جوانی سن طلب سرگرمی ، تحصیل علوم و کسب تجربه .

- جوانی سن فراغت بال .
- جوانی سن تنویر فکر .
- جوانی سن شایستگی های ویژه .
- جوانی سن ترک و طرد ارزشها و موازین دنیای قدیم .
- جوانی سن تجهیز برای آینده .
- جوانی سن آغاز تکالیف ، حقوق و وظایف شرعی .
- بلوغ سن تعیین مسیر زندگی و قبول مسوئولیت های روحانی است .

- جوانی سن ادراک است :

" هیکل انسانی در بدایت نطفه است بعد به مقام مضعه ترقی نماید و از مضعه به مقام عظام رسد. بعد ثم کسونا العظام لحمًا حاصل گردد بعد بمقام فتبارک الله أحسن الخالقین رسد و همچنین در مراتب رضعی و طفولیت و صبی و مراهقه تدرج کند تا به بلوغ فائز گردد. پس مقام رشد و بلوغ هیکل انسانی سبب ادراک حقایق و اطلاع بر سرائر کائنات شود. همچنین حقیقت روحانیه انسان را تدرج در مراتب است باید مقامات و مراتب ترقیات معنوی را طی کند تا به مقام لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ التَّقْوِيمِ فائز شود... " (۲) حضرت عبدالبهاء

" می توانیم بگوئیم که ترقیاتی که انسان از بدایت عمر تا وقت بلوغ نموده همه مبادی ظهور عقل بوده " (۳)

حضرت عبدالبهاء

- جوانی سن توانائی است :

" ای عزیزان عبدالبهاء، ایام زندگانی را فصل ربیع است و

جلوهٔ بدیع. سنّ جوانی را توانائی است و ایام شباب بهترین
اوقات انسانی" (۴) حضرت عبدالجبار

- جوانی سنّ قدرت است :

" شبهه‌ای نیست که جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند
که در تشیید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم بسزایی
را ایفا نمایند. آری جوان تواند که عالمی را بحرکت
درآورد." (۵) معهد اعلی

- جوانی سنّ شور و نشاط و علاقه به تحرک و نقل مکان است :

" شور و نشاط فراوان و علاقهٔ مفرط جوانان به تحرک و نقل
مکان که از عوامل و نوامیس طبیعی آنان است ایجاب می‌نماید
که تعداد کثیری از جوانان عزیز رحمانی در زمینهٔ اسفار
تبلیغی به سیر و سفر پردازند." (۶) معهد اعلی

- جوانی سنّ الگوپذیری است :

" چه بسا اتفاق افتد که جوانان به مشاهده یک سرمشق پسندیده از آن پیروی نمایند، زیرا آنان بیش از دیگر طبقات آرزوهای بلند در سر دارند و هر گاه متوجه شوند که امری صحیح و واقعاً انجام پذیر است بیش از سایرین از صمیم قلب در اجرای آن می کوشند. بر جوانان بهائی است که این سرمشق را به اهل عالم بدهند. " (۷) معهد اعلی

- جوانی سنّ جوش و خروش است :

" جوانان بهائی ، وارثین متقدمین شجاع و مؤمنین اولیّه امرالله که هم اکنون بار مسوولیت تاریخی بر دوش آن عزیزان پر جوش و خروش نهاده شده است. " (۸) معهد اعلی

- جوانی سنّ تجارب قلیل، بضاعت مُزجاء ، همت ، شهامت ،
فعالیت ، آمادگی به خدمت ، امید و اطمینان است :

" احساس می کنیم که باید کلمه‌ای چند خطاب به آن نورسیدگان
دوچه عرفان و کلهای حدیقه ایمان و ایقان بنحو اخص در این
اوراق بنگاریم . هر چند تجارب ایشان قلیل و بضاعتشان مزجاء
و زهید است ولی روح همت و شهامت و فعالیت و آمادگی به
خدمت و بالاخره امید و اطمینان که تاکنون با علاقه و تمسک
تام از خود ظاهر و آشکار ساخته‌اند آنان را مستعد و لایق
آن می سازد که در آن اقالیم در برانگیختن افکار جوانان و
جلب و جذب آنان به آئین حضرت رحمن سهم بزرگی بر عهده
گیرند ... " (۹)
حضرت ولی امرالله

- جوانی سنّ آمادگی انهماک در شهوات است :

" ای جوانان روحانی هر جوانی از اهل این خاکدان در فکر
این جهان و مُنهمک در شهوات عالم حیوان ، اندیشه اش آب و
علف و پیشه اش آرزوی درّ و صدف حتی پست ترین حطام و خُزف
ولی عاقبت منتج حسرت و اسف . " (۱۰)
حضرت عبدالبهاء

- جوانی سن مبارزه و کفّ نفس است :

" بکرات در آثار مبارکه، راههای غلبه بر شهوات نفسانی برای جوانان توضیح داده شده و تشریح گردیده است. از جمله آنچه جوانان را از غلبه شهوات نفسانی حفظ نماید توجه آنان به ملکوت ابهی و تلاوت آیات و الواح نورا، و قیام به خدمت امرالله و اجتناب از بطلت و کسالت و ازدیاد حرکت و کار و فعالیت است." (۱۱) معهد اعلی

- جوانی سنّ حصول صفات اصلیه در اثر قدرت و توانائی است :

" مردمان باید صاحب قلوب طیب و طاهر گردند تا بمعرفت الهی فائز شوند... قلوب اطفال در نهایت طهارت و پاکیزگی اسیت آنان مرایایی هستند که هیچگونه گرد و غبار بر آن ننشسته است، اما این طهارت در نتیجه ضعف و آرامش هست نه بطلت قدرت و آزمایش... این امر از نقطه نظر ضعف و عجز طفل است، در صورتی که شخص بالغ در نتیجه قدرت و توانائی تطهیر می شود. در اثر هوش و استعداد، شخص ساده و بی آلائش می شود و بقوت عظیم استدلال و فهم، نه از جهت ضعف و عجز شخص مخلصی

ببار خواهد آمد. انسان چون بحالت کمال واصل گردد و اجساد این صفات و کمالات خواهد شد... اینست تفاوت بین مرد کامل و طفل صغیر هر دو دارای صفات اصلیّه بیساطت و صداقتند. طفل در اثر ضعف و عجز و شخص بالغ در نتیجه حصول قدرت و قوّت... " (۱۲)

حضرت عبدالبهاء

- تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ دشوار است :

" تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار است تجربه شده است که نهایت سعی و کوشش را می نمایند تا خلّقی از اخلاق نفسی را تبدیل کنند، نمی شود. اگر الیوم اندکی متنّبّه گردد بعد از ایامی معدود فراموش کند و بر حالتی که معتاد و خوی نموده راجع شود. " (۱۳)

حضرت عبدالبهاء

- جوانی سنّ مواجهه با مشکلات و امتحانات است :

" تکالیفی که نسل جوان بهائی با آن مواجه خواهد شد و در واقع هم اکنون با آنها مواجه است بسیار عظیم است. جوانان

نباید انتظاری جز این داشته باشند که در مستقبل ایام خود را در معرض امتحانات شدید یا بند، امتحانات از لحاظ اخلاق، ایمان و میزان اعتقاد و تمسک به قوانین و احکام حضرت بهاء الله جَلَّ سُلْطَانَهُ " (۱۴) حضرت ولی امرالله

" این اطفال چون پا به رشد و نمو گذارند مَعْرُضِ مَشْكَلات و امتحانات بیشمار قرار خواهند گرفت. " (۱۵) معهد اعلی

" جوانان عزیز که مخاطبه امتحانات عدیده و در معرض آفات شدید هاند. " (۱۶) معهد اعلی

- جوانی سنّ تجسّس و تحقیق است :

" انسان چون به مقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلاً علی الله و مقدساً عَنِ الْحَبِّ وَالْبُغْضِ در امری که عباد به آن متمسکند تفکر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر به بصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات انوار نبیر عرفان الهی محروم ماند. " (۱۷) حضرت بهاء الله

"... و بالاتر از همه در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق برمی آید. مبنای و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است اتخاذ می نماید. این عوامل است که بزرگترین فرصت ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایشها را بر وجه جوانان بهائی مفتوح می کند." (۱۸)

معهد اعلی

- جوانی سن آزمایشها و مبارزات است.

"... این عوامل است که بزرگترین فرصت ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایشها را بر وجه جوانان بهائی مفتوح می کند، یعنی فرصت هایی بدست می دهد تا تعالیم الهی را کسب نموده و آن تعالیم مقدسه را به دوستان و اقربان خود منتقل نمایند و مبارزاتی پیش می آید تا بر مشاغل و ناملایمات حیات غلبه یابند و راه تقدم و تعالی برای خود راه و نسل های آینده تأمین کنند و آزمایشهایی بمیان می آید تا بتوانند موازین اخلاقی منبسطه از شریعت غرای جمالقدم جل اسمہ الاعظم را در زندگانی یوم مره خود مجسم و محقق سازند." (۱۹)

معهد اعلی

- جوانی سنّ طاقت و تحمل، انطباق با شرایط جدید، حرارت و محبت است :

مجلس شورای عالی انقلاب فرهنگی - تهران - ۱۳۶۵

جوانان عزیز که با نیروی حیات و قوای جوانی هر مشکلی را آسان شمرده، طاقت تحمل سختی‌ها و شاید سفر را دارند و به سهولت خود را با اوضاع محل وفق داده با حرارت و محبت خود نفوسی را که ملاقات می‌کنند مشتعل و منجذب می‌نمایند، چون با صفات و کمالات روحانی که سحیه جوانان بهائی است مجهز گردند قادر خواهند بود در نقشه سفرهای تبلیغی سهمی بسیار عظیم بعهده گیرند. " (۲۰)

معهد اعلی

مجلس شورای عالی انقلاب فرهنگی

- جوانی سنّ پیش‌راوی تحرک و فعالیت است :

مجلس شورای عالی انقلاب فرهنگی - تهران - ۱۳۶۵
" فی الحقیقه، جوانان بهائی با این خصائص و امتیازات در - میدان خدمت چون طلّیعه لشکر، پیشرو جمیع هستند و در هر مشروعی که شرکت نمایند چه در سطح محلی و چه در دایره ملی قوه محرکه و فعاله خواهند بود. چشم انتظار این مشتاقان بسوی جوانان بهائی دوخته است. " (۲۱)

معهد اعلی

مجلس شورای عالی انقلاب فرهنگی - تهران - ۱۳۶۵

- جوانی سن طلب سرگرمی، تحصیل علوم و کسب تجربه است :

" اصولاً افراد جوان چون مسوولیت اداره خانواده را به عهده نداشته و هنوز پای بند اهل و عیال نشده اند، بهتر می توانند محل اقامت و تحصیل و کار خود را انتخاب نمایند و در انجام این امور محدودیتی ندارند، اینست که در طلب سرگرمی و تحصیل علوم و کسب تجربه غالباً از محلی به محل دیگر مسافرت می نمایند." (۲۲)

معهد اعلی

- جوانی سن فراغت بال است :

" جوانان که اغلب آنان از یاران سالمند فارغ البال ترند در موقعیتی هستند که می توانند به هجرت قیام و به بلاد جدیده حرکت کنند و جزو ساکنین آن بلاد گردند." (۲۳)

- جوانی سن تنویر فکر است :

" ... مخصوصاً در بین طبقه جوان، زیرا در بین این طبقه

افرادی که دارای فکر روشن و جویای حقیقت باشند، بسیارند." (۲۴)

معهد اعلی

- جوانی سن شایستگی های ویژه است :

" بعلاوه بعضی جوانان برای انجام یک هدف مشخص و فوری

شایستگی کامل دارند در حالیکه اشخاص دیگر قادر به اجرای

آن نیستند... " (۲۵)

معهد اعلی

- جوانی سن ترک و طرد ارزشها و موازین دنیای قدیم است :

" جوانان بهائی ضمن ترک و طرد ارزشها و موازین دنیای قدیم

شائق و مشتاقند موازینی را که حضرت بهاء الله وضع فرموده^{ند}

تحصیل نمایند و خود را با موازین مذکور منطبق سازند و به

این طریق خلائی را که از ترک نظام کهنه و فرسوده حاصل

می شود با ارائه نظم بدیع ملکوتی مرتفع سازند. " (۲۶)

معهد اعلی

- جوانی سن تجهیز برای آینده است :

" بفرموده حضرت ولّی امرالله ارواحنا فداءه دوره جوانی دوره تهیه و تدارک است و نیز خاطرنشان ساخته اند که چون امرالله یوماً فیوماً در اتّسع و بر دایره عمومیت و رسمیت آن افزوده می شود، جوانان عزیز به حکم اقتضای سنی در حین ارتفاع و نصرت امرالله و اعلاء کلمة الله عهده دار تصدّی و مسوئولیت امور امریه خواهند بود، بنا بر این اگر از هم - اکنون خود را حاضر و آماده آن روز فیروز موعود که وعدی حتمی الوقوع و غیرمکذوب است ننمایند، البته نخواهند توانست بنحو شایسته به ایفای وظایف محوله موقّق گردند و نه تنها علّت وهن امرالله خواهند بود، بلکه خود دچار خجالت و شرمساری عظیم خواهند شد. " (۲۷)

" جوانان بهائی که حالیه در صف مقدم لشکر حیات به خدمات جلیله و انتصارات باهره بی نظیر به فداکاری مفتخرند بایستی تشویق و ترغیب گردند تا ضمن اینکه خود را برای خدمات مهمّه آینده مهیا و مجهّز می سازند به طرح و اجرای نقشه های تبلیغی در بین معاصرین خویش مبادرت نمایند. " (۲۸)

— جوانی سنّ آغاز تکالیف ، حقوق و وظایف شرعی :
سنّ بلوغ :

" بلوغ در سال پانزده است نساء و رجال در این مقام یکسانست (۲۹)

حضرت بهاء الله

سؤال : " حدّ بلوغ شرعی سنه ۱۵ در کتاب اقدس تعیین شده آیا زواج نیز مشروط به بلوغ است یا قبل از آن جایز؟"
جواب : " چون در کتاب الهی رضایت طرفین نازل و قبل از بلوغ رضایت و عدم آن معلوم نه ، در اینصورت زواج نیز به بلوغ مشروط و قبل آن جائز نه . " (۳۰)
حضرت بهاء الله

" تکلیف بعد از بلوغ است . " (۳۱)
حضرت عبدالبهاء

" راجع به سنّ بلوغ شرعی و بلوغ اجتماعی فرمودند : میزان تکالیف شرعیّه ورود به سنّ شانزده و بلوغ اجتماعی ورود به سنّ ۲۲ است . " (۳۲)
از طرف حضرت ولیّ امرالله

" رجال و نساء از سنّ ۲۱ و مافوق آن هر دو حق تصویت یسا ابدای رأی را در انتخابات دارند ... " (۳۳)
حضرت ولیّ امرالله

" این حقّ رأی و وظیفه مقدّسی است که هیچ فرد بهایی
 بالفی که نامش در دفتر سجلّ امری ثبت گردیده نباید از آن
 محروم گردد. " (۳۴)
 حضرت ولیّ امرالله

- بلوغ سنّ تعیین مسیر زندگی و قبول مسوئولیت های روحانی
 است :

"... زیرا جوانان باید با قدم گذاشتن به سنّ پانزده سالگی از
 وظایف و مسوئولیت های روحانی خود آگاه شوند و بدانند که
 از آن پس بشخصه در مقابل حق مسوئول ترقّی و تعالی روح و -
 روان خویش خواهند بود. " (۳۵)
 معهد اعلی

فصل دوم

" جوانی سن انتخاباتهای اساسی "

فهرست عناوین فصل دوم :

- جوانی سنّ اخذ تصمیمات قاطعه و انتخاب شغل دائم .
- جوانی، دو راهی روحانیت یا مادیت .
- جوانی، دو راهی انتخاب تحصیلات یا خدمت و مهاجرت .
- جوانی، سنّ انتخاب رشته تحصیلی .
- جوانی سنّ مواجهه با مسوئولیت‌های مختلف .
- جوانی و مسوئولیت‌های نظام وظیفه، تامین زندگی خانواده و بستگان و تحصیل و خدمت .
- جوانی سنّ شایستگی‌های ویژه مورد نیاز امر .
- جوانی سنّ انتخاب دین .
- جوانی سنّ انتخاب همسر و تشکیل عائله .
- دعا و توسّل بدرگاه الهی ضرورت انتخاب‌های اساسی .
- لزوم مشورت .

- جوانی سنّ اخذ تصمیمات قاطعه و انتخاب شغل دائم:

" برای هر فرد جوان اعم از بهائی یا غیربهائی سنین جوانی دورانی است بسیار مهم. در این مرحله از حیات است که تصمیمات قاطعه اخذ شده و شخص بنای زندگانی خود را پی ریزی می نماید. در این سنین است که هر فرد به احتمال قوی سرنوشت آتی خود را تعیین و نوع شغل و کار خود را انتخاب، معلومات خود را تکمیل و در امرار معاش تلاش می نماید. سپس به مرحله زندگانی مشترک وارد می شود و به تشکیل خانواده می پردازد و بالاتر از همه در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق برمی آید. مبادی و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است اتخاذ می نماید این عوامل است که بزرگترین فرصت ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایشها را بر وجه جوانان بهائی مفتوح می کند." (۳۶)

معهد اعلی

- جوانی دو راهی روحانیت یا مادیت:

" مسأله ای که شما با آن مواجه هستید مربوط به جوانان

امروزی می شود که برای بسیاری از آنها لاینحل مانده و سخت آنان را پریشان کرده است. چگونه روحانیت حاصل می گردد؟ حقیقتاً سوءالی است که هر زن و مرد جوانی بایستی دیر یا زود برای آن جواب رضایت بخشی بیابد، لیکن دقیقاً بجهت نداشتن جواب قانع کننده، جوانان امروزی خود را سرگردان می یابند و بالنتیجه تحت تأثیر قوای مادی که با نهایت قدرت بنیاد اخلاقی و حیات معنوی انسان را ویران می سازد، قرار می گیرند. فی الحقیقه علت عمده سیئات که حالیه در جامعه شایع و بسیار متداول است فقدان روحانیت می باشد. " (۳۷) حضرت ولی امرالله

- جوانی دو راهی انتخاب تحصیلات یا خدمت و مهاجرت :

"... بسیار از این جوانان نورانی برای مهاجرت نیز پیشقدم شدند، اما در این مورد خاص برای هر یک از آنان پرسش دشواری مطرح می شود: آیا باید به تحصیلات خود ادامه دهند یا هم - اکنون در سبیل مهاجرت قیام نمایند. بی شبهه این پرسش ذهن هر جوان بهائی را که مشتاق به وقف حیات خویش به پیشرفت امر الهی است بخود مشغول می دارد. برای این منظور پاسخ آماده ای وجود ندارد که برای همه کس مصداق داشته باشد. حضرت

ولی محبوب امرالله در این زمینه به افراد مختلف پاسخهای متفاوتی فرموده‌اند. بدیهی است که اوضاع و احوال خاص هر فرد معین یا دیگران فرق دارد. هر فرد بهائی باید شخصاً تصمیم بگیرد که از چه طریقی بهتر می‌تواند به خدمت امرالله قیام کند." (۳۸)

معهد اعلی

"هر کس بمجرد آنکه در سلک پیروان شریعت الهی داخل گشت باید موعود من به بسط فعالیت در پیشرفت امرالله باشد و همه استعدادها و قوایی را که در اختیار دارد در کمال اخلاص به خدمت این هدف غائی زندگی بگمارند. بنا بر این هر جوانی ضمن توجه به ملاحظات دیگر، باید بر این اصل اساسی توجه کند که آیا در حال حاضر به تحصیل خویش ادامه دهد تا در آینده مهیا جری موعود شریتر و مفیدتر گردد و یا آنکه نظر به احتیاجات فوری بوجود مهاجرین، مادامی که امکانات تبلیغی هنوز مهیا است میل به خدمت بر اشتیاق ادامه تحصیلات و تکمیل معلومات او غالب آید. البته این تصمیم آسانی نیست زیرا غالباً روح - اخلاص که محرک قیام افراد به مهاجرت است بسیار مهمتر از موفقیت‌های تحصیلی است." (۳۹)

معهد اعلی

"جوانان الهی، والدین ایشان و همچنین تشکیلات بهائوسی

همواره در خصوص وظایف محوله در معرض امتحانات شدید قرار دارند. برای مثال جوانان از طرفی موظفند با طی درجات مختلف تحصیل موفق به اخذ مدارک علمی و فنی شوند و از طرف دیگر وظیفه روحانی که حق بر ایشان فرض و واجب فرموده — بردوش گیرند. (۴۰)

معهد اعلی

" در برخی موارد جوان بهائی آرزومند آنست که ندای حق را لبیک گفته، به خدمت امراالله پردازد ولی انجام این مهم به دلایلی میسر نیست. دلایلی مانند ناتمام بودن تحصیلات که تمام آن را نمی توان و نباید به بعد موکول نمود و یا اینکه جوان استقلال مالی نداشته و والدین و نیز قادر به حمایت مالی فرزند خود در مدت خدمت و همچنین پرداخت شهریه او برای اتمام تحصیلاتش نیستند و یا مشکلات و موانع دیگر که باعث می شود جوان از انجام وظیفه روحانی خود محروم گردد. در موارد دیگر جوان اینطور تشخیص می دهد که با موکول کردن ادامه تحصیلات خود به آینده ای نه چندان دور و صرف وقت و نیروی جوانی خود در راه خدمت به امراالله قادر خواهد بود با دیدی بازتر راجع به آینده خود تصمیم بگیرد. در این زمینه نمونه های فراوان در بین جوانان وجود دارد که تشخیص داده اند با انجام بیسک سال خدمت در مرکز جهانی بهائی نه تنها خدمتی ارزنده در راه

تبلیغ امرالله و یا پیشبرد اهداف و نقشه‌های این امر عظیم انجام می‌دهند، بلکه در این مدت قادر خواهند بود تصمیمی نهایی در مورد برنامه آینده زندگی خود نیز اتخاذ نمایند. از طرف دیگر جوانان بسیاری هستند که ترجیح می‌دهند قبل از شروع خدمت، تحصیلات علمی خود را به اتمام رسانده و بعد به انجام وظیفه روحانی بپردازند که بدون شک این تصمیم ایشان قابل درک می‌باشد. " (۴۱) معهد اعلی

- جوانی سن انتخاب رشته تحصیلی:

" یک جوان بهائی باید بشخصه تشخیص دهد با دنبال کردن کدام رشته تحصیلی قادر خواهد بود تعادلی بین انجام وظایف مادی و معنوی خود برقرار نماید. " (۴۲) معهد اعلی

- جوانی سن مواجهه با مسوولیت‌های مختلف:

" در مقابل جوانان بهائی سه میدان بزرگ خدمت مهیا و آماده است. جوانان می‌توانند در این میادین هم به تجدید مبانی

اخلاقی جامعه بشری کمک نموده و هم برای خدمات آتی که باید عهده‌دار آن شوند آمادگی تام حاصل کنند." (۴۳) معهد اعلی

- جوانی و مسوولیت‌های نظام و وظیفه، تامین زندگی خانواده و بستگان و تحصیل و خدمت :

" البته ممکن است خدمت نظام و طیفه عاملی باشد که در تعیین زمان قیام بخدمت مهاجرتی مؤثر افتد. همچنین امکان دارد بعضی از افراد مسوول تا مین زندگی خانواده و بستگان نزدیک خویش باشند ولی در هر حال می توان نقشه مهاجرتی را با برنامه ادامه تحصیلی توأم ساخت و نیز می توان باین امکان توجه کرد که اخذ تجربه در امر مهاجرت حتی اگر رشته تحصیل شخص را قطع نماید، ممکن است با مال سودمند باشد، زیرا که شخص پس از اخذ این تجربه می تواند با وسعت نظر بیشتری تحصیلات خود را از سر گیرد." (۴۴) معهد اعلی

- جوانی سن شایستگی های ویژه مورد نیاز امر:

"...بعلاوه بعضی جوانان برای انجام یک هدف مشخص و فوری شایستگی کامل دارند، در حالیکه اشخاص دیگر قادر به اجرای آن نیستند. با توجه به این حقیقت که مسلماً جامعه بهائی نسلها به مهاجرت و مهاجر نیاز خواهد داشت در آینده کراراً یاران برای خدمات مهاجرتی دعوت خواهند شد. اصل مشورت نیز در این مورد کمال اهمیت را حائز است لذا باید افراد با دیگران و از جمله والدین و محافل محلی و ملی و لجنات مهاجرتی مشورت کنند." (۴۵)

معهد اعلی

- جوانی سن انتخاب دین:

"بهر تقدیر چون طفل بمرحله بلوغ واصل گردد باید آزادی کامل به وی اعطاء شود تا دیانت خویش را بدون توجه به آمال و احساسات والدین اختیار نماید." (۴۶) حضرت ولی امرالله

— جوانی سن انتخاب همسر و تشکیل عاقله :

" جوانان بهائی باید از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شک اثر سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت، فراگیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان زناشویی را در جوانی و در بَحْوَحَه نیروی جسمانی برقرار سازند. بدون تردید عوامل اقتصادی اغلب در راه ازدواج جوانان مشکلاتی ایجاد می کند ولی در بیشتر موارد بهانه‌های بیش نیست و بنا بر این نباید زیاد بدان اهمیت داد..." (۴۷)

حضرت ولی امرالله

— دعا و توسل به درگاه الهی ضرورت انتخابهای اساسی:

" سرانجام باید اصل خدمت صادقانه و نیز وعده محتوم حضرت بهاءالله را در حق کسانی که به خدمت امرش قیام و اقدام می کنند، در نظر داشت و با توجه به این حقیقت باید افراد با دعا و توسل به درگاه الهی به اقدام شایسته مبادرت ورزند. در حقیقت غالباً مشاهده می شود که جز از این طریق از راه دیگری شخص برای سوءال خویش پاسخی نمی یابد. —

جوانان اطمینان می دهیم که ما به اهمیت تصمیمات خطیری که آنان در طریق خدمت به امر حضرت بهاء الله باید اتخاذ نمایند، متوجه و واقفیم و خاضعانه به آستان مبارک دعای می کنیم که جمیع به هدایت الهی مهتدی بشوند و مشمول تائیدات پروردگار گردند. " (۴۸)

معهد اعلی

- لزوم مشورت :

" جوان بودن آسان نیست. اوقات و قوای جوان متوجه رفیع حوائج گوناگون است. جوانان نه تنها برای ایفاء وظایف زمان حاضر فراخوانده شده اند بلکه باید خود را برای انجام مسوولیت هایی که تا آخر زندگانی با آنان همراه است آماده نمایند. برای آنکه بسنجید و دریابید که چگونه اوقات خود را به این فعالیت ها اختصاص دهید می توانید به مشورت با والدین و دوستان خود و با مؤسسات نظم اداری که اساس الهی دارند متوسل شوید. " (۴۹)

معهد اعلی

فهرست عناوین فصل سوم :

- حضرت ربّ اعلیٰ .
- حضرت غصن اطهر .
- حضرت روح الله .
- جناب بدیع .
- جوانان و نقش‌های اصلی در امر الهی .
- تاریخ امر شاهد جانبازی‌ها و فداکاری‌های جوانان بوده است .
- سهم جوانان بهائی در نقشه‌های تبلیغی .

— حضرت ربّ اعلیٰ :

" در ابتدای ظهورش میسرنا زنینش در عین شباب و ریعان جوانی جام
 زهر آلود بلیّات را بنوشید و تلخی تبعید و تحقیر و زجر و توبیخ و
 تعذیب و تعزیر را از دست علمای رسوم و حکام ظلوم و جهول بچشید.
 هیکل الطفا علایش را دست ستمکار در هوا بیا و بخت و سینه، مظهرش
 را رصاصاً و لولوا البغضاء، مُشَبَّک ساخت و عاقباً لامر به مظلومیت کبری
 چون مسیح صبیح علم شهادت عظمی در پای دار برافراخت. فِتْنَةُ انصار
 و ثَلَاثَةُ اصحاب و حاکمیان دلیرش در غزوات دفا عیبه، خویش هریک تا آخرین
 نفس ثبات و استقامت بنمودند و از مال و منال بگذشتند و چون
 سید و مولای بزرگوارشان به بسالت و انقطاعی محیر العقول ره جانفشانی
 پیمودند و خَلَعَتْ قِرْبَانِی در بر نمودند... (۵۰) حضرت ولیّ امر الله

" از زمانی که دو مرد جوان در حجره فوقانی خانه‌ای در شیراز جالس
 شدند، بیش از یک قرن ونیم نمی گذرد. یکی مظهر ظهور بود که
 نخستین آیات الهی را برای عصر حاضر القا می فرمود و دیگری
 نخستین کسی بود که به ایمان به حضرتش فائز شد. در طی شش سال هر دو
 جوان جان خود را فدا نمودند تا فیضان وحی الهی روحی جدید در عالم
 انسانی دمدم تا آن زمان صدها و هزارها مرد و زن از پیر و جوان و
 غنی و فقیر و عالم و عامی با قلبی مشتاق برای استقبال از طلوع
 صبح هدایت الهی قیام کرده و قهرمانان به دفاع از حقیقتی که به
 عالم عرضه شده بود پرداختند. " ترجمه (۵۱) معهد اعلیٰ

— حضرت غصن اطهر :

" يَا أُمَّتِي مَحْزُونٍ مَبْشُورٍ مِنْ أَنْجَحِ وَارِدٍ شَدِيدٍ، فِي أَوَّلِ وَرُودِ سَجْنٍ
مَهْدِيٍّ رَا فِدَا نَمُودِيمِ لِأَمْرِ مَا أَطَّلَعَ بِهِ إِلَّا اللَّهَ وَ أَنْ غَصْنِ
دِر رُيْعَانِ جَوَانِي جَانِ نَثَارِ نَمُودِ وَ بَا كَمَالِ نَشَاطِ وَ انْبِسَاطِ
قَصْدِ بَسَاطِ دِيكَرِ نَمُودِ. " (۵۲) حضرت بهاء الله

— حضرت روح الله :

" ... تا به حال چنین وجد و سرور و جذب و حُبُور کله در
میدان جانفشانی از حضرت روح الله بظهور رسید، از نفسی
مسموع نشد، چه که آن طفل صغیر هنوز بوی شیر از فَمِ مَطْهَرِش
می آمد. با کمال صباحت و ملاحظت چون بَدْرِ مُنِيرِ از افق اغلال و
زنجیر، رویش تا بان و لبش خندان و لسانش ناطق بذكر رحمن و
بصرش متوجه بملکوت یزدان بود. در تحت سلاسل و اغلال چنان
نعره یا بهاء الابهی برآورد و زبان به تبلیغ گشود که شور و
وله در ملکوت وجود انداخت و عوانان را مات و متحیر ساخت
و خندان و رقمان و پاکوبان در میدان فدا جانفشانی نمود.
يَا كَيْتَ كُنْتُمْ مَعَهُ فَا فَوْزُ فَوْزًا عَظِيمًا " (۵۳) حضرت عبدالبهاء

- جناب بدیع :

از جمله شهدای نامدار آن زمان آقا بزرگ خراسانی است که از قلم اعلیٰ بالقب منیعہ " بدیع " و " فخرالشهداء " ملقب گردیده این جوان نورانی که بوسیله نبیل بامر الهی اقبال نموده بود در سال دوم سجن در سن هفده سالگی در قشله عسکریه بمحضر مبارک جمال اقدس ابھی مشرف گردید و چنانکه از لسان قدم در الواح مقدسه نازل شده در آن جوهر وفا " روح قدرت و اقتدار دمیده شد " خلق بدیع یافت و خلق عظیم حاصل نمود این بود که

مَنْقَطِعًا إِلَى اللَّهِ وَمُتَهَيِّئًا لِمَشْهَدِ الْفِدَاءِ بِرَأْيِمَالِ لُوحِ مَبَارَكِ سُلْطَانِ كِهْ اَزْ قَلَمِ حَضْرَتِ رَحْمَنِ خَطَابِ بَهْ نَاصِرِ الدِّينِ شَاهِ مَادِرِ شَدَهْ بُوْدَهْ قِيَامِ نَمُوْدِ وَفِرْدَاً وَاحِدًا دَرِ حَالِي كِهْ حَامِلِ اَنْ لُوحِ كَرِيْمِ بُوْدَهْ پِيَادَهْ بِمَقَرِّ مَعْهُدِ شَتَاْفَتِ وَ چُونِ بَادِ بَادِيَهْ پِيْمَا شَدَتْ اَسْرَازِ چَهَارِ مَاهِ بَطْهْرَانِ وَرُوْدِ نَمُوْدِ مَدَّتْ سَهْ رُوْزِ دَرِ مَحَلِّ اِقَامَتِ شَاهِ دَرِ خَالِ صِيَامِ وَ قِيَامِ كِذْرَانِيْدِ تَا عَاقِبَتِ هِنْكَامِي كِهْ شَاهِ بَعْزَمِ شَكَارِ بِيْجَانِبِ شَمِيْرَانِ دَرِ حَرْكَتِ بُوْدِ وَيْ رَا اَزْ دُوْرْمَشَا^{هده} كِرْدَهْ چُونِ اَذْنِ حَضْرِ يَافْتِ بَهْ نَهَابِتِ سَكُوْنِ وَ وَقَارِ وَ خُضُوْعِ وَ اِحْتِرَامِ بِسْرَاطِرْدَهْ سُلْطَانِ نَزْدِيْكَ شَدْ وَ بَايْنِ خَطَابِ عَظِيْمِ نَاطِيْقِ كِرْدِيْدِ رَا سُلْطَانُ قَدْ جِئْتَكِ مِنْ سَبَابِ بِنْبَاءِ عَظِيْمِ ... مَا مَوْزِيْنِ سُلْطَانِ حَضْرَتِ بَدِيْعِ رَا مَدَّتْ سَهْ رُوْزِ بَهْ اَنْوَاعِ عَذَابِ مَعْدَبِ وَ دَاغِ

و شکنجه نمودند و بالمآل رأس منیرش را با قنடைه تفنگ
خرد و آن مظهر توکل و انقطاع را بکمال قساوت شهید کردند
... " (۵۴)
حضرت ولیّ امرالله

- جوانان و نقش‌های اصلی در امر الهی :

" از آغاز این امر مبارک یعنی از دوران اولیّه تاریخ بهائی،
نسل جوان در ترویج و انتشار امرالله سهم بسزایی داشته و در
این سبیل بخدمات فائزانه نائل آمده است . حضرت باب روح‌الوجود
لَهُ الْفِدَاءِ وقتی اظهار امر فرمودند از سنّ مبارکشان بیش از
بیست و پنج سال نمی گذشت . جمعی از حروف حیّ و تلامیذ آن
حضرت نیز در مراحل اولیّه عمر سالک، حتی از نفس مظهر ظهور
جوانتر بودند . حضرت مولی الوری در ایام اقامت در خاک
عراق و عثمانی در عنفوان جوانی مسوءولیت‌های عظیم در خدمت
آب بزرگوار بعهده گرفتند و حضرت غصن اطهر برادر والا گهر
حضرت عبدالبهاء در سنّ بیست و دو سالگی در سجن اعظم جان
خود را لِاجْلِ " حیات عباد و اتّحاد مَنْ فِي الْبِلَادِ " فدا نمود .
حضرت شوقی ربّانی ولیّ محبوب امرالله موقعی برای استقرار بر
اریکه ولایت امر دعوت شدند که در رِیْعَانِ شباب بودند و در -

دانشگاه آکسفورد به تحصیل اشتغال داشتند و بهمین قرار عده کثیری از فارسان حضرت بهاء‌الله که در طی جهاد دهساله به تنفیذ تعلیمات مبارک قیام نمودند و نام جاودانی در صفحات تاریخ باقی گذاشته‌اند، جوان بودند. (۵۵) معهد اعلی

- تاریخ امر شاهد جانبازی‌ها و فداکاریهای جوانان بوده است:

" این مسأله از بدو ظهور امر واضح و آشکار گردیده که جوانان نقشی حیاتی و ضروری در پیشبرد امر الهی به عهده دارند. همواره در تاریخ امر شاهد بسیاری از جانبازی‌ها و فداکاریهای قهرمانانه جوانان بوده‌ایم. جوانان امروز با الهام از قهرمانان صدر امر، مشتاقند که قبل از بدوش گرفتن بار سنگین زندگی سهم خود را در پیشبرد اهداف این امر عظیم ادا نموده این وظیفه مهم را به انجام رسانند. " (۵۶) معهد اعلی

" ... فی الحقیقه بمنظور حفظ و بقای همین فضائل و خصائل حمیده بوده که دما مَسْفُوكَه بریبه چه شیخ و چه شاب خااک ایران را کماکان آغشته و گلگون نموده است. چون به حادثه مؤلمه شیراز در تابستان گذشته نظر افکنیم، ملاحظه نمایم

چگونه شش جوان مَهْدَبِ آراسته از اَمَاتِ عَفِيفَه موقنه که ۱۸ الی ۲۵ سنه بیش از حیات جسمانی آنان نگذشته، دست غاصب غبّدار جسم لطیف آنان را بر سر دار آویخته و جان بجان آفریسن سپرده اند. هر قدر دشمنان و عوانان باستنکار و استنکاف مافی-الضمیرشان تحریص و تشجیع نمودند. مؤثر نیفتاد؛ ذیل محبوب و معبود را آلوده ننمودند و لسان به تبری عقیده و مقصود نگشودند. " (۵۷)

معهد اعلی

" نظر به حوادثِ خطیره و ثبات و استقامت بی سابقه نونهالان و جوانان بهائی نماید که مَعْرُضِ اَعْتِرَاضَاتِ شَدِيدَه و اَسْتِغْثَارَاتِ عَدِیدَه واقع گشتند و بنا سزاگوئیهای علما و مدرّسین اعتناء ننمودند و بعلّت تمسک و عقیده قلبیه از مدرسه اخراج شدند و با وجود محدودیتهای هائله و عناد و مظالم وارده قوا و امکانات فعّاله خود را در اختیار مراجع اداری جامعه در سراسر آن خطّه شاسعه گذاردند و به بذل همم و مساعی فائقه مؤید و موفق گشتند. بدایع خلوص و وفایشان را قلم از توصیف عاجز است و سطوت انقطاع و ایقان نشان را لسان از نعت و تعریف قاصر. " (۵۸)

معهد اعلی

" آری بهائیان گوهر ایمان را به چنین شمن گزافی بجان

خریدند و جوانان دلاور و شیدای ایرانی صهبای شهادت و ولا را
با ذوق و شوق سرشاری بلا جرعه نوشیدند...» (۵۹) معهد اعلی

— سهم جوانان بهائی در نقشه‌های تبلیغی :

" عدد بسیاری از مهاجرین در امریکا که شهرها و اغلب موطن
خویش را ترک کرده بودند تا مجری نقشه ۷ ساله گردند در زمره
جوانان بودند. بعضی از آنها بقدری جوان بودند که نمی‌توانستند
بعضویت محافل زوحانیّه‌ای که به کمک و مجاهدت خود آنها
تشکیل شده بود انتخاب گردند. " (۶۰) حضرت ولی امرالله

" یاران عزیز بهائی، فتوحات و انتصاراتی که در کشورهای
مختلف نصیب جوانان عزیز بهائی گردیده امر نقشه عظیم نه‌ساله
را بیش از پیش قرین پیشرفت و موفقیت نموده و تمجید و تقدیر
عموم دوستان را بخود جلب کرده است. " (۶۱) معهد اعلی

" مشارکت جوانان در نقشه شش‌ساله برای مهاجرت‌های کوتاه
مدت اسفار تبلیغی و اجرای طرح‌های عمرانی در مجهودات تبلیغی
بنحوا عم و در مساعدت و تقویت خدمات اجتماعی و اقتصادی که

روزبروز به تعداد بیشتری از طرف جوامع ملی و محلی بهائی
 اجراء می شود، تاثیر شدید داشته است. در کشورهای کمونیستی
 سابق، خدمات جوانان از عوامل بسیار مؤثر در فتوحات حاصله
 بوده است. مجهودات جوانان بهائی در طرحهای خدمات اجتماعی
 و اقتصادی در بعضی موارد جلب توجه مقامات دولتی و
 سازمانهای عمرانی را نموده است. ایجاد شورای جوانان بهائی
 اروپا، مایه تحرک شدید در فعالیتهای جوانان گردیده و سبب
 تقویت قابل ملاحظه مجهودات تبلیغی در اروپا در آخریـــــــ
 سالهای نقشه گردیده است. یکی از جنبه های مهم فعالیتهای
 جوانان مشارکت آنان در خدمات کوتاه مدت داوطلبانه از جمیع
 نقاط ارض در مرکز جهانی است که بی نهایت پر ارزش محسوب
 می گردد. " (۶۲)

معهد اعلی

" نهضت امیدبخش جوانان بهائی وجه اقدامات تبلیغی را دگرگون
 ساخته و دستجات جوانان بهائی به کمال شور و شوق موانع
 نفوذ ناپذیر را در هم شکسته و با مرتفع ساخته اند و با
 تضرع و ابتهال و خلوص و انقطاع، پیام الهی را به انحاء و
 طرُقی که مورد قبول نسل جوان است ابلاغ نموده اند و ایــــن
 رویه در هیکل اجتماع نفوذ و سریان یافته است. ایــــن
 موفقیت مورث اهتزاز و ابتهاج عموم یاران در عالم بهائی

شده است." (۶۳)

معهد اعلی

" از ضرب و شکنجه و ابتلاء جوانان جدید الاقبال روح بدیعی و نشاط جدیدی در عروق و شریان هیکل امرالله ساری و جناری گردید." (۶۴)

حضرت ولی امرالله

" ... شکر جمال اقدس ابهی را که در این عصر پیرآشوب، جوانان منسوب به آستان مقدسش را از مکائد دهر محفوظ داشت و در حلقه روحانیان محشور فرمود و خدمت امر مبارکش را نصیب و ارزانی فرمود. در این اوان در اقطار جهان خدمات جوانان قرن یزدان چنان رونق گرفته که آوازه اش مسامع اهل بهاء را اهتزازی جدید بخشیده. چون نظر به پیشرفت امر تبلیغ در اقالیم اروپا و امریکا و آسیا و افریقا بیفکنیم، ملاحظه می شود که در سنوات اخیر، جوانان شهسوار میسدان تبلیغ امرالله بوده اند ... بحمدالله بسیاری از جوانان عزیز مهد امرالله که به مهاجرت فائز و در نقاط بعیده به نشر نجات الله مشغولند چنان مغناطیس تأیید ملاء اعلی گشته اند که خود مبهوت و متحیر و این جمع شاکر و ممنون یاران در سرور و حبور ... " (۶۵)

معهد اعلی

" اماً جوانان عزیز که در این بزم شورانگیز جام بشارت به دور آورده‌اند و شوریدگان بادیه محبت را در هر گوشه و کنار سرمست و پرشور نموده‌اند الحمدلله پی نیکان گرفته‌اند و چون حضرت بدیع و سایر جانبازان عصر رسولی نقد جوانی را صرف حیات جاودانی ساخته‌اند مطمئن به تأییدات الهی باشند و شجاعت را با وقار و متانت و جانفشانی را با حزم و حکمت ممزوج سازند. دعای خیر ما بدرقه راه آنان است. " (۶۶)

معهد اعلی

فصل چهارم

”روابط متقابل و و طایف والدین نسبت به فرزندان (جوانان)“

- فهرست عناوین فصل چهارم:
- وظیفه فرزندان نسبت به والدین .
 - روابط متقابل والدین و فرزندان .
 - اهمیت تربیت فرزندان .
 - تربیت روحانی فرزندان .
 - تربیت جسمانی فرزندان .
 - اهمیت تربیت دختران .
 - استفاده از عشق و محبت در تعدیل رفتار .
 - الإلقاء - محبت الله در قلوب فرزندان .
 - ایجاد شوق خدمت در فرزندان .
 - مساعدت فرزندان در هنگام تصمیم گیری ها .
 - عدم الإلقاء - تعصب در قلوب فرزندان .
 - الإلقاء - خشية الله در قلوب فرزندان .
 - ضرورت توجه بیشتر به فرزندان ناملاّیم و شدیداً اعمی .

– وظیفه فرزندان نسبت به والدین :

" باید با پدر به کمال محبت رفتار نمایی. امری که سبب ضرر اوست و یا علت حزن او ارتکاب آن محبوب نه. کذلک ینصَحک لِسَانُ الْمَظْلُومِ فِي سَجْدِهِ الْعَظِيمِ. این حکم محکم در اول ایام در کتاب الهی از قلم حقیقی ثبت شده ان اَعْمَلْ وَ كُنْ مِنَ الصَّابِرِينَ . " (۶۷)
حضرت بهاء الله

" ... و بسر باید نهایت اطاعت را از پدر بنماید. عبد خاضع باشد و بنده متواضع. شب و روز در فکر راحت و آسایش و تحصیل رضایت پدر مهربان باشد بکلی راحت و خوشی خویش را فراموش نماید، دائما سعی و کوشش کند که سبب سرور قلب پدر و مادر گردد تا موفق به رضایت حضرت پروردگار شود و مؤید به جنود لم تروها گردد. " (۶۸)
حضرت بهاء الله

" حقوق ابویین مرادف حقوق رب الثقلین است و رضایت الهیه بدون رضایت پدر و مادر محال و ممتنع " (۶۹) حضرت عبدالبهاء

" امیدوارم که جمیع ابناء ، مانند شما به خدمت امهات موفق گردند و سبب مسرتشان شوند، زیرا حقوق پدر و مادر

مقارن حقوق حضرت احدیت است و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا دلیلی
واضح مبین. " (۷۰)

حضرت عبدالبهاء

" قدر این پدر و مادر بدانید و تا توانید به خدمتشان
پردا زید، زیرا رعایت والدین، عبادت حق است و رضای ایشان
سبب حصول موهبت بی پایان، کدرشان علت عذاب ابدی است و
حرمان سرمدی، اولاد و احفاد باید نهایت احترام و اطاعت
از امهات و آباء و اجداد نمایند. " (۷۱) حضرت عبدالبهاء

" ملاحظه کن که رضایت والدین چه نعمتی است. هر نفس که
والدین از او راضی، خدا از او راضی، خلق از او راضی،
خود او از خود راضی. یعنی قلبش مستریح و جانش در امان
و کارش منتظم و طالعهش بسند و بختش یاور و قدرش زیاد " (۷۲)

حضرت عبدالبهاء

— روابط متقابل والدین و فرزندان :

" فی الحقیقه معلّمات اروپا تعلیم لسان و خطوط و ترشیب بیوت و طرازی و خیاطی می نمایند. اما اخلاق بکلی تبدیلی گردد. بقسمی که بنات امّهات را نپسندند و بدخوی و بدرفتار و متکبر و پرغرور گردند. " (۷۳)
حضرت عبدالبهاء

" تکلیف والدین چنان است که در تعلیم و تربیت اولاد بمنتهای جدّ ساعی و کوشا باشند و نیز پاره‌ای وظایف مقدسه برعهده اطفال است که باید در حق والدین مرعی دارند. وظایف و تعهداتی که در کتاب الهی مدوّن و مسطور است. چه که مرتبط بخداوند است. ترقی اطفال در این عالم در جهان ملکوت موقوف بر رضایت و مسرت خاطر ابویان است و بدون آن در خسران و زیان محض خواهند بود. " (۷۴)
حضرت عبدالبهاء

" بموجب تعالیم حضرت بهاء‌الله خانواده که یک واحد انسانی محسوب است. باید طبق اصل تقدیس و احترام تعلیم و تربیت یابد و جمیع فضائل و کمالات به وی القاء گردد. تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی پیوسته مورد توجه، قیق قرار گیرد و حقوق و شئون اعضا، کل محترم و محفوظ باقی ماند.

حقوق فرزند، حقوق پدر و مادر، هیچیک از آنها نباید پایمال شود و معرض تخطی و تجاوز واقع گردد و در عین حال هیچیک نباید جنبه انفرادی و مطلق اختیار نماید. همانطور که فرزند نسبت به پدر خویش دارای پاره‌ای تعهدات است، پدر نیز بهمان قرار صاحب وظایفی است که باید در حق فرزند مجری دارد.

مادر، خواهر و دیگر اعضاء عاقله نیز هر یک دارای حدود و مقامات مخصوصه‌اند. جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد و در عین حال وحدت و یگانگی خانواده محفوظ و لن بتغییر باقیماند. ناراحتی هر یک باید ناراحتی عموم تصور شود و راحت و آسایش هر عضو راحت و آسایش اعضاء دیگر و بالاخره اعتلاء و افتخار هر فرد اعتلاء و افتخار سایر افراد تلقی گردد. " (۷۵)

حضرت ولی امرالله

" قدما اَحِبَّاء و حضرات مبلغین که در سبیل امرالهی اذیت و جفا دیده‌اند... بر جوانان و مبتدئین احترام و ملاحظه این نقوس مفریه واجب است. (۷۶)

حضرت ولی امرالله

- اهمیت تربیت فرزندان :

" بدون تردید تعلیم جوانان دارای اهمیت فراوان است، زیرا

این امر، معرفت آنان را نسبت به آئین الهی متزاید ساخته
 قُوّی و استعدادشان را در مجاری مفید و پرازش معطوف
 می دارد. " (۷۷)
 حضرت ولی امرالله

- تربیت روحانی فرزندان :

"... آباء باید کمال سعی را در تدبیر اولاد مبذول دارند،
 چه اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد، از اطاعت
 ابویان که در مقامی اطاعت الله است، غافل گردد. دیگر چنین
 اولاد مبالغت نداشته و ندارد یَفْعَلُ بِأَهْوَائِهِ مَا يَشَاءُ. " (۷۸)
 حضرت بهاء الله

" پدر باید همواره به تربیت پسر کوشد و تعلیم تعالیم
 آسمانی دهد و همیشه نصیحت نماید و آداب بیاموزد
 و در دبستان تعلیم گذارد و تعلیم فنون لازمه مفیده
 بدهد. خلاصه به آنچه فضائل عالم انسانی است پرورش دهد.
 علی الخصوص همواره متذکر به ذکرالله کند تا
 محبت الله در عروق و شریانش تأثیر نماید. " (۷۹)
 حضرت عبدا لبهاء

"... پس باید چنان تربیت نمود که روز بروز بر خضوع و خشوع بیفزایند و اطاعت و انقیاد به آباء و اجداد کنند و سبب راحت و آسایش کل گردند..." (۸۰)

حضرت عبدالبهاء

"بجان و دل بکوش که نوریسیدگان در منتها حالات انسانیّه تربیت شوند، بقسمی که هر یک از اطفال در عقل و کیاست و درایت و تبّتل و تضرّع آیت هدی گردند و در نهایت خضوع و خشوع و وقار و انجذاب تربیت شوند." (۸۱)

حضرت عبدالبهاء

"این امر به تنهایی کافی نیست که ابویین در حق اطفالشان دعا کنند، بلکه باید سعی و همت نمایند که بکمال ملایمت و شکیبایی شئون اخلاقی را در افکار جوانان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مانوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند تا بالمال "فرزندان حقیقی الهی" گردند و سگان باوفا و هشیار ملکوت ابهی بیبار آیند." (۸۲)

حضرت ولی امرالله

- تربیت جسمانی و انسانی فرزندان :

" از هر علم مفیدی بهره‌مند نمائید و از هر صنایع بدیعی نصیب بخشید، پرهمت نمائید و متحمل مشقت کنید. اقدام در امور مهمه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمائید." (۸۳)

حضرت عبدالبهاء

" آتیة امر الهی بر شانه جوانان امروز مستقر و مؤسس است، بنا بر این باید آنان تربیت و تعلیم صحیح یابند و آن نه تنها در مورد تعالیم این امر اعظم است بلکه شامل کمالات و فضائل صوری و مادی نیز خواهد بود." ترجمه (۸۴)

حضرت ولی امرالله

"تعلیم و تربیت هر طفل، امری الزامی و اجباری است علاوه بر تعلیم وسیع و دامنه‌دار، هر طفل باید شغل و پیشه‌ای و یا حرفه و صنعتی بیاموزد تا هر فرد جامعه بر رفع حوائج و تامین معاش خود قادر گردد." (۸۵) حضرت ولی امرالله

"تربیت اطفال به حسب تعالیم مدوّنه در کتب الهیه بی‌نهایت مهم و لازم است، در آن اهمال ننمائید چه که اساس است. علوم مادیّه عالیّه و اطلاعات روحانیّه و خوض و تعمق درالواح و آثار مبارکه و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ ادیان و تحصیل کتب مقدّسه از انجیل و تورات و قرآن کل از مبادی اساسیّه تربیت اطفال و جوانان است و چون به این تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را به افعال لایقّه و اعمال طیّبه مزین دارند و اشیات نمایند تا از مادون ممتاز گردند و سرمشق سایرین شوند و چون چنین شود فوج فوج نفوس اقبال نمایند و هدایت گردند. از آستان مقدّس دعا و استدعا نمایم که اطفال و جوانان و سائر احبّاء از رجال و نساء کلاً بایفای وظائف مقدّسه خویش قیام نمایند و در اقدامات و مساعی خود مؤبّد و موفق شوند." (۸۶) حضرت ولی امرالله

- اهمیت تربیت دختران :

"دوشیزگان این قرن مجید باید نهایت اطلاع از علوم و معارف و صنایع و بدایع این قرن عظیم داشته باشند تا به تربیت اطفال پردازند و کودکان خویش را از صغر سن تربیت بکمال نمایند و اگر مادر چنانکه باید و شاید حائز فضائل انسانی باشد اطفال مانند فرشتگان در نهایت کمال و جمال و آداب پرورش یابند." (۸۷)

حضرت عبدالسیها *

- استفاده از عشق و محبت در تعدیل رفتار :

"حضرت ولی امرالله توصیه می فرمایند که بهیچگونه عمل تند و شدید نسبت به حضور دخترتان در جامع تشبث ننمایید... چه که از طریق ملایمت امید و انتظار بیشتری راجع به اصلاح رفتار وی موجود است تا هر اقدام دیگر که به زور و شدت عمل منتهی گردد. عشق و محبت نسبت به اصلاح اخلاق و تعدیل رفتار بشری از هر تنبیه و مجازات مؤثرتر و نافذتر است. حضرت ولی امرالله مطمئنند که بدینوسیله بایجاد یک تغییر اساسی در حیات روحانی دخترتان بتدریج موفق خواهید شد و

او را بفردی صدیقتر و با ایمانی عمیق تر مبدل خواهید ساخت. " (۸۸)
از طرف حضرت ولی امرالله

- لقاء محبت الله در قلوب فرزندان :

" این اطفال را بمواظظ الهیه تربیت نمایید و از آغاز صباوت در قلوب آنها محبت رحمانی لقاء کنید ... به آنان بیا موزند که ... کمالات ربانیه را که مودوع در قلوب است بدست آرند. حیات انسانی هنگامی مثمر ثمر است که به فضائل انسانیه تزین یابد. " (۸۹)
حضرت عبدالبهاء

" یقین است بعنوان یک مادر بهائی مسوء ولیت مقدس و سنگینی برای رشد و نمو روحانی آنان در امر الهی متوجه شماست و از این تاریخ باید سعی بلیغ مبذول دارید که در قلوب ایشان عشق و محبت حضرت بهاء الله را لقاء نمایید و آنان را برای عرفان و شناسایی کامل مقام مقدس هنگامی که استعداد و موقعیت سنیشان تحقق این امر را اقتضاء نماید مستعد و آماده سازید. " ترجمه (۹۰)
حضرت ولی امرالله

" هدف پنجم : الف - توسعه مشارکت عمومی افراد در نشئه امر سماوی و تقویت احساس قلبی آنان بنحوی که خود را در - زمره اطفال و جوانان و بالغان بعنوان فرد بهائی باطمینان و اطمینان معرفی نمایند. " (۹۱) معهد اعلی

- ایجاد شوق خدمت در فرزندان :

" حضرت ولی امرالله خصوصاً مایلند که شما توجه خویش را به تمامه به تربیت فرزندان معطوف دارید تا آنان افراد صدیق و با وفا و فعال بهائی بار آیند. چشم انتظار جامعه به کمک و یاری جوانان دوخته شده، بنا بر این وظیفه مقدس والدین آنست که اطفال را بشئون و آداب کامل بهائی تربیت نمایند." (۹۲)

حضرت ولی امرالله

" سن بلوغ فکری در هر جوان متفاوت است، برخی از جوانان زودتر به این درجه از بلوغ می رسند و در بعضی دیگر این مسأله دیرتر به وقوع می پیوندد. بطور کلی والدین هر جوان بهترین کسانی هستند که در مورد این مطلب می توانند قضاوتی صحیح داشته باشند و باید هنگام راهنمایی و هدایت فرزند

خود این مسأله را کاملاً در نظر داشته باشند با اینهمه پدر و مادر باید متوجه باشند که در قضاوت خویش شوق خدمت بیه امرالله را در وجود فرزندان خود از بین نبرند. (۹۳)

معهد اعلی

- مساعدت فرزندان در هنگام تصمیم گیری ها :

" بر والدین هر جوان واجب است که با اعمال قدرت اخلاقی فرزند خود را از اخذ تصمیم غلط و ناجا برحذر دارد. در- حقیقت به عنوان پدر و مادر بهائی بر ایشان فرض است که به اهمیت تاثیر روحانی امر بهائی در زندگی یک جوان واقف بوده و تشخیص دهند که فرزندان باید از آنچنان آزادی برخوردار باشد که بتواند به خواهش های قلب و روح خود پاسخ گوید، زیرا جوانان باید با قدم گذاشتن به سن پانزده سالگی از وظایف و مسوولیت های روحانی خود آگاه شوند و بدانند که از آن پس بشخصه در مقابل حق مسوول ترقی و تعالی روح و روان خویش خواهند بود. " (۹۴)

معهد اعلی

— عدم القاء تعصب در قلوب فرزندان :

" ... مادام که سعی و مراقبت مستمر شما بر آن است که طفل در محیط مذهبی کامل پرورش یابد، توجه شدید به این نکته نیز لازم و ضروری است که وی را از کلیه عواملی که ممکن است در روحیه او تعصبات مذهبی ایجاد و افق بصیرت روحانی‌اش را مضیق و محدود نماید برحذر دارید. " (۹۵) حضرت ولی امرالله

" باید اطفال و جوانان را به روح ایمانی پرورش دهند و آنان را محافظت فرمایند. در این سیل باید متوجه باشند که هم تعصب و تَصَلُّب که رائج در بسیاری از جوامع شرقی است مذموم است و هم حریتِ مفرطه که مابِه الْاِیْتِلَاءِ اکثر مردم مغرب زمین است مقدوح، باید یاران علی الخُصُوص جوانان خلق بدیع شوند و از مضرات عادات و افکار مفرطه شرق و غرب هر دو در کنار باشند. بالعکس آداب ممدوحه هر یک را اقتباس نمایند و به فضائل و مکارم اخلاق بموجب تعالیم الهیه متخلّق شوند. " (۹۶)

معهد اعلی

— إلقاء خشية الله در قلوب فرزندان :

" شاید یاران متوجه این حقیقت نیستند که نفوس انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش اکثر به خشية الله نیازمندند، مگر معدودی قلیل که صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و صرفاً عشق و محبت یزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است. ... بهمان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین درخوف و هراس است، این توجه و تذکر نباید چون دهشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم تلقی گردد، بلکه سزاوار است الطیاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ماوراء داد و معدلت الهیه بشناسیم. " ترجمه (۹۷) حضرت ولی امرالله

— ضرورت توجه بیشتر به فرزندان ناملایم و شدید :

" پاره‌ای نواقص طبیعی در هر طفل-ولو هر قدر صاحب استعداد باشد-موجود است که مرتباً نوبت اعم از والدین، استادان و یا رهنمایان و معلمین روحانی باید در علاج آن سعی و مراقبت موفور مبذول دارند. انتظام و روش صحیح بهر نوع جسمانی، اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ

تربیتی را نمی توان کامل و مفید تلقی نمود مگر آنکه این اصل اساسی در آن مرعی گردد... والدین بهائی نمی توانند بسادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت به اطفال خویش در پیش گیرند خصوصا اطفالی که بالطبع نا ملایم و شدیدند. حتی این امر بتنهایی کافی نیست که ابویین در حق اطفالشان دعا کنند، بلکه باید سعی و همت نمایند که بکمال ملایمت و شکیبایی شئون اخلاقی را در افکار جوانشان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مانوس سازند و این امر را بسا چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند تا بالمره "فرزندان حقیقی الهی" گردند." (۹۸) حضرت ولی امرالله

مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی

مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی
مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی
مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی

فصل پنجم

مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی

"وظایف جامعہ نسبت بہ جوانان"

مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی
مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی
مجلسیہ جامعہ اسلامیہ، کراچی

فهرست عناوین فصل پنجم :

- مواظبت از جوانان در مقابل لامذهبی و لاقیدی .
- تربیت روحانی جوانان .
- آماده سازی جوانان برای قبول مسوئولیت های آینده .
- تجهیز جوانان در مسیر خدمات .
- تعلیم اصول و مبانی تبلیغ به جوانان .
- استفاده از قوای جوانان در مسیر تبلیغ .
- ایجاد امکانات و تسهیلات برای تنویر افکار جوانان .
- تقویت عائله های بهائی برای تعلیم و تربیت صحیح فرزندان .
- تشویق و ترغیب جوانان .
- تأسیس مشروعات خدماتی برای جوانان .

– مواظبت از جوانان در مقابل لامذهبی و لاقیدی :

" سیل جارِف لامذهبی و لاقیدی که اخیراً شدت شربه نهایت رسیده مستلزم تشدید اقدامات و مواظبت یاران از اطفال و جوانان است ... انشاء الله بهدایت آن محفل تدابیری اتخاذ گردد تا جوانان بهائی قابل آن گردند که از عناصر مهمه جامعه یاران در آن سرزمین شوند و آن محفل با اعتمادی کامل آنان را در خدمات مهمه امریه مستقیماً شرکت بخشند. " (۹۹) معهد اعلی

– تربیت روحانی جوانان :

" تربیت روحانی نونهالان و جوانان عزیز که خادمان آینده آستان مقدسند از وظائف خطیره محافل روحانیّه و افراد یاران در آن سامان است که باید یکی از اهم مساعی مجذوله آن عزیزان باشد. " (۱۰۰) معهد اعلی

— آماده سازی جوانان برای قبول مسوئولیت های آینده :

" چه امتیازی مقدّس تر و چه مسوئولیتی عظیم تر از قیام به تربیت نسل جدید یاران و القاء اصول و تعالیم امرالله در اذهان و افکار جوان و مستعدّ آنان است تا بدین طریق در اجرای وظایف شدیدۀ آنان انجام مسوئولیت های خطیره و تعهدات حیاتی آتیۀ خویش در ظلّ جامعۀ بهائی بحدّ کمال آمادۀ و مستعد گردند. " (۱۰۱)

حضرت ولی امرالله

— تجهیز جوانان در مسیر خدمات :

" جوانان بهائی را چنان تجهیز نمایند تا حیات خود را بر محور خدمت به امر مبارک منظم فرمایند و چون در دوران فراغت خدمات مخصوصی را تعهد نمودند به وسایل لازمۀ مساعدتشان نمایند و همچنین آنان را تشویق کنند که به نسل جوان و معاصر خویش مخصوصاً در مدارس و دانشگاهها امر الهی را ابلاغ نمایند. " (۱۰۲)

معهد اعلی

— تعلیم اصول و مبانی تبلیغ به جوانان :

" ... باید به هر وسیله‌ای که ممکن و میسر باشد جوانان هوشیار پاک‌طینت را ترغیب و تشویق نمود تا نوریسیدگان از بنین و بنات مبادی و اصول تبلیغ را بیاموزند و به‌لزومیت و فواید و منافع کلیه آن اقناع و آشنا گردند." (۱۰۳)

حضرت ولی‌ام‌الله

" باید جوانان را علم تبلیغ بیاموزند و بر معلومات امریه و علمیه و ادبیه آنان بیفزایند. با سلوب و لحن خطابه‌های حضرت عبدالبهاء در بلاد غرب آشنا نمایند و به شرایط مبلّغین که در کتب و صحف مثبتوث است متذکر سازند..." (۱۰۴)

حضرت ولی‌ام‌الله

— استفاده از قوای جوانان در مسیر تبلیغ؛

" از گنجینه قوای معنویّه و شهامت و کمالات عالیّه جوانان عزیز بهائی ... باید تا حدّ اکثر استفاده کرد و آن گنجینه را کریمانه در سبیل اعلان امرالله و انتشار نفحات‌الله و

تحکیم بنیان شریعت‌الله مصروف‌داشت. «(۱۰۵)» معهد اعلی

- ایجاد امکانات و تسهیلات برای تنویر افکار جوانان:

" به نیت خالصه احبای الهی اسبابی فراهم آید که در اندک زمانی ابنای احباب تربیت شوند و جوانان هوشمند و دانشمند منجذب و مشتعل مبعوث شوند و به بیانی فصیح و بلیغ و اطلاعی کامل مؤید بر تبلیغ امرالله گردند. " (۱۰۶) حضرت عبدالبهاء

" محافل روحانیّه محلیّه باید بجمیع وسایل موجوده در تنویر افکار جوانان از لحاظ مادی و روحانی سعی بلیغ مبذول دارند... و در موارد ممکنه مؤسّسات تربیتی بهائی تاسیس و امور آنان را منظم نمایند و تحت نظارت و سرپرستی خویش گیرند. " ترجمه (۱۰۷) حضرت ولی امرالله

" حضرت ولی امرالله طرح نشریه جوانان را تصویب می‌فرمایند و از شما می‌خواهند تأکید مخصوصی بر مقالات و موادّی نمایند که مورد علاقه خاص جوانان است، نظیر مقالاتی که دارای مضامین اقتصادی و جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی جامعه باشد. " (۱۰۸) از طرف حضرت ولی امرالله

" ازدیاد معرفت جوانان عزیز بهائی بمنزله اولین قدم در سبیل غور و خوض ایشان در بحر کلمه‌الده و جولان در میدان عبودیت حضرت رحمن است. باید آن لجنه مجلده سعی فرمایند که جوانان عزیز را نه فقط در معارف امریه عمیق تر سازند بلکه آنان را مجهز نمایند تا فوج فوج وارد میدان به خدمت شوند... " (۱۰۹)

معهد اعلی

" تزئید معلومات امریه اطفال و جوانان و تعلیم و تربیت روحانی آنان از واجبات ضروریه بوده و هست که از طرق متنوعه از قبیل ازدیاد کلاسهای درس اخلاق و مدارس تابستانه و ترویج احتفالات خاصه در جمیع نقاط کشور تعمیم پذیرد البته مساعی مشکوره آن محفل از قبل در این سبیل مبذول گشته و در آینده نیز مزیداً لما سبق معمول خواهد شد ولیکن سیل جار فلان مذهبی و لاقیدی که اخیراً شدت بنهایت رسیده، مستلزم تشدید اقدامات و مواظبت یاران از اطفال و جوانان است. در مورد جوانان بخصوص ابلاغیه مشروحه از طرف این هیات صادر گشته، انشاء الله بهدایت آن محفل تدابیری اتخاذ گردد تا جوانان بهائی قابل آن گردند که از عناصر مهمه جامعه یاران در آن سرزمین شوند و آن محفل با اعتمادی کامل آنان را در خدمات مهمه

آمریه مسقیماً شرکت بخشند." (۱۱۰)

معهد اعلی

— تقویت عاقله‌های بهائی برای تعلیم و تربیت صحیح فرزندان:

"هدف ششم توسعه دامنۀ تعلیم و تربیت روحانی اطفال و جوانان و تقویت ارکان عاقله بهائی.

...

د — تهیه برنامه‌های لازم بمنظور هدایت والدین خاصه مادران در سبیل رعایت و تربیت اطفال بهائی." (۱۱۱) **معهد اعلی**

— تشویق و ترغیب جوانان :

"ه : تشویق جوانان به دستیابی بصفوف اولیۀ رشته‌های مختلفه کسب اقتراف و حرفه‌وفن که در ترقی و پیشرفت بشری لازم و ضروری است .

و : تشویق جوانان به تاسیس کلوپ‌های بهائی در دانشگاهها و در سایر مؤسّسات تعلیمی و تربیتی" (۱۱۲) **معهد اعلی**

" جوانان بهائی که حالیه در صف مقدم لشکر حیات به خدمات جلیله و انتصارات با هره بی نظیر به فداکاری مفتخرند با یستی تشویق و ترغیب کردند تا ضمن اینکه خود را برای خدمات مهمه آینده مهیا و مجهز می سازند به طرح و اجرای نقشه های تبلیغی در بین معاصرین خویش مبادرت نمایند. " (۱۱۳)

معهد اعلی

" تشکیلات اداری بهائی نه تنها مسوول انجام امور اداری افراد جامعه و حمایت از حقوق ایشان می باشند بلکه موظف است احبّاء را تشویق و ترغیب با انجام وظایف و مسوولیت های روحانی خویش نمایند. تشکیلات بهائی در ضمن اینکه احبّای الهی را تشویق به تبلیغ امرالله، نشر نجات الله و فداکاری و از خودگذشتگی در سبیل امر بهاء می نمایند، در عین حال جمال مبارک اولین وظیفه خطیر را نیز به عهده ایشان محوّل فرموده اند که دانش و معلومات روحانی و جسمانی افراد جامعه را نیز ترقّی و افزایش دهند. اگر چه در انجام این وظایف اساسی موظّفین یعنی جوانان، والدین و تشکیلات بهائی جملگی شریک و سهمند ولی با در نظر گرفتن حدود اختیارات ایشان هر یک باید به تنهایی در این مورد قضاوت و اقدام نمایند! " (۱۱۴)

معهد اعلی

" ه - تشویق یاران به مطالعه کتب و آثار امری

و - ترغیب و تحریص نفوس به بالا بردن سطح معلومات در مدارج

السنة معموله خویش تا فهم منشآت امریه برایشان سهل و آسان

گردد. " (۱۱۵)

معهد اعلی

- تاسیس مشروعات خدماتی برای جوانان :

" یاران را تشویق به تأسیس مدارس تابستانه نمایند زیرا

این تأسیس بسیار مهم و نتایجش عظیم و از متفرعات نظم

بدیع محسوب باید بقدر امکان پس از کسب معلومات لازم

تطبيق با مدارس تابستانه یاران امریک نمایند و اقتداء و

تأسی به آنان نمایند زیرا در این امر سبقت هسته اندومبادی

اداری امریه را در این خصوص کاملاً تنفیذ و ترویج نموده و

می نمایند. " (۱۱۶)

حضرت ولی امرالله

" ... الیوم تهیه و تدارک و توسعه و تسهیل مشروعات خدماتی

از برای جوانان در کشورهای در حال رشد در سراسر عالم

مدنظر قرار دارد. " (۱۱۷)

معهد اعلی

" تأسیس مؤسسه عالی معارف بهائی : دوره‌هایی را جهت تدریس بواسطه مکاتبه تأسیس نمایند و از این راه سبب تحکیم مبانی عرفان یاران گردند. " (۱۱۸) معهد اعلی

" ... از ممیزات نقشه شش ساله این است که جوانان عزیز بهائی را مجال فراوان می بخشد که پای در میدان عبودیت نهند و قبل از آنکه اوقات فراغتشان مفقود شود و پایبند تمشیت امور خانواده گردند، آن را صرف خدمت امرالله نمایند و از آغاز جوانی تجارب روحانی آموزند و گنج معنوی اندوزند، که حافظ و معین آنان و دلیل راهشان در بقیه حیات عنصری باشد. در ایامی که حکومت‌های جهان جوانان را به اجبار به کارهای دشوار می گیرند و فن جنگجویی و خونریزی می آموزند، از جوانان بهائی تقاضا شده که یکسال بیشتر یا کمتر، از عمر خود را منحصراً وقف عبودیت آستان الهی فرمایند و در ظلّ مؤسسات بهائی به خدماتی روحانی و اجتماعی و انسانی قیام نمایند، پیام محبت بخشند و به آبیاری نهال ایمان پردازند تا انشاءالله در حدیقه حقیقت از شمره رضای جمال مبارک برخوردار شوند و سرآمد اقران گردند. " (۱۱۹)

فصل ششم

" کسب معارف الهی یکی از وظایف جوانان "

بخش ۱

بعضی از ویژگیها و اثرات آثار الهی

بخش ۱: (بعضی از ویژگیها و اثرات آثار الهی)

- آثار الهی دارای نفوذ است.
- آثار الهی دارای قوه خلاقه است.
- آثار الهی تنها حجت روی زمین است.
- آثار الهی با هیچ اثری قابل قیاس نیست.
- آثار الهی جامع کل معانی و اسرار است.
- آثار الهی دارای روح حیات است.
- آثار الهی گنج علم الهی است.
- آثار الهی عامل وحدت عالم است.
- آثار الهی وسیله ارتقاء نفوس مستعده است.
- آثار الهی مفتاح علوم است.
- آثار الهی عامل تنبیه است.
- آثار الهی موجب ایمان و ایقان است.
- آثار الهی شامل و جامع است.
- آثار الهی دارای خلوت مخصوصی است.
- معانی آثار الهی بتدریج مکشوف می شود.
- آثار الهیه صون حفظ و حمایت انسان است.
- مطالعه آثار مبارکه برفدردت معنوی انسان می افزاید.

- آثار الهیه موجب ظهور محبت الله و حصول انجذاب وجدانی است.
- آثار الهی میزان است.
- تعالیم حضرت بهاء الله وسیله درک حقایق زندگی و معلومات بشری است.
- آثار الهی راهی است برای معرفت الهی.
- آثار الهی برای تغییر رفتار انسان است.
- آثار الهی غم را به سرور تبدیل نماید و زنگ غفلت بزداید.
- آثار الهی روح را زنده می کند.
- آثار الهی انسان را از هر محنت و مشقتی محفوظ می دارد.
- آثار الهی دستور العمل زندگی است.
- نیاز امر به فضلی بهائی.
- کسب معارف برای تبلیغ امر و رفع سوء تفاهم.

بخش دوم :

چه بخوانیم ؟

...

بخش سوم : (چگونه بخوانیم ؟)

- لزوم تقوی .
- لزوم خلوص .
- لزوم بهره گیری از علم و عقل .

- لزوم خضوع - خشوع - انجذاب - اجتذاب و توجه و تمعن و تفرّس .
- لزوم مطالعات و تحقیقات عمیق تر و منظم تر .
- لزوم جهد و طلب .
- لزوم مفای قلب - تزکیه نفوس - فراغت روح .
- لزوم سمع ظاهر .
- لزوم اخلاص .
- لزوم سخت کوشی و پشتکار .
- لزوم تمرکز .
- لزوم توجه و استقامت و اطمینان .
- لزوم تلاش برای درک مفهوم حقیقی تعالیم .
- لزوم تفرّس و تمعن و تدقیق .
- لزوم تفکر .
- لزوم استنباط فردی از آثار .
- لزوم صحبت و مذاکره .
- لزوم مطالعات یومیّه و استفاده از معلّمین برجسته .
- لزوم تشکیل کلاس .
- لزوم مرور مکرّر و توجه به احادیث و روایات و دقائق ادبی .
- هر کس به اندازه قدر و مقدارش آثار الهی را درک می نماید .
- عمیق شدن در امر یعنی چه ؟
- منع لِمَ و بِمَ و مقایسه کلمات الهی با غیر آن .

- آثار الهی دارای نفوذ است :

" کلمه الهی، سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصى " (۱۲۰)
 حضرت بهاء الله

- آثار الهی دارای قوه خلاقه است :

" به هر کلمه‌ای که از فم مطهر حضرت الوهیت صادر شده، چنان قدرتی عطا گردیده که قادر است حیات بدیع در کالبد هر انسانی القاء نماید " (۱۲۱)
 حضرت بهاء الله ①

- آثار الهی تنها حجت روی زمین است :

" حجت الهی لم یزل واحد بوده و از برای کل همان آیات منزلات را حجت قرار فرموده اند. " (۱۲۲)
 حضرت بهاء الله

" هرگاه مقدر بود کلمه الله همه قوای مکنونه خود را فی -
 الحین ظاهر سازد، هیچکس نمی توانست هیمنه و عظمت چنین

اشراقی را تحمل کند. " (۱۲۳) حضرت بهاء الله

" هر کدام از این آیات برای کَلِّ مِنَ عَلَيَّ الْأَرْضِ حَتَّىٰ اسْتَمَحْكَمَ
و برهانی است معظم که جمیع ارض را کفایت می کند. " (۱۲۴)

حضرت بهاء الله

- آثار الهی با هیچ اتری قابل قیاس نیست :

" اگر کل ارض مملو از کتب شود، مقابله نمی نماید با یک
حرف که از لسان جوهر قدم الیوم ظاهر می گردد. " (۱۲۵)

حضرت بهاء الله

- آثار الهی جامع کل معانی و اسرار است :

" کلمه الهیه جامع کَلِّ معانی بوده یعنی جمیع معانی و اسرار
الهی در آن مستور " (۱۲۶) حضرت بهاء الله

- آثار الهی دارای روح حیات است: *بسم الله الرحمن الرحیم*

(۲)

" هر حرفی که از فم عنایت نازل دارای روح حیاتی است که می تواند خلق جدیدی را خلق نماید و اخدی جز خداوند بر این قدرت غالبه پی نبرد. " (۱۲۷) حضرت بهاء الله

- آثار الهی گنج علم الهی است:

" حروفات و کلمات الهیه هر یک کنز علم لدنی بوده و خواهند بود. " (۱۲۸) حضرت بهاء الله

- آثار الهی عامل وحدت عالم است:

" الیوم جز قوه کلیه کلمه الله که محیط بر حقایق اشیا است، عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحد جمع نتواند. " (۱۲۹) حضرت عبدالبهاء

- آثار الهی وسیله ارتقاء نفوس مستعده است :

" ای بندگان من، آنچه از حکم بالغه و کلام طیبه جامعه که در
الواح قدسیه احدیه نازل فرمودم، مقصود ارتقاء انفس مستعده
است به سموات عز احدیه " (۱۳۰)
حضرت بهاء الله

- آثار الهی مفتاح علوم است :

" ای مقبل در آنچه از قلم اعلی جاری شده درست تفکر فرمایید
تا ابواب علوم لانهایه بر وجه قلبت مفتوح شود و خود را از
دون حق غنی و مستغنی مشاهده نمایی " (۱۳۱)
حضرت بهاء الله

" اینست که احبای الهی در ایام ظهور شمس ربانی از کمال علوم
مستغنی و بی نیاز بوده اند بلکه ینابیع علم و حکمت از قلوب
و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساریست. " (۱۳۲)
حضرت بهاء الله

— آثار الهی عامل تنبّه است :

" ای برادر باید چشم گشود و تفکر نمود و ملتجی به مظاهر الهیه شد که شاید از مواظ و واضحه کتاب پند گیریم — و از نصایح مذکوره در الواح متنبّه شویم " (۱۳۳) حضرت بهاء الله

— آثار الهی موجب ایمان و ایقان است :

" اگر نور ایمان خواهید در کلماتش نظر کنید و اگر جوهر ایقان طلبید در ظهور آیات و آثارش تفکر کنید و اگر حقایق و معانی خواهید در گفتارش تأمل کنید. " (۱۳۴) حضرت عبدالبهاء

— آثار الهی شامل و جامع است :

" الحمد لله که در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع به امور اصلیه و فرعیّه، جزئیّه و کلیّه، علمیّه و فنیّه، مادّیه و ادبیه، سیاسیه و اقتصادیه، چنان عالم را احاطه نموده که شبه آن از اول ابداع در هیچ مظهري از مظاهر قبل و هیچ

عصری از اعصار غابره دیده و شنیده نشده" (۱۳۵)

حضرت ولی امرالله

"در آثار امری برای هر امری پاسخی هست." (۱۳۶)

حضرت ولی امرالله

- آثار الهی دارای حلاوت مخصوصی است:

"اگر حلاوت بیان رحمن را بیایی از جان بگذری و در سیل
دوستانفاق نمائی" (۱۳۷)

حضرت بهاءالله

- معانی آثار الهی بتدریج مکشوف می شود:

"هر نسل نویینی از آثار و بیانات مبارکه حقیقت و مفهومی
بدست خواهد آورد که از آنچه نسل های گذشته ادراک نموده اند
بمراتب وسیع تر و عظیم تر است." (۱۳۸)

حضرت ولی امرالله

"فراموش نکنیم که حضرت شوقی آفندی فرموده اند که برای درک

بیشتر نظم جهان آرای حضرت بهاء‌الله دو چیز لازم است، یکی
 مرور زمان و دیگر هدایت بیت‌العدل اعظم. " (۱۳۹) معهد اعلی

- آثار الهیه صون حفظ و حمایت انسان است :

" ... شخص بهائی اگر توجه تام به این آثار مقدسه نماید و
 خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویه کند و معانی دقیقیه
 و حکمت‌های بالغه مودعه در هر یک را بدقت و ملاحظه از آن
 استنباط نماید، از هر محسوس و مسقی و تعب و زحمتی و خطر
 و وبالی و حزن و کدوری در حیات مادی و ادبی و روحانی
 خویش محفوظ و مصون ماند. " (۱۴۰) حضرت ولی‌المرالله

" اگر چنین شود، جوانان عزیز که محاط به امتحانات عدیده و
 در معرض آفات شدید‌اند، محفوظ مانند و چون به فصل الخطاب
 آیات متمسک شوند و آن میزان اتم اقوم را معیار تشخیص و
 فهم و ادراک خویش قرار دهند، دیگر گوش‌هوش را از همه
 الفاظ ظاهر فریب و دمدمه مکاتب عجیب و غریب فلاسفه مادیه
 که مولود این تمدن رو بزوالند فارغ سازند و چون نفوس
 غافلانه نجات قافله را از نجوم آفله نجوبند و با سنگ جبری را

که در این صبح صادق هدایت از آن کاروان گمگشته صحرا قاف
 غفلت برآید هر چند پرتین و بلند یابند لایق اعتناء نشمرند
 چه که گوش جانشان مفتون تغنیات بلبلان الهی است که به
 (۱۴۱)
 گلبانگ روحانی درس مقامات معنوی آموزند و راحت جان بخشند.
 معهد اعلی

"... جوانان عزیز بهائی باید طبیب جمیع علتهای را ذکر
 الهی دانند و با استغراق در بحر آیات و قیام بر عبودیت
 حضرت احدیت کسب فضائل و تحصیل علوم و فنون نافع و حرکت
 و فعالیت و خدمت مستمر راه هجوم نفس آماره را سد نمایند
 (۱۴۲) ..."
 معهد اعلی

"اما از وظایف مهمه اولیه جوانان عزیز بهائی آنکه باید
 در بحر آثار و معارف امریه مستغرق شوند و هر روز لاقابل
 دقایقی از حیات خویش را مرتباً منظمأ مصروف تحصیل و مطالعه
 الواح و آثار مبارکه نمایند تا به برکت آن نسائم روحبخش
 مرآت قلوبشان از غبار عوارض مستولیه این مدنیت مادیّه مصفا
 و پاکیزه گردد و قابل تجلی حقایق مکنونه مودعه در آیات
 نازله و صحف قیمه شود." (۱۴۳)
 معهد اعلی

- مطالعه آثار مبارکه بر قدرت معنوی انسان می افزاید:

" عن قریب نفوسی در علم ظاهر شوند و به کمال نصرت قیام نمایند و در جواب هر اعتراضی آله، محکمه، متقنه مرقوم دارند. چه که قلوبشان ملهم می شود به الهامات غیبیه الهیه " حضرت بهاء الله

" اما جوانان نازنین ایران ... البته نباید مایوس گردند بلکه با توسل به ذیل عنایت الهی و توسعه معلومات و اطلاعات خود در باره امرالله و حتی المقدور با مطالعه کتب و الواح و آثار بر قدرت معنوی خویش بیفزایند. " (۱۴۵) معهد اعلی

- آثار الهیه موجب ظهور محبت الله و حصول انجذاب وجدانی

است:

" اما واضح است که به جهت ظهور محبت الله و حصول انجذاب وجدانی و حیات روحانی تعالیم مبارکه ای در آثار بهائی عز نزول یافته که باید اطاعت و مجزی گردد. از آن جمله است اقامه صلوٰه یومیّه، تلاوت آیات در صبح و شام، ذکر الله ابهی

۹۵ مرتبه در شبانه روز، شرکت در ضیافات نوزده روزه، تبلیغ امرالله، مطالعه مستمر آیات و الواح الهیه و بالاخره کوشش مداوم در خدمت به امر الهی به طرق و وسائل ممکنه که خود فی حد ذاته یکی از اعظم وسائل ترقی و تعالی حیات روحانی اهل بهاء محسوب می گردد. " (۱۴۶)

از طرف دارالانشاء معهد اعلی

- آثار الهی میزان است :

" کلمات منزلۀ الهیه میزان کسب و دون او میزان اونمی شود. هر یک از قواعدی که مخالف آیات الهیه است آن قاعده از درجه اعتبار ساقط. " (۱۴۷)

حضرت بهاء الله

" یک فرد بهائی یقیناً بیش از اغلب مردم به این حقیقت توجه دارد که هرگونه معلوماتی به وی داده می شود، باید قبلاً آن را با میزان الهی که در دست دارد بسنجد، نه آنکه کورکورانه قبول نماید... جوان بهایی باید... آنچه را که می شنود با تعالیم الهیه بسنجد زیرا تعالیم الهی است که می توانند انسان را در تشخیص و تمیز ذهابالصر از قشور و مصنوعات

زائده که مولود افکار سحیفه بشری است معاصدت نماید. (۱۴۸)

معهد اعلی

- تعالیم حضرت بهاء الله وسیله درک حقایق زندگی و معلومات بشری است :

"امروز هیچ فنی از فنون و هیچ علمی از علوم و هیچ اسمی از اسماء و هیچ شانی از شئون و هیچ کتابی از کتب انسان را غنی نمی نماید و کفایت نمی کند الا بما نطق به لسان الْعَظْمَة" (۱۴۹)

حضرت بهاء الله

"تعالیم حضرت بهاء الله درک بسیاری از حقایق زندگانی و معلومات بشری را آسانتر و روشن تر می سازد. . . یک فسرده بهائی دارای این امتیاز می باشد که در ظل تعالیم الهی که برای این عصر مقرر گردیده، قرار گرفته است و این خودمثابه مشعل فروزانی است که فراراه او واقع شده و او را به حل بسیاری از معضلات حیات که متفکرین جدید را خیران نموده، موفق می سازد." (۱۵۰)

معهد اعلی

— آثار الهی راهی است برای معرفت الهی :

" به آثار رجوع کنید تا قدرت حق و سلطنت حق و علو حق و سمو حق و علم حق و احاطه حق را بفهمید و ادراک نمایید. " (۱۵۱)

حضرت بهاء الله

" مقصود از تلاوت کتب و قراشت صحف در هر عصری ادراک معانی آن و بلوغ به معارج اسرار آن بوده و الا تلاوت بی معرفت را البتّه فائده کلی نباشد. " (۱۵۲) حضرت بهاء الله

— آثار الهی برای تغییر رفتار انسان است :

" هر آیه ای از آیات منزهه بایی است مبین برای ظهور اخلاق روحانیّه و اعمال مقدسه. " (۱۵۳) حضرت بهاء الله

— آثار الهی غم را به سرور تبدیل نماید و زنگ غفلت بزدا ید :

" بذکر الله مأنوس شو و از دوش غافل چه که ذکرش انیسی

است بی نفاق و مونس است با کمال وفاق . میهمانی است بی خیانت و همدمی است بی ضرّ و جنایت . مجالسی است امین و مصاحبی است با ثبات و تمکین . رفیقی است با وفا بشانی که هر کجا روی با تو آید و هرگز از تو نگسند . غم را به سرور تبدیل نماید و زنگ غفلت بزداید . " (۱۵۴) حضرت بهاء الله

- آثار الهی روح را زنده می کند:

" اگر اشتعال نثار محبت الله خواهیم، باید به تلاوت آیات و مناجات و مطالعه آثار پردازیم و به بزرکت کلمة الله که چون باران معرفت از سحاب رحمت الهیه فیضان فرموده، نهال قلب و روح را تر و تازه کنیم و از نفحات وحی زنده شویم . " (۱۵۵)

معهد اعلی

- آثار الهی انسان را از هر محنت و مشقتی محفوظ می دارد:

" شخص بهائی اگر توجه تام به این آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویّه کند و معانی دقیقّه و

حکمت‌های بالغه مودعه در هر یک را بدقت و ملاحظه از آن -
استنباط نماید از هر محنت و مشقتی ... محفوظ و مصون
ماند... " (۱۵۶)
حضرت ولی امرالله

- آثار الهی دستورالعمل زندگی است :

" نفع بیانِ رحمن به نفوسِ عامله راجع " (۱۵۷) حضرت بهاء الله

" بقوت ایمان به موجب تعالیم الهی رفتار نماید و اعمال
را تطبیق به احکام الهی فرماید. " (۱۵۸) حضرت عبدالبهاء

" ... و چون به این تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را
به افعال لایقه و اعمال طیبه مزین دارند و اثبات نمایند
تا از مادون ممتاز گردند و سرمشق سائرین شوند و چون چنین
شوند فوج فوج نفوس اقبال نمایند و هدایت گردند... " (۱۵۹)

حضرت ولی امرالله

- نیاز امر به فضلی بهائی:

" حضرت ولیّ امرالله بلاشک امیدوارند که عنقریب امر مبارک فضلی به بار آورد که به تحریر کتبی بمراتب عمیق تیر و جامعتر (از کتاب جناب اسلمنت بهاء الله و عصر جدید) پردازند" (۱۶۰)

حضرت ولیّ امرالله

- کسب معارف برای تبلیغ امر و رفع سوء تفاهم:

" ما به فضلی بهائی احتیاج داریم، نه تنها به کسانی که درک و دانش بسیار عمیقی از تعالیم امری داشته باشند بلکه به افراد اهل مطالعه و تحصیل کرده، افرادی که بتوانند تعالیم بهائی را با افکار جاری زعمای جامعه مرتبط سازند و پیوند دهند... " (۱۶۱) از طرف حضرت ولیّ امرالله

" امر تبلیغ در مدارس عالی و دانشگاهها حائز اهمیت بسزائی است. زیرا دانشجویان بطور کلی وسیع النظر و روشنفکرند و کمتر تحت تأثیر سنت موروثی قرار می گیرند. اگر موضوع امر بدرستی بر آنها عرضه گردد و عقل و عواطف آنها بنحو صحیحی

ارضاء شود به سهولت وارد امرالله می شوند. بدیهی است که این کار بایستی صرفاً به اهتمام اشخاصی که خود تربیت دانشگاهی دارند و بالمآل با طرز تفکر و ذهن جوانان تربیت شده هوشمند آشنا می باشند، انجام پذیرد. نهضت بهائی بجهت یقین مبین احتیاج به نفوس تعلیم و تربیت یافته و فداکار دارد تا تعالیم الهی را با عمل و قلم خویش در سراسر عالم ترویج و منتشر سازند. " (۱۶۲) حضرت ولیّ امرالله

۵ " در آثار امری برای هر امری پاسخی هست، اما متأسفانه اکثر اهل بهاء، سوای حدّ ایمان و اخلاص آنان در بیشتر موارد فاقد سواد و حکمت لازمند که مدعا و حملات افراد تحصیل کرده و صاحب مقام را پاسخ گویند و یا ردّ نمایند. " (۱۶۳) از طرف حضرت ولیّ امرالله

۶ " هیچ چیز یأس آورتر از آن نیست که هزاران نفر اعلان امر را بشنوند ولی مرکزی در اختیار آنها نباشد که بتوانند اطلاعات خود را تکمیل کنند. در این مورد حضرت ولیّ عزیز امرالله می فرمایند: " به عقیده راسخ این عبد اولین وظیفه هر یک از پیروان با وفای امر حضرت بهاء الله این است که همواره سعی موفور و مستمر مبدول دارد تا مقصد و اهمیت

این امر اعظم را بهتر درک نماید" (ترجمه) و این بیان مبارک هر فرد مؤمن و موقن را موظف می سازد تا عمیقاً در تعالیم امر الهی تمعن نظر نماید. بنا بر این بجای آنکه صرفاً در باره لزوم تعمق در آثار امری اظهار نظر کنیم باید به ماهیت و کیفیت آن توجه نماییم. " (۱۶۴) معهد اعلی

α " از جمله تعالیم بهاء الله اینست که جمیع عالم بایستد تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان برخیزد جمیع بشر متحد شوند و ازاله سوء تفاهم به نشر معارف است. " (۱۶۵)

حضرت عبدالبهاء

" دنیا دچار اوضاعی مهیب و مدهش است اگر یاران بنا است به وظیفه ای عامل گردند و داروی شافی الهی را به عالم انسانی اهداء نمایند باید برای انجام وظایف عظیمی که در پیش دارند آماده شوند. این نکته به نحو اخص متوجه جوانان است. جوانان بهائی از دختران و پسران باید در تعالیم الهیه تعمق دقیق فرمایند و مسائل را عمیقانه تحصیل کنند تا بتوانند به نشر امر الهی موقن شوند و مردم را اقناع کنند که مشکلات آنان حل شدنی است و راه حل در دست آنان است. جوانان باید مبادی اداری امر مبارک را ترک نمایند

تا بتوانند به حکمت و قدرت، امور دائم الاتساع امر الهی را تحت اداره درآورند. جوانان باید در حیات یومی سرمشق زندگی بهائی باشند... " ترجمه حضرت ولی امرالله (۱۶۶)

" میدان وسیع است و عصر بدیع. وقت آنست که سپاه هدی در اقالیم قلوب خیمه برپا نماید و رایات معارف الهیه برافرازد و بنیان اوهام براندازد. انشاءالله بین جوانان بهائی نفوسی مبعوث شوند که از حیث نطق و بیان جذاب قلوب شوند و در مهارت لغت و لسان سخرمبین نمایند. در اصطلاحات علمیه ماهر باشند و از مشارب نفوس و مقتضیات زمان و مکان آگاه و دانایان، تا سبب هدایت نفوس خظیره و اشخاص مهمه گردند. " (۱۶۷) حضرت ولی امرالله

" بطور یقین شما جوانان عزیز در آینده نیز مصدر خدمات عظیمه و فتوحات باهره در سراسر کره ارض خواهید بود و البته این امر اعظم جز با آگاهی دقیق به اصول و معارف امریه ممکن و میسر نیست و بدین منظور با عشق سرشار و گام استوار دست در دست هم، یک دل و یک جان صمیمانه طلب تائید می نمائیم و فصل نویسی را در حیات روحانی خویش آغاز می کنیم و آرزو مند آنیم که موفق به ارائه خدمتی به

حرف

آستان مبارکش گردیم. (۱۶۸)

در استند که ابلاغ حدفاصل سمت محمد جون از نام
 مقرر نبوده است.

بخش ۲

چه بخوانیم؟

" قدری در ریاض بیانات حضرت اعلیٰ رُوح الوجود لمظلومیته
 الفداء سر و ساحت نماید و بعضی از اسباب بیان راقرائت
 و تلاوت فرماید و تعمق و تفکر کنید. " (۱۶۹)
 حضرت عبدالبهاء

" ... کلمات مکنونه تلاوت نماید و به مضمون دقت کنید و
 بموجب آن عمل نماید. الواح طرازات و کلمات و تجلیات و
 اشراقات و بشارات را به امعان نظر بخوانید و به موجب آن
 تعالیم الهیه قیام نماید تا آنکه هر یک شمعی روشن گردید
 و شاهد انجمن شوید و مانند گل گلشن راحه طیبه منتسب
 نماید. " (۱۷۰)
 حضرت عبدالبهاء

" احبای الهی باید در مسائل امر حجج بالغه و براهین
 قاطعه بدهند. باید در اثبات و القاء حجت در نهایت کمال
 باشند. باید بدانند چطور دلائل عقلیه و نقلیه و علمیه و
 دینیه بدهند و بر مسائل مهمه مسلط باشند و این نمی شود
 الا بمذاکرات و مباحثات و صرف وقت در استدالیات و اساس
 و اصول این امر مبارک. اگر چه احبای کاملند ولی باید
 مکمل باشند اگر چه خودشان قانعند باید مقلع گردند یعنی
 دیگران را کامل و قانع نمایند. " (۱۷۱)
 حضرت عبدالبهاء

" هوالله ای تلمیذان حق و شاگردان دبستان الهی، از قرار معلوم در محفل معانی نزد ادیب عشق به آموختن حقایق و اسرار مشغولید و به سوختن حیات اوهام مالوف، البته همت نمائید تا کاری از پیش برید زیرا آن صفحات در نهایت احتیاج تا نفوس آگاه مبعوث شوند و به هدایت طالبان پردازند. در این ایام تشنه بسیار ولی ساقی اقل قلیل، تحصیل درس تبلیغ بسیار لازم و واجب گردیده، امیدم چنانست که نورسیدگان بهائیان کل به تحصیل درس تبلیغ مشغول گردند. " (۱۷۲)

حضرت عبدالبها *

" ... در این گونه مدارس چون تنها درس مادیات و حکمت طبیعی خوانده می شود، لهذا نفوس تحریری که ذی فنون باشند پیدا نمی شوند. هر وقت حکمت الهی و طبیعی هر دو خوانده شود نفوس و ترقیات عظیمه حاصل گردد. سبب ترقیات مدارس یونان همین بود که حکمت الهی و طبیعی هر دو تعلیم می دادند. " (۱۷۳)

حضرت عبدالبها *

" ... باید جوانان مانند سرو روان در خیابان تحصیل بکوشند تا در اندک زمانی موفق به تبلیغ گردند زیرا مبلغ کمیاست و طالبان و مستعدان بسیار ... در هر شهری باید محفل

درس تبلیغ تأسیس شود و تحصیل مسائل لازمه و معانی لامعه و اطلاع بر حُجَج و براهین منطوقه گردد و گذشته از این احبای الهی در وقت اجتماع مذاکره و صحبت را حصر در بیان حجت و برهان کنند تا در تبلیغ تمکّن تام یابند. " (۱۷۴)

حضرت عبدالبهاء

" کل باید در قدم اول بمنظور موفقیت در انجام وظیفه مرجوعه خود را به جهات مختلفه تاریخ و مبادی این شریع کریم و نباه عظیم آشنا سازند و برای حصول این مقصود و توفیق در این مرام آثار امریه را بنفسه مطالعه و تعالیم رحمانیه و اصول و احکام مقدسه را تحقیق و تدقیق نمایند و نصایح و اندازات و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت احدیه را تأمل و تدبیر کنند و بعضی از بیانات و ادعیه الهیه را در خاطر سپارند و نظامات اداری را کاملاً فراگیرند و خود را با تطورات و تحولات و پیشرفتهای و حوادث جاریه امرالده مأنوس و مألوف سازند. " (۱۷۵)

حضرت ولی امرالده

" علوم مادّیه عالیّه و اطلاعات روحانیه و خوض و تعمیق در الواح و آثار مبارکه و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ ادیان و تحصیل کتب مقدسه از انجیل و توراّه و قرآن کل از مبادی

اساسیّه تربیت اطفال و جوانان است. " (۱۷۶)

حضرت ولیّ امرالله

" ... حضرت ولیّ امرالله احساس می فرمایند داشتن آگاهی کامل از تاریخ امر مشتمل بر تاریخ ادیان همچنین موضوعات اجتماعی و اقتصادی برای تبلیغ امرالله در بین اهل دانش و بینش کمکی فراوان می نماید. اما در باره اینکه باید چه موضوعات امری را بیشتر مورد توجه و نظر قرار دهید، احساس مبارک بر اینست که جوانان بهائی بایستی بر متون کتبی از قبیل قرن بدیع، ایقان، گلچین آثار مبارکه حضرت بهاءالله، مطالع الانوار، مفاوضات و الواح مبارکه‌ای که از اهمیت بیشتری برخوردارند، تبخّر و تسلط حاصل نمایند. کلیّه جوانب و وجوه امری باید عمیقاً مطالعه گردد و در انگلستان لازمست جوانان بیشتر راجع به مبادی اداری امر الهی اطلاع حاصل نمایند. " (۱۷۷) از طرف حضرت ولیّ امرالله

" ... فرمودند بنویس قبلاً راجع به اهمیت لغت عربی و تعلیم آن باطفال و تأسّی و متابعت لحن الواح مبارک در منشآت امریه و تقریر و تحریر و نشریات یاران و پیروان امر حضرت رحمن در آن سامان دستور صریح صادر و همچنین بواسطه زائرین

تأکید گشت، مسامحه و اهمال قطعاً جایز نه و تقلید و ترویج افکار و عقائد حالیه راجع به انفصال این دو لغت یعنی فارسی و عربی بسیار مُضَرّ، یاران را محفل مَلّی روحانی بایند تذکر دهد و تشویق و دلالت نماید. " (۱۷۸) حضرت ولیّ امرالله

" جوانان بهایی باید به موازات تقویت روحانی خود از طریق دعا و مناجات و خدمت و مطالعه تعالیم الهیه عملاً اصول و مبادی نظم بدیع حضرت بهاء الله را نیز فراگیرند و نحوه اجرای آن را بیاموزند. بوسیله شرکت در کنفرانسها و حضور در مدارس تابستانه و همچنین عضویت ضیافات نوزده روزه و - خدمت در لجنات امریه، جوانان می توانند نسبت به امر مهم مشورت بر اساس تعالیم الهیه اطلاعات و تجارب کافیه حاصل کنند و طُرُق جدید اشتراک مساعی بین افراد بشر را به مرحله عمل درآورند." (۱۷۹)

معهد اعلی

" جامعه بهائی به مردان و زنانی که در رشته های مختلف واجد معلومات کافیه بوده و مهارت و صلاحیت داشته باشند، احتیاج دارد. زیرا بتدریج که نطاق امرالله اتساع یابد حدود و فعالیت های جامعه امر گسترش خواهد یافت و دامنه آن تنوع و تزیید حاصل خواهد نمود. " (۱۸۰) معهد اعلی

" هوالله ای بنات ملکوت الله الحمد لله به تحصیل کمال
 مشغولید و به درس تبلیغ مألوف شب و روز بکوشید تا به
 ادله و براهین منقول و معقول اطلاع یابید و احادیث و آیات
 حفظ نمائید و به براهین قاطعه و حجت واضح و ادله لائحہ
 اثبات ظهور اسم اعظم بنمائید. بلبل گویا شوید و بـ
 گلبانگ معنوی درس حقایق و معانی خوانید تا مرغان چمن را
 به وجد و طرب آرید و طیور گلشن عشق را به نغمه و آواز -
 آرید... ع (۱۸۱)" حضرت عبدالبہاء

بخش ۳

چگونه بخوانیم

شرایط و نحوه مطالعه و تعمق در آثار الهی و نتایج آن

- لزوم تقوی :

" تقوی پیشه کن و به دبستان علم الهی وارد شو اتَّقُوا اللَّهَ
يَعْلَمُكُمْ اللَّهُ " (۱۸۲)
حضرت بهاء الله

- لزوم خلوص :

" بهتر آنکه خالصاً لِوَجْهِ رَحْمَنِ قَدْرِي از آیات قرآن تلاوت
نمایید و در معانی آن تفکر کنید، شاید در این یوم که سلطان
ایام است از رحیق عرفان محروم نمانید و از کوشر وحی الهی
بی نصیب نشوید... در کتب الهیه تفرّس نمایید تا مطلع شوید
بر علم و حکمت و سلطنت و قوّت و قدرت و احاطه حق. " (۱۸۳)
حضرت بهاء الله

- لزوم بهره‌گیری از علم و عقل :

" خدا علم و عقل را خلق کرده تا میزان فهم باشد. " (۱۸۴)
حضرت عبدا لبهاء

- لزوم خضوع - خشوع - انجذاب - اجتذاب و توجه و تمعن و تفرّس:

" چون نفسی با خضوع و خشوع تام و انجذاب و اجتذاب بی - پایان به این کلمات درّیّات توجه و در حقایق مودعه در آن تمعن و تفرّس نماید، ابواب جدیدی بر وجهش مفتوح و اشراقات بدیعی بر قلب و روانش مشرق و لامع گردد بنحوی که زیست وجودش مشتعل شود و در انجام مهام و خدمات فا ثقه روحانیّه تقویت و تأیید عظیم حاصل نماید... " (۱۸۵) حضرت ولیّ امرالله

- لزوم مطالعات و تحقیقات عمیق تر و منظم تر:

" چنین می نماید که آنچه در حال حاضر بدان نیاز است مطالعات و تحقیقات عمیق تر و منظم تری است. " (۱۸۶)

حضرت ولیّ امرالله

- لزوم جهد و طلب:

" ای بندگان، مثلِ ظهورِ قدسِ احدیتم مثل بحرِیست که در قعر

و عمق آن لثالی لطیفه منیره اَزید از احصاء مستور باشد و هر طالبی البتّه باید کمر جهد و طلب بسته به شاطی آن بحر درآید تا قسمت مقدّره در الواح محتومه مکنونه را علی قدر طابّیه و جَهده اخذ نماید. " (۱۸۷) حضرت بهاء الله

- لزوم صفای قلب - تزکیه نفوس - فراغت روح :

" فهم کلمات الهیه و درک بیانات حَمَامات معنویه هیچ دخلی به علم ظاهری ندارد، این منوط به صفای قلب و تزکیه نفوس و فراغت روح است ... " (۱۸۸) حضرت بهاء الله

- لزوم سمع ظاهر :

" ای سلمان، بر عبادت کلمات رحمن را القاء کن و بگو... سمع را برای اصغای کلمات مظهر دارید. " (۱۸۹) حضرت بهاء الله

— لزوم اخلاص :

" لحاظ الله در اکثر بیانات متوجه افئده مخلصین از عباد خود بوده چه که آن نفوس مقدسه منقطعه روائح مسک معانی را از فرسنگهای بعیده استشمام نمایند و به کلمات الهی از کلمات عالمین منقطع شوند. " (۱۹۰) حضرت عبدا لبها ء

— لزوم سخت کوشی و پشتکار :

".. از هر کتابی حرفی بدست آرد و از هر رساله ای کلمه ای حفظ نماید و تتبع در آن نماید و به هر عالمی که تصادف نماید تشریح آن مسائل طلبد، یقین است که عاقبت فاضل یگانه گردد و عالم بی همتا شود. " (۱۹۱) حضرت عبدا لبها ء

— لزوم تمرکز :

" ... تا فکر انسان متفرق است، ابدأ نتیجه ای نبخشد و لسی اگر در یک نقطه فکر جمع شود نتایج عظیمه بخشد. " (۱۹۲) حضرت عبدا لبها ء

— لزوم توجه و استقامت و اطمینان :

" ... توجه کامل و استقامت تام در امر تحصیل لازم است تا جالب تا بیدات الهی گردد. لیاقت و استعداد خود را میزان عنایت الهی بدان و به سماء فضل و کرم توجه کن مطمئن باش مطمئن " (۱۹۳)

حضرت عبدالبهاء

— لزوم تلاش برای درک مفهوم حقیقی تعالیم :

" ... جهد نمایند مفهوم حقیقی تعالیم الهیه را ادراک کنید نه آنکه صرفاً بعنوان مطالبی که به شما تعلیم داده شده است بپذیرید. این تعالیم بمثابه عالم نوینی از افکار و حقایق شگفت انگیز است که حال آغاز ظهور و بروز و استفاده از مزایای آن است. چون به این اصل توجه نماییم که حضرت بهاء الله احکام و تعالیم خویش را برای مدت الفاسنه مقرر فرموده اند، بخوبی درک خواهیم نمود که هر نسل نوینی از آثار و بیانات مبارکه حقیقت و مفهومی بدست خواهد آورد که از آنچه نسلهای گذشته ادراک نموده اند بمراتب وسیعتر و عظیمتر است. " (ترجمه) (۱۹۴)

حضرت ولی امرالله

- لزوم تفرّس و تمعّن و تدقیق :

" در هر کلمه‌ای از زُبُر و الواح منیعهُ الهیّه تفرّس و تمعّن و تدقیق لازم تا متبصّرین و منقطعین و منصفین استنباط معانی مکنونه نمایند. " (۱۹۵)

حضرت ولیّ امرالله

- لزوم تفکر :

" امروز نورِ ناطق و نارِ متکلم و خورشید حقیقی مشرق ... اگر در آنچه ظاهر شده تفکر نمایی، خود را غنی و مستغنی از سوءال مشاهده کنی ... حجت و برهان فوق مقامات اهل امکان ظاهر فرموده آیاتش در کتب زُبُر و الواح موجود و مشهود و بیّناتش در سُوَرِ ملوک و رئیس ظاهر و هویدا " (۱۹۶)

حضرت بهاء الله

" تفکر نما تا حلاوت بیان رحمان را بیابی و به مقصود فائز شوی " (۱۹۷)

حضرت بهاء الله

" اگر قدری تفکر در کلمات منزله و آثار باهره نماید از عالم و عالمیان درگذرید و در امرالله خود را مستقیم

مشاهده کنید." (۱۹۸)

حضرت بهاء الله

" اگر نفسی فی الحقیقه در آنچه از قلم اعلی نازل شده
تفکر نماید و حلاوت آن را بیاید، البتّه از مشیت و اراده خود
فارغ و آزاد گردد و به اراده الله حرکت نماید طوبی از برای
نفسی که به این مقام فائز شد و از این فضل محروم نماند." (۱۹۹)

حضرت بهاء الله

- لزوم استنباط فردی از آثار:

" شخص بهائی اگر توجّه تام به این آثار مقدّسه نماید و خوض
و تعمّق در بحر این تعالیم سماویّه کند و معانی دقیقّه و
حکمتهای بالغه مودعه در هر یک را بدقت ملاحظه و از آن
استنباط نماید، از هر محنت و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و
وبالی و حزن و کدوری در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش
محفوظ و مصون ماند." (۲۰۰)

حضرت ولی امرالله

- لزوم صحبت و مذاکره:

" اغلب افکار و معلومات باید ضمن صحبت و مذاکره تفهیم گردد نه از راه کتاب " (۲۰۱)
حضرت عبدالیهاء

- لزوم مطالعات یومیّه و استفاده از معلّمین برجسته:

" اما از وظایف مهمّه اولیّه جوانان عزیز بهائی آنکه باید در بحر آثار و معارف امریه مستغرق شوند و هر روز لا اقل دقایقی از حیات خویش را مرتباً منظمّاً صرف تحصیل و مطالعه الواح و آثار مبارکه نمایند... " (۲۰۲) معهد اعلی

" ... جوان بهائی باید بقدر مقدور استعداد خود را پرورش دهد و علم را از افواه رجال اخذ نماید و نسبت به معلّمین خود نهایت خضوع و خشوع مرعی دارد. " (۲۰۳)

- لزوم تشکیل کلاس :

" یاران باید خود در این بحر بیکران غوص نموده کلاسهای منطقی برای فراگرفتن معلومات امری بطور دائم تشکیل دهند و برای تقویت فعالیت‌های خود عبادات و فرائض یومیّـه را فراموش نکنند و از تلاوت آیات الهی غفلت نورزند. " (۲۰۴)

معهد اعلی

- لزوم مرور مکرر و توجه به احادیث و روایات و دقایق ادبی:

" برای مطالعه امر الهی حدّ و حصری وجود ندارد. هر چه آیات الهی را بیشتر بخوانیم بحقایق بیشتری پی می‌بریم و به این حقیقت واقف‌تر می‌شویم که افکار و تصوّرات قبلی ما آمیخته با خبط و خطا بوده است. " (۲۰۵)

حضرت ولی امرالله

احباء باید برای نیل به این منظور، با کمال خلوص و نهایت جهد آثار مبارکه را مطالعه کنند، در تعالیم الهی غور و تعمق کنند، احکام و اصول آن را جذب کنند، در اندازات اصول و اهداف آن تعمق کنند، یاره ای از ادعیه و اذکار آن را به خاطر بسپارند، اصول اساسی نظم اداری را بیاموزند،

و پیوسته از امور جاری و آخرین تحولات آن خبر یابند، باید بکوشند از منابع معتبر و موثق از تاریخ و اصول اساسی اسلام - منبع و زمینه ایمان خود - معرفت لازم را کسب کنند، و با کمال احترام و با ذهنی عاری از افکار سالفه به زیارت قرآن بپردازند که علاوه بر آثار مقدسه ظهورات متتابعه بانی و بهائی تنها کتابی است که حاوی کلام کاملاً معتبر الهی است. آنها باید نسبت به تحری حقیقت مؤسسات و مقتضیاتی که رابطه مستقیم با منشاء و آغاز دیانت شان دارد، و نیز مقام مبشر اعظم آن و تعالیم مظهر امر الهی، توجه خاص مبذول دارند. (ترجمه) (۲۰۶)

از طرف حضرت ولی امرالله

- هر کس به اندازه قدر و مقدارش آثار الهی را درک می نماید:

"کل آیات الهی را ادراک می نمایند چه که اگر صاحب این مقام نبودند حجیت آیات مبرهن نمی شد... نزد متبصرین و صاحبان ابصر حدیده معلومست که مقصود از آنکه فرموده کل ادراک می نمایند " علی قدرهم و مقدارهم بوده لا علی قدر و مقدار ما نزل من لدی الله المقتدر المهیمن القیوم (۲۰۷)

حضرت بهاء الله

— عمیق شدن در امر یعنی چه :

" عمیق شدن در امر یعنی آنکه انسان آثار حضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری را چنان دقیق و کامل مطالعه کند تا بتواند امرالله را بصورت واقعی به دیگران معرفی نماید. بسیاری از افراد دارای نظرات و عقایدی سطحی نسبت به منظور و مقصد امر الهی می باشند و لذا این نفوس آئین الهی را توأم با افکار و تصوّرات شخصی خود به سایرین معرفی می کنند. چون امرالله هنوز مراحل اولیه را طی می کند باید نهایت دقت کنیم مبادا مرتکب چنین خطائی شویم و باین نهضت مقدس که تا این پایه مورد علاقه و پرستش ما است لطمه وارد سازیم. برای مطالعه امر الهی حد و حصری وجود ندارد. هر چه آیات الهی را بیشتر بخوانیم به حقایق بیشتری پی می بریم و باین حقیقت واقف تر می شویم که افکار و تصوّرات قبلی ما آمیخته با خبط و خطا بوده است. " ترجمه (۲۰۸)

حضرت ولی امرالله به نقل از معهد اعلی

" احبای عزیز الهی مقصدی که برای درک حقیقت امر باید در آن غور نماییم بدین شرح است : حضرت بهاء الله برای عالم بشریت چه می خواهد، برای حصول چه مقصود و منظوری تحمّل

شائد و مظالم فوق الطاقه فرموده، منظور مبارکشان از خلق جدید چیست؟ حضرتش چه تغییرات عمیقی بوجود خواهد آورد؟ پاسخ این سوءالات را باید در نصوص مقدسه این آئین نازنین و تبیینات حضرت عبدالبهاء و ولیّ محبوب امرالله جستجو نمود. یاران باید خود در این بحر بیکران غوص نموده کلاسهای منظمی برای فراگرفتن معلومات امری بطور دائم تشکیل دهند و برای تقویت فعالیتهای خود عبادات و فرائض یومیّه را فراموش نکنند و از تلاوت آیات الهی غفلت نورزد. (۲۰۹)

معهد اعلی

- منع لِم و بِم و مقایسه کلمات الهی با غیر آن :

"هیچ لذتی اعظم تر در امکان خلق نشده که کسی استماع نماید آیات آن (مظهر امر) را و بفهمد مراد آن و لِم و بِم در حق کلمات آن نگوید و مقایسه با کلام غیر او نکند... (۲۱۰)"

حضرت اعلی

فصل هفتم

" کسب علوم و فنون یکی از وظایف جوانان "

فهرست عناوین فصل هفتم:

- اهمیت علم و علوم نافع.
- علم سبب کشف اسرار طبیعت است.
- چه علمی مفید است و باید کسب شود.
- کسب علوم و فنون نوعی خدمت است.
- تحصیل علم و هنر و معارف باید همراه باشد.
- اثرات علم.
- در امر تحصیل توجه کامل و استقامت تام لازم است.
- تحصیل جوانان در دانشکده‌های مهم و معتبر حائز اهمیت بسیار است.
- علم چه موقع مقبول است؟

- اهمیت علم و علوم نافعہ :

" سب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است . علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود . تحصیلش بر کل لازم ولیکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که از حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد ... " (۲۱۱)

حضرت بیہاء اللہ

- علم سبب کشف اسرار طبیعت است :

" علت عظمای جور و فتور و عدم عدل و حقانیت و انتظام امور از قلت تدین حقیقی و عدم معارف جمہور است ، مثلاً اگر اہالی متدین و در قرائت و کتابت ماهر و متفہن باشند ، اگر مشکلی رخ نماید اولاً بحکومت محلّیہ شکایت نمایند ... و لکن حال اکثر اہالی از قلت معارف زبان و بیانی کہ تفہیم مقاصد خویش نمایند ، ندارند . " (۲۱۲)

حضرت عبدالبیہاء

- چه علمی مفید است و باید کسب شود؟

"... از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است اطفال به آن مشغول گردند تا راحه فساد از عالم قطع شود." (۲۱۳)

حضرت بهاء الله

"در رتبه اولیه باید در تحصیل معانی الهیه بکوشی و در - طلب عرفان جهد نمایی و در رتبه ثانیه در تحصیل خط بکوشی چه که اگر در خط استاد عماد گردی و شفیع شفیعاً شوی و پیش از درویش‌افتی و از عرفان الهی محروم، جوی شمر نبخشد ولی اگر امی باشی و بعرفان فائز، در درگاه احدیت مقبولی و محرم اسرار حضرت مقصود. اما اگر به کمال و فضائل معنویه آراسته و به کمالات ظاهره نیز پیراسته، این اکمل است و البهائم علیک" (۲۱۴)

حضرت عبدا لبهاء

"در مأموریت و آبادی و مدنیت و تحصیل معرفت و تزییند تجارت و ترقی زراعت و تحسین صناعت و ترقیات عصریه از هر قبیل کوشش نماید..." (۲۱۵)

حضرت عبدا لبهاء

"... در اینگونه مدارس چون تنها درس مادیات و حکمت

طبیعی خوانده می شود لهذا نفوس تحریری که ذی فنون باشند پیدا نمی شود. هر وقت حکمت الهی و طبیعی هر دو خواننده شود نفوس عجیبه و ترقیبات عظیمه حاصل گردد. سبب ترقیبات مداریس یونان همین بود که حکمت الهی و طبیعی را هر دو تعلیم می دادند. " (۲۱۶) حضرت عبدالیهاء

" این تعلیم و تربیت برای اینکه کامل و مثمرتر باشد باید طبعاً جامع شرایط لازمه بوده و نه تنها جنبه جسمانی و عقلی انسان را در مدنظر داشته باشد بلکه وجهه های روحانی و اخلاقی او را نیز تقویت و تکمیل نماید. اینست برنامه جوانان بهائی در سراسر عالم انسانی. " (۲۱۷) حضرت ولی امرالله

- کسب علوم و فنون نوعی خدمت است :

" هوالله . ای مظاهر الطاف الهی در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارفست و به نص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند. " (۲۱۸) حضرت عبدالیهاء

" در عین حال جوانان رحمانی باید از تاکید عظیمی که حضرت

بهاء‌الله در مورد کسب علوم و فنون فرموده‌اند نیز مطلع بوده و متوجه باشند که تحصیل علوم و اکتساب فنون عندالله اجری جزیل مُشابه خدمت در سبیل حق داشته و دارد. " (۲۱۹)

معهد اعلی

- تحصیل علم و هنر و معارف باید همراه باشد :

" در تحصیل کمالات ظاهره و باطنه جهد بلیغ نمایند چه که شمره سدره انسانی کمالات ظاهریه و باطنیه بوده. انسان بی علم و هنر محبوب نه، مثل اشجار بی ثمر بوده و خواهد بود لذا لازم که بقدر قوه و وسع سدره وجود را به اشمار علم و عرفان و معانی و بیان مزین نمایند. " (۲۲۰) حضرت بهاء‌الله

- اثرات علم :

" سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است. علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود. تحصیلش بر کل لازم. ولکن علمی که اهل ارض از آن منتفع

شوند نه علمی که از حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد." (۲۲۱)

حضرت بهاء الله

" فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست
علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط " (۲۲۲)

حضرت بهاء الله

" ... جمیع علوم در قبضه اقتدار حق بوده و خواهد بود آنچه
از فطرت نازل بر فطرت اصلیه الهیه نازل شده می شود. " (۲۲۳)

حضرت بهاء الله

" ... عنقریب نفوسی در علم ظاهر شوند و بکمال نصرت قیام
نمایند و در جواب هر اعتراضی ادله محکمه متقنه مرقوم
دارند چه که قلوبشان ملهم می شود بالهامات غیبیه الهیه. " (۲۲۴)

حضرت بهاء الله

" ... احبای الهی در هر حال موه یدند بشرط آنکه نه فقط
خیالشان منحصر بنفس خودشان باشد و از پی تحصیل ثروت و مقام
بروند و بگویند من که حکیم شدم باید تا آخر عمر راحت باشم
و چنین و چنان بکنم بلکه باید نیت خیر داشته باشند که خود

را خادم عالم انسانی بدانند. رنج خود بطلبند و راحت دیگران را
 اگر باین حالت موفق گشتند، آنوقت موهبید هستند. تا ثبیدات
 الهیه احاطه می کند. اشخاصی که علوم مادیّه تحصیل می کنند
 و از عوالم روحانی محرومند، ابدأً از آنها ثمری ظاهر نخواهد
 شد اما احباء که بنصوص و اوامر و نواهی الهی رفتار می کنند
 موهبیدند. احباء باید در علوم ظاهره هم بین الامل و الاقران
 ممتاز باشند، باید اول نمره بشوند و اگر تحصیل طب می کنند
 باید معلم بشوند تا بتوانند دیگران را هم تربیت کنند و
 چند نفری را درس طب بدهند. تنها طبیب شدن کافی نیست. احباء
 باید اینطور باشند. باید رضای جمال مبارک را در نظر بگیرند
 و به اشخاص نظر نکنند. مثلاً بگویند چون جمال مبارک خواسته
 که من خدمتگذار عالم انسانی باشم باید به این شخص خدمت
 کنم. علاج نمایم. دردش را تسکین دهم و زخمش را مرهم نهم و
 او را از هر حیث راحت و آسوده کنم. احباء باید اینطور باشند
 و الا نتیجه و ثمری ندارد. (۲۲۵) حضرت عبدالبهاء

- در امر تحصیل توجه کامل و استقامت تام لازم است :

" نظر را از خود دور کن و به ملکوت ابھی ناظر باش تا

تأییدات متتابع شود. توجه کامل و استقامت تام در امر تحصیل لازم است تا جالب تأییدات الهی گردد. لیاقت و استعداد خود را میزان عنایت الهی بدان و به سماء فضل و کرم توجه کن
مطمئن باش مطمئن ... " (۲۲۶)
حضرت عبدالبهاء

- تحصیل جوانان در دانشکده‌های مهم و معتبر حائز اهمیت بسیار است :

" برای جوانان بهائی از ذکور و اناث تعلّم کامل در دانشکده‌ها که صاحب مقام و موقعیت عالیّه هستند همانقدر دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در مسائل روحانی لازم و محتّم می باشد. جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی قبل از آنکه بتواند بنحو اکمل در دایره خدمات امریه وارد گردد، باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد. " (۲۲۷) حضرت ولیّ امرالله

- علم چه موقع مقبول است؟ :

" مدارس علوم باید دبستان تعلیم و ادب باشد و در آداب و

اخلاق بیش از علوم و فنون اهتمام نمایند زیرا ادب و نورانیت اخلاق مَرَجَح است. اگر اخلاق تربیت نشود، علوم سبب مَضَرّت گردد. علم و دانش معدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد و الاّ سم قاتل و آفت هائل. طیب بدخو و خائن، سبب هلاکت گردد و علت انواع امراض. " (۲۲۸)

حضرت عبدا لبها *

۱۴

"... هر چند تحصیل فنون و علوم اعظم منقبت عالم انسانی است ولی بشرط آنکه این نهر متصل به بحر اعظم شود و از فیض قَدَم استفاضه کند. چون چنین شود هر استاد بحر بی پایان گردد و تَلْمِیذ یَنْبُوعِ علم و عرفان شود. پس اگر علوم دلیل بر جمال معلوم شود فَنِعَمَ الْمَأْمُولِ والاّ شاید این قطره سبب گردد و از فیض موقور محروم شود وی را تکبر و غرور آرد و قصور و فتور بخشد. علوم حاضره قَنْطَرَهُ حقیقت است، پس اگر حقیقت میسر نگردد از مجاز چه شمر و اثر تَالِهِ الْحَقِّ اِنْ لَمْ یَكُنِ الْعُلُومُ سَبَبًا لِلْوُضُولِ اِلَى الْمَعْلُومِ فَهِيَ خُرَانٌ مُبِیْنٌ... " (۲۲۴)

حضرت عبدا لبها *

لهذا یاران رحمانی آنچه دارند و آنچه جویند باید برای امر مبارک خواهند. عزّت و شوکت و غنا و ثروت و ضیاع و عقار

و علم و صنعت، کل در نظر احبای عزیز وسیله عبودیت آستان الهی است نه هدف اصلی و مقصد غایی. اگر این مراتب و شئون در سبیل خدمت امر مبارک و تاسیس ملکوت الهی و خدمت عالم انسانی بکار رود، زهی سعادت و نِعَم المُرَاد والا وبال گردن است و اسباب گرانباری و محرومیت. ملاحظه در علوم ظاهره فرمایید که اگر از عرفان حق محروم ماند، حجاب اکبر گردد و بالعکس اگر اصحاب علوم به معرفت حق فائز گردند مصداق این بیان مبارک گردند: "طُوبَى لَكُمْ يَا مَعْشَرَ الْعُلَمَاءِ فِي الْبَهَاءِ تَالِهَةِ أَنْتُمْ أَمْوَاجَ الْبَحْرِ الْأَعْظَمِ وَ أَنْجُمَ سَمَاءِ الْفَضْلِ وَالْوَيْةِ النَّصْرِ بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ." و یا در ثروت ظاهره ملاحظه فرمایید که به اعتباری هم آتش سوزان امتحان و افتتسان است و هم اسباب قربیت یزدان... به همچنین سایر شئون ظاهره عالم امکان نیز همین حکم را دارد. ^(۲۳۰) معهد اعلی

" آنچه بوده و هست آنکه آن عزیزان از تلاوت آیات و مطالعه آثار و تقویت روحانی خویش غافل نمانند زیرا اساس سعادت ابدیه در این است. امور دیگر از قبیل تحصیل ثروت حتی علوم و فنون هر چند فی حد ذاته ممدوح ولی در صورتی مقبول است که مانع قربیت الهیه و ارتقاء به مدارج عالیه روحانیه و کسب حیات ملکوتیه نگردد والا خسران مبین است! ^(۲۳۱)

معهد اعلی

" یک فرد بهائی یقیناً بیش از اغلب مردم به این حقیقت -
 توجه دارد که هرگونه معلوماتی به وی داده می شود بایست
 قبلاً آن را با میزان الهی که در دست دارد، بسنجد نه آنکه
 کورکورانه قبول نماید... زیرا تعالیم الهی است که می تواند
 انسان را در تشخیص و تمیز ذهاباً خالص از قشور و مصنوعات
 زائده که مولود افکار سخیفه بشری است معاضدت نماید. " (۲۳۲)

معهد اعلی

" تحصیل صحیح مُمدِّ حال شخصی است که دانا و آگاه و مؤید باشد
 ولی اگر دانش فطری و تأیید الهی نباشد فقط تحصیل چه ثمر
 و اثری دارد؟ " (۲۳۳)

حضرت عبدالبهاء

فصل هشتم

" خدمت‌یگی از وظایف جوانان "

فهرست عناوین فصل هشتم:

- اهمیت خدمت در جوانی.
- خدمت در جوانی فیض و موهبت عظیم الهی است.
- خدمت بالاترین افتخار است.
- خدمت مغناطیس تأیید است.
- هدف اصلی خدمت جلب رضای الهی است.
- کار و خدمت و تحصیل باید توأم شود.
- امتناع از قبول خدمات مذموم است.
- ثروت نباید در راه خدمت امر صرف شود.
- ضرورت های اساسی خدمت.
- آداب نیت بزرگترین آفت خدمت است.
- توجه به کمبودهای شخصی یکی از موانع خدمت است.
- تاثرات خدمت.
- نقش افراد احباء در خدمات.
- راههای خدمت:
- مهمترین خدمت عمل بموجب تعالیم الهیه است.
- خدمت در تشکیلات یکی از راههای خدمت است.
- دلالت و نصیحت یکدیگر یکی از راههای خدمت است.
- تخلیق به اخلاق بهائی و کسب معارف یکی از راههای خدمت است.
- طرح یکسال خدمت.
- استقامت احباء در ایران اعظم خدمت است.
- بزرگترین خدمت احبای ایران.
- راههای دیگر خدمت.

— اهمیت خدمت در جوانی :

" احبّای جوان بایستی از وظیفه و هدف دیانت بهائی و سرنوشت خود در این ایّام خطیر و بحرانی دقیقاً آگاه شوند چه که وظیفه مهم سازندگی دنیای آینده بر خرابه‌هایی که لزوماً نتیجه جبری اضطرابات و آشوبهای کنونی جهان می باشد، بعهدده جوانان محول گردیده است. آنها باید وظیفه خویش را با نهایت جدّیت در نظر گیرند و آماده تحمل وظیفه خطیره، دائم التّزاید خود گردند. " (۲۳۴) حضرت ولیّ امرالله

" مجهودات ، امیدها و آمال جوانان بهائی در امریکـا همچنین در جمیع نقاط جهان قرین دل و جان و نزد این عابد بسی عزیز و گرامی است . والاترین و سخت ترین مسوولیت جهت ترویج مصالح امرالله در مستقبل ایّام هماهنگی و تشریک مساعی فعالیت‌های جوانان در سطح جهانی ، توسیع میدان آن، حفظ اصالت و اعتلاء فضائل و کمالات و تجسم و ترجمان مآرب و مقاصد امر حضرت ربّ البریه و تبدیل آن به توفیقات عظیمه ثابت به عهده جوانان محول می باشد. وظیفه آنها خطیر و درعین حال مقدس و مهیمن و مهیج است . امید است روح قدیمی حضرت بهاءالله آنها را صیانت نماید و الهام بخشد و در اجراء

وظیفهٔ مشخصهٔ ملکوتیشان حمایت و عنایت فرماید. " (۲۳۵)

حضرت ولیّ امرالله

" امید و طید یاران برای دنیایی بهتر و سالمتر کاملاً متوجه شما جوانان است که مأمور گشته‌اید تا باقوال و اعمال خویش آنگونه حقایقی را که به تنهایی می‌توانند بنحو مؤثری وحدت و صلح را در جهان تأسیس و مستقر سازند، بمنصهٔ ظهور رسانید. " (۲۳۶)

حضرت ولیّ امرالله

" هیکل مبارک را امید چنان است که این افراد جوان خود را برای وظیفهٔ بزرگی که در مستقبل ایام با آن مواجه خواهند گردید مستعد و آماده نمایند و آن مساعدت به تجدید بنای عالم با الهام و تأیید از تعلیمات و اوامر مقدسهٔ بهائی است. " (۲۳۷)

حضرت ولیّ امرالله

" جوانان کسانی هستند که بناچار در آینده‌ای نزدیک مجری امور تبلیغی و تشکیلاتی این آئین مبین خواهند گشت و هرچه زودتر خویش را از طریق تجارب حقیقی در میدان تبلیغ برای این مسوولیت سنگین آماده و مهیا سازند احسن و اولی خواهد بود. " (۲۳۸)

حضرت ولیّ امرالله

خدمت در جوانی فیض و موهبت عظیم الهی است :

"... اما از جوانان بهائی، وارثین متقدمین شجیع و مومنین اولیّه امرالله که هم اکنون بار مسوولیت تاریخی بردوش آن عزیزان پر جوش و خروش نهاده شده است دعوت می‌نماید تا در این ایام که علاقمندی شدید نسبت به امر ربّ مجید در سراسر جهان محسوس و عیان است، مساعی خویش را مضاعف نمایند و پیام جانبخش مالک‌امکان را به سمع همسالان معاصر خود برسانند و خود را آماده روز فیروزی سازند که از معتقدین و متمسکین و مومنین با تجربه محسوب گشته و قادر به انجام وظائف خطیره‌ای گردند که در مستقبل ایام به اراده حضرت

ربّ الانام به آنان محوّل خواهد شد. به این مناسبت لوح مبارکی که از قلم اعلیٰ نازل شده زینت بخش این پیام می گردد. قوله عزّ بیا نه :

" طوبی از برای نفسی که در او اواثل جوانی و عنفوان شباب قیام به خدمت امر مولای عالمیان بنمایند و قلب خود را به محبتش بیا رابند. نیل به چنین فیض عظمی و موهبت کبری اعظم است از ابداع السموات و الارض طوبی للثابتین و التراسخین ."

(ترجمه) (۲۳۹)
معهد اعلیٰ

— خدمت بالاترین افتخار است :

" ای خادم درگاه حق، این خادمی تو از شهنشاهی عالم برتر است و این بندگی تو از سلطنت جهان بهتر، زیرا این شهریاری جهان سراب بقیع است بلکه سمّ نقیع و لکن خادمی تو سلطنت باقیه است و حکومت سماوات عالیّه ... باری این جامه عبودیت بردا، عزّت قدیمه است و این خاک بندگی، تاج و افسر شهنشاهی جهان باقی. این است که اکلیل جلیل این عبد ذلیل در درگاه جمالی ابهی مقام عبودیت است و اعظم مباحات قیام بر بندگی این عتبّه علیاست . " (۲۴۰)

حضرت عبدالبهاء

" هو الاهی ای جوان نورانی در این محضر مذکوری و در این انجمن مشکور چه که رویی از پرتو اسرار نورانی داری و قلبی از لمعه رحمانی، ربّانی، غم مخور عنقریب جمیع سلاله و تبار بوجود تو افتخار نمایند و در ظلّ تو پایدار شوند ... ولی احبّاء باید روش و سلوکی گیرند که سبب انجذاب قلوب گردد نه فرار نفوس، سلیم و حلیم باشند و بردبار و با جمیع نفوس - چه ابرار چه اشرار به ملایمت و ملاطفت رفتار نمایند، تحمل کنند و تلطّف نمایند... " (۲۴۱)

حضرت عبدالسیاه

- خدمت مغناطیس تا بید است :

" نفوسی که لَوْجِهَ اللّٰه بر خدمت امر قیام نمایند ایشان مُلَهَمَند به الهامات غیبی الهی، بر کل اطاعت لازم. " (۲۴۲)

حضرت سیاه‌الله

" ... هیچ امری به اندازه خدمت به امرالله موفقیت دربر ندارد. خدمت مغناطیس تا بیدات الهیه است، در این صورت وقتی شخص فعّال باشد روح القدس او را تایید می‌کند و در صورت عدم فعّالیت روح القدس از شمول تایید بازمانده و شخص از

اشعه شفا دهنده و روح بخش آن محروم می ماند. " (۲۴۳)
حضرت ولی امرالله

" اگر چنانچه یاران الهی آنقدر صبر کنند تا جهت انجام هر امر خاصی واجد شرایط کامل شوند، امر الهی دچار رکود تقریبی خواهد شد ولی صرف نیت خدمت هر چند بقدر محدود، جذب تأییدات الهی است و شخص را برای اجرای وظایف خود توانا تر می سازد. " (۲۴۴)
حضرت ولی امرالله

- هدف اصلی خدمت جلب رضای الهی است :

" اگر خدمت می کنیم برای آن باشد که رضای الهی را جلب نماییم نه این که به پاداشی برسیم. برای خاطر خدا و صرفاً از روی کمال عشق و محبت خدمت کنیم. خود را متعلق به تشکیلات و تشکیلات را از آن خود بدانیم. همینقدر کافیست که جمال مبارک از ما راضی باشد آنوقت است که بهائی حقیقی هستیم. " (۲۴۵)
حضرت ولی امرالله

— کار و خدمت و تحصیل باید توأم باشد :

" حالا من لِم خدمت را به تو می گویم . اوقات خودت را با خدا تقسیم کن . نصف روز را در تلاش معاش و تأمین زندگی مادی و شئون ظاهری صرف کن و نصف دیگر را در کسب فضائل اخلاقی و خدمت به آستان الهی اختصاص ده " (۲۴۶) حضرت عبدالبهاء

" توصیه حضرت ولیّ امرالله دایر بر اینکه وقت خود را بین خدمت به امرالله و مباشرت به سایر کارها تقسیم کنی . همان است که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به پیاران توصیه فرموده اند . میان دو آیه از کتاب اقدس یکی دایر بر اینکه هر فرد بهائی مکلف است به ترویج امرالله بپردازد و دیگری مُشعر بر اینکه هر نفسی باید به کاری که به نفع جامعه باشد اشتغال ورزد . توافق و سازش وجود دارد . حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود می فرماید که : الیوم عالیترین نوع انقطاع آنست که به حرفه ای اشتغال ورزندی و مخارج خود را تأمین نمایند . بنا بر این یک بهائی خوب کسی است که زندگی خود را طوری مرتب نماید که هم احتیاجات مادی خود را مرتفع سازد و هم به خدمت امرالله موفق شود ."

ترجمه (۲۴۷) از طرف حضرت ولیّ امرالله

" اما جوانان عزیز بهائی فرصت بسیار مبارکی در پیش دارند و تا سبکبارند باید رهسپار سبیل خدمت گردند. اگر به اکتساب علوم و فنون عالیّه نافعّه مشغولند یا به شغل و صنعت و اقترافی مألوف، باید در همه حال مقصد اعلایشان تقدیم خدمتی به آستان یزدان باشد. " (۲۴۸)

معهد اعلی

- امتناع از قبول خدمات مذموم است :

" مقتضی می دانم خاطر احباء را به لزوم قبول بلاشرط هر نوع خدمت و وظیفه‌ای که نمایندگان یا محفل ملی به آنان رجوع نمایند متذکر سازم. هرگونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم می دانم. " (۲۴۹)

حضرت ولی امرالله

" نباید تصور نمود که طبقه جوان باید منتظر مرور زمان بوده تا پس از طی مراحل کمال بتوانند به آستان الهی خدمات لایق تقدیم نمایند. خیر چنین نیست برای هر فرد جوان اعم از بهائی یا غیربهائی، سنین جوانی دورانی است بسیار مهم ... این عوامل است که بزرگترین فرصتها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایشها را بر وجه جوانان بهایی مفتوح می کند. " (۲۵۰)

معهد اعلی

— ثروت باید در راه خدمت امر صرف شود:

" ثروت و عزت اگر وسیله خدمت و عبودیت آستان الهی گردد
مطلوب است والا احتراز از آن محبوب ... " (۲۵۱) معهد اعلی

— ضرورت‌های اساسی خدمت :

" شما نباید به توانائی محدود شخص خود ناظر باشید بلکه
باید ناظر و دلگرم به این باشید که تأییدات الهیه تا چه
حدّ عظیم است. ببینید چگونه خاک تیره در پرتو تابناک شعاع
خورشید گلها و ریا حین زیبا بار می آورد. همچنین هر یک از
ما با کمک تأییدات الهی می توانیم دنیایی را از قدرت و
توانایی خود متحیر و مبهوت کنیم. این حقیقت ایمان الهی
و آن چیزی است که هر موفقیت و پیشرفتی منوط و وابسته
به آن است. " (۲۵۲) حضرت عبدالبهاء

" هیچ نفسی به سعی خود کاری از پیش نبرد. عبدالبهاء باید
راضی باشد و امداد نماید. " (۲۵۳) حضرت عبدالبهاء

" فی الواقع خلعت از خودگذشتگی و فداکاری در خدمت امر الهی مطلوب و مأجور است نه وسایل یا لیاقتها و یا ثروت (۲۵۴) حضرت ولی امرالله

" امروزه امر الهی چندان احتیاج به نفوسی که تحصیلات عالیه دارند و روشنفکر هستند و می توانند تعالیم امر را به خوبی معرفی نمایند ندارد، بلکه نیاز به نفوس مخلص و فداکار و حامیان وفاداری دارد که بی اعتنا نسبت به عدم امکانات و ضعف قوای خود بوده با قلبی مشتعل از نار محبت الله همه چیز خود را در راه انتشار و استقرار امرالله فراموش کنند." (۲۵۵)

معهد اعلی

" ... از یاران الهی دعوت می شود کل من دون استثناء چه زن چه مرد و چه پیر و چه برنا قدم در میدان خدمت گذارند، چه که موفقیت جامعه مرهون ابتکارات و مجهودات تبلیغی و مساعی فرد فرد یاران راستان است. احبای الهی با ثبوت و رسوخ کامل در عهد و میثاق سبحانی و با تلاوت ادعیه و مناجات یومیّه و ترتیل آیات مقدّسه و جهد بلیغ در تفهیم سنن... حدود و احکام سماویّه با مسائل روزمره و با تخلّق به اخلاق حسنه و صفات مرضیه در ظلّ نظم جهانی الهی می توانند در میدان

تبلیغ به کسب موفقیت‌های بیشتری نائل گردند... " (۲۵۶)

معهد اعلی

انانیت بزرگترین آفت خدمت است :

" اگر نفسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکرویا تصور کند که خدمات او در نتیجه لیاقت شخصی او بوده، کارش تمام و سقوطش شروع می‌گردد. این است منتهی علتی که عده‌ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بختاً خود را بکلی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر آنها را چون نفوس عاقله متروک ساخت. میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق بوسیله ما عمل نماید. " (۲۵۷)

حضرت ولی امرالله

— توجه به کمبودهای شخصی یکی از موانع خدمت است :

" هر میدان خدمتی که برای خود در نظر می‌گیرید خواه برای تبلیغ باشد و یا خدمت در تشکیلات، اصل لازم و ضروری اینست که از مجاهده در سبیلش باز نایستید و نگذارید توجه بسه

کمبودهای شخصی در علاقه شما به خدمت امر ادنی نقصانی پدید
آورد چه رسد به اینکه مانع از خدمت پرشور و موه‌تر شما
گردد. " (۲۵۸)
حضرت ولی‌المرالله

" مگر حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء کرا را به ما
اطمینان نداده‌اند که جنود غیبیه الهیه افرادی را که
شجاعانه و با کمال اطمینان در سبیلشان می‌کوشند نصرت
دهند و یاری نمایند. این اطمینان باید شما را قادر سازد
که بر هر احساس عدم لیاقت و کفایت در خدمت امر و بر هر
نوع مشکلات ظاهری و باطنی و یا محدودیت که بیم تضعیف
نیروی خدمت به امر در آن باشد، فائق گردیده، باید با قلبی
طافح از مسرت و اطمینان قیام نمایید و سهم خود را به
تمام قوی برای انتشار و توسعه بیشتر امر محبوب ایفا
نمایید... " (۲۵۹)
حضرت ولی‌المرالله

- تا ثیرات خدمت :

" نفس حرکت لوجه الله در عالم موه‌تر بوده و هست. " (۲۶۰)

حضرت بهاء‌الله

" هر قوه و استعدادی که در امرالله صرف می شود اثراتش
باقی می ماند و نتایج باقیه می بخشد والا کَانَ لَمْ یُکُن شَیْئاً
مذکوراً گردد. " (۲۶۱)
حضرت عبداللبها

" نفوسی که قوه ناطقه دارند اگر این قوه در آنها با تقدیس و انجذاب
توام شود، اثرات عظیمه از آنها ظاهر شود و بخدمات فائده‌در
آستان الهیه موفق گردند. " (۲۶۲)
حضرت عبداللبها

" هیچ امری به اندازه خدمت به امرالله موفقیت دربرندارد. (۲۶۳)
حضرت ولی امرالله

" اگر احبای الهی چنانچه باید قیام کنند و بحالتی آیند
که هر یک مصداق و آجعل اورادی ورداً واحداً و حالتی فی
خدمتک سرمداً گردد و بکلی در امرالله محو و فانی، طولی
نمی کشد که جمیع امم را منقلب می نمایند. ولو در هر شهری
دو نفر مؤمن مخلص یافت شود که بکلی از خود بگذرند کفایت
است. " (۲۶۴)
حضرت عبداللبها

" آنچه سبب فوز و فلاح و نجاح است خدمت امرالله است والا -
عمر بیهوده می گذرد و ابداً نتیجه‌ای ندارد. " (۲۶۵)
حضرت عبداللبها

" اگر نفسی فی سبیل الله نفسی برآرد و خدمتی بنماید در ملکوت ابهی مذکور آید، هرگز فراموش نشود. " (۲۶۶)

حضرت عبدالبهاء

" ای بنده الهی، گوش شنوا بگشا و نصیحت عبدالبهاء بشنو. در این دار فانیه شمره و نتیجه‌ای نه و بهره و نصیبی نیست. عاقبت خسران است و انجام امور ضرر و زیان، مگر آنکه انسان بنیان باقی بگذارد و بنیاد ابدی بنهد و آن خدمت امرالله است و عبودیت درگاه کبریا. جز به آن دل میند و دون آن - مطلب. " (۲۶۷)

حضرت عبدالبهاء

" هیچ امری نمی تواند مانند شرکت مداوم و مؤثر و خردمندانه جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره در دایره خدمات تبلیغی، همچنین مجهودات اداری، روح جوان و نیروی فعاله‌ای را که ممدّ حیات و محرک تاسیسات امر نوزاد الهی است در انظار ناس در هر دو قاره مشهود و جلوه‌گر سازد. این تعاون و تعاضد در خدمات و مجهودات امریه بهترین وسیله‌ای است که بموجب آن اعداء دین الله که ترقی و تکامل آئین رحمانی و مشروعات و مؤسّسات یزدانی را با شدت و ضعف با نظر مخالفت و تنقید و بی ایمانی و تردید می نگرند

به این حقیقت مسلمه پی برند و موقن و مدعن گردند که شریعه
 الله زنده و نباض و اساس محکم و متین و مقدراتش مستحکم
 و رصین است. " (۲۶۸) حضرت ولی امر الله

" کدامیک از یاران می تواند ادعا کند که در حیات بهائی
 به اعلی درجه آسایش دل و جان و رضایت وجدان فائز شده است.
 جامعه جهانی بهائی که مانند هیکل بدیع سالمی رشد می کند،
 در سیر تکاملی خود سبب تولید سلولهای جدید و اعضای جدید
 و وظایف و قوای جدید می گردد. و در این میان هر فرد بهائی
 که حیات خود را وقف امر می کند در ظل آن سلامت و آرامش
 خاطر و عنایات موفوره حضرت بهاء الله را که در نظم الهی
 سریان دارد، کسب می نماید. هر یک از یاران علاوه بر تبلیغ
 امر الله باید به آستان الهی دعا کند و بکوشد تا در امور
 یومیّه خود نیز به مقتضیات حیات بهائی عمل نماید و به
 صندوقهای امریّه کریمانه تبرّع کند. " (۲۶۹) معهد اعلی

" جوانان بهایی می توانند بطور قاطع به اصالت و صفا و قوه
 محرکه حیات جامعه کمک نمایند. موقعیت و موقف آئینده آئین
 الهی و ظهور و بروز کامل قوای مودوعه در شریعت ربّانی به
 همت و قیام ایشان بستگی دارد. نوجوانان و همچنین جوانانی

که سنین عمرشان بین ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارد و با وظیفه خطیری مواجه بوده و می توانند از فرصتی که در تاریخ بشری سابقه و مثال است استفاده نمایند. " (۲۷۰) معهد اعلی

- نقش افراد احباء در خدمات :

" ... فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، اگر امروز شخصی از اضعف مخلوقات به خدمت حق بپردازد، تائیدات و توفیقات ربّانی از هر جهت او را احاطه نماید... پس بکوشید که در عبودیت آستان مقدّس استقامت نمائید. این است آن عزت ابدیه، این است نعمت سرمدیه، اینست سبب نورانیت وجود در ملکوت ابهی، این است سبب ترقی در این اوج نامتناهی و عَلَیْكُمْ الْبَهَاءُ الْآلِبُهِی " (۲۷۱)
حضرت عبدالبهاء

" قیام و کوشش در خدمت امر هر قدر دشوار و موجب زحمت باشد، افتخار آمیز است و در درجه اول متوجه یکایک افراد احباءست که در هر حال سرنوشت تمام جامعه با آنها بستگی دارد. فرد بهائی بمنزله تار و پود جامعه است که کیفیت و نفاست بافت آن بسته به اوست. او در حکم یکی از حلقه های

بیشمار زنجیر محکمی است که اکنون کره^۱ ارض را احاطه نموده است. او بمثابه سنگ زیرینای ساختمان است که ثقل بنا و ثبات نظم اداری را که اکنون در هر قسمتی از دنیا استقرار یافته است، تحمّل و تضمین می کند. بدون حمایت قلبی و مستمر و مداوم فرد بهائی هر تصمیمی که بوسیله^۲ محفل ملی یعنی هیئتی که بعنوان نماینده^۳ ملی آن جامعه انتخاب شده است اتخاذ شود، محکوم به شکست خواهد بود. اگر چنین حمایتی از جانب افراد و تشکیلات جامعه دریغ شود، حتی مرکز جهانی امر نیز فلج خواهد شد و نفس طراح نقشه^۴ ملکوتی نیز اگر چنانچه فاقد وسائل مناسب جهت اجرای آن طرح باشد از نیل به مقصد خویش باز می ماند و تأییدات متتابعه^۵ حضرت بهاء الله مؤسس دینت بهائی در باره^۶ هر یک از افرادی که در سبیل خدمتش قیام نمایند و سهم خویش را ایفا نکنند سلب خواهد شد.

(۲۷۲)

حضرت ولی امر الله

- راههای خدمت :

" سنین اخیر شاهد مجهودات جمیله و توفیقات بدیعۀ جوانان در شرق و غرب جهان بود ... بعضی تحصیل و مهاجرت را با هم

قرار دادند و در هر دو موفق شدند و برخی جهت تبلیغ و تشویق با سفراری طویل المده پرداختند و عده‌ای قبول شغل و کسب‌قلیلی را در میدان خدمت ارجح بر فراش راحت و مشاغل بهتر شمردند و از این راه انقطاع خویش را اثبات فرمودند. " (۲۷۳)

معهد اعلی

" در حقیقت جوانان بهایی در هر مملکت باید از اجنحه قویه محفل ملی در خدمات امری باشند. " (۲۷۴) معهد اعلی

" هر کس بمجرد آنکه در سلک پیروان شریعت الهی داخل گشت، باید مؤمن به بسط فعالیت در پیشرفت امرالله باشد و همه استعدادها و قوایی را که در اختیار دارد در کمال اخلاص به خدمات این هدف غایی زندگی بگمارند. " (۲۷۵) معهد اعلی

مهمترین خدمت عمل بموجب تعالیم الهیه است :

" باید دوستان الهی به خدمات امر مشغول شوند و خدمات امر عمل به آنچه در کتاب الهی نازل بوده و خواهد بود. " (۲۷۶)

حضرت بهاء الله

"الیوم یوم نهضت و قیام عاشقانه جوانان است که با همتی زائد الوصف امواج دریای ماده پرستی را درهم شکنند و بحر تمدن و معانی را از طوفان افکار سخیف و پست اجتماعی محفوظ و مصون دارند و با انوار دیانت جامعه بشری را به شاهراه فلاح و رستگاری هدایت کنند. جوانان باید در راه خدمت به عالم امر عاشقانه جانبازی کنند و برای نجات بشر از گردباد جهل و گمراهی با معارف و اوامر الهی چنان مجهز گردند که علم یا بهاء الاهی را بر فراز این توده غیرا باهتزاز آورند. (۲۷۷)

"حفظ اصالت و اعتلاء فضائل و کمالات و تجسم و ترجمان مآرب و مقاصد امر حضرت ربّ البریه و تبدیل آن به توفیقات عظیمه ثابتة بعهدہ جوانان محول می باشد. وظیفه آنها خطیر و در عین حال مقدّس و مهیمن و مهیج است. (۲۷۸)

حضرت ولی امرالله

"نهضت بهائی نیازمند جوانانی است که بیداری روحانی یافته تا با قیام خود جلوی طغیان موج تمدن مادی که نوع بشر را به ورطه دمار و ویرانی کشانده، سد نماید.
وقتی بزرگترین رنج و مصیبت فرارسد، برعهده جوانان است

که صفوف خود را مجهز سازند و بالاتفاق قیام کنند و وظیفه خود را اجراء و اکمال نموده و ملکوت الهی را در روی زمین تاسیس و مستقر نمایند." (۲۷۹)
حضرت ولی امرالله

" خدمت امر این است که انسان بموجب نصایح و وصایای مبارک عمل کنند، همان عمل او خدمت به امر است این دور، دور قبول نیست ... با عمل باید شهادت داد نه به لسان . چنان رفتار کنید که هر کسی ببیند بگوید یقین که این شخص بهائی است احبای الهی باید هر یک جان خودش را از برای دیگری فدا کند قلبش مملو از محبت باشد." (۲۸۰)
حضرت عبدالبهاء

" همه ما قادر نیستیم که بطور یکسان به امر خدمت کنیم، تنها طریقی که یک فرد بهائی می تواند به انتشار امر کمک نماید عمل بموجب تعالیم است که قلب مردم را خیلی بیشتر از قول به هیجان می آورد . محبتی که ما نسبت به دیگران ابسراز می داریم، رفق و مدارا و تفاهم و علاقه در کمک به سایرین بهترین راه تبلیغ امر الهی است . وقتی که آنها این آثار را در زندگی ما ببینند به شوق خواهند آمد که در باره امر نیز تفحص نمایند." ترجمه (۲۸۱)
حضرت ولی امرالله

" یاران عزیز خانم و آقای ... توانائی فوق العاده‌ای برای افروختن آتش عشق الهی در قلوب ناس‌دارند. جهان تشنه‌ی این عشق کامل حاره‌ی شدید است. تا زمانی که مردم در حیات اجتماعی و انفرادی ما شاهد اعمال و روحیه‌ای که حاکی از عشق خداست نباشند به تعداد کثیر از امر الهی استقبال نخواهند کرد. " (۲۸۲)

حضرت ولی‌ امرالله

خدمت در تشکیلات یکی از راههای خدمت است :

" خدمت در تشکیلات امریه و اطاعت مصوبات این مراجع ذی صلاح باید در نهایت خلوص‌نیت و از روی کمال رافت و محبت باشد، چه که خدمت بدون خلوص‌نیت و پاکی قلب مورد رضای درگاه الهی نیست. باید با تمام قوی و در کمال صمیمیت قیام به نصرت و خدمت در تشکیلات را پیشه‌ی خود نماییم و از هر نوع خدمتی ولو جزئی روگردان نشده با شوق و ذوق به اجرای آن همت موفور می‌دول داریم و مطمئن باشیم که خدمت در تشکیلات خدمت به امر جمال قیوم است. " (۲۸۳)

حضرت ولی‌ امرالله

- دلالت و نصیحت یکدیگر یکی از راههای خدمت است :

" تمنای توفیق خدمات نموده بودی ، الیوم اعظم خدمات نصیحت یاران است و هدایت گمراهان . اهل بهاء باید همواره یکدیگر را به نصایح محرمانه دلالت بر نیستی و فنا و حق پرستی و وفا و محویت در جمیع شئون نمایند ، زیرا که اعظم آفات و اصعب عقبات راحه وجود است که از انسان استشمام گردد و ستایش خویش نماید و ممدوحیت خود خواهد . این دلیل وجود است و شعله آتش موقود . باری یاران را به محویت و فنا خوانید تا سبب حصول عزت کبری شود و به خشوع دلالت کنید تا سبب وصول الی الله گردد و خلق را به هدایت کبری دعوت کنید تا علت تقرب الی الله شود . فتور خواهید و قصور مجوئید بلکه **أنا فأنأ** بر انجذاب و اشتعال بیفزایید . " (۲۸۴) حضرت عبدالبهاء

- تخلّق به اخلاق بهائی و کسب معارف یکی از راههای خدمت است :

" جوانان عزیز در ایران ، اعظم خدمتی که حال بدان فائزند ،

همانا تخلق با خلاق بهائی و تبلیغ با عمل و دیگر استغراق
در بحر آیات الهی و تحکیم مبانی ایمانی از طریق انیسو
ممارست با آیات صمدانی. " (۲۸۵)
معهد اعلی

- طرح یکسال خدمت :

" چون از دوران جوانی شما ایام معدودی بیش نگذشته و بار
مسو و ولایت های خانوادگی را تاکنون تحمل ننموده اید برهه
کوتاهی در حدود یکی دو سال از عمر خویش را در خدمت شریعت
الهی تخصیص دهید و در اوطان خویش و یا اقالیم سائره جهان
در میادین تبلیغ و توسعه امر حضرت منان به مجاهدت و
فعالیت پردازید. " (۲۸۶)
معهد اعلی

" ... از ممیزات نقشه شش ساله این است که جوانان عزیز
بهائی را مجال فراوان می بخشد که پای در میدان عبودیت
نهند و قبل از آنکه اوقات فراغتشان مفقود شود و پایبند
تمشیت امور خانواده گردند، آن را صرف خدمت امرالله نمایند و
از آغاز جوانی تجارب روحانی آموزند و گنج معنوی اندوزند

که حافظ و مُعین آنان و دلیل راهشان در بقیه حیاتِ عنصری باشد. در ایامی که حکومت‌های جهان جوانان را به اجبار به کارهای دشوار می‌گیرند و فن‌جنگجویی و خونریزی می‌آموزند، از جوانان بهائی تقاضا شده که یکسال بیشتر یا کمتر، از عمر خود را منحصراً وقف عبودیتِ آستان الهی فرمایند و در ظلّ موهبّاتِ بهائی به خدماتی روحانی و اجتماعی و انسانی قیام نمایند. پیام محبت‌بخشند و به آبیاری نهال ایمان پردازند تا انشاءالله در حدیقه حقیقت از ثمره رضای جمال مبارک برخوردار شوند و سرآمد اقران گردند. " (۲۸۷) معهد اعلی

استقامت‌احباء در ایران اعظم خدمات است :

" الیوم خدمتی اعظم از استقامت‌یاران نیست که در آن کشور مقدّس چون شیران بی‌شُمّه عرفان ایستاده و از هجوم سهام قضا خوف و هراس بخود راه ندادند و چون سمندر آتش‌وفا شعله‌های جفا را مخمود ساختند ... بیت‌العدل اعظم البتّه براستقامت‌یاران ایران در مداومت خدمات در مهد امرالله تاکید می‌نهند و آن را اعظم خدمت در این ایام می‌شمرند. " (۲۸۸) معهد اعلی

" معهد اعلیٰ چقدر تقدیس می کند افرادی را که در میدان خدمت در ایران باشند. آنهایی که در ایران در میدان خدمت هستند، قدر این ایّام را بدانند علی الخصوص جوانان عزیز. " (۲۸۹)

معهد اعلیٰ

" خالی کردن سنگر در این مبارزهٔ روحانی شرط وفا نیست و باقی ماندن در موطن جمال مبارک ولو بحسب ظاهر محرومیت‌ها و مشکلاتی را در بر داشته باشد، اجرش بیشتر از حتی خدمت در میادین دیگر است. " (۲۹۰)

معهد اعلیٰ

بزرگترین خدمت احبّای ایران :

" بزرگترین خدمتی که احبّای ایران در این ایّام می توانند باستان الهی تقدیم نمایند فقط تمسک به موازین امریه و حفظ وحدت جامعه و امتناع از انتقادات مضرّه که سبب یاس می گردد، می باشد. " (۲۹۱)

معهد اعلیٰ

— راههای دیگر خدمت :

" این مشتاقان را امید چنانست که جوانان بهائی در نقشه سفرهای تبلیغی که جدیداً طرح گردیده، نقش مهمی ایفا نمایند و ایام فراغت خصوصاً تعطیلات آخر سال تحصیلی را وقف این خدمت بزرگ کنند و برای انجام این منظور به داخله کشور بلکه به نقاط بعیده مسافرت نمایند. بعضی جوانان دارای استطاعت مالی بوده و برخی دیگر قادرند با اشتغال به کار وجه کافی برای مخارج سفرهای تبلیغی پس انداز نمایند و جمع دیگر خرج سفرشان توسط اولیاء و خویشاوندان یا دوستان تامین می گردد و در بعضی موارد ممکن است از صندوق های بهائی جهت جوانانی که قصد ورود به میدان خدمت دارند کمک مالی منظور شود." (۲۹۲)

معهد اعلی

" چه بسا جوانان مهذب نیک خصالی که به حلیه ایمان و تقدیس آراسته و از شئون هوی و ارسته اند در هدایت همسالان سرگردان خویش که اسیر نفس یا طعمه دام هر نوهوسند توفیق یافته اند و از آن بالاتر با سبکباری و اوقات فراغتی که در هنگام تحصیل یا بعد از اتمام آن دارند، به خدمات عالیّه باهره ای در سبیل

اجراء اهداف نقشه‌های محافل روحانیه پرداخته و جامعه‌ای را
سربلند ساخته‌اند. " (۲۹۳) معهد اعلی

" ... اما جوانان عزیز بهائی فرصت بسیار مبارکی در پیش
دارند و تا سبکبارند باید رهسپار سبیل خدمت‌گردند. اگر
به اکتساب علوم و فنون عالیّه نافع مشغولند یا به شغل و
صنعت و اقترافی مالوف باید در همه حال مقصد اعلایشان تقدیم
خدمتی به آستان یزدان باشد. " (۲۹۴) معهد اعلی

" اول امری که باید آن عزیزان منظور فرمایند
آنکه به هر مقصد و به هر جا که رفته باشند باید فکر و
ذکرشان در وهله اولی اعلاء کلمة الله و خدمت امرالله باشد و
شؤون دیگر چون کسب و تجارت هر چند بحد اعتدال لازم و مفید
است ولیکن نباید مقدم بر مقصد اعلی و عبودیت آستان جمال
ابهی گردد. ... تجارتی که خسارت ندارد عبودیت آستان مبارک
است. " (۲۹۵) معهد اعلی

" امروز روز خدمت جوانهاست. جوانهای بهائی باید در همت و
استقامت و شور و اشتعال مابه الامتیا ز اغیار باشند. جوان
بهائی باید در کوچه و بازار که گذر می کند معلوم شود که
این جوان بهائی است. " (۲۹۶) حضرت ولی امرالله

فصل نهم

"تبلیغ یکی از وظایف جوانان"

فهرست عناوین فصل نهم:

- اهمیت قیام به تبلیغ.
- تبلیغ شامل دو مرحله مهم و اساسی توسعه و تحکیم است.
- شرایط مبلّغ.
- روش تبلیغ.
- مبادی و اصول تبلیغ را باید به جوانان تعلیم داد.
- تاثیر کلام در تأیید حاصل می شود.
- حکمت در تبلیغ.
- روش گفتگو با دیگران.
- نقش جوانان در تبلیغ.

- اهمیت قیام به تبلیغ :

" بعد از عرفان حق جَلِّ جلاله و استقامت، هیچ امری اعظم از تبلیغ نبوده و نیست. صد هزار طوبی از برای نفسی که به این هر سه فائز ... " (۲۹۷)

حضرت بهاء الله

" الیوم بر کَلِّ احبای الهی لازمست که آنی در تبلیغ امر تکاهل ننمایند و در کَلِّ حین بمواعظ حسنه و کلمات لَبِینه ناس را به شریعت عَزَّ احدیه دعوت نمایند، چه اگر نفسی الیوم سبب هدایت شود، اجر شهید فی سبیل الله در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد، اینست فضل پروردگار تو در باره عباد مبلغین . " (۲۹۸)

حضرت بهاء الله

" اعظم و الزم از کَلِّ، امر مهم تبلیغ است. زنهار، زنهار، امر تبلیغ دقیقه‌ای معطل و معوق مآند، زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی اقدامات امریه یاران است و مایه سعادت ابدیه آنان. " (۲۹۹)

حضرت ولی امر الله

- تبلیغ شامل دو مرحله مهم و اساسی توسیع و تحکیم است :

" هر یک از محافل روحانیّه ملیّه باید این امر را مرکوز ذهن خود بدارد که توسیع و تحکیم، جریانهای لاینفکی هستند که باید شانه به شانه هم پیش بروند. " (۳۰۰) معهد اعلی

" وقتی افواج انسانی بیدار شوند و به امرالله اقبالکنند، حرکت جدیدی ایجاد شده و رشد و پیدایش تمدنی جدید آغاز می گردد. ... هنگام تبلیغ ناس یاران باید متوجه باشند که بر جنبه های خیریه و انسان دوستانه امر الهی به عنوان وسیله تبلیغ تأکید فراوان نکنند. تجربه نشان داده است که وقتی تسهیلاتی نظیر مدرسه، درمانگاه، بیمارستان یا حتی لباس و غذا به مردمی که درصدد تبلیغ آنها هستیم تفویض می شود، سوء تفاهات بسیاری ایجاد می کند. محرک و مشوق اصلی همیشه باید اجابت انسان از پیام الهی و شناخت مظهر ظهور او باشد.

توسیع و تحکیم، جریانهای توأمی هستند که باید بموازات یکدیگر پیش روند و بهیچوجه نباید توسیع فدای تحکیم شود. تزئینات معلومات مؤه منین جدید التصدیق به خودی خود محرک و مشوق عظیمی است که منتج به توسعه بیشتر می شود. تسجیل

مصدقین جدید از سوی دیگر روحیه جدیدی در جامعه ایجاد کرده و موجب ایجاد نیروی انسانی بالقوه اضافی می شود و بنوبه خود کار تحکیم را تسهیل می کند. " (۳۰۱) معهد اعلی

مفهوم تحکیم چیست ؟

" وقتی مشعل امر الهی در قلب مؤمنین برافروخته شد، تعلیم مؤمنان تا زمانیکه آنان مسوول و لیت خود را بعنوان شخص بهائی پذیرفته و در کار تبلیغ و مؤسسات نظم اداری و تشکیلات امر الهی شرکت نمایند، ادامه می یابد. اینک مناطق بسیاری در جهان وجود دارد که هزاران نفر با چنان سرعتی امر الهی را پذیرفته اند که مقابله با این پیشرفتهای ناگهانی بیش از استعداد جوامع بهایی کنونی بوده است. نفوسی که در این مناطق زندگی می کنند باید منظمًا از لحاظ درک امر الهی مطابق با نقشه های مناسب تقویت اعتقادی شوند تا جوامع آنها بتوانند بمحض ایجاد شرایط مناسب، منبع کمک عظیمی به کار امر الهی بوده و مبادرت به ارائه عمل به حیات بهائیتی نمایند. " (۳۰۲) معهد اعلی

" در طی دو سالی که از آخرین پیام این هیأت خطاب بحوانان بهائی جهان می گذرد، پیشرفتهای قابل ملاحظه بیسماری در

مقدّرات امر الهی روی داده است یکی از این موفقیتها تسجیل تعداد روزافزون جوانانی است که در ظلّ امر حضرت بهاء الله درآمده اند و مشتاق قیام بخدمت باستان مبارکند . همت و شور و شوق و ثبات قدم و روح اخلاص این جوانان در هر اقلیمی قلبهای ما را از شادی و اطمینان سرشار ساخته است . " (۳۰۳)

معهد اعلی

- شرایط مبلغ :

" ... باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد . اگر چنین گردد ، نفس ظاهرش در صخره تأثیر نماید و الا هیچ ثمری ندارد . نفسی تا خود کامل نگردد چگونه می تواند نقص دیگران را زائل نماید . تا خود منقطع الی الله نشود چگونه می تواند دیگران را منقطع کند ... " (۳۰۴)

حضرت عبدالبهاء

" اگر تقرب الهی خواهید از جمیع اشیاء منقطع شوید و از آرایش دنیای فانی پاک و مقدّس گردید در بحر محبت الله مستغرق باشید و بذکر و شنای او اوقات را حصر نمایید

بهاء الله وَحَدَهُ باید محبوب عالم باشد. ملاحظه نماید تا
 حواریان حضرت مسیح از خود فانی نشدند عالم را زنده نکردند
 پس باید دائم بذكر الهی مشغول باشید و درصدد نشر تعالیم
 حضرت بهاء الله برآیید. " (۳۰۵)
 حضرت عبدالبهاء

" نهضت بهائی نیازمند جوانانی است که بیداری روحانی یافته
 تا با قیام خود جلوی طغیان موج تمدن مادی که نوع بشر را -
 به ورطه دمار و ویرانی کشانده سد نماید. " (۳۰۶)
 حضرت ولی امرالله بواسطه کاتب مبارک

" امر تبلیغ در مدارس عالی و دانشگاهها حائز اهمیت بسزائی
 است، زیرا دانشجویان بطور کلی وسیع النظر و روشن فکرند و
 کمتر تحت تاثیر سنت موروثی قرار می گیرند. اگر موضوع امر
 بدرستی بر آنها عرضه گردد و عقل و عواطف آنها بنحو صحیحی
 ارضا شود، به سهولت وارد امرالله می شوند. بدیهی است که
 این کار بایستی صرفاً به اهتمام اشخاصی که خود تربیت
 دانشگاهی دارند و بالمآل با طرز تفکر و ذهن جوانان تربیت
 شده هوشمند آشنا می باشند، انجام پذیرد. نهضت بهائی بسه
 یقین مبین احتیاج به نفوس تعلیم و تربیت یافته و فداکار
 دارد تا تعالیم الهی را با عمل و قلم خویش در سراسر عالم

ترویج و منشر سازید. " (۳۰۷)

حضرت ولی امرالله بواسطه کاتب مبارک

- روش تبلیغ :

" سعادت‌مند علمایی که به اکتسابات خود مباحثات نمی نمایند
و تفاخر نمی فروشند. " ترجمه (۳۰۸) حضرت بهاء الله

" او را اعانت‌ما تا حقیقت را تمیز دهد بی آنکه برای
خود قدر و مقامی قائل باشی یا خود را برتر از او محسوب
داری و یا صاحب موهبتی بیشتر بدانی. " ترجمه (۳۰۹)

حضرت بهاء الله

" اجتناب و احتراز و خشونت سبب اشمئزاز قلوب و نفوس
گردد و محبت و ملاطفت و مدارا و ملایمت سبب اقبال نفوس و
توجه قلوب شود. " (۳۱۰) حضرت عبدالبهاء

" اولین قدم ایجاد طلب روحانیت در قلب است، بعد دارا شدن
حیات بهائی. حیات بهائی. حیات بهائی... به کسانی که به شما

اطمینان دارند نهایتاً منت و وفاداری ابراز دارید. هرگز جز طریق مهر و وفا نیویید. با طرز حیات خود به جهانیان نشان بدهید که گوهری در دل و روحی غیر از دیگران دارید. کار را به جایی رسانید که همه بگویند این شخص چه دارد که ما نداریم. به عالمیان نشان دهید که در عین رنج و محنت و در بحبوحه فقر و تنگدستی و بیچارگی و ناخوشی چیزی در قلب دارید که تسلی روح شماست. به جمیع بفهمانید که شما را گنجی در دل است که در گرداب بلایا قلب را قوت و روان را آرامی و اطمینان بخشوده و شما را مشعوف و پرنشاط ساخته قوی و مستحکم نگاه داشته و در برابر سختی و مصیبت راضی و خشودتان می گرداند. وقتی چنین شد همه طالب می گردند که از آن گوهر ثمین و گنج روان دارا باشند. و چون حال بدین منوال گردید دیگر تبلیغ را زحمتی نیست. فقط باید به طالبین بگویید که این درّ گرانبها چیست؟" (۳۱۱)

حضرت عبدالبهاء

"بیش از همه چیز پیام شفا بخش حضرت بهاء الله در طی سالهای اولیه سده دوم دیانت بهائی و به واسطه نظم اداری دیانت بهائی که هم اکنون در حال فعالیت است و نمایندگان این امر به اقطار نیمکره غربی اعزام شده اند، بنحوی زنده و منظم

در لحظات اندوه بدبختی و اضطراب جالب توجه ناس خواهد بود. " (۳۱۲)

حضرت ولی امرالله

" ... بدون روح حب واقعی نسبت به حضرت بهاء الله، امر ایشان، مومنان و محبت دوستان نسبت به یکدیگر، مسلماً امر به جلب تعداد زیادی از مردم توفیق نخواهد یافت. جهان محتاج وعظ و قانون نیست، بلکه عشق و عمل می طلبد. " (۳۱۳)

حضرت ولی امرالله

" از طریق همسازی با محیط اطراف هرگز قادر به استقرار امر یا فتح قلوب دیگران به امر الهی نخواهیم شد. " (۳۱۴)

حضرت ولی امرالله

" این محبت بین یاران، به منزله مغناطیس تأئید است که بالاتر از هر امر دیگر قلوب را جلب کرده، افراد جدیدی را در ظل امرالله درخواهد آورد، زیرا تعالیم ولو هر قدر عظیم باشند نمی تواند دنیا را تغییر دهد مگر اینکه روح محبت حضرت بهاء الله همچون آئینه ای شفاف تعالیم مبارکه را در جوامع بهائی منعکس سازد. " (۳۱۵)

حضرت ولی امرالله

" ایام گوشه‌نشینی و سکوت و خموشی گذشته ، باید از زاویهٔ
 خُمول درآئیم و در میدان وسیع قدم گذاریم و مباشرت به عمل
 نمائیم. مقصود این نیست که حکمت را فراموش نمائیم و پرده‌داری
 نمائیم و از حد اعتدال خارج گردیم و به مخالفت اصول و
 قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم ، حاشا که یاران الهی
 چنین نمایند بلکه مقصود این است که : به اعمال و افعال
 تبلیغ امر حضرت بهاء الله نمائیم . تبلیغ به اعمال حکمت
 قبول ننماید و تقیید و تحدیدی نداند. کل از وضع و شریف و
 قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیمودن این
 سبیل را داشته و دارند. پس عذری از برای احدی باقی
 نمانده... " (۳۱۶)
 حضرت ولی امرالله

" ای یاران عزیز رحمانی شما را که محبوب آفاق ، جمال
 مبارک جلت عظمته به خطاب " قره عین الابداع " و " ماء معین
 حیوان که مایهٔ حیات بنی آدم است " مخاطب فرموده انداز
 صمیم قلب و وجدان دعوت می نمائیم که به یقین مبین بدانید ،
 حال وقت آن رسیده که چشم از امور جزئیّه نالایقه برکنار کنید و
 قوای خویش را حصر در تبلیغ شرع متین نمائید و به توسعه و
 تحکیم و تقویت قواعد و ارکان آئین رب العالمین همت گمارید ."
 (۳۱۷)

— مبادی و اصول تبلیغ را باید به جوانان تعلیم داد :

"... باید به هر وسیله‌ای که ممکن و میسر باشد، جوانان هوشیار پاک‌طینت را ترغیب و تشویق نمود تا نوریان از بنین و بنات مبادی و اصول تبلیغ را بیاموزند و به‌لزومیت و فواید و منافع کلیه آن اقناع و آشنا گردند." (۳۱۸)

حضرت ولی‌ام‌الله

— تأثیر کلام در اثر تأیید حاصل می‌شود :

" تأیید ملکوت‌ابهی و تأثیر کلام چیز دیگر است. فقط حرف زدن نیست. این تأییدات همه از عون و عنایت جمال مبارک است و از نصرت و حمایت آستان احدیت." (۳۱۹) حضرت عبدالبهاء

— حکمت در تبلیغ :

"... حکمت اعمال و افعالی است که سبب آگاهی غافل‌های عالم است و همچنین تقرب ایشان است به حزب‌الله...". (۳۲۰)

حضرت بهاء‌الله

" در الواح ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مکان و وقت شده، مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده بلکه مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی - نفع . ما فیض الهی بر ارض طیبه نازل گردد نه ارض جزیه و الا خاموشی شمع را حکمت نتوان گفت و پریشانی جمع را علامت وحدت نتوان شمرد . افسردگی و مردگی، حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زیرکی نگردد . " (۳۲۱)

حضرت عبدالبهاء *

" ای احبای الهی تا توانید از عقل و حکمت تجاوز ننمایید زیرا حکمت میزان امرالله است . " (۳۲۲) حضرت عبدالبهاء *

" تبلیغ به اعمال حکمت قبول ننماید و تقنید و تحدید نداند کل از وضع و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته و دارند پس عذری از برای احدی نمانده " (۳۲۳) حضرت ولی امرالله *

— روش گفتگو با دیگران :

" خُلقِ خوش و به خوشی همراهی با خلق نمودن راه تبلیغ است. هر چه طرف مقابل می گوید ولو هر قدر وهم و تقلید و بسی — معنی باشد، باید اذعان نمود و خود و طرف مقابل را مشغول به دلیل اقامه نمودن ننمود که آخرش هم به لجاج و عناد منجر می شود زیرا خود را مقهور و مغلوب مشاهده می نماید و بر غفلت و احتجاجش می افزاید. باید ذکر نمود صحیح است این قسم هم ملاحظه بفرمایید صوابست یا خطا البته تادیب و محبت و ملاطفت طرف مقابل گوش می دهد و بفکر جواب ساختن و دلیل پرداختن مشغول نمی شود و مطلب را اذعان می نماید و چون ملاحظه نمود که مقصود مجادله و غلبه نیست مقصود القای کلمه حق و صدق است و اظهار انسانیت و رحمانیت البته انصاف می کند و گوش و چشم و دل فطرت اصلیه اش باز می شود و بفضل الله خلق جدید و صاحب بصر جدید و سمع تازه می شود. " (۳۲۴) حضرت عبدالبهاء

" تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بیان

و دلالت بطرز تحرّی حقیقت مکالمه نمود که بیاثید مسائلی چند در میان است تا تحرّی حقیقت نمائیم و به بینیم چگونه و چنان است. مبلغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد؛ این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثیر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران بنهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود.^(۳۲۵)

حضرت عبدالبهاء

" با کسی به جنگ و ستیز بر مخیزید و بنیان جدال مسازید بلکه به نهایت مهربانی و خضوع و خشوع کلمه حق البقاء نمائید و حجت و برهان بنمائید اگر قبول نمود فنعم المظلوم والّا دلگیر مشوید، غمگین نگردید، ملال میارید، کلال مجوشید، شکایت ننمائید، توکل بر خدا کنید، باز بخوانید... باز سوازش نمائید. مهربانی کنید و به هر زبان باشد خاطر جوئی نمائید."^(۳۲۶)

حضرت عبدالبهاء

— نقش جوانان در تبلیغ :

" جوانان کسانی هستند که بناچار در آینده‌ای نزدیک مجری

امور تبلیغی و تشکیلاتی این آئین مبین خواهند گشت و هر چه
 زودتر خویش را از طریق تجارب حقیقی در میدان تبلیغ برای
 این مسوئولیت سنگین آماده سازند احسن و اولی خواهد بود. (۳۲۷)
 حضرت ولی امرالله

"اما از جوانان بهائی، وارثین متقدمین شجاع و مؤمنین
 اولیه امرالله که هم اکنون بار مسوئولیت تاریخی بردوش
 آن عزیزان پرجوش و خروش نهاده شده است دعوت می نماید تا
 در این ایام که علاقه مندی شدید نسبت به امر رب مجید در سراسر
 جهان محسوس و عیان است مساعی خویش را مضاعف نمایند و پیام
 جانبخش مالک امکان را به سمع همسالان معاصر خود برسانند و
 خود را آماده روز فیروزی سازند که از معتقدین و متمسکین
 و مؤمنین با تجربه محسوب گشته و قادر به انجام وظایف
 خطیره ای گردند که در مستقبل ایام به اراده حضرت رب الانام
 به آنان محول خواهد شد. (۳۲۸)
 معهد اعلی

فصل دهم

در بیان این مسئله

" ازدواج "

در این فصل به بررسی اهمیت ازدواج در زندگی بشر می‌پردازیم. ازدواج یکی از بنیادهای اساسی جامعه است که از طریق آن افراد با یکدیگر پیوند می‌خورند و مسئولیت‌های مشترکی را بر عهده می‌گیرند.

ازدواج به معنای پیوند دائمی بین دو نفر است که با هم زندگی می‌کنند و فرزندان خود را تربیت می‌کنند. این پیوند بر اساس احترام و تعهد استوار است.

ازدواج به افراد کمک می‌کند تا در زندگی خود احساس امنیت و آرامش کنند. همچنین به آنها کمک می‌کند تا در مواقع دشواری به یکدیگر تکیه کنند.

ازدواج به افراد کمک می‌کند تا در زندگی خود احساس هدف و معنا کنند. همچنین به آنها کمک می‌کند تا در مواقع دشواری به یکدیگر تکیه کنند.

ازدواج به افراد کمک می‌کند تا در زندگی خود احساس احترام و تعهد کنند. همچنین به آنها کمک می‌کند تا در مواقع دشواری به یکدیگر تکیه کنند.

ازدواج به افراد کمک می‌کند تا در زندگی خود احساس عشق و محبت کنند. همچنین به آنها کمک می‌کند تا در مواقع دشواری به یکدیگر تکیه کنند.

فهرست عناوین فصل دهم:

- لزوم ازدواج.
- ازدواج پیوند جسم و روح است.
- انتخاب همسر امری بسیار حسّاس و حیاتی است.
- معیارهای انتخاب همسر.
- ضرورت رضایت والدین.
- عدم توجّه بیش از حد به مشکلات اقتصادی.
- ضرورت تمسّک به احکام الهی.
- ضرورت حفظ مهلت ۹۵ روز برای نامزدی.
- ازدواج با جنس بعید بهتر است.
- اهمیّت صداقت و وفاداری در ازدواج.

- لزوم ازدواج :

" تأهل بموجب شریعت لازم است . لهذا خیلی مبارک است .
در جوانی نتایج و برکاتش معلوم نیست ولی بعدها انسان
می بیند عائله‌ای تشکیل نموده خیلی متلذذ می شود و محظوظ "
(۳۲۹)
حضرت عبدالبهاء *

" تأسیس عائله خیلی مهم است تا انسان جوان است از غرور
جوانی ملتفت نمی شود ولی چون پیرشدا فسوس می خورد . " (۳۳۰)
حضرت عبدالبهاء *

" جوانان بهائی باید از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس
را که بدون شک اثر سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت
آنها خواهند داشت فراگیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند
که پیمان زناشویی را در جوانی و در بحبوحه نیروی جسمانی
برقرار سازند بدون تردید عوامل اقتصادی اغلب در راه ازدواج
جوانان مشکلاتی ایجاد می کند ولی در بیشتر موارد بهانه‌های
بیش نیست و بنا بر این نباید زیاد بدان اهمیت داد (۳۳۱)
حضرت ولی امرالله

- ازدواج پیوند جسم و روح است :

" بین بهائیان مسأله ازدواج این است که مرد و زن باید
جسماً و روحاً متحد باشند... و حیات روحانی یکدیگر را ترقی
دهند. " (۳۳۲).
حضرت عبدالبهاء

- انتخاب همسر امری بسیار حسّاس و حیاتی است :

" مرد قبل از انتخاب زوجه باید با متانت و
هوشیاری و بطور جدی فکر کند که این دختر در تمام
مراحل زندگی یار او خواهد بود. ازدواج یک امر موقتی
نیست. او روحی است که باید در تمام ایام حیات با او
همدم و مانوس باشد. " (۳۳۳)
حضرت عبدالبهاء

" نهایت دقت مجری شود و از اخلاق یکدیگر مطلع باشند. " (۳۳۴).
حضرت عبدالبهاء

— معیارهای انتخاب همسر :

" باید دختتـری را انتخاب کنی که شایسته و قابل هدفهای معنوی و روحانی تو باشد " (۳۳۵) حضرت عبدالبهاء

" او باید عاقل و باهوش باشد. آرزومند کمال باشد. بجمیع مسائل مربوط به زندگانی تو علاقه مند باشد و در جمیع مراحل حیات یار و شریک تو باشد. رفیقی شفیق باشد دارای قلبی مهربان و سرور انگیز باشد. " (۳۳۶) حضرت عبدالبهاء

— ضرورت رضایت والدین :

" إِنَّهُ قَدْ حَدَّدَ فِي الْبَيَانِ بِرِضَا الطَّرْفَيْنِ إِنَّا لَمَّا أَرَدْنَا الْمَحَبَّةَ وَالْوَدَادَ وَاتَّخَذَ الْعِبَادَ إِذَا عَلَّقْنَا بِأَذْنِ الْآبَوَيْنِ " (۳۳۷) حضرت بهاء الله

" راجع به اجرای مراسم بهائی فرمودند : اجرای مراسم بهائی مشروط به رضایت والدین طرفین است، چه بهائی چه غیربهائی. اگر چنانچه یکی از ابویین راضی نباشد، عقد بهائی غیرمشروع و اجرای آن غیرممکن ... " (۳۳۸) از طرف حضرت ولی امرالله

" در خصوص ازدواج یکی از مهاجرین عشق آباد فرمودند: باید تأمل نمایند و بجمیع وسائل متشبهت شوند و با والدین مخایره نمایند زیرا تحصیل اجازه آنان واجب و لازم است. ادنی مسأله و مسامحه در این موارد اساس نظم الهی را متدرجاً متزعزع سازد و در شریعت الله رخنه اندازد و علت توهین امرالله و تَقَهْرُ جامعه گردد. " (۳۳۹) از طرف حضرت ولی امرالله

- عدم توجه بیش از حد به مشکلات اقتصادی :

" بدون تردید عوامل اقتصادی اغلب در راه ازدواج جوانان مشکلاتی ایجاد می کند ولی در بیشتر موارد بهانه‌ای بی‌ش نیست و بنا بر این نباید زیاد بدان اهمیت داد. " (۳۴۰) حضرت ولی امرالله

- ضرورت تمسک به احکام الهی :

" شخص بهائی باید متمسک به حکم کتاب باشد. انحراف بهیچوجه من الوجوه جائز نه ولو زوجه غیربهائی باشد. اقتران با

اغیار معلق و مشروط به اجرای احکام کتاب است از طرف شخص
بهائی و الا اقتران بهائی با غیربهائی جائز نه. " (۳۴۱)

حضرت ولی امرالله

" فرمودند بنویس: نفوسی که تَمَرّد نمایند و مخالفت کنند و
اجرای عقد اسلامی نمایند رجوع و قبولشان در جامعه مشروط به
فسخ و ابطال آن عقد است و اجرای مراسم بهائی و اظهار
ندامت و پشیمانی " (۳۴۲) از طرف حضرت ولی امرالله

- ضرورت حفظ مهلت ۹۵ روز برای نامزدی :

" راجع به اینکه هرگاه نفوسی از یوم ذکر وصلت تا موقع
ازدواج که از ۹۵ تجاوز کنند حرام است تخطی ورزند، فرمودند
بنویس: حکمش راجع به بیت‌العدل اعظم است در وقت حاضر هر
رویه‌ئی که محفل ملی موقتاً در اینخصوص اتخاذ نماید، مقبول
و مجری " (۳۴۳) از طرف حضرت ولی امرالله

- ازدواج با جنس بعید بهتر است :

" در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضای می نماید که از جنس بعید باشد یعنی بین زوجین هر چند بعد بیشتر سلاله قوی تر و خوش سیماتر و صحت و عافیت بهتر گردد... چون امر بهائشی قوت گیرد، مطمئن باشید که ازدواج با اقرباء نیز ندارد- الوقوع گردد. " (۳۴۴)
حضرت عبدالبهاء

- اهمیت صداقت و وفاداری در ازدواج :

" قوی ترین حلقه‌ای که قلوب زن و شوهر را بیکدیگر متحد می نماید، صداقت و وفاداری است . هر دو باید صداقت و وفاداری را بمنتهی درجه نسبت به هم مجری دارند. " (۳۴۵)
حضرت عبدالبهاء

" سوءالی که شما در باره دل بستگی زن یا شوهر نسبت به دیگری غیر از همسرش طرح کرده‌اید در تعالیم الهی بصراحت توضیح گردیده است . به این ترتیب که سَجِيهٌ عَفَّتْ وَتَقْوَى مُسْتَلْزَمٌ آن است که چه پیش از ازدواج و چه بعد از آن، از لحاظ

روابط جنسی یک زندگی توأم با طهارت و تقوی داشته باشیم.
 قبل از ازدواج کاملاً عقیف و بعد از ازدواج در روابط جنسی
 و گفتار و کردار مطلقاً به شریک زندگی خود وفادار باشیم." (۳۴۶)
 حضرت ولی امرالله

"در جواب سوآل شما مبنی بر اینکه آیا غیر از زناشویی
 نمونه مشروع دیگری در مورد استفاده از غریزه جنسی وجود
 دارد، باید گفت بنا بر تعالیم بهائی هیچگونه رابطه جنسی
 مشروع و جایز نیست مگر از راه انجام مراسم قانونی ازدواج
 بین زوجین و در چهارچوب زندگی زناشویی. روابط دیگر نه
 مشروع است و نه مفید برای سلامت بدن. جوانان بهائی باید
 از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شک اثر
 سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت
 فراگیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان زناشویی
 را در جوانی و در بحبوحه نیروی جسمانی برقرار سازند." (۳۴۷)
 حضرت ولی امرالله

"دیانت بهائی به اهمیت روابط جنسی واقف است ولی هرگونه
 تعبیر و برداشت نادرست از اینگونه روابط زیر پوشش
 عشقهای آزاد و ازدواجهای بی بند و بار و بدون اولاد نتیجه

را محکوم می نماید، زیرا اینگونه اعمال مُضَرّ به حال انسان و جامعه‌ای است که در آن زندگی می کند. تمتّع کامل از غریزه جنسی حقّ طبیعی هر فرد است و قاعده ازدواج شرعاً به همین خاطر ایجاد شده است. بهائیان بدون آنکه این حق را تحریم کنند، معتقدند که باید تحت ضابطه و قاعده معین که همان عُلُقَه زوجیت باشد، اعمال گردد. " (۳۴۸) معهد اعلی

وہی ہے جو کہ اس کے ساتھ ساتھ ہے

وہی ہے جو کہ اس کے ساتھ ساتھ ہے

فصل یازدہم

۱۰

۱۱

" وضعیت کتوننی عالم "

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

فهرست عناوین فصل یازدهم:

- وضعیت کنونی عالم.
- علل بلیات عالم.
- دامنه بلیات عالم.
- هدف و جهت عالم.
- آنچه واقع شده و می شود وقایعی تصادفی، منفرد و بی نتیجه و مقصد نیست.
- موقعیت جامعه بهائی در شرایط کنونی عالم.
- وظایف جوانان و بهائیان عالم نسبت به شرایط کنونی جهان.
- نقش و تأثیر وقایع اخیر ایران.
- وظایف بهائیان ایران در این ایام.
- وظایف ویژه جوانان بهائی ایران در این ایام.

— وضعیت کنونی عالم :

" عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه، و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و إِذَا تَمَّ الْمِيقَاتُ يَطْهَرُ بَعْتَهُ مَا يَزِيدُ بِهِ فَرَاغُ الْعَالَمِ إِذَا تَرْتَفَعُ الْأَعْلَامُ وَ تَغْرُدُ الْعُنَادِلُ عَلَى الْأَقْنَانِ " (۳۴۹)

حضرت بهاء الله

" باید معتقد شویم که تاریک ترین لحظات مقدم بر طلوع عصر ذهبی آئین الهی هنوز فرا نرسیده است (سال نگار شاعر) ... شاید بتوان گفت بر اثر نفوذ قوه الهیه که از شریعت حضرت بهاء الله جاری و ساری گشته، نطفه این نظم بدیع در بطن عالم تکون یافته است و در زمان حاضر می توان جنبش های اولیه اش را در رحم عصری پر رنج احساس کرد . عصری که در انتظار میقات است تا از حمل آن بار گران فارغ آید و ابهی شمره خود را ظاهر سازد. " (۳۵۰)

حضرت ولی امر الله

" همکاران عزیز و گرانقدر . در چنین اوقاتی که در انتظار وقوع تحولات عظیمه هستیم، جامعه بشری مواجه با مرحله بحرانی

تقلیب و انتقال به صفات و خصوصیات است که مالک قَدْر
 برای بشر مقدر فرموده است. تندباد قضا در هیوب است و
 ارکان نظم قدیم در تزلزل و اشتیاق شدید برای نظم جدید در
 امور جامعه انسانی روزافزون، در نتیجه راه برای باهتزاز
 در آوردن علم امرالله در سرزمین هایی که تا بحال از وصول
 پیام الهی ممنوع و محروم مانده اند، مفتوح و هموار می گردد.
 چنین تغییرات و تحولات سریع بشارت دهنده امکاناتی در دهه
 نهایی قرن بیستم است که الهام بخش تحقق رؤیایی دیرینه
 می گردد. این اوضاع و احوال همچنانکه فرخنده فال است
 مستلزم مجاهدتی است. حصول صلح اصغر لازمه اش تغییرات کلیه
 در قواعد و ارکان جامعه کنونی بشری است. گر چه شواهد و
 آثار امیدبخش می نماید ولیکن نباید فراموش کرد که هنوز
 کاملاً از گذرگاههای تاریک عصر تحول و انتقال نگذشته ایم و
 راهی طولانی و لغزنده و پرپیچ و خم در پیش داریم چه که کفر
 و الحاد متداول و ماده پرستی (ماتریالیسم) شایع و رایج
 است. ملیت پرستی (ناسیونالیسم) و نژاد پرستی هنوز وسوسه
 در افکار و قلوب مردم می افکند و جامعه انسانی از راه طهای
 روحانی و معنوی برای حل مشکلات اقتصادی غافل است. این
 اوضاع و احوال جامعه بهایی را به مجاهدت و مبارزاتی
 مخصوص فرا می خواند، چه که وقت تنگ است و اقدام عاجل لازم و

" مبادی اساسیّه نظم جهان را مکابّد سیاسیّه زمامداران داغ بطلان نهاده و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدّم علوم و صنایع است، آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و بدست نااهل افتاده است. حتی موسیقی و هنر و ادبیّات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه عالیّه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد، حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لالایی و بی سر و سامان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که بفرموده جمال مبارک " هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه برپا شود " و " سَوْفَ تَحْتَرِقُ الْمَدُنُ مِنْ نَارِهِ " تحقق یابد. " (۳۵۲)

" هم اکنون در داخل و خارج امر الهی قوای مهیمنه عظیمه‌ای در جریان است تا این دو مرحله متضاد در جریان را در این قرن عظیم فخیم به اوج خود رسانند. در زمره دلائل و شواهد بسیاری که سیر تکاملی این جریانات را آشکار می سازد، از -

طرفی افزایش مداوم و مستمر نقض قوانین ، تروریسم ، اختلال و آشفتگی اقتصادی ، فساد اخلاق و خطر روزافزون ازدیاد تسلیحات و ادوات ناریهٔ مخربه را ، و از طرف دیگر امدادات غیبیهٔ الهیه که موجب اتساع بطن امر نیز آفاق و استحکام مشروعات بهیهٔ امریه و جلوهٔ بدیع و سریع آن بعنوان امری خطیر در حوادث جهانی را می توان ذکر نمود... " (۳۵۳) معهد اعلی

" اغتشاش عمیق در مدیریت امور مالی در دنیای امروز است ، این وضعیت احساس یأس و ناامیدی را که بر فضای سیاسی جهان حاکم است ، عمیق تر می سازد... جامعهٔ جهان با سرعتی حیرت انگیز در تغییر و تحول است ، از جمله خصوصیات بارز این تحولات غیرمنتظره بودن و شتابزدگی آنهاست که بنظر می رسد از قوای دافعهٔ خفیهٔ متاثر باشد. " (۳۵۴) معهد اعلی

" ... در این اوان عالم امکان شاهد وقایع عجیبهٔ جسمیهٔ غیرمنتظره ای است که هوشمندان جهان از وسعت دامنهٔ نفوذش حیرانند و از درک علت وقوع و بروزش عاجز و ناتوان . همینقدر ملاحظه می کنند که نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و معنوی جهان ناگهان دگرگون شده ، بنیاد افکار و آراء متداول بر باد رفت . حزب شمال که بیش از هفتاد سال نزد جماهیر

نفوس و در ممالک متعدده کانون امیدواران و پناه رنجبران و کافل سعادت محرومان بشمار می آمد، در بسیاری از اقطار بی اعتبار گشت... تشنجات و ابتلائات و آلام و مشکلات جامعه کنونی که در جمیع شئون ظاهر و هویدا است، شهادت می دهد به اینکه آنچه در خزائن علم الهی مکنون بود و به قلم اعلی مرقوم، حال آثارش آشکار گشته و هرج و مرجی در اداره امور بشری بوجود آمده که نتیجه اش جز یأس و حیرت و سرگردانی و مشقت بیمار نیاورد. " (۲۵۵) معهد اعلی

" عشاق جمال اقدس ابهی و فارسان میدان محبت و وفا با ایمانی محکم و قدمی ثابت و عزمی راسخ در میدان استقامت جولان نموده و با تائیدی آسمانی و توفیقی ربّانی بانهایت شهامت و شجاعت تحمل هر گونه بلا و محن فرموده اند. فی الحقیقه این طوفان عظیم هنوز به انتها نرسیده و لسی ابرهای تیره قدری پراکنده گشته و قلوب غمزده دوستان جمال رحمن حال از پرتو آفتاب امید جانی تازه یافته است. " (۲۵۶)

معهد اعلی

" پایان این قرن با شتاب نزدیک می شود. وقت بسیار کوتاه و کار بسیار زیاد است. " (۲۵۷) معهد اعلی

" این زمان تیره‌ترین ساعات پیش‌ازدمیدن روز است . " (۳۵۸)
 معهد اعلی

- علل بلیات عالم :

" اگر اهل ارض فی الجمله تفکر کنند ادراک می نمایند که
 مصلحت کل ظاهراً و باطناً توجه به حق جَلِّ جلاله بوده و هست .
 غفلت عباد و اعمال باطله ایشان به صورِ بلاای مختلفه ظاهر
 شده و ارض را احاطه کرده . نظر بما قَدَّرَ مِنَ الْقَلَمِ الْاَعْلٰی
 این جهات را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در
 بلاد ایران مستور است و البته این ستر را ظهور و بروزی از
 پی، مگر بملاحظه نفوس مقدسه، ثابته، راسخه، مطمئننه
 مستقیمه، بلاای کبری و رزایای عظمی منع شود اِنَّهُ عَلٰی كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ولکن آنچه از قلم اعلی نازل اکثری ظاهر و مشهود
 حضرت بهاء الله

" ... جمیع کائنات مرتبه یا مرحله بلوغی مخصوص دارند .
 بلوغ شجر در وقتی است که ثمر ظاهر شود ... حیوان نیز مرحله
 رشد و کمالی دارد و در عالم بشر بلوغ در وقتی است که عقل

و درایت انسان به اعظم درجه رشد و قوت رسد ... بر همین منوال حیات اجتماعی عالم انسان نیز مراحل و مراتبی دارد در وقتی در مرحله طفولیت بود و در وقت دیگر در عنوان شباب. اما حال به مرحله بلوغ موعود رسیده آثارش از جمیع جهات نمودار است ... آنچه در مراحل بدوی و محدود گذشته بشر نیازمندیهای نوع انسان را برطرف می ساخت، از عهده حوائج دوره تجدد و بلوغ برنیاید زیرا انسان دیگر از آن مراحل بدوی محدود گذشته است و باید امروز به فضائل و قوای جدید فائز گردد و قوانینی جدید و استعدادی جدید یابد. انسان در این زمان به مواهب و فیوضات جدیدی مخصّص گشته است و دیگر آن مواهب و فیوضاتی که در ایام صباوت داشت هر چند در وقت خود کافی و وافی بود امروز از تکافوی حوائج مرحله بلوغ عاجز است. " ترجمه (۳۶۰) حضرت ولی امرالله

" دیگر عصر شیرخوارگی و کودکی بشر بسر رسیده و عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت ترین دوره تکاملش یعنی دوره بلوغ ملازمت دارد. دوره ای که غرور جوانی و سرکشی اش به حدّ اعلی رسیده به تدریج فروکش می کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است بجایش می نشیند، سپس نوع بشر بمرحله رشد و کمال

می رسد و قادر می شود بقوا و قابلیت‌های فائز شود که ترقیاتی
نهایتی و وابسته به آن است. " (۳۶۱) حضرت ولی امرالله

" فی الحقیقه علت عمده سیئات که حالیه در جامعه شایع و
بسیار متداول است، فقدان روحانیت می باشد. تمدن مادی
عصر ما چنان علاقه و توجه بشر را به خود جذب نموده که مردم
بطور کلی لزوم تفوق خود بر قوا و شرایط حیات روزانه مادی
را احساس نمی کنند و برای عواملی که ما آنها را قوای
روحانی می نامیم و از نیازها و احتیاجات حیات جسمانی ما
متمایز است، تقاضای کافی وجود ندارد. " (۳۶۲) حضرت ولی امرالله

" گمان مبرید که ظهور این بلیات و آفات فقط متوجه جامعه ما
یا مملکتی است، بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال
از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و
غرور مستغرق و به هرج و مرج در جمیع شئون مبتلا جزائاً
لِغفَلَتِهِمْ وَ اسْتَكْبَارِهِمْ بِهِ عَذَابِي الْاَلِيمِ وَ عِقَابِي عَظِيمٍ محکوم " (۳۶۳)

معهد عالی

" در چنین حال پر وبالی که اهل عالم پریشان و دانیان
امم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بهاء به برکت و هدایت

آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مدهشه را هر یک علتی و معنایی و نتیجه‌ای است و کل از وسایل ضروریه استقرار مشیت غالبه الهیه در جهان محسوب، یعنی از یک طرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه بسرمنزل مقصود برآند و بتازانند، از طرف دیگر مشتی ضعفا را در ظل هدایت و عتبات خویش تربیت فرموده تا در این دوره تحول و عصر تکوین در میان طوفانهای سهمگین به ساختن حصی حصین که بالمآل منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند" (۳۶۴)

معهد اعلی

" چه بجاست کسانی که بنحو جدی به وضع و سرنوشت جهان علاقه مندند به دعوت حضرت بهاء الله توجه لازم مبذول دارند و دریابند که طوفانهایی که پایه و اساس جامعه را در هم می کوبد آرام نخواهد نشست مگر زمانی که در جستجوی راه حل برای مشکلات اجتماعی مبانی و اصول روحانی بنحوی فعال و مؤثر بکار گرفته شوند." (۳۶۵)

معهد اعلی

— دامنه بلیات عالم :

" ای پروردگان مهده هدایت کبری، عالم امکان منقلب است و اهل عالم هر آن به مصیبت و بلایی جدید گرفتار، آتش فتنه در جهان برپاست، گاهی بر خاور زند و گاهی بر ادا من باختر آویزد، زمانی در کشوری شعله زند و وقتی قوم و قبیله ای را در کام کشد، خلق بیچاره ندانند که این آتش از کجا خیزد چه که ابصار اهل ضلال از دود غفلت و استکبار مرمود است و راه چاره نزدشان مفقود، لهذا مضربند و پریشان و مایوسند و سرگردان ... " (۳۶۶) معهد اعلی

" عالم را بلا احاطه نموده، اگر فی الجمله خیر هم در او گاهی مشاهده شود بلای عظیمی از عقب متوجه و احدی از عباده ارض سبب و علت آن را ادراک ننموده ... روز بروز هرچ و مرج در دنیا در ازدیاد است، عاقبت بدرجه ای رسد که بنیه انسانی را تحمل نمایند، آنوقت انتباه رخ دهد " (۳۶۷) معهد اعلی

" سالی که هم اکنون اختتام یافته است تحت الشعاع تضيقات و محن و آلام مستمره یاران ایران بوده، آن پیروان حضرت احدیه، مجبور بر تعطیل کلیه تشکیلات اداری خود شده و مورد

ایذا و آزار بسیار و سلب مالکیت و مصادره اموال و اخراج از شغل و کسب و کار و بی خانمانی و سرگردانی از هر مدینه و دیار و محرومیت اطفال خود از تحصیل واقع گشته ، حدود ششصد نفر از رجال و نساء و فرزندان آن ستمدیدگان در حال حاضر در زندان و بعضی از آنان از تماس و ملاقات با خویشان و دوستان بالمره ممنوع و برخی تحت شکنجه قرار گرفته خصوصاً تحت فشار جهت تبری از آئین ملیک مختارند . ثبوت و رسوخ بیمانند و استقامت دلیرانه آن یاران راستان در بند ، منشاء و سرچشمه خروج امر ربّ البریه از مجهولیت شده است و همچنین مصائب و متاعب آن خادمین با وفا منتج به پیشرفت و اعتلاء بی سابقه در نشر نفحات اللّه و انتشار کلمه اللّه در سراسر جهانی که شدیداً و نومیدانه نیاز به قوه قاهره شفا بخش آن دارد ، شده است " ترجمه (۳۶۸)

معهد اعلی

- هدف و جهت عالم :

" اتحاد اهل عالم درخشانترین مرحله ایست که حال جامعه انسان رو به آن روان است . اتحاد خانواده ، اتحاد دولت ، شهر و اتحاد ملی مراحل است که بشر آن را پیموده و بسا

موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است. دورهٔ ملت‌سازی سپیری گردیده و هرج و مرجی که از ایجاد دولتهای ملی مختلف ناشی شده به اعلیٰ درجهٔ خود نزدیک می‌شود، لهذا جهانی که به بلوغ می‌رسد باید خود را از شرّ این بت برهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگاهی را براه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد" (۳۶۹)

حضرت ولی امرالله

"ارادهٔ الهی جز این نیست که به ترتیبی که تنها خود بر آن واقف است و تنها خود می‌تواند آن را ممکن سازد، عصر ذهبی یعنی عصر عظیم عالم انسانی برای بشریتی که مدتهاست از هم منقسم و زمانی دراز است به مصائب و بلاهای مبتلا است تحقق بخشد. اوضاع کنونی دنیا و آیندهٔ نزدیک آن تاریک است و به نحوی غم انگیزی تاریک است و لکن آیندهٔ دور آن - مشعشع است..." (۳۷۰)

حضرت ولی امرالله

"دوران صباوت و طفولیت عالم انسانی بسر آمده و هرگز تکرار نخواهد شد ولی عصر عظیمی که نقطهٔ اوج جمیع ادوار بشری و نشانهٔ بلوغ عالم انسانی است هنوز فرا نرسیده است.

آشوب‌ها و تشنجات کنونی از لوازم ضروریّه این دوره انتقال و مرحله پرتلاطم تاریخ بشری است و این مرحله نیز به نوبه خود مبشّر حلول حتمی عصر موعود یعنی آخر الزّمان است که در آن نادانیها و التهابات و منازعاتی که از ابتدا اوراق - تاریخ عالم انسانی را سیاه کرده سرانجام به خردمندی، آرامش و صلحی پایدار و خدشه‌ناپذیر بدل خواهد شد " (۳۷۱)

حضرت ولیّ امرالله

" رسالت امر بهائی اعلام این حقیقت است که دوران طفولیت و صباوت نوع آدمی طی شده و تشنجات مرحله فعلی از رشد فکری انسان او را در مسیری تدریجی و پر مرارت آماده وصول به مرحله بلوغ روحانی می‌سازد و نیز بشارت به حلول عصری می‌دهد که در آن شمشیرها به گاوآهن تبدیل و ملکوت الهی روی زمین تاسیس و صلح بر این سیاره قطعاً و دائماً مستقر خواهد شد. " (۳۷۲)

حضرت ولیّ امرالله

" اگر بیانات حضرت بهاء الله را بدرستی درک کنیم، باید همان تغییر معنوی همه جانبه و وصفناشدنی که در مرحله بلوغ آدمی یا در ظهور شمره در زندگی گیاهی روی می‌دهد، در تکامل سازمان جامعه انسانی نیز مشاهده گردد. این مرحله باید

دیر یا زود در زندگی جمعی نوع بشر پدید آید و در روابط جهانی اشرافی شگفت انگیز نماید و تمامی نوع بشر را از چنان قابلیت در کسب خوشبختی بهره‌ور سازد که طی قرون آینده محرک اصلی آدمی در نیل به سرنوشت والای خویش باشد... "هَذَا سُلْطَانُ الْآيَامِ ..." (۳۷۳) حضرت ولی امرالله

" در سایه پریشانی و نابسامانی که اوضاع جامعه امروزی را مختل ساخته، نوری از دور نمایان است، گر چه بسیار ضعیف است اما می توان آن را تشخیص داد. این نور به ما نوید می دهد که زمان تحقق یافتن سه امری که حضرت ولی محبوب امرالله وعده فرموده اند که بموازات و در ارتباط با یکدیگر بوقوع خواهد پیوست یعنی نمایان شدن صلح اصغر و ارتقاع ساختمانهای قوس کوه کرمل و تکامل محافل روحانی ملی و محلی به آهستگی اما بنحوی قطعی فرا می رسد" (۳۷۴) معهد اعلی

" ... اینک اغتشاش و آشوب جهانی رو به پایان ندارد، بلکه با گذشت ایام فزونی می گیرد و رجال و نساء ایمان خود را به علاجهای بشری از دست می دهند. اندک اندک این حقیقت جلوه گر می شود که "ملجائی جز خداوند" وجود ندارد. این همان فرصت طلایی است. مردم مشتاقند و در بعضی مناطق بسیار

راغبند که به علاجهای روحانی گوش بسپارند. " (۳۷۵) معهد اعلی

— آنچه واقع شده و می شود وقایعی تصادفی، منفرد و بی نتیجه و مقصد نیست :

" گمان مبرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه جهان از— جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و می شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است. بفرموده مولای عزیز " ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار" بلی این همه از تصرفات خفیه امر اعظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور مست و خمورند، منصعق و مرتعش ساخته است. آیه مبارکه " قَدْ أَضْرَبَ النَّظْمُ مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ " مصداق این مقال است " (۳۷۶)

معهد اعلی

" اینکه صلح اصغر در آینده ای نه چندان دور تحقق می یابد و این که موءسسات محلی و ملی نظم اداری بهایی مرتباً بر تجربه و تأثیر و نفوذ خود می افزایند و این واقعیت کسه نقشه های مربوط به ساختمان ابنیه اداری باقی مانده در حول

قوس کرمل به مراحل پیشرفته‌تری رسیده است، کل این شرایط امیدبخش مدلی بر قرب‌ظهور وقایع همزمانی است که حضرت ولی امرالله بدان اشاره فرموده‌اند و هیچ ناظر صادقی قادر به انکار آنها نتواند بود." (۳۷۷)
معهد اعلی

"دوستان عزیز ما یوس نشوید و ترس به خود راه مدهید در حصن حصین قوانین و احکام الهی جرات و امان یابید. این زمان تیره‌ترین ساعات پیش از دمیدن روز است، چنانچه وعده داده‌اند صلح پس از پایان شب فرا خواهد رسیده پای بیفشارید و به دیدار سپیده دم رهسپار گردید." (۳۷۸)
معهد اعلی

— موقعیت جامعه بهائی در شرایط کنونی عالم :

"طی دو سال گذشته تقریباً یک میلیون نفر به امر الهی اقبال نموده‌اند. ازدیاد مواردی در نقاط مختلف جهان که مصداق دخول افواج مؤمنین به شریعه حضرت رب العالمین است و سبب افزایش عدد مقلین گشته، ما را متوجه بشارت امید بخش حضرت ولی عزیز امرالله می‌سازد که مبنای پیش‌بینی امکانات درخشان آینده در میادین تبلیغ و انتشار امرالهی

است چه که به صریح بیان می فرمایند " دخول افواج مقبلین از ملل و اجناس مختلفه به امر مبارک ... مقدمه زمان موعودی است که اقبال دسته جمعی نفوسی از همین ملل و اجناس و وقوع یک سلسله اتفاقات عظیمه و احتمالاً حوادث مصیبت بار که حال بزحمت می توان آن را تشخیص داد- ناگهان مقدرات امر را دگرگون نموده نظم عالم را مضطرب ساخته و عدد مؤمنین و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاء الله را هزار برابر خواهد نمود" شواهد و آثار حاکی از آنست که اقبال گروههای عظیم برای دخول به شریعه الهیه از قریه به قریه و از شهر به شهر و از کشور به کشور سرایت و توسعه خواهد یافت ... نظر به اینکه تغییر و تحوّل عظیم از مشخصات زندگی امروزی محسوب می شود و از آنجا که رشد و توسعه جامعه و روابطش با جامعه خارج تحولات خاصی را ایجاد می نماید، جامعه بهایی باید آماده انطباق با موازین و احوال جدید باشد. بعبارت دیگر جامعه بهائی باید بیش از پیش برای پذیرفتن شرایط جدید و انطباق با اوضاع متحوّل کنونی آماده و مجهز شود بدون آنکه از توجه و تمرکز قوی در اهداف اصلیه امر تبلیغ یعنی ازدیاد عدد مقبلین و تزئید معلومات و معارف امری آنان غافل بماند. " (۳۷۹)

معهد اعلی

" ... امور جامعه بشری به مرحله‌ای رسیده که برای حل مشکلات شدید اجتماعی هر روز بیشتر از پیش از طریق کسب نظریات مشورتی یا تقبّل اقدامات ضروری، از جامعه بهایی تقاضای مساعدت می‌شود. این خدمتی است که بکمال مسرّت می‌پذیریم. " (۳۸۰)

معهد اعلی

" این تحولات و تطوّرات برجسته که از لحاظ عظمت و علو مقام و مرتبت و ظهور آثار و اثار بدیعۀ منیعۀ شریعۀ مقدّسه الهیه محیرالعقول است، هنگامی صورت می‌گیرد که احیاناً پرآشوب و انقلاب و اضطراب و هرج و مرج در تاریخ جهان است. زمانی که رجال سیاسی و رهبران امور و ولّاء مؤسّسات و مشرّعات بشری نگران و با یأس و حرمان دائم التّزایدی شاهد و ناظر ورشکستگی و بلا اثر و ثمر بودن بهترین مساعی و مجهودات خود جهت تسکین این امواج مخرب می‌باشند ... توجّه دنیای غیربهایّی به تحقّق سریع و روزافزون این حقیقت که جامعه بشری فی الحقیقه وارد مرحله جدیدی از ترقّی و تکامل خود می‌گردد به احبّاء فرصت‌بی سابقه‌ای اعطا می‌نماید، تا نشان دهند و اثبات نمایند که جامعه جهانی بهائی نه تنها هسته بلکه نمونه و الگوی کامل از جامعه جهانی است که تاسیسش مقصد و هدف حضرت بهاء الله می‌باشد و بالاجبار اکثریت عظیم جامعه

درمانده و به ستوه آمده بشری بطور ناآگاه بسوی آن سوق داده می شود... جوانان بهائی انتخاب سال ۱۹۸۵ بعنوان سال جوانان از سوی سازمان ملل را مغتنم شمرده به همکاری فعالانه با جماعات و انجمنهای دیگر جوانان از طریق آگناه نمودن آنان از اهداف و آرمانهای بهایی و ارائه منظر خجسته اختر دنیایی که خواهند ساخت مبادرت نموده اند " (۳۸۱)

معهد اعلی ترجمه

" در احیانی که جهان درگیر مسائل سهمگین اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و مشکلات محیط زیست است، زمان مواجهه و مقابله حامیان دلیر امر یزدان با مسأله‌های بس خطیر نیز فرارسیده است. رشد و پیشرفت جامعه بهایی از نظر توسعه و نفوذ به مرحله‌ای رسید که از جمیع جوانب و در همه مراتب در بوته امتحان قرار گرفته است. " (۳۸۲)

معهد اعلی

" آن زمان فرا رسیده که جریانات مهم در جهان بیش از پیش با اصول و اهداف امر الهی هم جهت می گردد. بنا بر این ضرورت و فوریت اقدام جامعه بهایی بمنظور تحقق بخشیدن به ما موریت جهان آرایش بسیار شدید است. " (۳۸۳)

معهد اعلی

" شواهد جدید در ارتباط و همکاری بیشتری با سازمان ملل متحد و دوایر تابعه آن و دول متعدده در انحاء متفرقه کره ارض، نشانه بارزی از توسعه نطق نفوذ امر الهی در میادین مشروعات و اقدامات بین المللی محسوب (۳۸۴) معهد اعلی

" از جمله شواهد این مدعا گزارش های واصله حاکی از تسجیل قریب به نیم میلیون نفر مقبلین جدید در این مدت قلیل است که در پیام رضوان گذشته یاران را به مجاهدت خاصی در تحقق بخشیدن به وعده الهیه *يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا* دعوت کرده بودیم. " (۳۸۵) معهد اعلی

– وظایف جوانان و بهائیان عالم نسبت به شرایط کنونی جهان:

" حضرت ولی امرالله دو نکته مهم و اساسی را به جوانان بهائی توصیه می فرمایند که در جمیع مذاکرات و مکاتبات و بطور کلی در امر تبلیغ مورد توجه قرار دهند.

نخستین امر مهم آنست که عالم انسانی در این عصر نورانی بر اثر قوا و استعدادات منبعثه از ظهور حضرت بهاء الله وارد عالیترین و مهمترین مراحل پیشرفت خود، یعنی مرحله

بلوغ می‌گردد و بنا بر این از نظر بهائیان تشنجاتی کسه امروزه در هر حوزه از فعالیت بشری جامعه را مضطرب می‌سازد، خود بالطبع علائم و شواهد این رشد تازه است. انقلابات اجتماعی را که امروزه مشاهده می‌نمائیم آشفته‌گی و ضوابط اخلاقی، تحولات و تطورات سیاسی و اقتصادی سریع‌تر و عظیم‌تری از آنچه بشر تاکنون مشاهده کرده، جمیع علامت درد سخت‌زایمان نظم بدیع جهانی است که خداوند تعالی برای این عصر فرخنده نازل فرموده است. پس از تعلیم بلوغ عالم‌انسان^{انسان} نتیجتاً به اصل وحدت عالم انسانی می‌رسیم که حضرت عبدالبهاء جَلَّ شانه مکرر در بیانات خود فرموده‌اند. این اصل مبین بارزترین مقصد و اعلیٰ هدف ظهور دیانت بهائی می‌باشد. مفاهیم اصل وحدت عالم انسانی متعدد و گسترده است و بر همین اساس است که حضرت ولی امرالله احساس می‌فرمایند جوانان بهائی باید در مذاکرات و مجهودات و در رفتار و گفتار تعلق صادقانه و قلبی خویش را نسبت به این اصل اساسی دیانت بهائی ثابت و مدلل سازند. بالاتر از همه باید آنها جهد جهید نمایند تا از جمیع قیود تعصبات اجدادی خود خواه نژادی، عقیدتی یا طبقاتی رهائی یابند و حیات خویش را بصورت سزومشقی درآورند که بسیاری از اغیار را مجذوب امرالله سازند. در زمانیکه تعصب نژادی گسترش و شدت

می یابد، جوانان نباید برای معاشرت و اختلاط با جمیع اعضاء کلیه نژادها مستمراً سعی و مجاهدت نمایند، نه تنها تهیی بودن بلکه سفاقت نظرات فلسفه‌های نژادپرستی که به نحو دائم التزاید افکار اشخاص و طبقات و ملل را در سراسر عالم مسموم می سازد برای جهانیا نمدلل سازند.

این است میزان اعلای افکار و رفتاری که حضرت ولیّ امرالله مایلند جوانان بهائی جداً و با صداقت و خلوص نیت در طرز تفکر و رفتار خویش بدان عامل و متمسک گردند.

امید است جوانان بهائی منفرداً و مجتمعاً قائم به خدمت گردند و آرمانهای عالییه دیانت بهائی را در زندگانی نصب العین خود قرار دهند. " (۳۸۶) حضرت ولیّ امرالله

"در این ایام که محن و بلیات عمومی و جهانی و عدم بصیرت و غفلت شایع متداول و نارضایتی همگانی است، انظار عالم بهائی بطور کلی متوجه و معطوف به مجهوداتی می باشد که جوانان بهائی در اقالیم مختلفه بمنظور تسریع در شکوفائی نقشه ملکوتی مبذول و معمول می دارند. امید و طدید یساران برای دنیائی بهتر و سالمتر کاملاً متوجه شما جوانان است که مأمور گشته‌اید تا به اقوال و اعمال خویش آنگونه حقایق را که بتنهائی می توانند بنحو مؤثری وحدت و صلح را در جهان

تأسیس و مستقر سازند، بمنصه ظهور رسانید. جهت تحقق این وظیفه، حقیقتاً خطیر، جوانان بهائی در سراسر جهان نباید فقط در سبیل انتشار تعالیم بهائی کوشا باشند، بلکه از همه بالاتر باید تا حدی که موقعیت و محیط اجازه می دهد، تعالیم الهیه را در حیات شخصی شعار و دثار خویش سازند. آنها بایستی ناس را نه تنها از طریق اصول و تعالیم مبارکه بلکه با برتری و تفوق رفتار فردی خویش مجذوب امرالله نمایند. در حقیقت جوانان بهائی بایستی از طریق اعمال حیاتی هم انفرادی و هم بعنوان اعضاء آگاه و هوشمند و فعال جامعه بهائی ممثل طهارت، تأثیر و سجایای اعلای دیانت خویش باشند. آنها هنگامی می توانند به احسن وجه به نشر نفعات الله پردازند که طبق موازین مصرحه حضرت بهاء الله در حیات خویش عمل کنند. " (۳۸۷) حضرت ولی امرالله

" احبای جوان بایستی از وظیفه و هدف دیانت بهائی و سرنوشت خود در این ایام خطیر و بحرانی دقیقاً آگاه شوند، چه گناه وظیفه مهم سازندگی دنیای آینده بر خرابه‌هایی که لزوماً نتیجه جبری اضطرابات و آشوبهای کنونی جهان می باشد، عهده جوانان محول گردیده است. آنها باید وظیفه خویش را با نهایت جدیت در نظر گیرند و آماده تحمل وظیفه خطیره

دائم التزاید خود گردند.

مولای محبوب امیدهای فراوانی به جوانان بهائی دارند. " (۳۸۸)
حضرت ولی امرالله

"... چه ثقیل و مقدّس است مسوئولیتی که بر دوش نورسیدگان
این امر مبرم نهاده اند. چه جلیل است وظیفه کسانی که به
ترویج حقایق و اثبات کفایت عملی تعالیم الهی دعوت شده اند.
... نسل حاضر به این ظهور اعظم نزدیکتر از آنست که بتواند
از قدرت و قوت امر بهاء الله باخبر گردد و خواص ممتاز بسی
نظیر و اسرار مکنون و مستورش را چنانکه باید و شاید ادراک
نماید." (۳۸۹)
حضرت ولی امرالله

" نهضت بهائی نیازمند جوانانی است که بیداری روحانی یافته
تا با قیام خود جلوی طغیان موج تمدن مادی که نوع بشر را
به ورطه دمار و ویرانی کشانده، سد نمایند.
چنانچه جلوی قوایی که حالیه جامعه را بسوی اضمحلال و ویرانی
سوق می دهد باز گذارده شود و ما از وظیفه خویش برای
جلوگیری و آوردن آنها تحت کنترل خود غفلت ورزیم، هیچکس
جرات تصور آنچه آینده به همراه خواهد آورد، ننماید. وقتی
بزرگترین رنج و مصیبت فرا رسد، برعهده جوانان است که

صفوف خود را مجهز سازند و بالاتفاق قیام کنند وظیفه خود را اجراء و اكمال نموده و ملکوت الهی را در روی زمین تاسیس و مستقر نمایند." (۳۹۰)
حضرت ولی امرالله

" چون اقدامات مجدانه یاران در داخل ایران مزید بر اجراء مبارکه مشکوره آنان در میادین بین المللی گردید از هرجهت باعث حصول برکت و تایید حضرت احدیت شود." (۳۹۱) معهد اعلی

" ... جریان نقشه بزرگ الهی به نحو مرموزی که تحت هدایت ذات باری تعالی می باشد عمل می نماید ولی نقشه کوچکتر را خداوند متعال برای اجراء به عنوان نقش ما در طرح بزرگ او برای فلاح نوع انسان به ما تفویض کرده و توسط انسان دقیقاً طرح ریزی شده است. برای انجام این کار ما باید تمام قوای خود را مصرف کنیم، زیرا جز ما کس دیگری برای انجام این کار وجود ندارد." (۳۹۲)
معهد اعلی

" روشهای جدید باید با انتقادات و اشکالات جدید مقابله کند بدون در نظر گرفتن میزان موفقیتی که نهایتاً عاید آن خواهد شد." (۳۹۳)
معهد اعلی

"... اما از جوانان بهائی، وارثین متقدمین شجاع و موء منین اولیّه امرالله که هم اکنون بار مسئولیت تاریخی بر دوش آن عزیزان پرجوش و خروش نهاده شده است دعوت می نماید تا در این ایام که علاقمندی شدید نسبت به امر ربّ مجید در سراسر جهان محسوس و عیان است، مساعی خویش را مضاعف نمایند و پیام جانبخش مالک امکان را به سمع همسالان معاصر خود برسانند و خود را آماده روز فیروزی سازند که از معتقدین و متمسکین و موء منین با تجربه محسوب گشته و قادر به انجام وظائف خطیره‌ای گردند که در مستقبل ایام به اراده حضرت ربّ الانام به آنان محول خواهد شد." (۳۹۴)

معهد اعلی

"علی الخصوص جوانان عزیز که هر یوم در معرض استهزاء مستکبرانند و هدف تیر ملامتگران، باید به جوشن ایمان و عرفان مجهز گردند و بر توسن اطمینان نشینند و به میدان عبودیت جولان دهند. سلاح صلاح برگیرند و صلاى حَسْبَى الْفَلَاحِ وَ حَسْبَى الْعَلَى النَّجَاحِ به مسامع اهل عالم رسانند و به سیف حکمت و بیان و سیر تقوی و انقطاع بر صفوف نفس و هوی تازند و جنود تقالید و اوهام را متواری سازند و در قطب آفاق علم هدایت کبری برافرازند." (۳۹۵)

معهد اعلی

" این مشتاقان به کمال سرور شاهد فعالیت جوانان عزیز بهائی در بسیاری از نقاط جهان بوده و هست. بحمدالله فتوحات روحانیّه عظیمه‌ای بر اثر همت والای جوانان منسوب به جمال رحمن نصیب‌گشته که باعث مسرت و عبرت و حیرت است... " (۳۹۶)

معهد اعلی

" ای یاران عزیز رحمانی شمارا که محبوب آفاق جمال مبارک جَلَّتْ عَظْمَتُهُ به خطاب "قُرَّةُ عَيْنِ الْإِبْدَاعِ" و "ماءٌ مَعِينِ حَيَوانِ که مایه حیات بنی آدم است " مخاطب فرموده از صمیم قلب و وجدان دعوت می نمایم که بیقین مبین بدانید حال وقت آن رسیده که چشم از امور جزئیّه نالایقه بر بندید و قوای خویش را حصر در تبلیغ شرع متین نمائید.

... ادنی شائبه خوف و هراس و ریب و تردیدی به دل راه مدهید قوه غالبه میثاق تائیدتان می نماید و نشئه تازه عطا می فرماید و موانع حائله را مرتفع می سازد... " (۳۹۷)

معهد اعلی

" آرزوی این مشتاقان چنین است که اهل بهاء از تطورات و ابتلائات و انقلابات اهل عالم نهراسند و در یأس و حرمان بشر غافل از خدا، شریک نگردند و از شدت و حدتش مشوش و

پیریشان نشوند، بلکه جمیع را تباشیر وقوع نبوات حتمی در کتب مقدسه بشناسد و در تاسیس نظم جهان آرای الهی قطع نظر از مشکلات عظیمه و ابتلائات شدیدہ آتی غفلت نورزاند. امیدواریم که توفیق یابند و بفوز عظیم رسند. " (۳۹۸) معهد اعلی

" در جهانی که روز به روز تشعب و تحزبش بیشتر شود، جامعه بهائی باید برعکس در روابط خود مظهر وفاق و الفت باشد و تا عالم انسانی به رتبه بلوغ نرسیده جامعه‌های بهائی باید بکوشند که در اقدامات خود طلیع آثار بلوغ را ظاهر سازند و حتی القوه مشاکلی را که نوع انسان با آن مواجه است ابتدا بخوبی درک کنند و در نهایت عقل و درایت به اداره امور پردازند... " (۳۹۹) معهد اعلی

" ما در بین جماعتی زندگی می‌کنیم که احتیاجی شدید به پیام حضرت بهاء الله دارند. وظیفه ما اینست که این پیام را بنحوی واضح و قانع کننده تا آنجا که ممکن است به تعداد بیشتری از نفوس انسانی عرضه داریم. ظلمت و رنج و عذاب‌هایی که در اطراف خود مشاهده می‌کنیم نه تنها نشانه‌های چنین نیازی است بلکه در عین حال فرصتی را برای ما فراهم می‌آورد که نباید آن را از دست دهیم. ابلاغ پیام تنها

قدم اول محسوب می شود، بعد از آن باید اطمینان حاصل کنیم که پیام امر مبارک درست فهمیده شده و بکار گرفته شده است. " (۴۰۰) معهد اعلی

" افق تیره و تاریک عالم امکان که در خلال این قرن اکثراً در ظلمتی دیجور منهدم بوده، حال با طلوع بارقه جدیدی اندکی روشن و منیر گردیده است... از یاران الهی دعوت می شود کل من دون استثناء چه زن و چه مرد و چه پیر و چه برنا قدم در میدان خدمت گذارند چه که موفقیت جامعه مرهون ابتکارات و مجهودات تبلیغی و مساعی فرد فرد یاران راستان است. " (۴۰۱) معهد اعلی

" سازمان ملل متحد سنه ۱۹۸۵ را سال بین المللی جوانان تسمیه نموده و بدین ترتیب آفاق جدیدی در مسیر خدمت و فعالیت جامعه جوان بهایی گشایش یافته است و آرزوی سازمان ملل در توجه بیشتری به جامعه جوان آنست که وسایل مشارکت و مساهمت فعاله آنان را در مسائل جهانی فراهم نماید... شبهه ای نیست که جوانان ما، قدرت و توانایی آن را دارند که در تشدید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتی سهم بسزایی را ایفا نمایند، آری جوان تواند که عالمی را به حرکت درآورد.

ای جوانان قرن یزدان و مشتاقان عبودیت آستان جمال جانان، چه نیکو و هیجان انگیز است این فرصت مهیج و خطیر که به شما ارزانی شد تا سمند همت را در میدان خدمت چنان جولانی دهید که مزیت و برتری‌تان ثابت و عیان گردد، چه که اصول مطروحه از طرف سازمان ملل متحد یعنی مشارکت توسعه و صلح درحقیقت تایید و تاکید اموری است که از جمله اهداف جامعه واقع و شامل مسائلی است که همگنان و همسالان عاصی و مایوس شما با شدت و شتاب فراوان در تکاپو و جستجوی آنند...

در خلال این احوال تعداد روزافزونی از جوامع بشری و از مدارج مختلفه عالم انسانی با حمیت و جدیت قاطعی در جهت کسب حقیقت و معرفت نفس خویش بدین سو و آن سو دوانند و اگر چه ظاهراً و علناً زبان به ادعان و اعتراف نگشایند ولی باطناً مقصد و غایتشان فهم و عرفان حقیقت معنوی و حیات روحانی خویش است. در این مسیر جامعه جوان بر دیگران سبقت گرفته و در صفوف اولیه سایر و سالک است. چنین معرفتی نه فقط راه را برای ابتکارات پسندیده و آراء مفیده بهائیان هموار می‌سازد، بلکه مسوءولیت‌های جدیدی را نیز به جوانان بهایی می‌سپارد که بالتتیجه به تبلیغ امر الهی پردازند و به اعمال و اخلاق رحمانی متخلّق گردند و با تمسک به صفات و مبادی روحانی تمتیات معنوی و قلبی اقران و همگنان خویش را

جامه عمل بپوشانند. فی الحقیقه بمنظور حفظ و بقای همین فضائل و خصائل حمیده بوده که دماء مسفوکه برینچه چه شیخ و چه شاب خاک ایران را کماکان آغشته و گلگون نموده است... (۴۰۲)

معهد اعلی

" هر قدر بشر بیشتر به اعماق ورطه‌ای فرو می رود که حضرت بهاء الله راجع به آن می فرمایند " حال ذکر آن مقتضی نه " بهمان اندازه یاران باید مطمئن تر ، مستقیم تر و اصولاً خود را سعادت مندتر احساس نمایند . عمل بر طبق موازینی که مخالف تمایلات و رویه های سخیفه جامعه متمدن کنونی می باشد ، موجب افتخار و قدرت و نشانه رشد و بلوغ یاران است . همین تباین بارز بین قدرت و وحدت و نظام جامعه بهائی از یک طرف و اختلال و یأس و نومیدی و تب شدید اجتماع محکوم به فنا از طرف دیگر سبب خواهد گردید که در سالیان پراضطراب آتی انظار عالمیان بملاد رفیع و مقام مقدس شریعت حضرت بهاء الله که اصلاح عالم و امم منوط به اوست متوجه گردد . " (۴۰۳)

معهد اعلی

" ... جامعه بهائی باید بیش از پیش برای پذیرفتن شرایط جدید و انطباق با اوضاع متحول کنونی آماده و مجهز شود ،

بدون آنکه از توجه و تمرکز قوی در اهداف اصلیّه امر تبلیغ،
یعنی ازدیاد عدد مقبلین و تزئید معلومات و معارف امیری
آنان غافل بماند. " (۴۰۴) معهد اعلی

" با توجه روزافزون عمومی به آئین الهی، ضروری است که
مؤسّسات امیری در بهبود اجرای وظایف محوّله سعی بلیغ نمایند،
یعنی اولاً اصول و حقایق اساسیه امر بهائی را بنحوی دقیق تر
عملی نمایند و ثانیاً خود را بیشتر با روح حقیقی و آداب -
صوری تشکیلات امیری تطبیق دهند و ثالثاً به نتایج مؤثر و
مفید امر مشورت عقیده و اعتماد راسخ تری داشته باشند تا
در اثر این نحوه عمل و رفتار جوامعی که تحت رهبری و دلالت
آنان قرار دارند، چنان به حیات معنوی و اخلاق و اطوار
ملکوتی متخلّق گردند که مایه امیدواری نفوس آشفته و مأیوس
جامعه بشر شوند. " (۴۰۵) معهد اعلی

" پایان این قرن با شتاب نزدیک می شود. وقت بسیار کوتاه و
کار بسیار زیاد است. از هریک از پیروان امر حضرت بهاء الله
دعوت می شود که حدّ اعلاّی مساعی خود را در اجرای دو وظیفه
اصلی متمرکز سازند: ابلاغ امرالله به نفوسی که تشنه آنند و
تأمین منابع مالی برای اتمام مشروعات فخریه ای که در جیل
کرمل در دست ساختمان است. " (۴۰۶) معهد اعلی

" اینک به آسانی می توان دید که عالم، عالمی دیگر شده و مصداق بیان جمال اقدس ابهی که می فرمایند " قَدْ أَظْطَرَبَ النَّظْمُ مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَ آخَلَفَ التَّرْتِيبَ لِهُذَا الْبَدِيعِ الَّذِي مَا شَهِدَتْ عَيْنُ الْإِبْدَاعِ شِبْهَهُ " جلوه نموده است . شما از سرزمین هایی گرد هم آمده اید که به آفات محیط زیست و مشاغل و بلیّات گوناگون اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، معنوی و بالاتر از همه اخلاقی و روحانی مبتلایند و به خوبی می دانید که بعضی از همسالان شما که نومیدانه در جستجوی راه نجاتند چه بسا برای مقابله و مبارزه با شروری که بینش آنان را مختل ساخته متأسفانه به وسایل خصمانه و تجاوزکارانه متوسّل می گردند. برخی نیز با حالت یأس یا بدبینی با این فکر که این دردها را درمانی نیست از هر اقدامی منصرف می شوند. اما شماست که راه چاره را می دانید . شماست که آینه را می بینید . شماست که راهنمایی لازم را در اختیار دارید و شماست که با برخورداری از نیروی روحانی لازم قادرید تا بر همه تیره روزی ها فائق شوید و جوانان اروپا را حیات تازه بخشید . " (۴۰۷)

معهد اعلی

— نقش و تأثیر وقایع اخیر ایران :

" ... ای برادران و خواهران روحانی ، دور ، دور ایـران است و زمان زمان نصرت و شادمانی عزیزان آن سامان . بدایت بزوغ آفتاب سعادت ابدیه است و تابشیر عصر عزت موعوده ، آن ستمدیدگان . اگر در ممالک بیگانگان همچو آثار عظیمه و ظهورات هائله و شئونات غریبه ظاهر و نمودار گشته ، پس در موطن اصلی جمال قدم و اسم اعظم که بنص صریح مرکز عهد اقوم حکومتش محترمتترین حکومت عالم و ابنائش منبوط و محسود اقوام و امم گردند ، من بعد چه خواهد شد ... " (۴۰۸)

حضرت ولی امرالله

" ای هموطنان جمال مبارک این چه مرتبتی است و این چه فضل و موهبتی که منسوب به آستان مقدسیم و ببرکت این نسبت به هر نعمتی مخصّص . از شهر جانانیم و شمع شبستان یزدان . بی نام و نشان بودیم ، شهره جهان گشتیم . مفقود و بینوا بودیم عزت جاودان یافتیم . " (۴۰۹) معهد اعلی

" ... در تاریخ ام‌الله ملاحظه فرموده‌اند که وقتی اصحاب کثیری تحت قیادت جناب باب‌الباب به طرف مازندران حرکت می‌کردند، در راه جناب ملاحسین به همراهان به صریح عبارت ابلاغ فرمودند که راهی که در پیش دارند راه انقطاع و فداکاری است و هر کس مختار است که از همین جا فوراً مراجعت نماید و جان و مالش را نجات دهد ولی هر کس که همراهی می‌کند، ما ملک خود را بگذارد و زیور و مال خویش را به صحرا ریزد. بعضی موفق به سلوک در این سبیل فدا که عین سعادت و وفا بود گشتند و بعضی دیگر تاب تحمل نیاورند و مراجعت نمودند. حال این اختیار از افراد بهائی سلب نشده و بحمدالله بر کل ثابت گشته که اکثریت قریب به اتفاق ثابت مانده‌اند." (۴۱۰)

معهد اعلی

" ... در ابلاغ این پیشرفت شگفت‌انگیز از ذکر تاثیر روحانی و اجتماعی حوادث ده ساله اضطهادات و تضییقاتی شدید که بر خواهران و برادران ایرانی ما وارد آمده نمی‌توان غافل ماند. فقط در آینده نتایج کامل فداکاری آن عزیزان معلوم و آشکار خواهد گشت ولیکن ما می‌توانیم این تاثیر را در - موفقیت خارق‌العاده‌ای که در اعلان ام‌الله نصیب شده و در - ایجاد روابط حسنه با مقامات دولتی و سازمانهای مهم غیر

دولتی در سراسر جهان ملاحظه کنیم لذا با سرور و ابـرـاز
 امتنان موفور استخلاص اکثریت قریب به اتفاق احبای مسجون
 را در ایران اعلام می داریم، اما در این سرور و حبور نباید
 از خاطر دور داشت که هنوز استخلاص کامل جامعه بهائی در -
 ایران و تضمین حقوق انسانی یاران ایران بنحو جامع و کامل
 حاصل نگشته است. " (ترجمه) (۴۱۱) معهد اعلی

" ... نفوس عزیزی که در ایران استقامت می کنند خصوصاً مثل
 اینگونه جوانان عزیز و فداکار باعث عزت و آبروی امر
 می باشند. " (۴۱۲) معهد اعلی

" الحمدلله نفوسی که در آن کشور مانده و علم جانبازی
 افراخته اند، اصحاب جناب قدوس و جناب باب الباب را در قلعه
 طبرسی به یاد می آورند که در حصن حصین پیمان الهی مانده
 و به نفوسی که بواسطه بروز خوف و هراس و طلب راحت و
 آسایش میدان را خالی کرده به خارج رفته اند، تپیوسته اند و
 از این جهت جامعه کنونی مهد امرالله نیز چون قهرمانان
 دوره عصر رسولی نام خود را الی الابد پایدار و فضل و عنایت
 پروردگار را شامل حال خویش ساخته اند... " (۴۱۳)
 معهد اعلی

" با قلبی طافح به مسرت و شکرانه اعلام می دارد که جامعه بهایی با تصویب قراری که در جلسه عمومی سازمان ملل متحد اتخاذ و ضمن آن به تضییقات وارده و اذیات مستولیه بر احبای ایران صریحاً اشاره گردیده به رسمیتی سابقه‌ای دست یافته است . برای نخستین بار ذکر شریعت نازنین حضرت بهاء الله در انجمن عظیمی بیان و بر لسان جاری گردید که مهمترین نمایندگان اکثریت دول جهان در آن مجمع بین المللی مشارکت می نمایند اهمیت این واقعه خطیره در آن است که تا کنون فقط در سه نوبت مجمع عمومی سازمان ملل مبادرت به اتخاذ قراری در ملامت و سرزنش یکی از کشورها نموده که دارای سوابق سوء و نامطلوب در امور حقوق بشر می باشند . . . یکی از نتایج بارزه اقدامات فوق الذکر آنست که این موضوع در دستور جلسه مجمع عمومی ثبت و مندرج گردیده است و باعث خواهد شد سعی و کوشش مداوم در سبیل تسکین محن و آلام احبای ایران و رفع تضییقات کنونی ادامه یابد تا بالاخره زمانی فرارسد که حریت و آزادی کامل امرالله در آن سرزمین تحقق و تمکن تام حاصل نماید . . . (این وقایع) کل شاهد و گواه بر آنند که امر رب مجید من دون شبهه و تردید پرده ظلمت و گمنامی را به یک سو افکنده است . . ." (۴۱۴)

معهد اعلی

"دوستان معنوی ایران، تمام عالم امر به وجود شماها افتخار می کنند، حقیقتاً یاران ایران، مبداء حرکت و مرکز حرارت هستند و قدر این مقام و خدمات را بدانند... یاران ایران مطمئن باشند قدر و مقام و شجاعت و شهادت کسانی که در آنجا مانده اند از نظر فراموش نمی شود و مقام و موقعیت آنها قابل مقایسه با افرادی که از ایران خارج می شوند نیست... کلیه این فتوحات و موفقیتها مرهون فداکاری و استقامت یاران عزیز ایران است..." (۴۱۵) معهد اعلی

"آنچه در طی سنوات اخیر از آن بندگان جانفشان درگاه الهی مشاهده گردیده فی الحقیقه محیر عقول است و آشنا و بیگانه را خاضع و مبهور ساخته و به ذکر محامد و نعوتشان برانگیخته است. مطمئن باشند که این زحمات و جانفشانیها بآضعاف مضاعف سبب سعادت آن دوستان راستان گردد و اولاد و احفادشان را در پناه جمال احدیت قرار دهد" (۴۱۶) معهد اعلی

"نیز آن وقایع سبب شد که جوانان عزیز بهایی که به برکت ایمان والدین خویش حیات روحانی یافته و به زیور اخلاق بهایی آراسته اند، توانستند جوهر خویش را نمایان سازند و در خدمات فوری و ضروری عزیزان ایران مقدم بر دیگران شوند

و تقدیر و تحسین ملاء عالین و اهل بها را در هر سرزمین
برانگیزند. " (۴۱۷)
معهد اعلی

"... آن وقایع و حوادث سبب شده که قاطبهٔ ستمدیدگان ایران مرتباً
منظماً مستمراً در بحر آیات مستغرق گشتند و به مطالعه و غور
در کلمات جامع الهیه پرداختند و پیر و جوان در گلستان
ایمان و ایقان از شمیم نسیم معرفت جانی تازه یافتند و
اهتزاز بی اندازه جستند و یقین است که بزودی در گلشن
هدایت ببالند و سبب زینت عالم انسانی شوند و اشمسار
خوشگواری ببار آورند و کام طالبان حقیقت را پرحلاوت سازند."
(۴۱۸)
معهد اعلی

"... معهد اعلی چقدر تقدیس می کند افرادی را که در میدان
خدمت در ایران باشند. آنها بی که در ایران در میدان خدمت
هستند قدر این ایام را بدانند، علی الخصوص جوانان عزیزه
یاران باید بدانند کلیهٔ این وقایع جز ارادهٔ الهیه چیه
دیگری نیست، زیرا اگر چنین چیزی نبود امرالله از مجهولیت
خارج نمی شد. احبای ایران در مسیر نقشه الهیه قرار گرفته اند.
اگر تاریخ نبیل نبود حالا امر بسیار فقیر بود ولی الان این
وقایع و مشکلات فتح و ظفر عظیمی را به دنبال دارد.....

البته این مشکلات برطرف خواهد شد. مطمئن باشید که هزاران هزار در عالم هستند به حال شما غبطه می‌خورند خوشا به حال شما که فرع شجره مبارکه هستید" (۴۱۹) معهد اعلی

"شکّی نبوده و نیست که سالکان سبیل وفا در ایران که به محبت جمال ابهی فائز و باسقامت در مقابل شادید و بلایا موفّق و مفتخرند، سرحلقه عاشقان جمال رحمن محسوبند و قدر و منزلتشان در پیشگاه حق و در نزد خلق معلوم و واضح .

آنانند که سبب حصول نتایج عظیمه مهمه در تحوّل امرالله در سیر مرحله مجهولیت امر اعظم گشته‌اند و در تاریخ امرالله نامشان الی الابد مخلّد خواهد بود. لهذا بیت العدل اعظم الهی به کمال اشتیاق منتظرند که در این ایّام که توفیقاتی در شناسائی امر الهی حتی در ایران حاصل آمده و زحمات عظیمه مستمره یاران ایران در شرف شکفتن است، احبّای عزیز ایران بجان بکوشند که در آن کشور مقدّس باقی بمانند و بسا شجاعت و شهامت در اخذ حقوق مسلوبه، خویش مجاهدت نمایند و مطمئن باشند که بتدریج مجهوداتشان به ثمر خواهد رسید."

معهد اعلی

"شکّی نبوده و نیست که در این طوفان بلا سیلی که از خون

شهداء نازنین ایران جاری گشت، بذر فتوحات اهل بهاء را به شرق و غرب عالم رسانید و اشجار طیبه طاهره‌ای را بوجود آورد که روز بروز به نزول باران عنایت رشد و نما نماید و آشیان مرغان چمنستان هدایت گردد... حال باید ملاحظه گردد که در این چند سال که عزیزان ایران جان باخته و تنگی زندان دیده و تالان و تاراج گشته و به دربدری و آوارگی افتاده‌اند چه انتصارات عظیمه‌ای نصیب اهل بهاء گشته و امر الهی به چه مقدار ترقی نموده است... " (۴۲۱) معهد اعلی

- وظایف بهائیان ایران در این ایام :

" مگذارید که اغیار و حسودان و دشمنان بگویند که علت علو امر در گذشته ایام و در اوایل ظهور، قیام خارق العاده هیاکل مقدسه و استقامت نفوس زکیه شهداء امر بوده که حال چون دیگر نیستند امر بهاء الله مجبوراً رو به انحطاط و ضعف و تشتت و اضمحلال خواهد گذاشت. " (۴۲۲) معهد اعلی

" الیوم خدمتی اعظم از استقامت یاران ایران نیست که در آن

کشور مقدّس چون شیران بیشهٔ عرفان ایستاده و از هجوم سهام
قضا خوف و هراس بخود راه ندادند و چون سمندر آتش و فسا
شعله‌های جفا را مخمود ساختند.

لهذا حیفاست که سالکان سبیل عرفان از راه بدر روند و
بر اثر تشویق خیراندیشان و خویشان خارج از کشور یا ملاحظات
دیگر که منبعث از ضعف بشری است، دوستان عزیز خویش را در
مهد امرالله تنها گذارند و به خیال خود بجای امن پناه
گیرند و در آنجا چنانکه کراراً پیش آمده پشیمان و گریان
و نالان گردند که چرا خود را از موهبتی محروم نموده‌اند که
در ایران نصیبشان بود و حیات فانی زودگذرشان را معنایی
باقی و حقیقی بخشیده بود. " (۴۲۳) معهد اعلی

" پس ای یاران معنوی شاد باشید و مستبشر و مطمئن که آنچه
واقع شده و می شود ممد و موهبۀ آئین الهی و سبب خیر
بندگان بارگاه مقدّس اوست. کوتاه نظرانند که از نهیب حادثه
از میدان بدر روند اما برگزیدگان جمال کبریاء دیدهٔ جهان-
بین دارند و بافق سعادت ابدی ناظرند و طلوع شمس وعده‌های
جانپروور الهی را منتظره کار خود را به لطف پروردگار حواله
کنند و کامکاری را در بردباری شناسند. " (۴۲۴) معهد اعلی

" احبای ایران باید مستقیم و ثابت و راسخ باشند و ضمناً رعایت حکمت را بنمایند و از اموری که اسباب سرو صدا می شود و بهانه بدست مفسدین می دهد خودداری کنند و در عین حال متمسک و مطمئن و مسرور باشند. " (۴۲۵) معهد اعلی

" آنچه مشاهده می شود در این ایام تأییدات ملاء اعلی با شدت و قوت بیشتری نصیب اهل بهاء است. البته در ایران نیز چنین خواهد بود، لهذا مطمئن باشند که در سبیل محبت اللہ استقامت و وفایشان باجر جزیل فائز گردد. اگر بر حسب ظاهر از بعضی از خدمات محرومند این محرومیت را که در سبیل جمال ابهی تحمّل می نمایند باید اکلیل افتخار شمرند و ابدا محزون نباشند و بخاطر آرند که مظلومیت و محرومیت آن عزیزان، دریای عنایت جمال ابهی را چنان بجوش آورده که در جمیع اقطار عالم دُررِ ثمینه پدیدار گشته و سبب غنای معنوی اهل بهاء گردیده است. " (۴۲۶) معهد اعلی

" حیفاست که امور جزئیّه از قبیل کسب و کار و تحصیل وغیره یاران عزیز ایران را از خدمت در آن میدان وسیع بازدارد و به خارج بکشاند، زیرا استقامت آن عزیزان در ایران است که امر اعظم را به مدارج عالیّه ارتقاء داده. اگر معاذ اللہ

احباء از تحمل و مقابله با شائد و مصائب خوف و هراس داشته باشند و به نهیبی از جا بروند، آنوقت بالمال روح نباض امر الهی از تأثیر و نفوذ درهیکل جامعه انسان باز- ماند و این امری است که البته یاران با وفای ایران آن را نمی پسندند و سبیل استقامت را حُباً لجمالِها رها نخواهند نمود." (۴۲۷)
معهد اعلی

" خالی کردن سنگر در این مبارزه روحانی شرط وفا نیست و باقی ماندن در موطن جمال مبارک ولو بحسب ظاهر محرومیت‌ها و مشکلاتی را دربرداشته باشد، اجرش بیشتر از حتی خدمت در میادین دیگر است." (۴۲۸)
معهد اعلی

" ... بیت العدل اعظم البته بر استقامت یاران ایران در - مداومت خدمات در مهد ام‌الله تاکید می نهند و آن را اعظم خدمت در ایام ^{این} می شمرند." (۴۲۹)
معهد اعلی

" معهد اعلی جمیع همشان مصروف تخفیف مصائب و آلام یاران ایران است که به حیل استقامت و وفا تمسک جسته و جان درکف

در صف عاشقان جانفشان جمال ابهی در آن اقلیم مقدّس مانده
 و چراغ امرالله را فروزنده تر از پیش روشن داشته اند. البتّه
 این نفوس تنفیسّه که در آن اقلیم بر چنین خدمت مبارکمی
 قائم اند و ایام فانی حیات را سبب وصول به سعادت باقی
 جاودانی ساخته اند با سائرین که راحت و آسایش را ترجیح
 داده اند قابل قیاس نبوده و نیستند. " (۴۳۰) معهد اعلی

" آن نفوس مقدّسه علمداران فدا و وفا همواره الهام بخش
 جُند هدی در عبودیت آستان الهی بوده اند و حال باید با
 قلبی شاد و مطمئن به نتایج عظیمه خدمات بی نظیر خویش
 ناظر باشند. به واسطه فیوضات الهیه سبب عزّت و رفعت
 آئین نازنین در عالم امکان گشته اند و نام نامی خویش را در
 سجّل ملک و ملکوت باقی و پاینده نموده اند. " (۴۳۱) معهد اعلی

" نکته دیگر آنکه احبای عزیز ایران که نسبت خود را با
 جمال مبارک ثابت نموده اند، البتّه ناظر به حق خواهند بود نه
 به نفوس دیگر و وضع و حال ظاهره نفوس فراری در خارج از

ایران سبب امتحان آن عزیزان ممتحن در ایران نخواهد شد، زیرا تمام زحمات آن عزیزان بخاطر جمال مبارک است و اگر جز این بود البته جانبازان سبیل الهی در ایران از همّت استقامت و وفا محروم می ماندند و از بساط قرب الهی دور می گشتند." (۴۳۲)

معهد اعلی

- وظایف ویژه جوانان بهائی ایران در این ایام :

" جوانان عزیز در ایران اعظم خدمتی که حال بدان فائزند همانا تخلق به اخلاق بهائی و تبلیغ به اعمال و دیگر استغراق در بحر آیات الهی و تحکیم مبانی ایمانی از طریق انس و ممارست با آیات صمدانی " (۴۳۳)

معهد اعلی

" ... در خلال این احوال تعداد روزافزونی از جوامع بشری و از مدارج مختلفه عالم انسانی با همیت و جدیت قاطعی در جهت کسب حقیقت و معرفت نفس خویش بدین سو و آن سو دواندند و اگر چه ظاهراً و علناً زبان به ادعان و اعتراف نگشایند ولی باطناً مقصد و غایتشان فهم و عرفان حقیقت معنوی و حیات روحانی خویش است . در این مسیر جامعه جوان بر دیگران

سبقت گرفته و در صفوف اولیه سایر و سالک است. چنین معرفی
 نه فقط راه را برای ابتکارات پسندیده و آراء مفیده بهائیان
 هموار می سازد، بلکه مسئولیت های جدیدی را نیز به جوانان
 بهائی می سپارد که بالنتیجه به تبلیغ امر الهی پردازند و
 با اعمال و اخلاق رحمانی متخلق گردند و با تمسک به صفات و
 مبادی روحانی تمنیات معنوی و قلبی اقران و همگنان خویش
 را جامه عمل بیوشانند. " (۴۳۴) معهد اعلی

"... آن شهبازان اوج محبة الله به سرور و سکون و وقاری قائم
 و فائزند که مغناطیس تأییدات ملاء اعلی گشته و آنان را به
 چنان توفیقاتی موفق نموده است که اسباب تحیر و اعجاب اهل
 بهاء در سراسر عالم شده. " (۴۳۵) معهد اعلی

"... معهد اعلی مقرر فرمودند مرقوم گردد که الحمد لله آن
 جواهر وفا در عین مظلومیت به خدماتی نائل شده اند که مغبوط
 اهل عرفانند. محرومیت ظاهری از شرکت در میادین بین المللی
 در مقابل تأثیرات باطنیه معنویّه فداکاری های تاریخی آن
 عزیزان از اهمیتش می کاهد. باید مسرور باشند که نفس
 مظلومیت سبب حصول فتوحات عظیمه جهت اهل بهاء در سراسر
 عالم گشته است.

جوانان عزیز که در کسب کمالات عالم انسانی در آن سامان به مدارج عالیہ رسیده‌اند البتہ فرصتی بیشتر دارند تا از ذخائر معنویہ خویش در آیندہ ایّام درمیادین بین المللی استفاده نمایند و هر یک پرچم هدایت را برافراخته یاران نورسیده را با علی قُلل سعادت رهبری فرمایند. " (۴۳۶) معهد اعلی

"... آنچه بیشتر باعث اهتزاز قلوب شد آنکه آثار بهیّہ نفوذ کلمہ اللہ در قلب آن جوان عزیز که در دورہ معارف عالیہ امری تلمذ کرده‌اند کاملاً از خلال نامه‌شان مشهود بود. فی الحقیقہ جوانان ایران در این ایّام به موهبتی فائزند که در جای دیگر جوانان هم سنّ و سالشان مقدور نیست. یعنی آن عزیزان در مہد امراللہ بالمرہ خود را مستغرق بحر آیات و الواح نموده و می نمایند. باید قدر این عنایتی که جمال ابھی نصیبشان فرموده بدانند و خود را آمادہ نمایند که در تاسیس مدنیت جهانی در ظلّ پرچم امراللہ شرکت کنند. انشاء اللہ وقتش خواهد رسید که از خرمن معارفی که تحصیل کرده‌اند به دیگران نصیب وافر بخشند و در میدانهای بین المللی در عبودیت جمال ابھی موفق گردند. و امیدوارند که عموم جوانان مستقیم ثابت قدم و وفادار در مہد امراللہ همچنان با این روحیہ قوی و قلب مطمئن به خدمت عظیمی که

در پیش گرفته‌اند قائم و دائم باشند. " (۴۳۷) معهد اعلی

" ... جوانان بهائی با الهام و استیشار از رفعت فحوا و سمو محتوای کلمه، مبارکه، " خلق جدید " به جلب جم غفیری از همگنان ناثل و به معیت شمل همسالان بهائی خود بصرف نقود اعمار در میادین بسیاری از خدمت و مجاهدت مانوس و مالوفند که ثمرات جنیه، شهیه نصیبشان خواهد گردید. " (۴۳۸) معهد اعلی

" ... در این مقام واجب است که به ذکر خیر جوانان ارجمند بهائی پردازیم، زیرا که در میدان مجاهدت با سایر افراد جامعه همراه بل در بسیاری از اوقات در صف مقدم به جلادت و کفاح مشغول بوده‌اند. موهبتی اعظم از این نیست که در عنفوان شباب به مقصد از خلقت خویش پی بریم و شناسائی جمال رحمن و عبودیت آستان یزدان را هدف زندگانی در این جهان فانی قرار دهیم و امور دیگر از قبیل ترقیات ظاهره و نیل به مقامات عالیه حتی کسب درجات علمیه را وسیله، فوز به آن مقصد اسنی و هدف اعلی شماریم، اگر چنین نباشد هر که باشیم و به هر جا برسیم از فوز به سعادت حقیقی و ترقی در جمیع عوالم الهی محروم مانده‌ایم و برعکس اگر حوادث روزگار و عدم امکانات ما را از وصول به آن مقامات و آن

درجات و آن امتیازات محروم سازد، چون به عرفان فائز و به عبودیت حضرت احدیت عامل باشیم به مقصد حیات نائل و به بزم قرب و لقا واصل گشته ایم... (۲۳۹) معهد اعلی

" مکتوبی که بعضی از جوانان عزیز مهد امرالله مرقوم فرموده بودند واصل گردید.

معهد اعلی از وصولش بسیار مسرور گردیدند زیرا مبین خلوص نیت و پاکی طینت و علو همت آن عزیزان بود که در ریعان شباب به معنی حقیقی حیات پی بردند و به عرفان حق جل جلاله در یوم موعود نائل و در سبیل محبتش به جانبازی فائز گشتند و به سرافرازی رسیدند و با امید کسب رضای حق بمبدأ استقامت متمسک شدند و از جمله بحکم کتاب باطاعت از حکومت و قوانین رایج مملکت پرداختند.

آنچه بوده و هست آنکه آن عزیزان از تلاوت آیات و مطالعۀ آثار و تقویت روحانی خویش غافل نمانند زیرا اساس سعادت ابدیه در این است، امور دیگر از قبیل تحصیل ثروت حتی علوم و فنون هر چند فی حد ذاته ممدوح ولی در صورتی مقبول است که مانع قربیت الهیه و ارتقاء بمدارج عالییه روحانیّه و کسب حیات ملکوتیه نگردد و الا خسران مبین است. لهذا آن عزیزان نباید نگران باشند تا حدی که میسر و مقدور

است به کسب مدارج عالیّه، علمیه، بپردازند و اگر در شرائط کنونی از آن محروم ماندند آن را حَبّاً لِحَمَائِهِ بدانند و مطمئن باشند که این فداکاری بی اجر نمی ماند و ظاهراً و باطناً سبب حصول سرور خاطر و اطمینان قلب آنان خواهد شد. باید به تاریخ امر رجوع فرمایند، البتّه معلوم گردد که امثال اینگونه از خود گذشتگیها و تحمل محرومیتهای درسیب حضرت احدیّت سبب هُطُول امطار تَأْییدات ملاّی اعلی گشته و امر جمال ابهی را در عالم امکان تمکّن بخشیده. باید شاگرد مفتخر باشند و این ایّام شِداد را فضل و عنایتی عظیم شمرند و شکر کنند که این تاج و هَاج بر فرق آنان گذاشته شده است. آنان را بشارت باد که معهد اعلی بالنّیابه از آن پرچمدار آن میدان وفا و استقامت در مقامات مقدّسه، علیاً مزید سعادت و سرورشان را سائل و طالبند. " (۴۴۰) معهد اعلی

"... اما جوانان نازنین ایران در وقایع اخیر از عوامل فعّاله در اثبات ایمان و ایقان اهل بهاء در آن بلاد بوده و هستند و خدماتشان که مظهر شجاعت و شهامت و فداکاری و از خودگذشتگی آن نهالان بوستان حقیقت است در تاریخ امرالهی مقامی مخصوص خواهد داشت. البتّه نباید مأیوس گردند بلکه با توسّل به ذیل عنایت الهی

و توسعهٔ معلومات و اطلاعات خود در بارهٔ امرالله و حتی -
 المقدور با مطالعهٔ کتب و الواح و آثار بر قدرت معنوی
 خویش بیفزایند و در آینده که این ایام شداد خاتمه یابد
 روح فداکاری و جانبازی عزیزان آن سرزمین را که خود شاهد
 آن بوده و در پیکار روحانی شریک و سهم بوده‌اند به جامعهٔ
 بهائی منتقل سازند .

یاران ایران علی‌الخصوص جوانان فداکار موطن حضرت بهاء‌الله
 همواره در ادعیهٔ بیت‌العدل اعظم در مقامات مقدسهٔ منوره
 مذکور بوده و هستند تا انشاءالله در کنف حفظ و حمایت
 الهی چون کوه پرشکوه استقامت نمایند و سبب فخر اقران در
 جمیع ممالک باشند. " (۴۴۱)
 معهد اعلی

" الحمد لله جوانان عزیز و با وفا در مهد امرالله هر یک
 بنحوی از انحاء در ترقیات روحانیّه خویش می‌کوشند و در
 اشتها رصیت امر اعظم نقشی اساسی دارند و باید مطمئن
 باشند که چشم جامعهٔ اهل بهاء در سراسر عالم با استقامت و
 شجاعت و فداکاری آنها دوخته شده تا نتایج عظیمه‌ای که از
 این ممرّ به میدان تبلیغ و خدمت به عالم انسانی به ابعاد
 وسیعتری نصیب جامعهٔ اسم اعظم خواهد شد شاهد گردند. " (۴۴۲)

دارالانشاء معهد اعلی

فصل دوا زدهم

" دستورالعملها و نکتهها "

فهرست عناوین فصل دوازدهم:

- بهشت چیست؟
- بخت چیست؟
- عامل اصلی ایجاد وحدت و محبت یاران چیست؟
- اول نعمت در عالم چیست؟
- اعظم فیض الهی چیست؟
- عشق واقعی چه موقع حاصل می شود؟
- اثرات ایمان در شخص چیست؟
- بزرگترین امتحان احبّاء چیست؟
- لیاقت در چیست؟
- محور امرالده چیست؟
- فرزند حقیقی کیست؟
- اهمیت وقت.
- اهمیت سلامت جسم.
- اهمیت همت.
- لزوم تمرکز قوی.
- عبودیت، امانت عظیم الهی است.
- عبودیت درگاه الهی یعنی عبودیت بندگانش.
- حضرت عبدالبهاء مظهر عبودیت.

- عبودیت وظیفه روحانی یاران است.

- عبودیت چگونه حاصل می شود؟

- عبودیت هدف زندگی است.

- موسیقی.

- ضرر اعمال ناپسند به حق راجع می شود.

- ضرورت عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس.

- تایید.

- لزوم مقاومت در برابر مشکلات.

- اهمیت ثبوت بر عهد و میثاق الهی.

- منع نگرانی از آینده.

- لزوم توجه به مصالح امرالله.

- تربیت.

- ضرورت توکل و تفویض.

- ضرورت مشورت.

- با چه کسانی باید مشورت نمود؟

- در چه اموری باید مشورت نمود؟

- چگونه باید مشورت نمود؟

- لزوم کسب صنعت و اقتراف.

- لزوم اعتدال در کسب و کار.

- قناعت در تجارت.

- انقطاع .

- لزوم کوشش برای جوانان .

- لزوم پرداخت تبرعات .

- لزوم اطاعت از حکومت .

- منع مداخله در امور سیاسی .

- مراجعه به قانون و دفاع از خود .

- ضرورت دعا و مناجات در عصر حاضر .

- اثرات دعا و مناجات .

- چگونه حال مناجات ایجاد می شود؟

- ضرورت اطاعت بی چون و چرا از نظام امر .

- لزوم مشارکت در انتخابات .

- لزوم تمسک به موازین امریه .

- ضرورت مشارکت در اداره امور جامعه .

- ضرورت آماده شدن جوانان برای قبول مسوولیت‌های آینده .

- منع تقلید .

- لزوم راستگویی .

- ضرورت خضوع و خشوع .

- ضرورت احترام به دیگران .

- ضرورت صراحت و صداقت .

- لزوم رعایت مراتب

- اجازه لباس و اصلاح ریش .
- تأسی به کار خوب دیگران .
- سعی در ایجاد الفت و محبت بین دیگران .
- محبت بی دریغ به همگان .
- لزوم ایجاد تعادل با تغییرات لازمه دور جدید .
- لزوم ترک مفاهیم متداوله کنونی .
- اعتدال در جمیع شئون .
- رقص .
- لزوم اشتراک مساعی جوانان .
- لزوم رسیدگی به یکدیگر .
- لزوم انفاق به دیگران .
- لزوم انفاق و مواسات .
- قربیت الهی چگونه حاصل می شود؟
- رعایت حرمت شمایل مبارک .
- عفو و غفران الهی .
- تأثیر محبت .
- امتحانات موجب استحکام اساس دوستی است .
- اهمیت بیان .
- تأثیر کلام بسته به چه عواملی است ؟
- سخن از چه باید گفت ؟

- ضرورت رفت و آمد احبّاء.
- منع خودپسندی و خودنمایی.
- منع از رنجش دیگران.
- منع عیبجویی.
- منع توهین و اعتراض به دیگران.
- منع شکوه و شکایت.
- منع اختلاف.
- منع غیبت.
- منع تقلید و تصنع.
- منع کدورت، حزن و تغیر با دیگران.
- منع جمودت و خمودت.
- منع معاشرت با نفوس غافل و شریر.
- عدم مداخله در امور یکدیگر.
- عدم توجه به جزئیات.
- منع ولخرجی و اسراف.
- عدم توجه به خرده‌گیریهای دیگران.
- لزوم صبر و شکیبایی در مقابل یکدیگر.
- رفتار در مقابل قصور و غضب دیگران.
- منع تقلید در هنر.
- لزوم ستر و عفو خطایای دیگران.

- طرز استماع نظرات دیگران.
- تا شیراز خودگذشتگی.
- گذشت .
- رفتار با همسایگان.
- مزاح .
- تذکار نهایی.

- بهشت چیست :

" در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حقست، هر نفسی به رضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب " (۴۳۳)
حضرت بهاء الله

- بخت چیست :

" بخت در عرف دیانت بهایی همان تأیید است و تأیید همواره متتابع است، انقطاع و انفکاک ندارد، منحصر به بعضی دون بعضی نیست، استعداد وصول تأیید را باید فراهم نمود ... بدبختی محرومیت از فیض است. " (۴۴۴)
حضرت عبدالبهاء

- عامل اصلی ایجاد وحدت و محبت یاران چیست ؟ :

" باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند. اگر نفسی از احباء به دیگری برسد

مانند آن باشد که تشنه لبی به چشمه آب حیات رسد و بسا عاشقی به معشوق حقیقی خود ملاقات کند. زیرا از اعظم حکمت الهی در ظهور مظاهر مقدسه این است که نفوس ما نوس یکدیگر گردند و قوه محبت الله جمیع را امواج یک دریا نماید و ازهار یک بوستان کند و نجوم یک آسمان نماید... " (۴۴۵)

حضرت عبدا لبها *

" هر چه درجه محبت بالاتر باشد، اتحاد بیشتری ایجاد می شود زیرا این محبت سبب می شود که مردم یکدیگر را تحمل کنند و صبور و بخشنده باشند. " (۴۴۶)

حضرت ولّی امرالله

— اول نعمت در عالم چیست ؟ :

" بها ثیان علی الخصوص جوانها باید نوعی سلوک نمایند که جمیع ناس شهادت به صفات حمیده آنها بدهند، این لذت دارد . من هر وقت شماها را می بینم مسرور می شوم . الحمد لله اینطور هم هست . انسان باید نوعی زندگی کند که در نزد خدا و در نزد اولیای الهی و در نزد خلق ممدوح باشد، اگر اینطور باشد نهایت سرور از برای او رخ می دهد . اینست سبب سرور قلب .

انسان که در درگاه حضرت احدیت مقبول باشد، آنوقت قلب او همیشه در نهایت فرح است و اگر انواع بلاها و صدمات از هر طرف بر او وارد آید قلبش مسرور است. مانند دریایی می ماند که بر روی آن موج و طوفان دیده می شود ولی عمقش ساکن و راحت است و الاً انسان به هیچ چیز مسرور نمی گردد. یک یا دو روز است بعد منقلب می شود. مثلاً انسان اگر به کنزی برسد سرورش موقت است و زحمت و مشقتش بیحد، اما اگر به رضای الهی موفق شود و در درگاه احدیت مقبول افتد، در پیشگاه حق مقرب و در نزد اولیای الهی ممدوح و در نظر جمیع محبوب باشد. این کنزی است که سرور اندر سرور است. هیچوقت خسارتی بر آن وارد نیاید. انسان همیشه تر و تازه و خوشدل و مسرور و ممنون است. در عالم وجود نعمتی بالاتر از سرور الهی نیست این سرور اول نعمت عالم انسانی است. (۴۴۷)

حضرت عبدالبهاء

"... این حیات پنج روزه همه غم و غصه است هر روزی غم آملی یا داغ عزیز یا حادثه عجیبی است. این چه حیاتی است. حیات حیات ابدیه است. در فکر امری باش که پاینده است تا از مردن نترسی و خود را همیشه زنده بینی. قوت قلب داشته باش. انسان باید قلبش زنده باشد. روحش مستبشر

و ادراکش وسیع باشد والا ما ننند حیوان است بلکه ذلیل تر از آن ... " (۴۴۸)
حضرت عبدالبهاء *

— اعظم فیض الهی چیست ؟ :

" اعظم فیض الهی محبت است . اینست که تا محبت حاصل نشود هیچ فیضی حصول نیابد . " (۴۴۹)
حضرت عبدالبهاء *

" نباید نفسی را محروم دید . نفسی را نباید حقیر شمرد . نهایت اینست که باید تربیت شوند و صفایی یابند ... پس هر چه محبت بیشتر ، شمس حقیقت جلوه اش زیادتر ، زیرا اعظم فیض الهی محبت است . اینست که تا محبت حاصل نشود هیچ فیضی حصول نیابد . " (۴۵۰)
حضرت عبدالبهاء *

- عشق واقعی چه موقع حاصل می شود:

" عشق واقعی امکان ندارد مگر آنکه انسان رو بسوی خدا آورد و مجذوب کمال الهی گردد. " ترجمه (۴۵۱) حضرت عبداللہاء

- اثرات ایمان در شخص چیست ؟ :

" اگر به خدا ایمان داشته باشید در این دنیا غیرممکن برای شما وجود نخواهد داشت. حال بیانی را ذکر خواهم کرد که این بیان عهد و پیمان بین من و شما خواهد بود، اگر شجره ایمان در قلب شما محکم و استوار گردد و مانند صخره محکم، در مقابل طوفانهای سخت حوادث شما را حفظ خواهد نمود و هیچ چیز آن را متزلزل نمی سازد و برای ابد پایرجا و استوار باقی می ماند.

میزان قدرت و سعادت و خوشبختی شما ارتباط مستقیم با ایمان شما دارد. اینست میزان ۱۰ اینست میزان ۱۰ این است میزان. " (۴۵۲)

حضرت عبداللہاء *

- بزرگترین امتحان احبّاء چیست ؟ :

" شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهایی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با بهائیان دیگر است ولی بخاطر حضرت مولی الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درشتی که ادا کرده اند، معذرت بخواهند. ببخشند و فراموش کنند حضرت ولیّ امرالله در این مورد تا کیـــــــد فراوان دارند. " (۴۵۳) از طرف حضرت ولیّ امرالله

- لیاقت در چیست ؟ :

" لیاقت در خلوص و محبت و خضوع و خشوع کامل است. " (۴۵۴) حضرت ولیّ امرالله

- محور امرالله چیست ؟ :

" باید بخاطر داشت که محور امرالله سلطه استبدادی نیست بلکه روح متواضع رفاقت و برادری است. جبر و عنف نیست

بلکه شوری است از روی محبت و توأم با صراحت و نمی توان
 امیدوار بود که چیزی جز روح بهائی حقیقی بتواند میان
 حسن شفقت و عدالت و حریت و اطاعت و حرمت حق فرد و تسلیم
 و تفویض و بین هوسپاری و بصیرت و احیاء از جهسی و روح
 الفت و صفا و شہامت از جهت دیگر آشتی و توافق ایجاد کند"
 (۴۵۵)
 حضرت ولی امرالله

- فرزند حقیقی کیست ؟ :

" ای عزیز عبدالبهاء ، فرزند پدر خویش باش و ثمره آن شجر
 گرد. فرزندی باش که از عنصر جان و دل مولود شده نه آنکه
 از آب و گل پدیدار گردیده باشد. فرزند حقیقی فرزندی است
 که از جنبه روحانی یک پدر قدم بعصره وجود نهاده. " ترجمه
 (۴۵۶)
 حضرت عبدالبهاء

- اهمیت وقت :

" الیوم یومی است که اگر از نفسی امری فوت شود به قرنهای

لایحیی تدارک آن ممکن نه" (۴۵۷)
حضرت بهاء الله

" وقت را از دست مدهید و زمان حال را غنیمت شمردید . شب و روز بکوشید و چون نهنگ دریای عشق بخروشید . " (۴۵۸) حضرت عبدالبهاء

" دیگر فرصت آن نیست که حتی ساعتی به هدر رود، لهذا محافل روحانیّه و لجنات تابعه و افراد جامعه جوان و پیر غنی و فقیر باید حساب هر روز را برسند... " (۴۵۹) معهد اعلی

— اهمیت سلامت جسم :

" عقل ظهورش منوط به سلامت جسم است . جسم سلیم عقل سلیم دارد ولی روح مشروط به آن نه... " (۴۶۰) حضرت عبدالبهاء

" فی الواقع عصیان را مدخلی عظیم در امراض جسمانیّه محققست . اگر چنانچه بشر از اوساخ عصیان و طغیان بری بود و بر میزان طبیعی خلقی بدون اتباع شهوات سلوک و حرکت می نمود، البته امراض یابین شدت تنوع نمی یافت و استیلا نمی نمود . " (۴۶۱) حضرت عبدالبهاء

- اهمیتِ همت :

" طوبی از برای مقبلی که بطراز همت مزین شد و بر خدمت امر قیام نمود او بمقصود فائز و به آنچه از برای او خلق شده عارف " (۴۶۲)
حضرت بهاء الله

- لزوم تمرکز قوی :

" تا فکر انسان متفرق است ابدأ نتیجه‌ای نبخشد ولی اگر در یک نقطه فکر جمع شود نتایج عظیمه بخشد. " (۴۶۳)
حضرت عبدا لبهاء

" می دانی که من مرد احساساتی نیستم . تشنه کار هستم و تمام افکار من متمرکز در انجام وظایف مهمه است و البته این مهم وقتی انجام می گیرد که مقتضیات مناسب باشد و من از هجوم داخل و خارج آزاد گردم. " (۴۶۴)
حضرت ولی امرالله

— عبودیت امانت عظیم الهی است :

" عبودیت آن ذات احدیت امانت عظیمه است که ثقل اعظمست و آسمان و زمین و جبال از حملش عاجز. پس حاضر شو که این بار گران را در کمال روح و ریحان چون این عبد حمل نمایی و مورد طعن و سب و شتم و تکفیر و تفسیق و شبهات امم گردی تا قطره‌ای از بحر بلائی‌ای جمال قدم روحی لِعِبَادِهِ الْفِئْدَاءُ نصیب ببری ... " (۴۶۵)

حضرت عبدالبها *

" ای بنده الهی. وقتی عَلمِ جلال برافرازی و رایت استقلال بلند کنی که به عبودیت آستان بها * موقت گردی ... " (۴۶۶)

حضرت عبدالبها *

— عبودیت درگاه الهی یعنی عبودیت بندگان او :

" ... چه که ذات احدیتش مقدس از عبودیت عالم بشریت است و غنی از رقیبت مادون است پس باید به عبودیت بندگانش پرداخت که عین عبودیت اوست . " (۴۶۷)

حضرت عبدالبها *

— حضرت عبدالبهاء مظهر عبودیت :

" ای جوان روحانی ... چون عبدالبهاء بر عبودیت جمال ابھی
قیام کن و در رقیّت آستان مقدّس بکوش تا حلقه بندگی
درگاهش را زینت گوش هوش نما ییم... " (۴۶۸) حضرت عبدالبهاء

— عبودیت وظیفه روحانی یاران است :

" از جمله آن وظایف مقدّسه تعهد معنوی یاران بر عبودیت آستان
بیزدان در جمیع احوال و ایّام است . یعنی این چند روزه
حیات فانی را علی الخصوص در این عصر تحوّل و وقف امر اللّٰه
نمایند و خویش را از اندیشه کم و بیش آزاد سازند . به حیل
توکل متمسک شوند و فارغ از هر غصّه و تشویش گردند . (۴۶۹)
معهد اعلی

— عبودیت چگونه حاصل می شود؟:

" چه نیکوست که در این عصر مبارک که فرصتهای جدیدی در میدان

عبودیت فراهم آمده، چشم از غیر حق بر بندیم و اعمال و اقوال و اوقات و اموال خویش را وسیله عزت و نصرت امر الهی نماییم و بجان بکوشیم تا آهنگ جهان بالا بلند شود و پرتو ملائکه اعلی بدرخشد و سرآورده یگانگی بلند شود. آئین نفاق از لوح آفاق برافتد. باید در همه حال وفاداری را در فداکاری دانیم تا چند صباحی که در این جهان فانی فرصت ماست در راه عشق و محبت محبوب آفاق بگذرانیم و در عالم بقا فیض حضور یابیم و از صهیای سرور نوشیم و از ثمره حیات برخوردار گردیم. " (۴۷۰) معهد اعلی

" علی الخصوص جوانان عزیز که هر یوم در معرض استهزاء مستکبرانند و هدف تیر ملامتگران باید به جوش ایمان و عرفان مجهز گردند و بر توسن اطمینان نشینند و به میدان عبودیت جولان دهند. سلاح صلاح بگیرند و صلاهی حی الفلاح و حی علی النجاج به مسامع اهل عالم رسانند و به سیف حکمت و بیان و سپر تقوی و انقطاع بر صفوف نفس و هوی تازند و جنود تقالید و اوهام را متواری سازند و در قطب آفاق علم هدایت کبری برافرازند. در این سیل امتحان، تن به موج خروششان سپردن و در جهت آب رفتن کاری سهل و آسان است و ساخته ازهر ناتوان ولیکن مردان دلاورند که در مخالف مواج شناورند.

آن تن آسانی و ضعف و ناتوانی ما را به ورطه فنا کشاند و این دلیری و چالاکي به ساحل بقا رساند." (۴۷۱) معهد اعلی

— عبودیت هدف زندگی است :

" موهبتی اعظم از این نیست که در عنفوان شباب به مقصد از خلقت خویش پی بریم و شناسایی جمال رحمن و عبودیت آستان یزدان را هدف زندگانی در این جهان فانی قرار دهیم و امور دیگر از قبیل ترقیات ظاهره و نیل به مقامات عالیه حتی کسب درجات علمیه را وسیلهٔ فوز به آن مقصداسنی و هدف اعلی شماریم. اگر چنین نباشد هر که باشیم و به هر جا برسیم از فوز به سعادت حقیقی و ترقی در جمیع عوالم الهی محروم مانده ایم و برعکس اگر حوادث روزگار و عدم امکانات ما را از وصول به آن مقامات و آن درجات و امتیازات محروم سازد، چون به عرفان فائز و به عبودیت حضرت احدیت عامل باشیم به مقصد حیات نائل و به بزم قرب و لقا واصل گشته ایم..." (۴۷۲)

معهد اعلی

" در جائی که رضای الهی نباشد، آسایش جان مفقود است و آرامش وجدان معدوم. محال است کسی احساس سرور نماید و قلبش را حاکم گیرد، زیرا آنچه متعلق به این جهان فانی است موجب زحمت و مشقت است و عاقبت حسرت اندر حسرت مگر آنکه تحصیل وسایل و وساطت مادیه مفتاح باب عبودیت شود و مشکل گشای ما در سبیل خدمت به امر حضرت احدث گردد و این نعمت حاصل نگردد مگر به انقطاع و قناعت " (۴۷۳) معهد اعلیٰ

- موسیقی :

" ای مرغ خوش الحان جمال ابهی، در این دور بدیع، حُجَبَات اوهام را خرق نموده و تعصبات اهالی شرق را ذمّ و قسح فرموده. در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود ولی در این دور بدیع، نور مبین در الواح مقدس تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فن موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه، پس ای شهناز به آوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و تبتّل و تضرع

به ملکوت ابهی کند و عَلَیْكَ الْبِهَاءُ الْاِبْهِي (۴۷۴) "حضرت عبدالبهاء

"هو الابهی، ای عبد بهاء، موسیقی از علوم ممدوحه درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی با بدع نغمات ترتیل آیات نمایی و چنان آهنگی از مشرق الاذکار بلند کنی که ملاء اعلی به اهتزاز آید. ملاحظه کن که نظر به این جهت فــــن موسیقی لچدر ممدوح و مقبول است. اگر توانی الحان وایقاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن، آنوقت ملاحظه فرمایی که چقدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد، نغمه و آهنگی بلند کن که بلبلا اسرار را سرمست و بیقرار نمایی وَعَلِیْكَ التَّحِيَّةُ وَالشَّاءُ" (۴۷۵)

حضرت عبدالبهاء

— ضَرَّ اَعْمَالِ نَا پَسَنْدِ بَه حَق رَا جَع مِی شُود :

"اگر از نفسی الیوم عملی ظاهر شود که سبب ابتلاء و ضرنفسی گردد فی الحقیقه آن عمل به مظلوم راجع است." (۴۷۶) "حضرت بهاء الله

"اگر نعوذ بالله عمل غیر مرضیه از شما مشاهده شود جمیع بمقر قدس راجع است و همان اعمال مثبت مفتریات مشرکین خواهد شد" (۴۷۷)

حضرت بهاء الله

" اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی، آن خضوع فی الحقیقه به حق راجع چه که ناظر به ایمان اوست. البته در اینصورت اگر نفس مقابل مثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر شود، شخص بصیر به علو عمل خود و جزای آن رسیده و می رسد و ضرر عمل نفس مقابل به خود او راجع است. همچنین اگر نفسی استکبار نماید آن استکبار به حق راجع است. نعوذ بالله من ذلک یا اولی الالباب " (۴۷۸) حضرت بهاء الله

- ضرورت عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس:

" ... مردانگی به درندگی نه و شجاعت به ضرب و قوت نیست، بلکه مردانگی و فرزاندگی به آزادگیست. اگر چنانچه بقوت الهیه از جنگ نفس آماره نجات یابی، رستم دستانی و ملازم آستان، والا اگر تهمتن گردی یا پیلتن و یا روئین تن، اسیری و ذلیل و حقیری و کللیل، جانی و پرهراس و خائفی و پروسواس ع ع " (۴۷۹) حضرت عبدالبهاء

" ... شرط ثانی یعنی عفت و عصمت بنحو مستقیم و اخص مربوط به جوانان بهائی است که می توانند نسبت به پاکی و طهارت

و تحرک و فعالیت حیات جامعه کمکنهای قاطع و مؤثر مبذول داشته و در تعیین مقدرات و خط مشی آن در مستقبل ایستام همچنین ظهور کامل قوا و استعداداتی که به مشیت نافذ و رحمانیه در نهاد آن ودیعه گذاشته شده سهم عظیمی برعهده گیرند. " (۴۸۰) حضرت ولی امرالله

" طهارت و تقدیس باید اصل مسلم و میزان مکمل رفتار و اطوار یاران در روابط اجتماعی آنان با اعضاء داخل جامعه همچنین در تماس و ارتباطشان با عالم خارج باشد و باید این صفت متعالی طراز هیکل و مایه تقویت مساعی و مجهودات لااقله نفوس قرار گیرد که به نشر نفعات مسکینه الهیه قائم و به تمشیت امور امریه مألوف و به خدمت آستان مقدس حضرت بهاءالله مفتخر و متباهی اند. دوستان الهی و مستظلمین در ظل لواء سیحانی چه در حضر و چه در سفر و چه در مجامع عمومی و چه در محافل و مجالس خصوصیه، چه در مکاتیب و مدارس و چه در معابد علمیّه و ادبیه باید این شیوه مرضیه را در جمیع شئون و احوال حلیه و دثار خویش قرار دهند. به کمال دقت و اتقان در حرکات و سکنات یومیّه خود ظاهر و عیان سازند، همچنین در فعالیت مدارس تابستانه و یا هر فرصت و موقعیت دیگری که حیات جامعه بهائی مورد تقویت و تحکیم

واقع گردد، باید به این امر دقیق عنایت مخصوص مبذول شود و بالاخره این حقیقت شاخصه باید صفت مشخصه و غیرقابل انفکاک جوانان و ملازم با ما موریت و رسالت فخیم ایشان تلقی شود که جامعه بهائی را عنصری عظیم و مترقی و هدایت آتیه^(۴۸۱) نسل جوان کشور را عاملی بس مؤثر و قویم محسوب می گردد. "

حضرت ولی امرالله

"... جمهور احبّاء چه هنگام معاشرت و مراوده با افراد جامعه بهائی و چه در تماس با اهل عالم باید تقوی و تقدیس را سرمشق روش و رفتار خویش قرار دهند... تقوی و تقدیس باید در کلیه شئون زندگانی بیروان این آئین چه در سفر و چه در حضر چه در مجامع و کلوبها و ضیافت و چه در مدارس و دارالعلمهای آنان به نحو اکمل به تمام معنی منظور و مراعات گردد... جوانان بهائی باید در انجام وظایف و ما موریت خویش همواره مظهر تقدیس باشند و این دو صفت در حیات جامعه بهائی و ترقی و خط مشی آتیه جوانان کشورشان عامل مؤثری بشمار رود." (۴۸۲)

حضرت ولی امرالله

"نظر مبارک آنست که هر قدر راجع به اهمیت تطبیق حیات جوانان بهائی با موازین امری مخصوصاً از لحاظ اخلاق تاکید

شود شایسته و رواست جامعه امروز در نهایت فساد اخلاق و رفتار نفوس کاملاً مخالف و مبین تعالیم انبیاء الهی است و اخلاق جوانان که در تحت تاثیرات سوء جنگ اخیر قرار گرفته، یوماً فیوماً رو به انحطاط می رود. تنها علاج مفسد حاصله قبول و اجرای اوامر حضرت بهاء الله راجع به تقوی و تنزیه است. " (۴۸۳) حضرت ولی امر الله

- تایید:

" با بودن آزادی و حصول اسباب هم بدون تایید الهی هیچ کاری از پیش نمی رود اما با تأییدات او بدون اسباب کامیابی حاصل می شود. دشمنها دوست می گردند و نفوس مستکبره با اعناق خاضعه ساجد می شوند. " (۴۸۴) حضرت عبدالبهاء

" مادام محبت بهاء الله در قلب شماست هر استعداد و لیاقتی دارید. " (۴۸۵)

حضرت عبدالبهاء

" ... قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و

آسایش نیابد . بلی سعی و کوشش جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقذوح . بلکه شب و روز آنسی مهمل نباید بود و دقیقه‌ای نباید از دست داد و چگون کائنات ساثره باید لیلاً و نهاراً در کار مشغول شد ... ولی باید اعتماد بر تائیدات نمود و اتکاء و اتکال برفیوضات کرد . زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل نگردد زحمت شمر نبخشد ، کوشش فایده ندهد ... " حضرت عبدالبهاء

" اگر یاران بیا موزند که برطبق تعالیم حضرت بهاء الله زندگی کنند متوجه خواهند شد که حقیقه قوای غیبیه شامل حال آنها گشته و همواره حمایت و اعانت الهی در دسترس است و موانع مرتفع و در خاتمه موفقیت حتمی و قطعی است " (۴۸۷)

حضرت ولی امرالله

- لزوم مقاومت در برابر مشکلات :

" توکل به جمال مبارک نما، البته به هر امر مهمی انسان قیام نماید بدو مشکلاتی پیش آید و باید در نهایت متانت مقاومت کند . پس ما که می خواهیم چنین اساس عظیمی را بلند

نماییم باید بمیاری شجاع باشیم مانند سربازهای دلیر که همیشه می خواهند قلعه و حصارهای خیلی محکم و متین را فتح نمایند." (۴۸۸)
حضرت عبدالبهاء

- اهمیت ثبوت بر عهد و میثاق الهی :

" الیوم میزان صدق ، ثبوت بر پیمان حضرت رحمن است چه که صد هزار ایمان و ایقان بدون ثبوت بر عهد و پیمان یسزدان بجوی نیرزد چه که ایمان و اطمینان منوط به ثبوت بر عهد و پیمانست و بدون آن تحقق نیابد." (۴۸۹)
حضرت عبدالبهاء

- منع نگرانی از آینده :

" ای منجذبه ملکوت الله ، از آینده اندیشه منما هر که به ملکوت الله پیوست در صون حمایت حضرت بهاء الله است. حوادث عالم مادی چه خوب چه بد مثل امواج دریاست ، در مرور است بقاٹی ندارد و سزاوار اهمیت نه." (۴۹۰)
حضرت عبدالبهاء

- لزوم توجه به مصالح امرالله:

" نفوسی که الیوم در ظل کلمه الهیه مستظل باید در جمیع امور اول سلاخظه صلحت امرالله نمایند پس در صلحت خویش شتابند تا بنیان بر بنیاد محکم متین استوار گردد. " (۴۹۱)

حضرت عبدا لبها

- تربیت:

" نفوس دارای دو استعدادند یکی بصرف قوای طبیعی و دیگری بتربیت معلم عالم انسانی حاصل شود و استعداد طبیعی نیز ظهور و بروزش کاملاً بسته به تربیت است و معلق به کوشش خود انسان. یعنی استعداد طبیعی بدون تربیت و کوشش انسانی کاملاً ظاهر نشود و کمال آن منوط به سعی و تربیت است. " (۴۹۲)

حضرت عبدا لبها

— ضرورت توکل و تفویض :

" توکل و اعتماد به اراده و مشیت الهی انسان را به جایی رساند که با وجود سعی و اهتمام در امور، آرزوئی جز آنچه واقع می شود ندارد و خواهشی غیر از آنچه پیش می آید ننماید. در آن حالت جمیع امور را موافق میل و اراده خود بیند و مروج عزت و آسایش خویش شمرد و جز اطمینان اضطراری نیابد و غیر از صلح و صفا جنگ و جفایی نجوید. " (۴۹۳)

حضرت عبدالیهاء

— ضرورت مشورت :

" ... آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر است مشورت و شفقت ، در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت ، راه نماید و آگاهی عطا کند... " (۴۹۴)

حضرت بهاء الله

" ای احبای الهی در امور مشورت نمائید و از یکدیگر رای طلبید . آنچه که از شور درآمد مجرای دارید . خواه موافق فکر و

رای شما باشد، خواه نباشد. زیرا معنی شور این است که آنچه
 را اهل شور موافق بینند، مجری دارند... " حضرت عبدالبهاء

- با چه کسانی باید مشورت نمود :

" و این که در باره کسب و معاملات ذکر نمودی این امور
 در کتاب الهی به مشورت معلق شده با نفوس مومنه مستقیمه
 مشورت نمائید، یعنی در کسب و اقتراف و امثال آن و آنچه
 ظاهر شود متوکلاً علی الله عمل کنید. هذا حکم الله و هذا
 امر الله طوبی لمن سمع و عمل و ویل للعافیین . (۴۹۶)

حضرت بهاء الله

- در چه اموری باید مشورت نمود :

" در جمیع امور جزئی و کلی خویش شور نمائید، حتی به جهت
 زراعت و صنعت و تجارت و کسب، هر یک کرات مرات مشاورت
 و معاونت نمائید چه شور از اوامر الهیه و سبب فتوح کلی
 در امور است و جاذب عون و عنایت حق " (۴۹۷) حضرت عبدالبهاء

- چگونه باید مشورت نمود :

"آموختن فنّ مشورت و اجراءِ نحوهٔ صحیح آن کار آسانی نیست زیرا مستلزم ترک منافع شخصی و ابتعاد از تمایلات نفسانی و مجاهدت در پرورش روح و ابراز صراحت لهجه و آزادی فکر و نیز رعایت ادب و نزاکت و سعهٔ فکر و احترام و تسلیم قلبی نسبت به تصمیم اکثریت می باشد. در این زمینه سزاوار است جوانان بهائی از خود لیاقت و کفایت و قدرت و اتحاد کلمه که خود منبعث از مشورت صحیح است نشان دهند و از طرف دیگر از حرکات و شوّه و ن سخیفه از قبیل جانبداری و تباغی و مجادله در قول و تشبّات خفیه و اقدامات یک طرفه که از خصوصیات و لوازم این عصر پرا انقلاب است عملاً احتراز نمایند." (۴۹۸)

معهد اعلی

- لزوم کسب صنعت و اقتراف :

"بعد از تحقق وجود و بلوغ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است." (۴۹۹)

حضرت بهاء الله

– لزوم اعتدال در کسب و کار:

" از وظایف اعضای آن مال بینی در امور و اعتدال در خرید، فروش و اجتناب از عجله و حرص و مداخله بقدر مایه و پایه از قرائن پیشرفت آن چه اگر زیاده از قوه و سرمایه حرکتی شود، کار غلبه بر اعضا، شرکت نماید بالمال حال استغراق و پیریشانی روی دهد، لذا علامت پیشرفت در هر امری اینست که اعضا بر کار و وظیفه خویش مسلط باشند نه آنکه کار بر آنها تسلط یابد و تحمل آن مشکل شود." (۵۰۰) حضرت ولی امرالله

– قناعت در تجارت:

" قناعت در هر موردی محبوب است حتی در تجارت، مقصد سهولت معیشت است زیرا ثروت موقت است و توسیع دایره تجارت سبب پیریشانی حال و عاقبت ندارد." (۵۰۱) حضرت عبدالبهاء

— انقطاع :

" انقطاع به عدم اسباب نیست بلکه به عدم تعلق قلب است " (۵۰۲)

حضرت عبدالبهاء

— لزوم کوشش برای جوانان :

" امید و طید مولای مجید و دعای مبارک آنست که جوانان آنچه خود را در انظار همگان و هم میهنان خویش ممتاز جلوه‌گر سازند که به نحو فزاینده‌ای، مردم به این حقیقت که بهائشی کوشاست پی برند. " (۵۰۳)

حضرت ولی امرالله

— لزوم پرداخت تبرّعات :

" احبّای الهی، از زن و مرد و پیر و جوان رجا دارم که برای اجرای کامل این نقشه متحداً قیام و سریعاً اقدام و جدّاً اهتمام نمایند و به ضحوی بی سابقه در تقدیم تبرّعات شرکت جویند و بالاتر از همه آنکه در این سبیل ولو هر قدر مستلزم فداکاری باشد، استقامت

نمایند. " (۵۰۴) حضرت ولیّ امرالله

" ... اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریّه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب بعد از ادای حقوق فسی - الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهائیت، زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد و صرف شود راساً ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربّانی. ولی این وظیفه و وظیفه مقدّسه‌ای است و امریست وجدانی و تکلیفی است روحانی، احدی مجبور بر آن نه. هر نفسی بقدر استطاعت خویش اعانه‌ئی باین صندوق خیریه نماید و تقدیم محفل روحانی کند، اجرش عندالله عظیم است چه که به این واسطه ترویج امرالله نموده و اسباب تبلیغ فراهم آورده و امر تربیت را تعمیم و تقویت کرده و دائره خدمات و اقدامات محفل روحانی را اتّسع داده. " (۵۰۵)

حضرت ولیّ امرالله

" ... لازم است که یاران الهی در سراسر جهان به این اصل اساسی امر الهی واقف شوند که تبرّع به صندوق های امری از عناصر و اجزاء لاینفک حیات روحانی هر فرد بهائی است و تقدّم تبرّعات را باید به منزله اجرای یکی از واجبات و تکالیف زندگانی روحانی محسوب داشت. " (۵۰۶) معهد اعلی

- لزوم اطاعت از حکومت :

" اطاعت اولیای امور از فرائض حتمیهٔ اهل بهاء و واجبات مقدسهٔ آنان محسوب ولی در امور وجدانیّه که تعلق به معتقدات دارد، اهل بهاء و متمسکین به شریعهٔ مقدسهٔ سمحاء شهادت را بر اطاعت ترجیح دهند. " (۵۰۷) حضرت ولیّ امرالله

" وظیفهٔ ما اهل بهاء است که از یک طرف جنبهٔ غیر سیاسی امرالله را ثابت و میرهن داریم و از طرف دیگر وفاداری و اطاعت خویش را از اراده و حکم دولتهای متبوعهٔ خویش اثبات نماییم... باید حیات خویش را چنان تنظیم نمایند و رفتارشان را چنان ترتیب دهند که احدی نتواند حتی آنها را بی اساس بر آنان ببندد.

... مقصود آنست که آرزوی پیروان وفادار و حقیقی حضرت بهاءالله در خدمت صادقانه و بی شائبه و وطن پرستانه به مصالح عالیّهٔ کشورشان به نحوی صورت می پذیرد که با موازین عالیّهٔ امانت و کمال و حقیقت تعالیم آئین بهائی منافاتی نداشته باشد. " (ترجمه) (۵۰۸) حضرت ولیّ امرالله

- منع مداخله در امور سیاسی: این حدیث در کتاب «الاصول» آمده است:

«... مَنْ مَدَّ يَدَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَهُوَ فِيهِ كَمَا فِي بَيْتِهِ»

"... مداخله احبّاء در امور سیاسی سبب شود که حتی نفوسی که مخالف امرالله نیستند قیام بر مخالفت نمایند و کسار بجائی رسد که ریشهٔ عداوت سالیان دراز در دل‌های اهل نخوت و ناز جای گیر گردد و هر روزی احداث فتنهٔ جدیدی کند لهذا محافل احبّاء بتمام قوی این مطلب را به عموم تفهیم نمایند و اساس کلمهٔ الله را دائماً تعلیم دهند و مقاصد الهیه را ترویج فرمایند." (۵۰۹)

حضرت ولیّ امرالله

- مراجعه به قانون و دفاع از خود: در کتاب «الاصول» آمده است:

"دیگری پرسید اگر کسی تعدّی کند و بر مال مردم دست دراز نماید چه باید کرد؟ فرمودند: "این مسأله مختصرش اینست: حفظ حقوق بشر و دفع شرّ، غیر از جنگ است، البتّه بشر حق انتقام ندارد، امّا هیأت جامعه باید محافظه و مدافعه نماید. مثلاً اگر کسی فرزند شما را بکشد، شما نمی‌توانید فرزند او را بکشید. شخصی چشم کسی را کور کند آن کس نمی‌تواند چشم آن شخص را محض انتقام کور نماید. اگر نفسی مال شما را

بدزدد، شما نمی توانید مال او را بدزدید. لکن هیأت بشریّه باید مدافعه نمایند و حفظ جان و مال نوع خود کند و به حسن سیاست مانع ظلم و تعدی گردند و آلا هرج و مرج شود. " (۵۱۰)

حضرت عبدالبهاء

" (عرض کردند دفاع چگونه است؟ فرمودند) " این مسأله دیگر است و مجازات و مکافات سبب نظام عالم . مثلاً اگر کسی اینجا بیاید و بخواهد شما را بزند یا بکشد، من نباید ساکت بنشینم البته باید دفاع کنم. " (۵۱۱)

حضرت عبدالبهاء

- ضرورت دعا و مناجات در عصر حاضر:

"علیهذا بحران بین المللی که نوع بشر را ، تحت تأثیر قرار داده و گرفتار ساخته، اساساً علل روحانی دارد. روح عصر ما بطور کلی روح بی دینی است. نظر انسان در مورد حیات بقدری خشن و مادی است که به او اجازه نمی دهد به عوالم عالیتر روح ارتقاء یابد. اجتماع در این وضعیت ناسالم و غمانگیز ساقط گشته و دیانت در جستجوی اصلاح و تغییر شکل این شرایط است. زیرا هسته ایمان مذهبی آنگونه احساسات پنهانی و

عرفانی است که انسان را با خداوند مرتبط می‌سازد. این حالت ارتباط روحانی را می‌توان بوسیلهٔ دعا و تفکر بوجود آورد و استمرار داد و به همین علت است که حضرت بهاء الله اهمیت عبادت را این قدر زیاد و شدید تاکید فرموده‌اند. کافی نیست که یک شخص مؤمن فقط تعالیم الهیه را قبول و رعایت نماید، بلکه علاوه بر این شخص باید احساسات روحانی خویش را که مخصوصاً از طریق دعا و مناجات حاصل می‌شود در خود پرورش دهد، لذا آئین مبین بهائی مثل سایر ادیان الهی اصولاً دارای خصیصهٔ معنوی و عرفانی است و هدف اصلی آن رشد فرد و اجتماع از طریق تحصیل فضائل روحانی و کسب قوای معنوی است. قبل از هر چیز روح انسان باید تغذیه و تقویت گردد و این تغذیه و پرورش روحانی را دعا و مناجات بهتر از همه چیز تأمین می‌نماید. احکام و تشکیلات و مشروعات بهائی آنگونه که در نظرانور جمالقدم جَلَّ ذِکْرُهُ الْأَعْظَمُ است، موقعی می‌توانند واقعاً حائز تأثیر و فیر باشند که حیات روحانی و باطنی ما تحوّل و تکامل یافته باشد، در غیر اینصورت دیانت بصورت تشکیلات صرفاً انحطاط خواهد یافت و عنصری بی‌جان خواهد شد.

علیهذا احبّاء مخصوصاً جوانان باید ضرورت دعا و مناجات را کاملاً احساس نمایند زیرا دعا و مناجات برای رشد و کمال

روحانی آنها اهمیتی بسزا دارد و این مطلب چنانچه قبلاً نیز بیان گشته اساس و مقصد اعلاى دین الهی می باشد. " (۵۱۲)

حضرت ولی امرالله

- اثرات دعا و مناجات :

" قبل از هر چیز روح انسان باید تغذیه و تقویت گردد و این تغذیه و پرورش روحانی را دعا و مناجات بهتر از همه چیز تأمین می نماید احکام و تشکیلات و مشروعات بهائی آنگونه که در نظر انور جمال قدم جَلَّ ذِکْرُهُ الاعظم است موقعی می تواند واقعاً حائز تاثیر و فیر باشند که حیات روحانی و باطنی ما تحوّل و تکامل یافته باشد، در غیر این صورت دیانت بصورت تشکیلات صرف، انحطاط خواهد یافت و عنصری بی جان خواهد شد. " (۵۱۳)

حضرت ولی امرالله

- چگونه حال مناجات ایجاد می شود :

" قوه اراده بالاخره انسان را به آن حال می کشاند، یعنی

حال جذب و شوره بقوه اراده و سعی و اندیشه، انسان توجه خود را به خداوند، به علم و خلقت حیرت انگیز او، به حکمت الهی و قدرت مطلقه ربّانی معطوف می نماید و بعد با تفکر عمیق و تکرار در تفکر و توجه به عشق الهی واصل می شود و شوق و رغبت به مناجات و انجذاب و اشتعال فوق-العاده در خود احساس می نماید. (۵۱۴) حضرت عبدالبهاء

– ضرورت اطاعت بی چون و چرا از نظام امر:

" یکی از اصول اساسی موجود در نظم اداری بهائی، که لازم است به خاطر داشته باشیم نمونه و الگوی نظم جهانی بهائی خواهد شد، این است که حتی اگر یک محفل روحانی تصمیمی اشتباه و ناصواب اتخاذ نماید، بخاطر حفظ وحدت جامعه، لازم و ضروری است که مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد. البته استیناف از تصمیم محفل روحانی محلی از طریق طرح آن با محفل روحانی ملی امکان پذیر است ...

اما اصل اقتدار و اختیار مفوض و محول به هیئتهای منتخبه جامعه، باید مورد حمایت و صیانت واقع شود.

بدیهی است این مسأله مهم چیزی نیست که بدون امتحان و

افتتان آموخته و به کار گرفته شود. " (۵۱۵)
حضرت ولی امرالله

" ما باید برای محافل روحانی ملی و محلی احترام کافی را رعایت کنیم، زیرا آنها مؤسّسات عالی‌های هستند که توسط حضرت بهاء الله بنیان گذاری شده‌اند. این احترام ارتباطی به افراد و اشخاص ندارد و بسی برتر و والاتر از آن است. آن روز، روز بزرگی خواهد بود که احبّای الهی چه درون و چه بیرون محفل روحانی، این حقیقت را کاملاً درک نمایند که این نفوس موجود در یک محفل نیستند که مهمند، بلکه نفس محفل روحانی است که بعنوان یک مؤسّسه الهی دارای اهمیت و منزلت است. " (۵۱۶)
حضرت ولی امرالله

- لزوم مشارکت در انتخابات :

" این حق رای، وظیفه مقدّسی است که هیچ فرد بهائی بالفی که نامش در دفتر سجل امری ثبت گردیده، نباید از آن محروم گردد. " (۵۱۷)
حضرت ولی امرالله

" سنّ ۱۵ سالگی که حضرت بهاء الله مقرر فرموده‌اند فقط مربوط

به تکالیف و وظایف روحانیّه افراد بوده و با میزان استعداد و قابلیت
 نفوس جهت شرکت در تشکیلات امری که بکلی موضوعی جداگانه و حدّ آن
 عجلتاً سنّ ۲۱ سالگی تعیین گشته، ارتباطی ندارد " حضرت ولیّ امر الله
 (۵۱۸)

" ... باید موءمنین و موءمنات از سنّ بیست و یک و مافوق
 آن در هر سنهائی و در هر قسمتی علیحده بکمال توجه و همّت
 و دقت و کلائی خویش را از بین موءمنین آن قسمت راساً انتخاب
 نمایند. چنانچه از قبل تاکید گشته باید کل مشارکت نمایند
 و کناره نگیرند و استعفا ننمایند و کل بدانند که انتخاب
 در جامعه بهائیان سّری و عمومی و آزاد است و از تدابیر و
 تشبّثات و مفساد و مکاره اهل دسیسه و عدوان بکلی منزّه و
 میرا ... " (۵۱۹)
 حضرت ولیّ امر الله

" ... احبّاء و اماء الرّحمن از سنّ بیست و یک و مافوق آن
 بحسب استعداد و قوّه شان در هر نقطه از نقاط امریه عدّه
 و کلائی از مابین خود انتخاب نمایند و این و کلا در نقطه ای
 مجتمع شده و یا کتباً نه نفر انتخاب کنند و آن ۹ نفر

اعضای محفل شور مرکزی آن اقلیمند ... اگر چنین شود امور مرتب و منظم گردد ، امرالله ترویج شود، وحدت بهائی محفوظ ماند و یگانگی و الفت و اتحاد باقی و برقرار گردد...^(۵۲۰)
حضرت ولی امرالله

— لزوم تمسک به موازین امریه:

" طرق و شرائط وصول بعرفان حقیقی مظاهر ظهور، در آشنای مبارکه بهائی به تفصیل شرح و بیان شده است از جمله این شرائط آن است که شخص مجاهد از تقلید بپرهیزد، به انصاف متمسک گردد، امور را به چشم و گوش خود ببیند و بشنود، از حبّ و بغض چشم بربندد، هر بلائی را در سبیل عرفان مظهر امر تحمل نماید و بالاخره به حُلّ تقوی و تقدیس مزین و متجلی گردد... " (۵۲۱)
معهد اعلی

— ضرورت مشارکت در اداره امور جامعه:

"... و اینک که به آینده می نگریم امیدوارم که دوستان را

در جمیع احوال و در همه سرزمینها و با هر نوع تفکرو شخصیت
 داوطلبانه و مشتاقانه مجتمع در اطراف مراکز فعالیت محلی
 و بخصوص ملی ببینیم... اینست برآستی یکی از لذات و اشواق
 حیات من، زیرا این همان سرچشمه‌ای است که همه برکات آینده
 از آن سرچشمه خواهد گرفت و شالوده‌قویمی است که ایجاد و
 تأمین بنای مفخّم امر الهی بر اساس آن قرار دارد... " (۵۲۲)
 حضرت ولیّ امرالله

" ما باید سیستم بهائی را توسعه دهیم و سیستمهای دیگر دنیا
 را بحال خود گذاریم. با آلوده شدن به این سیستمها نخواهیم
 توانست آن را اصلاح کنیم بلکه بالعکس آنها ما را نابود
 خواهند کرد... " (۵۲۳)
 حضرت ولیّ امرالله

" خدمات جوانان در نظر هیکل مبارک بی نهایت عزیز و ذیقیمت
 است... امیدوارند که جوانان در قبول خدمات امریه... بیش
 از پیش شرکت نمایند. " (۵۲۴) از طرف حضرت ولیّ امرالله

" وحدت در کثرت در اقدامات امری ضروری بنظر می رسد. چون
 افراد مختلف خدمات مختلف و گوناگونی را تعهد نمایند،
 آنوقت مجموع اقدامات متنوعه افراد جامعه سبب رشد و پیشرفت

امرالله شود. چه که فی الحقیقه یک فرد از عهدۀ انجام کلیۀ امور عاجز است و همه افراد هم نمی توانند فقط به یک امر مشغول باشند. درک این نکته برای حصول رشد و بلوغی که برای جامعه ضروری است اهمیت بسیار دارد، زیرا جامعه مورد تقاضا و انتظارات گوناگون قرار می گیرد. " (۵۲۵) - معهد اعلی

- ضرورت آماده شدن جوانان برای قبول مسوولیت های آینده :

" ... حضرت ولی امرالله از حصول اطلاع راجع به هیئات جوانان شما بسیار خرسند و مشغوف شدند... هیکل مبارک را - امید چنان است که این افراد جوان خود را برای وظیفه بزرگی که در مستقبل ایام با آن مواجه خواهند گردید، مستعد و آماده نمایند و آن مساعدت به تجدید بنای عالم با الهام و تایید از تعلیمات و اوامر مقدسه بهائی است. " (۵۲۶) حضرت ولی امرالله

- منع تقلید :

" تقلید اقوام و ملل خارجه بسیار مضر و علت توهین امرالله

و ایجاد فساد نماید و مضرّ به اخلاق جوانان است، زیرا محیط مستعد اینگونه مفسد و مکاره و افراد اهالی بی قیاس و جهشان به غفلت و لامذهبی متوجّه. احبّاء باید مقاومت نمایند و در رفع این مفسد بکوشند نه آنکه ترویج و تقلید نمایند این مسأله باید به لجنه جوانان و لجنه ترقی اماء الرّحمن تاکید و سفارش شود... " (۵۲۷)
حضرت ولی امرالله

" زنهار زنهار احبّای الهی و اماء الرّحمن در این ایام پر انقلاب از صراط واضح مستقیم احکام الهیه منحرف شوند و متابعت شدّمه مقلدان و نوهوسان را نمایند. خلع تقدیس و تنزیه را از تن بیندازند و ثوب رُشیت را که به کوث سیئات غرب ملوث گشته مرتدی گردند، از نصایح قلم اعلی رو بتابند و به توهمات و مبادی سقیمه اهل هوس و هوی توجّه و تمایل نمایند... " (۵۲۸)
حضرت ولی امرالله

" ... تجاوز از آداب بهائی و مخالفت مبادی سامیه امریه راجع به تقدیس و تنزیه و عفت و عصمت و اعتدال در امور و اجتناب از سیئات اهل غرب و عادات مذمومه غیر مرضیه انسان تولید مفسد عظیمه در جامعه نماید و بنیه جامعه را ضعیف نماید و از رونق بیندازد - بهائیان باید همّت در ترویج و

اقتباس از حسنات اهل غرب نمایند نه تقلید سیئات آنان .
امتیاز بهائیان حقیقی در اینست لاغیر... " (۵۲۹)

حضرت ولی امرالله

- لزوم راستگویی :

" زبان گواه راستی من است او را به دروغ میالائید . و جان
گنجینه را از من است او را بدست آرز مسپارید . " (۵۳۰)

حضرت بهاءالله

" ما به هیچوجه نباید بر خلاف حقیقت صحبتی بکنیم . " (۵۳۱)

حضرت ولی امرالله

- ضرورت خضوع و خشوع :

" آنچه سبب بزرگواری عالم انسانی است خضوع و خشوع
است و محویت و فنا . زیرا تذلل و انکسار ، تاج و هاج عبدالجبار
و محویت و فنا و نیستی بی منتها ، اکلیل جلیل این بنده

آستان حضرت کبریا . ما باید بکلی از وصف وجود فانی گردیم
 ..هریک غبار رهگذار جمیع احبّاء شویم و خادم حق و هادِم
 بنیان نفس و هوی زیرا زینت ایوان الهی به این دو بیست
 ربّانی است :

نار عشقی برفروز و جمله هستیها بسوز
 پس قدم بردار و اندر کوی عشاقان گذار
 تا نگردي فانی از وصف وجود ای مرد راه
 کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نـگار" (۵۳۲) حضرت عبدالبهاء

- ضرورت احترام به دیگران :

" طراز پنجم در حفظ و میانیت مقامات عباد الله است باید
 در امور اغماض نکنند، به حق و صدق تکلم کنند. اهل بهاء
 باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم
 دارند. " (۵۳۳) حضرت بهاء الله

- ضرورت صراحت و صداقت :

" صراحت و صداقت مُرَجِّحٌ بر جمیع امور " (۵۳۴) حضرت ولیّ امرالله

- لزوم رعایت مراتب :

" باید حفظ مراتب نمود و مَا مِنَّا إِلَّا وَلَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ را مراعات کرد . اما غر باید رعایت و احترام اکابر کنند و اکابر باید مهربانی در حقّ اما غر نمایند . جوانان باید خدمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان کنند . ایمن حقوق متبادله است . " (۵۳۵) حضرت عبدا لبهاء

- اجازه لباس و اصلاح ریش :

" زمام البسه و ترتیب لِحی و اصلاح آن در قبضه اختیار عباد گذارده شد ولکن اِیَّاكُمْ یَا قَوْمِ اَنْ تَجْعَلُوْا اَنْفُسَكُمْ مَلْعَبًا الْجَاهِلِیْنَ . " (۵۳۶) حضرت بهاء الله

— تأسی به کار خوب دیگران :

" گفت آخر اینها (یهودی ها) در هر شهری که می روند تجارت را از دیگران می گیرند، خیلی کاردان هستند . گفتم : خوب شما هم باشید . اگر کسی کار خوبی بکند باید سعی کرد که مثل او کرد نه اینکه او را مانع شد . " (۵۳۷) حضرت عبدالبهاء

— سعی در ایجاد الفت و محبت بین دیگران :

" از خدا خواهم که در آن اقلیم یاران را همدم و ندیم یکدیگر نمایی و کل را به اتحاد و اتفاق و محبت همراز و دمساز کنی تا از مؤانست و الفت به شور و وکله آیند و وجد و طرب کنند و بر محبت و تعلق افزایند . کوره هر چند پرآتش است ولی محتاج به دم است تا فضا و ذهب را بگدازد و جسم جامد مایع گردد و رخ برافروزد . حرکت محتاج به محرک است . " (۵۳۸)
حضرت عبدالبهاء

" مثل اریاح باشد در امر فالح الاصباح . چنانچه مشاهده می نمایی که اریاح نظر به ما موریت خود بر خراب و معمور

مرور می نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون، نظر به ما موریت خود داشته و دارد. " (۵۳۹) حضرت عبدالبهاء

— محبت بی دریغ به همگان :

" ... محبت شما باید بی پایان باشد. محدود نباشد. هم بسا دوستان و هم با دشمنان یکسان باشد. وقتی انسان در عوض بدی خوبی کند، هر وقت به فکر آن عمل آید فرح و انبساط حاصل شود، ولی اگر در عوض بدی، بدی کند آخرش پشیمان شود و تأسف خورد. فرمودند اگر باین صفات رحمانی متصف شویم، عنقریب مقصد کلی که عبارت از اتحاد و یگانگی و رأفت و الفت در بین بشریت است حاصل گردد. " (۵۴۰) حضرت عبدالبهاء

— لزوم ایجاد تعادل با تغییرات لازمه دور جدید:

" شکستن سُننِ قبل کار بسیار مشکلی است و فهماندن این امر به افراد جامعه بهایی در این هنگام بسیار صعب می آید، زیرا ادراک و فهم مطالب گوناگون را نمی نمایند و خویشان را با

تغییرات لازمه دور جدید تعادل نمی بخشند" حضرت ولی امرالله

– لزوم ترک مفاهیم متداوله کنونی:

"رجای من از آن منتسبین امر الهی چنین است که مفاهیم متداوله کنونی و رسوم و عوائد فانیه امروزی را بطق بطلان افکنند و بیش از پیش یقین کنند که فرضیه های ازهم پاشیده و موءسسّات از هم گسیخته تمدن عصر حاضر لابد بر اینست کسه متغایر و متضاد با موءسسّات خدادادی باشد که بر خرابه های آن تمدن پوسیده مرتفع خواهد شد. آرزویم چنان است که اهل بهاء از عظمت وصف ناشدنی آئین مقدس خویش آگاه گردند و از مسوءولیت عظیمی که در قبال رسالت خویش دارند، با خبرباشند و بر وسعت بیکران خدماتی که در پیش دارند واقف شوند." (۵۴۲)

حضرت ولی امرالله

– اعتدال در جمیع شئون :

"این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت

و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتبهات نفسانیه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات ردیله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت بحضیض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلائشهای مضره و اعتیادات دنییه نالایقه است. این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود، خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلا استتار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بی وفائی در روابط زناشویی ... را محکوم و ممنوع می نماید... (۵۴۳) حضرت ولی امرالله

- رقص :

" انجام عمل رقص مجاز است، اما لازم است توجه و دقت بسیار معطوف و مبذول شود که رقص کنندگان پوششی محجوبانه و شایسته دارا باشند و همچنین رقصها بهیچ وجه پست و عامیانه نباشد

بطور معمول در جلسات منظم بهائی رقصی نباید انجام شود
 (۵۴۴)
 اما البته انجام تک‌خوانی و یا تک‌نوازی مانعی ندارد.
 حضرت ولی‌ام‌الله

- لزوم اشتراک مساعی جوانان :

"... بجان و دل دعا و مناجات‌نمایم که چنین اشتراک مساعی
 نه تنها موجب ازدیاد افتخار و قدرت و مزید اعتلاء و شهرت
 امرالله گردد، بلکه نفس‌همکاری در حیات روحانی جوانان و
 تقویست قوای آنان چنان نافذ و مؤثر افتد و ارکان و جوارح
 جامعه جوان بهائی را به درجه‌ای متحد و مرتبط نماید که
 بیش‌از پیش به ابراز قابلیت و استعداد ذاتیه خویش موفق و
 به مرحله بدیعی از تکامل روحانی در ظل امر حضرت سبحانی
 نایل و مفتخر گردند." (۵۴۵)
 حضرت ولی‌ام‌الله

"هیچ امری نمی‌تواند مانند شرکت مداوم و مؤثر و
 خردمندانه جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره
 در دایره خدمات تبلیغی همچنین مجهودات اداری روح جوان
 و نیروی فعاله‌ای را که ممد حیات و محرک تاسیسات امر

نوزاد الهی است در انظار ناس و در هر دو قاره مشهود و جلوه‌گر سازد. این تعاون و تعاضد در خدمات و مجهودات امریه بهترین وسیله‌ایست که به موجب آن اعداء دین الله که ترقی و تکامل آئین رحمانی و مشروعات و مؤسّسات یزدانی را با شدّت و ضعف با نظر مخالف و تنقید و بی‌ایمانی و تردید می‌نگرند با این حقیقت مسلم پی ببرند و موقن و مدعن گردند که شریعه‌الله زنده و نباض و اساس محکم و متین و مقدّراتش مستحکم و رصین است. امیدوارم و به جان و دل دعا و مناجات نمایم که چنین اشتراک مساعی نه تنها موجب ازدیاد افتخار و قدرت و مزید اعتلاء و شهرت امرالله گردد، بلکه نفس همکاری در حیات روحانی جوانان و تقویت قوای آنان چنان نافذ و مؤثر افتد و ارکان و جوارح جامعه جوان بهائی را به درجه‌ای متحد و مرتبط نماید که بیش از پیش به ابراز قابلیت و استعداد ذاتیه خویش موفق و به مرحله بدیعی از تکامل روحانی در ظلّ امر حضرت سیحانسی نائل و مفتخر گردند. «(۵۴۶) حضرت ولیّ امرالله

" اهمیت همکاری و هماهنگی یا ران الهی چنان ضرورت حتمی دارد که لازم به تاکید بیشتر نیست، زیرا فقط از طریق اراده عظمیّه آنان نسبت بیکدیگر و مدارای با یکدیگر

می توانند نفوس عدیده را بصفوف خود جذب کنند." (۵۴۷)
 حضرت ولیّ امرالله

- لزوم رسیدگی به یکدیگر:

" شماها باید به آنچه سبب آسایش عالم انسانی است تشبّث نماید
 یتیم ها را نوازش کنید، گرسنه ها را سیر نمائید، برهنه های را
 بپوشانید، بیچاره ها را دستگیر کنید تا مقبول درگاه الهی
 شوید." (۵۴۸)
 حضرت عبدالبهاء

" ... به فقرا مهربان باشید، محبت نمائید، آنها را دستگیر
 کنید، زیرا فقرا دل شکسته اند. اگر شما به جهت اغنیاء جان-
 نثاری نمائید، گمان می کنند مجبور است ولی چون به فقرا
 محبت کنید از صمیم قلب ممنون و خشنود می شوند لهذا رعایت
 فقرا واجب است." (۵۴۹)
 حضرت عبدالبهاء

- لزوم انفاق به دیگران :

" ... با آنکه شکر، سبب ازدیاد نعمت است ولی کمال شکر به انفاق است و مقام انفاق اعظم مقامات" (۵۵۰) حضرت عبدالبهاء

- لزوم انفاق و مواسات :

" هر یک از موء منین سایرین را مثل خود مشاهده نمایند یعنی خود را اعلی نشمرند و اغنیاء فقرا را از مال خود محروم ننمایند و آنچه از برای خود از امورات خیریه اختیار می نمایند، از برای سایر موء منین هم همان را اختیارکنند اینست معنی مواسات و حدّ مواسات تا این مقام بوده و تجاوز از آن از شوء و نات هوائیه و مشتیهات نفسیه عندالله مذکور ... " (۵۵۱)

حضرت بهاء الله

- قربیت الهی چگونه حاصل می شود :

" باید ایام عمر را در آنچه سبب قربیت درگاه کبریاست

بگذرانی، قربیت حق در بلندی و پستی نه بلکه در تربیت و تبطل و تضرع و بندگی احبای الهی. هر چه باین عبودیت بیشتر موفق گردی، قربیت الهیه بیشتر میسر گردد و بحق نزدیکتر شوی. تا توانی به صفات و اخلاقی مبعوت شو که بکلی در سبیل الهی محو و فانی شوی، یعنی اثر وجود در تو نماند. کَأَلَمِيتَ بَيْنَ يَدَيِ الْغَسَّالِ يَحْرِكُهُ أَحْكَامُ اللَّهِ بِإِرَادَةٍ مِنَ اللَّهِ. معنی کَأَلَمِيتَ بَيْنَ يَدَيِ الْغَسَّالِ این است که بکلی خواهش و نیستی و فکری و ذکری از برای انسان نماند و فانی در تعالیم الهی گردد و مفتون او امر رحمانی. به آن قوت متحرک گردد و به آن تعالیم عامل شود و به آن اخلاق متخلق. این است مقام فنای فی الله و بقای بالله... " (۵۵۲)

حضرت عبدالبهاء

— رعایت حرمت شمایل مبارک :
 همچنین تعدد و تداول شمایل و صوت و صور متحرکه حضرت عبدالبهاء در بین جمهور ناس چه یار و چه اغیار جائز نه و نمایش آن در هر موقعی از مواقع جائز نه، چه که مضر به مصالح امریه است و مخالف شان و حرمت و قدر و منزلت همچه

آثار کریمه شریفه مقدسه است. امید آنکه احباء علی الخصوص
 جوانان پرشور و نشاط، مراعات این امر مهم لازم را نمایند و
 از حد آداب و رتبه اعتدال خارج نگردند و تجاوز ننمایند. "
 حضرت ولی امرالله

- عفو و غفران الهی :

" حق جَلِّ ذِکْرُهُ خود را غفور و رحیم و رحمن و کریم خواننده
 چگونه می شود به امورات جزئیّه از احبّای خود بگذرد و بیبا
 نظر رحمت بازدارد. " (۵۵۴)
 حضرت بهاءالله

- تأثیر محبت :

" یا محبوب فوادی محبت کارها دارد. کتاب اسرار پیشواست.
 دارای دفاتر خرابی و آبادی اواست. صخره را پر عطا کند.
 مخمود را مشتعل فرماید. جماد صرف را به یک حرف جاری و ساری
 نماید. دست و دست او و میدان میدان او " (۵۵۵)
 حضرت بهاءالله

۱- امتحانات موجب استحکام اساس دوستی است :

" انسان اعتماد به دوست و یاری نمی کند که او را امتحان نکرده باشد. اگر دوستی ببیند که به جهت او مشقت و زحمت و بلا و مصیبت دیده و تحمّل کرده، اعتماد به آن دوست می کند. "

حضرت عبدالبهاء

۲- اهمیت بیان :

" ... کنز انسان بیان اوست. " (۵۵۷)

حضرت بهاء الله

۳- تاثیر کلام بسته به چه عواملی است ؟ :

" بیان، نفوذ می طلبد، چه اگر نافذ نباشد مؤثر نخواهد بود و نفوذ آن معلق به أنفاس طیبه و قلوب صافیه بوده و همچنین اعتدال می طلبد، چه اگر اعتدال نباشد سامع متحمّل نخواهد شد. " (۵۵۸)

حضرت بهاء الله

" بیان باید به مُشْرَبِ حَضَّار و اِقتضای وقت باشد و حسن عبارت
و اعتدال در اداء معانی و کلمات لازم. فقط حرف زدن نیست،
همیشه در عکاً میرزا محمد علی بیاناتی را که از من می شنید،
بعینها در مواقع دیگر ذکر می کرد ولی ملتفت نبود که
هزاران جگم و مصالح لازم است نه تنها گفتن. در ایام بغداد
و سلیمانیه شیخ عبدالحسین گفته بود که جمال مبارک کردها را
به این وسیله جمع و جذب کردند که اصطلاحات عرفاء و صوفیه
را بیان می نمودند. بیچاره شیخ مذکور رفت و کتاب فتوحات
مکیه را پیدا و عبارات آن را حفظ نموده در هر جا ذکر کرد،
دید هیچکس گوش نمی دهد. خیلی تعجب کرد که چرا مردم گوش
نمی دهند. جمال مبارک فرمودند به شیخ بگویند ما فتوحات
مکیه را نمی خوانیم، بلکه آیات مدنیّه را القاء می کنیم.
فصوص شیخ را نمی گوئیم، بل از نصوص الهیه حرف می زنیم" (۵۵۹)

حضرت عبدالبهاء

" معتدلانه با نفوس صحبت کنید نه شدید" (۵۶۰) حضرت عبدالبهاء

" این حرفهای دنیوی جان انسان را می گیرد. مثل چه می ماند؟
مثل اینکه نسیم بهار که به درخت می خورد جان می دهد ولی
باد خزان کسل و پژمرده می کند و خشک می کند." (۵۶۱)

حضرت عبدالبهاء

" کلام انسان ترجمان قلب است. قلب در هر عالمی از عوالم باشد از آن عالم صحبت می کند، لهذا از بیان انسان معلوم می شود که در چه عالمیست. توجهش به جهان پست است یا به جهان بالا. آگاه است یا غافل. بیدار است یا خواب." (۵۶۲)

حضرت عبدالبهاء

" ... زنهبار به گفتار کفایت منما. در خوشی رفتار بکوش و بمجرد اقوال قناعت مکن، افعال را محک اعتبار بدان." (۵۶۳)

حضرت عبدالبهاء

" نمی دانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است." (۵۶۴)

حضرت ولی امرالله

" فی الحقیقه اگر یاران صادقانه بکوشند و صد بهائی شوند، خواهند دید که چگونه می توانند تاثیر و نفوذ خود را در دیگران بنحو بارزی افزایش دهند... هر چه یاران در شئون مختلفه زندگی خود بیشتر بر اساس تعالیم الهی رفتار نمایند، خواه در منزل یا در محل کار یا در مناسبات فیما بین، بیشتر

می توانند نیروی جاذبه خود را برای جلب قلوب دیگران بکار
 برند... " (۵۶۵) حضرت ولی امرالله

"... ایشان بیان فرمودند... شخصی که قلبش خالی از محبت
 است، نیایستی دربارهٔ محبت و عظم نماید و نیز کسی که دارای
 افکار ناپاک است نیایستی در بارهٔ طهارت نفس تکلم کند و
 نیز نیایستی در بارهٔ صلح سخنی گوید و خود در باطن در جنگ
 و ستیز باشد... کشیسهایی را می شناسند که عاری از جمیع
 صفات بودند ولی وعظ و تعلیم می دادند... " (۵۶۶) حضرت عبدالبهاء

— سخن از چه باید گفت؟ :

" طیر بیان باید در هوا، قدس رحمان طیران نماید و از
 خرمنهای معانی قسمت ببرد، تا قلوب و افئدهٔ ناس به ذکر این
 و آن مشغول، از عرقِ روضهٔ رضوان محروم... " (۵۶۷)
 حضرت بهاء الله

"... باید در اوقات معاشرت و الفت با یکدیگر صحبت
 از گرمی هوا و سردی آب و لطافت باغ و گلزار

و طراوت چمن و جویبار ندارند، بلکه
 مکالماتشان محصور در ذکر و ثنا و بیان
 ادله و برهان و نقل احادیث و آیات و اقامه
 بیّنات باشد تا چنان گردد که جمیع خانه‌های احباب
 محفل درس تبلیغ شود... " (۵۶۸)
 حضرت عبدالیهاء

" ... در اوقات اجتماع مذاکره کل در مسائل علمیّه و اطلاع
 بر علوم و معارف عصریّه باشد. " (۵۶۹)
 حضرت عبدالیهاء

- ضرورت رفت و آمد احبّاء :

" مبارکترین اوقات وقتی است که با احبّای الهی ملاقات
 می نمایم ... " (۵۷۰)
 حضرت عبدالیهاء

" بهایی کاملی باش، با بهائیان محشور شو. تعالیم حضرت
 بهاء الله را تحصیل نما، آنوقت به هر کاری مشغول شوی مؤید
 خواهی بود " (۵۷۱)
 حضرت عبدالیهاء

" نهایت آرزوی من آنست که احبّای صادق خالص جمال مبارک را

خدمتی بسزا بنمایم . برای آنها غذا با دست خود حاضر کنم و مانند پروانه دور آنها گردم . من می خواهم که در سبیل یاران معنوی جا نشان باشم . " (۵۷۲) حضرت عبدالیه *

" الفت و یگانگی مراتب دارد، هر مرتبه‌ای از مراتبش مقبول و آنچه ترقی بیشتر نماید مقبولتر و محبوب‌تر و خوشتر است و سبب تقرب بارگاه ذوالجلال و حصول تائیدات نامتناهی . " (۵۷۳) حضرت عبدالیه *

" شماها به یکدیگر خیلی محبت داشته باشید . دیدن همدیگر نمایید، غمخوار کل باشید، اگر یک نفر دور از شهر منزل دارد محض ملاقات او بروید . فقط به قول قناعت ننمایید به وصایای الهیه عامل باشید . هر هفته مجلس نمایید و ضیافتها مهیا کنید . در ترویج معرفه‌الله و تحصیل کمالات روحانیه بکوشید . اینست صفت بهائیان و الا بهائی بودن به لفظ چه فایده دارد . " (۵۷۴) حضرت عبدالیه *

" مهمانی به محبت‌الله خوبست . جمیع این مهمانی‌های خلق بی نتیجه است . موقتاً خوبست ولی بالنتیجه شمر ندارد . " (۵۷۵) حضرت عبدالیه *

" حَقَّ جَلَّ ذِكْرُهُ خُود رَا غَفُورٌ وَ رَحِيمٌ وَ رَحْمَنٌ وَ كَرِيمٌ خُوانْدَه چگونَه
 (۵۷۶)
 می شود به امورات جزئیّه از حبابی خود بگذرد و بیا نظر رحمت باز دارد "
 حضرت به‌الله

— منع خودپسندی و خودنمایی :

" اگر کمترین شائبهٔ هوی و هوس و خودنمایی و یا خودپسندی در
 شخص وجود داشته باشد، مطمئناً نتیجه زحمات او بی ثمر خواهد
 بود و محروم و مأیوس خواهد گردید. " (ترجمه) حضرت عبدالبهاء
 (۵۷۷)

" هیچکس نباید خود را از دیگری برتر و بالاتر بداند. هیچکس
 نباید غرور و کبر نسبت به دیگری ابراز دارد. هیچکس نباید
 به دیگری به دیدهٔ حقارت بنگردد. هیچکس مجاز نیست تا افکار
 دیگران را تحقیر کند. " (ترجمه) (۵۷۸) حضرت عبدالبهاء

" از نتایج مهمهٔ خضوع و خشوع و آراسته شدن به این صفت
 روحانی و اخلاق رحمانی احتراز از خودپسندی و انانیت است
 که مبداء جمیع فسادها و اختلافات بین افراد است و آن این
 است که انسان همه چیز خود را به پسندد و به تعریف و خود —
 ستایی پردازد و از دیگران به بدی و زشتی یاد کند و آنها

را هدف تیرهای ملامت و سرزنش قرار دهد و در معرض همه گونه عیب و نقص بداند... " (۵۷۹)
حضرت عبدالبهاء

" هر قصوری که در نفسی می بینیم آن را از قصور خود دانیم زیرا اگر ما نبودیم آن قصور را نمی دیدیم - انسان بایسد همیشه خود را قاصر و دیگران را کامل ببیند. " (۵۸۰)

حضرت عبدالبهاء

" ... اهل بهاء ... نه تشنه شهرتند و نه طالب ریاست، نه اهل ریا و تملقند و نه در پی جاه و مکننت، نه طالب مسند و مقامند و نه اسیر رتبه و نشان، از تظاهر و خودنمایی متنفرند و از استعمال قوه جبریّه مشمئز - از ماسوی اللسه چشم پوشیده اند و به وعده های محکمۀ مولای خویش دل بسته، از خود گذشته اند و به نفع عموم پرداخته... " (۵۸۱)

حضرت ولی امرالله

- منع از رنجش دیگران :

" سبب خزی نشوید تا چه رسد به فساد و نزاع - امید هست در

ظَلَّ سَدْرُهُ عَنَائِتَ الْهَيْ تَرْبِيتِ شَوِيدٍ وَ بِحَا أَرَادَهُ اللَّهُ عَامِلٌ
 گردید. همه اوراق یک شجرید و قطره‌های یک بحر (۵۸۲)

حضرت بهاء الله

" زینهار از اینکس قلبی را برنجاتید زینهار زینهار
 که نفسی را بیازارید. زنهار زنهار از اینکه با نفسی به
 خلاف محبت حرکت و سلوک کنید. زنهار زنهار از اینکه انسانی
 را مأیوس کنید.

هر نفسی که سبب حزن جانی و نومیدی دلی گردد، اگر در طبقات
 زمین مأوی جوید بهتر از آنست که بر روی زمین سیر و حرکت
 نماید و هر انسانی که راضی به ذلت نوع خویش شود، البتّه
 نابود شود بهتر است... " (۵۸۳)
 حضرت عبدالبهاء

" خاطری نیازارید و کلمه سوء بر زبان نرانید. اگر از کسی
 فضائل عالم انسانی و سلوک در رضای الهی مشاهده کنید تمجید
 کنید و آلا صمت و سکوت اختیار نمایید. " (۵۸۴)
 حضرت عبدالبهاء

" ... همیشه تا ثرات قلب عبدالبهاء از اغبراریست کسّه در
 میان احبّاء حاصل گردد. مصائب خارجه تا شیری ندارد. بلائیای
 وارده را حکمی نه، زیرا هر چه هست از خارج است، توقعی از

آنان نیست ولی اگر در میان احبّاء رنجش و اغبراری حاصل گردد، بی نهایت تأثیر دارد... حال امید آن دارم که سبب شوی در میان احبّای الهی نهایت التیام حاصل گردد، غمخوار یکدیگر شوند، جوانان حرمت و رعایت سالخوردگان کنند و سالخوردگان به جوانان پدر مهربان باشند... " (۵۸۵)

حضرت عبدالبهاء

- منع عیبجویی :

" باری ای سلمان، براحبّای حق القاء کن که در کلمات احدی به دیده اعتراض ملاحظه نمائید، بلکه بدیده شفقت و مرحمت مشاهده کنید مگر آن نفوسی که الیوم در ردّ الله الواح ناریه نوشته " (۵۸۶)

حضرت بهاء الله

" مبادا خاطری بیازارید و یا قلبی را آزرده سازید یا لسان خود را برای شماتت و عیبجویی از دیگران بکار برید، خواه آشنا باشد یا بیگانه، مؤءمن باشد یا معاند." ترجمه (۵۸۷)

حضرت عبدالبهاء

" عالم انسانی کامل نیست نقائص در هر انسانی موجود است و اگر انسان به خلق ناظر باشد، اغلب افسرده خاطر می گردد اما اگر به خالق ناظر باشد، سایر نفوس را دوست خواهد داشت و به آنها مهربان خواهد بود... بنا بر این به قصور هیچکس نظر منما • بنظر بخشش به آنها بنگر. چشم ناقص، نقص را می بیند. چشم خطا پوش به خالق نفوس ناظر است. " ترجمه - حضرت عبدالبهاء (۵۸۸)

- منع توهین و اعتراض به دیگران :

" نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم، بلکه باید به جمیع نفوس به احترام نظر کرد. " (۵۸۹) حضرت بهاء الله

- منع شکوه و شکایت :

" از علوّ و دنوّ و عزّت و ذلّت دنیا منال . در کل احوال به ما ناظر باش چه که کل آنچه مشهود، مفقود خواهد شد. اینک مشاهده می نمائی که بعضی از ناس به عزّت دنیا مسرورند و به

علو آن مغرور، این از غفلت آن نفوس است. " (۵۹۰) حضرت بهاء الله

" از نفسی شکایت نکنید و به کسی عتاب ننمایید. با کل به نهایت خوشی و محبت و مواءمت و خوشرفتاری و ملایمت و راستی و امانت معاشرت کنید. " (۵۹۱) حضرت عبدالبهاء

" هر نفسی که کلمه اختلاف از او صادر، بدانید که مقاصد خفیه دارد. " (۵۹۲) حضرت عبدالبهاء

- منع اختلاف:

" احبای الهی می دانند و در جمیع الواج و زُبُر ربّانی خوانده و می خوانند که از ذکر ذرّه ای اختلاف جمال مبارک روحی لِاحِبَائِهِ الْفِدَاء چنان برمی افروختند که وجه مبارک تغییر می کرد و هر یک از اشخاص موجوده البتّه صد مرتبه به گوش خویش از فَمِ مَطَهَّرَ شَنِيدَه اند که بکرات بکمال تاثر می فرمودند: من اگر ببینم که امرا لله سبب اختلاف میان دو نفس می شود از امرا لله می گذرم... " (۵۹۳) حضرت عبدالبهاء

- منع غیبت :

" ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که شمری جز خمودت نیارد و اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتیت . اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند. " (۵۹۴)

حضرت عبدالبهاء

- منع تقلید و تصنع :

" باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که رائحه منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید " (۵۹۵) حضرت ولی امرالله

" راجع به البسه بعضی از حضرات اماء الرحمن که به تقلید دیگران از طریق اعتدال متحرف گشته اند مرقوم فرموده بودید، فی الحقیقه حیفاست که نفوس موء منه که امتیازشان به انتساب به شجره طیبه امرالله است رفتار و اطوارشان موء یدومبین آن نسبت شریفه معنویه نباشد و میان ایشان و نفوس سائره که از برکت تعالیم الهیه محروم و در بحر تقلید و لاقیودی

مستغرقند دیگر امتیازی نماند، بلی در این دور زمام البسه در قبضه اختیار عباد است ولیکن اهل بهاء به **إِيَّاكُمْ يَا قَوْمِ أَنْ تَجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ مُلْعَبَ الْجَاهِلِينَ** "انذار گشته اند." (۵۹۶)

معهد اعلی

"باید یاران علی الخصوص جوانان خلق بدیع شوند و از مضرّات عادات و افکار مفرطه شرق و غرب هر دو درکنار باشند، بالعکس آداب ممدوحه هر یک را اقتباس نمایند و به فضائل و مکارم اخلاق به موجب تعالیم الهیه متخلّق شوند تا کل شهادت دهند که بهائیان از هر کشور و در هر جا که باشند از دیگران ممتازند. باید چون شجره طیّبه در حدیقه وفا چنان ریشه دوانند که از گزند باد و طوفان در امان باشند و الا چون برگ خزان ناتوان بودن و دستخوش هر باد که از شرق یا غرب وزد گردیدن، شأن نونهالان بوستان حقیقت نیست باید به هر وسیله تشبّث جست تا انشاءالله یاران ایران علی الخصوص جوانان بهائی ایران در آن - کشورها محفوظ مانند و در عین تقدّم و تمدّن

عَلَمٌ تَقْدِيسُ افْزَاذِنْد و بِهِ مَوْجِبُ نَصَائِحِ
 قَلَمِ اَعْلَى رِفْتَارِ نَمَائِنْد. " (۵۹۷)
 معهد اعلی

- منع کدورت، حزن و تغیر با دیگران :

" کدورت به خود راه ندهید و محزون نگردید و تغیر
 نفرمایید، زیرا جمیع اینها مضرّ است. پس
 مسرور و خوش ایتام بگذرانید تا عبدالبهاء
 از سرور یاران مسرور گردد و ضعف قدری خفت یابد. " (۵۹۸)
 حضرت عبدالبهاء

" زنهار زنهار که خاطری بیازارید و قلبی را
 شکسته نمایید و دلی را دردمند کنید و جانی
 افسرده نمایید و نفسی را پژمرده کنید و لوی
 دشمن جان باشد و اهل عدوان. " (۵۹۹)

حضرت عبدالبهاء

" احباء خیلی باید بکوشند که آثار کدورت و اغیار در قلب
 هیچیک نباشد این از تبلیغ مهمتر است. " (۶۰۰)

حضرت ولی امرالله

- منع جمودت و خمودت :

" انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر از آنست که
مخمود شود. مرده البته بهتر از افسرده و پژمرده
است زیرا مرده معذور است حول و قووی ندارد ولی
افسردگی و پژمردگی از سیئات سابقه و لاحقیه حاصل
گردد. " (۶۰۱)
حضرت عبدالیهاء

" ثمره وجود اینست که از انسان یک روحانیتی
حاصل شود، جامد نباشد، جاری باشد، ساکن نباشد،
طائر باشد. " (۶۰۲)
حضرت عبدالیهاء

- منع معاشرت با نفوس غافل و شریر :

" از اعمال شنیعه اجتناب نمایند. و بکمال استغنا و سکون
ما بین بریّه مشی نمایند. " (۶۰۳)
حضرت بهاء الله

" مکرر وصیت نموده و می نمائیم دوستان را که از آنچه رائج
فساد استشمام می شود اجتناب نمایند بمل فرار اختیارکنند.

عالم منقلب است و افکار عباد مختلف . " (۶۰۴) حضرت بهاء الله

" نفوسی که تصدیق نموده اند و به هدایت پرداخته اند و حال بیکلی به پریشانی فکر مبتلا شده اند، سبب اینست که این اشخاص با نفوس غافلانه معاشر گشته اند و مخالفت نص صریح الهی نموده با اشرار الفت گرفته اند و مؤانست جسته اند... زیرا ممکن نیست که شخص سالمی با شخص مسلولی و یا مجذومی الفت نماید و علت سرایت نکند. " (۶۰۵) حضرت عبدالبهاء

" ای یاران، امرالله را محافظه نمایند. به حلاوت لسان گول مخورید. ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی چیست و مروج چه فکر است. فوراً آگاه شوید و بیدار گردید و احتراز نمایید. ولسی ابداً تعرض ننمایید و نکته مگیرید و به مذمت نپردازید. او را به خدا واگذارید... " (۶۰۶) حضرت عبدالبهاء

" ... بکمال حکمت به خدمت قیام نما . بسیار از نفوسند که باطنشان غیرظاهر است . ملاحظه نمائید تا به دام خائنین و کاذبین مبتلی نشوید . هر قولی لایق تصدیق نه و از هر نفسی اطمینان جائز نه . باید اهل الله صراف حقیقی باشند ما بین ناس ، خالص را از غیر آن بشناسند... " (۶۰۷) حضرت عبدالبهاء

" از تاثیرات اعمال غافل نباشید - لَعْمَرِ اللّٰه اگر نفسی بسه
تاثیرات اعمال و اقوال طیبه و خبیثه مطلع شود ابداً به هیچ
مکروهی التفات ننماید و جز خیر محض و معروف صرف از او ظاهر
نشود. " (۶۰۸)
حضرت عبدالبهاء

" نفوس مطمئنّه قویّه اقل از کبریت احمر بوده و خواهند بود
باید امثال این نفوس ضعیفه را بخود وانگذارند و به لطائف
بیانات الهیه ایشان را مجدداً به حیات باقیه کشانند... " (۶۰۹)
حضرت عبدالبهاء

" نفس عمل نتیجه خود را ظاهر نماید " (۶۱۰) حضرت ولیّ امرالله

- عدم مداخله در امور یکدیگر:

" فتح مکتوب و قرائت، پیش از صاحب اصلی ابداً جایز نه بلکه
ممنوع و محذور " (۶۱۱)
حضرت عبدالبهاء

" همیشه ملتفت حال خود باش... چشم انسان هم کور است و هم
ذره بین. کور است از دیدن نقائص خود و بینا و دوربین است

در خطاهای دیگران . " (۶۱۲) حضرت عبدالیهاء

" افراد نباید در امور شخصیّه یکدیگر مداخله نمایند . مبادا اسباب کُزّه و کدورت شود . باید به تذکرات کلیّه قناعت کرد و اموری را که به نظر افراد اصلاحش لازم و واجب به محافل روحانیّه ارجاع نمود ... " (۶۱۳) معهد اعلی

" اصولاً یاران طبق تعلیمات مبارکه نباید پایی نفوس شوند و دخالت در امور شخصیّه یکدیگر نمایند ، بلکه باید با حلم و مدارا و خطاپوشی و محبت و صفا با یکدیگر معامله نمایند . مظهر رافت کبری باشند و به لسان شفقت جذّاب قلوب اصفا گردند . " (۶۱۴) معهد اعلی

- عدم توجه به جزئیات :

" آنچه نیک است و بسیار مهم در یاد نگاه دارید و هر چه جزئی است آن را قابل توجه و اعتناء ندانید . " (۶۱۵) حضرت عبدالیهاء

" اکثر نفوس مانند اطفالند ، با مور جزئیّه محزون یا مسرور می شوند اما مور عظیمه را اهمیت نمی دهند . " (۶۱۶) حضرت عبدالیهاء

— منع ولخرجی و اسراف :

"... ولی ولخرجی مکن زیرا اسراف همیشه انسان را ملول و سرگردان نماید. من اگر می بینید بعضی تعارفات و مخارجات می نمایم جمیع محض اداء وظایف دینیّه و ملاحظات امرالله است، بعد نتایج آنها معلوم خواهد شد. در ایام بغداد وادرنه من کلاه و لباس چند ساله‌ئی که تار و پودش از هم گسسته بود داشتم، ابداً راضی به قرض نمی شدم. حال هم اگر نظربه بعض امور و ملاحظات نبود، محقرتر و ارزان تر محلّی از محلات این شهر می گرفتم. هر چیزی برای رفع احتیاج است حتی خوراک ولی زیاده از احتیاج سبب افسردگی و کسالت و منتهی به مرض و علّت گردد. چقدر انسان باید پست باشد که به این شوءون قناعت نماید و خود را به این زوائد آلوده و مشغول سازد. فضیلت انسان به کمالات الهی و معرفت اوست و غلبه جنبه روحانی بر جنبه حیوانی." (۶۱۷) حضرت عبدالبهاء

— عدم توجه به خرده گیریهای دیگران :

" ما نباید اهمیت چندانی به روش و احساسات دیگران نسبت

به خود بدهیم. مهمترین امر ترویج عشق و علاقه و ناچیز
انگاشتن خرده گیریهاست. به این ترتیب به ضعف طبیعت
انسانی و نظرات خاص و روش هیچ فرد بخصوص اهمیت فوق العاده
داده نخواهد شد بلکه برعکس این نقائص در پرتو خدماتی که متحدان در
طریق امر محبوب خود صرف می کنیم محو و زائل خواهد شد. " (۶۱۸)
حضرت ولی امر الله

— لزوم صبر و شکیبایی در مقابل یکدیگر:

" یاران در مورد یکدیگر باید صبر و شکیبائی را پیشه سازند
و به این نکته توجه نمایند که امر هنوز در مرحله طفولیت
است و مؤسّسات و تشکیلات آن در انجام وظایف کمال مطلوب را
بدست نیاورده هر چه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز
یاران نسبت به یکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد، ترقّی
جامعه بهائی بطور کلی افزونتر خواهد گشت. " (۶۱۹)

حضرت ولی امر الله

— رفتار در مقابل قصور و غضب دیگران :

" اگر از یکی از احبّاء غضب ظاهر شود، به شمس شفقت حق ناظر باشید که از افق عنایت طالع است و اگر از یکی از دوستان انقباض ملاحظه شود، از آن مکدر نباشید، به انبساط حق ناظر باشید، قسم به ذات قدسش اگر جمیع عالم در محضرش حاضر شوند، کل را به لحاظ عنایت ملاحظه فرماید و جمیع را به طراز مکرمت مزین نماید. " (۶۲۰)

حضرت بهاء الله

" اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردید، دیگران باید بذیل ستر پوشند و در اکمال نواقص او کوشند نه آنکه از او عیبجویی نمایند و در حق او ذلت و خواری پسندند. نظر خطا پوش سبب بصیرت است و انسان پرهوش ستار عیوب هر بنده پرمعصیت. پرده دری شان وحوش است نه انسان پردازش و هوش." (۶۲۱)

حضرت عبدالبهاء

" خاطری نیازارید و کلمه سوء بر زبان نرانید. اگر از کسی فضائل عالم انسانی و سلوک در رضای الهی مشاهده کنید تمجید کنید و الا صمت و سکوت اختیار نمایید. " (۶۲۲)

حضرت عبدالبهاء

" چه بهتر از اینکه احبای الهی حُسنات یکدیگر را مشاهده نمایند و بر فرض مستحیل سیئاتی صادر گردد به دامن خطا - پوشی ستر نمایند. این صفت از اَجَلِّ مناقب عالم انسانی است که نظر انسان پاک و مطهر باشد. " (۶۲۳) حضرت عبدالبهاء

" اگر اندک معارضه‌ای بمیان آید، سکوت کنند. دیگر ابداً طرفین تکلم ننمایند. " (۶۲۴) حضرت عبدالبهاء

" همیشه در فکر آن بودم که احبای مسرور و خشنود باشند. اگر می دیدم که نفسی اندک حزنی یافته ولو بی سبب، به کمال قسوت می کوشیدم که آن حزن را زائل کنم و او را خشنود نمایم ... " (۶۲۵) حضرت عبدالبهاء

" همواره ستر می نمودم و خود را به نادانی می زدم و تجاهل می کردم و راضی به آن نمی شدم که اظهاری نمایم و یقین می کردند بی خبرم. " (۶۲۶) حضرت عبدالبهاء

" دلگیری اگر بماند روز بروز ازدیاد یابد و عاقبت نتیجه خوشی نبخشد. " (۶۲۷) حضرت عبدالبهاء

"... تو باید مثل عبدالبهاء محو و فانی باشی، نگاه به رفتار نفسی ننمایی، همه توجهت به امرالله باشد، مدّ نظرت این باشد دیگر به هیچ وقوعاتی اهمیت ندهی." (۶۲۸)

حضرت عبدالبهاء

"هر نفسی را باید نظر به آنچه در او ممدوح است نمود. در این حالت انسان با جمیع بشر الفت تواند، اما اگر به نقائص نفوس انسان نظر کند، کار بسیار مشکل است." (۶۲۹)

حضرت عبدالبهاء

"با نفسی جدال منمائید و از نزاع بیزار باشید. کلمه حق بر زبان رانید اگر قبول نمود نِعَمَ الْمَطْلُوبِ و اگر عناد کرد، او را به حال خود بگذارید و توکل بر خدا بکنید." (۶۳۰)

حضرت عبدالبهاء

"خاموش مباشید نفوس را گرم نمائید" (۶۳۱) حضرت عبدالبهاء

"مبادا قلبی آزرده نمائید یا در باره یکدیگر غیبت کنید" (۶۳۲) حضرت عبدالبهاء

" یکی از ضروریات برای جامعه امر اینست که یاران باید با هم متحد شوند و درک نمایند که همه بمنزله یک خانواده روحانی هستند و با علائقی به هم مربوطند که به مراتب از علائق ظاهری خانوادگی مقدس تر و پایدارتر است. اگر یاران به تمام قوای اختلافات شخصی خود را فراموش کنند و قلب خود را به خاطر حضرت بهاء الله بسوی محبت عمیقی که به یکدیگر دارند مفتوح سازند، ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها بنحو وسیعی افزوده شده است و آنها قادر خواهند بود که قلوب عامه مردم را تسخیر نمایند. " (۶۳۳)
حضرت ولی امرالله

- منع تقلید در هنر:

" ... اگر چنانچه نمایی داده می شود باید از حد آداب بهایی تجاوز ننماید. نمایش ادبی و تاریخی و امری باشد. تقلید اقوام و ملل خارجه بسیار مضرّ به اخلاق جوانان است، زیرا محیط مستعد اینگونه مفساد و مکاره و افراد اهالی بی قید و جهشان به غفلت و لامذهبی متوجه. احباء باید مقاومت نمایند و در رفع این مفساد بکوشند نه آنکه ترویج و تقلید نمایند. این مسأله باید به لجنه جوانان و لجنه

(۶۳۴)
 " ترقی اِماءِ الرَّحْمَنِ تاکید و سفارش شود و تصریح و تفهیم گردد. "
 حضرت ولی امرالله

- لزوم ستر و عفو خطایای دیگران :

" بعضی از شما ملاحظه کرده‌اید که من بر هیچیک از نواقص شماها اشاره نکرده‌ام. به شما می‌گویم که اگر شما هم در معامله با یکدیگر به همین نحو اهل ملاحظه باشید، خیلی به سازش و هم‌آهنگی در معاشرت و موانست کمک خواهد کرد " (۶۳۵)
 حضرت عبداللہ

(۶۳۶)
 " انسان باید همیشه خود را قاصر و دیگران را کامل ببیند "
 حضرت عبداللہ

" زنهار زنهار از اینکه قلبی را برنجانید. زنهار زنهار از اینکه نفسی را بیازارید. زنهار زنهار از اینکه نفسی بخلاف محبت حرکت و سلوک کنید. زنهار زنهار از اینکه انسانی را مایوس کنید. هر نفسی که سبب حزن جانی و نومیدی دلی گردد. اگر در طبقات زمین ماوی جوید، بهتر از

آنست که بر روی زمین سیر و حرکت نماید و هر انسانی که راضی به ذلت نوع خویش شود، البته نابود شود بهتر است زیرا عدم او بهتر از وجود است و موت بهتر از حیات... " (۶۳۷)

حضرت عبدالیهاء *

" من می خواهم تو بر اثر اقدام من مشی نمایی؛ دلی میازاری؛ یا کل در صلح باشی؛ اهل اغماض شوی؛ سبب سرور نفوس گردی، " (۶۳۸) حضرت عبدالیهاء *

" بدترین نفوس، نفسی است که قلوب را مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود. " (۶۳۹)

حضرت عبدالیهاء *

"(عبدالیهاء) تا تواند دیده خطاپوش خواهد و ستر نماید، زیرا بیش از کل خود را گنه کار بیند و عاجز و قاصر در عبودیت پروردگار. لهذا چون به قصور خویش مشغول، به خطیئات دیگران نپردازد و همواره طلب عفو و غفران نماید و استدعای فضل و احسان. اگر چنانچه از نفسی قصوری حاصل و من به مهربانی با او رفتار نمایم، این نه از غفلت است بلکه چون به قصور

خود معترفم و به حال خود ملتفت، تعرض به دیگری ننمایم...
 نفوس باید که منصف باشند با وجود اعتساف اگر مظهرالطاف
 گردند، سبب تنبیه و تذکر گردد. " (۶۴۰) حضرت عبدالبهاء

" باید تحرّی مدایح نفوس نمود نه تجسّس عیوب نفوس. بقسدر
 امکان باید از عیوب چشم پوشید. از کمال نفوس بحث کنید نه
 از نقائص آنها. " (۶۴۱) حضرت عبدالبهاء

" ... در عالم قلب و روح یاد یاران را سبب فتوح شمارم...
 وصیت می نمایم شما را که جمیع همّت را در الفت و محبت و
 اتحاد و اتفاق مبذول دارید تا هر یک نزد دیگری ساجد گردد
 و هر یک در محبت دیگری جانفشانی نماید و حقیقت کامرانی
 تحقق یابد. نیت را باید لله کرد، اگر چنانچه از بعضی
 دوستان قصوری صادر گردد دیگران باید به ذیل ستر بیوشند و
 در اکمال نواقص او کوشند نه اینکه از او عیب جویی نمایند
 و در حق او ذلت و خواری پسندند. نظر خطا پوش سبب بصیرت است
 و انسان پرهوش ستار عیوب هر بنده، پرمعصیت، پرده دری شأن
 و حوش است نه انسان پردانش و هوش. احباء چون گلهای گلشن
 عنایتند هر چند هر یک رنگ و بویی خاص خویش دارند و لسی
 وحدت فیض نیسانی و وحدت شعاع آفتاب آسمانی و وحدت ارض -

بوستانی جامع این اجناس و انواع است و سبب وحدت در مبدا^۱ و معاد، پس نباید نظر به اختلاف احساسات جزئیّه نمود، بلکه باید نظر به وحدت اصلیه کرد و **قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ** گفت و از شرور نفس و هوی نجات یافت ... " (۶۴۲)

حضرت عبدالبهاء

" ابدأً از یکدیگر مکدر نشوید، نظرتان به ملکوت حق باشد نه عالم خلق، خلق را از برای خدا دوست دارید، نه برای خود، چون برای خدا دوست می دارید، هیچوقت مکدر نمی شوید، زیرا انسان کامل نیست، لابد هر انسانی نقصی دارد، اگر نظر به نفوس نمائید همیشه مکدر می شوید، اما اگر نظر به خدا نمائید چون عالم حق، عالم کمال است، رحمت صرف است، لذا برای او همه را دوست می دارید، به همه مهربانی می کنید، پس به قصور کس نظر ننمائید، جمیع را بنظر عفو ببینید.... زیرا چشم خطا - بین نظر به خطا کند، اما نظر خطا پوش به خالق نفوس بنگردد... " (۶۴۳)

حضرت عبدالبهاء

" همینکه عیب جوئی و کلمات درشت و ناروا بین یک جامعه بهائی بروز کند، علاجی جز آن نیست که گذشته را فراموش کرده طرفین اختلاف را ترغیب و تشویق نمایند که فصل جدیدی در

روابط خویش آغاز کنند و از ذکر مسائلی که منجر به سوء تفاهم و اختلاف گشته برای رضای خدا و امر مبارک اجتناب نمایند. هر چه بیشتر یاران از گذشته بحث نمایند و در آن بساره مناقشه کنند و هر طرف بخواهد اثبات نماید که حق به جانب او بوده، وضع بطور کلی وخیمتر خواهد گردید. با توجه به اوضاع کنونی عالم، باید اینگونه اختلافات جزئی داخلی را بالمره فراموش کرده متّحداً متّفقاً برای نجات عالم انسانی قیام نمائیم. " (۶۴۴)

حضرت ولیّ امرالله

- طرز استماع نظرات دیگران :

" یاران باید طرز استماع نظریّات و عقاید دیگران را بیاموزند بنوعی که بیش از حد تحت تاثیر آن واقع نشوند و درایمانشان تزلزلی حاصل نگردد و نیز بدانند که چگونه اظهار نظر نمایند که بر دیگر یاران تحمیل نشود. " (۶۴۵) معهد اعلی

- تاثیر از خودگذشتگی :

" ولو در هر شهری دو نفر مؤمن مخلص یافت شود که بکلی از خود بگذرند کفایت است. " (۶۴۶) حضرت عبدالله

- گذشت :

" حق شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعه الله نبود، دست قاتل خویش را می بوسیدم و از مال خود او را ارث می دادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب روا نداشت و حطام دنیا در نزد این عبد نبود " (۶۴۷) حضرت بهاء الله

- رفتار با همسایگان :

" رفتار شما نسبت به همسایه باید بنحوی باشد که از آن آثار خدای واحد حقیقی بوضوح نمایان گردد. " (۶۴۸) حضرت بهاء الله

" هر فرد بهایی باید رشته‌های محبت و وداد و اخوت و وفاق

را با جمیع افراد بشر محکم و استوار سازد و از جمیع موازین سخیفه و افکار واهی و اعمال افراطی و تند و یاس و ناامیدی اجتماع احتراز کند. با چهره گشاده و محبت خالصانه به همسایگان نظر افکند. چون شمع در جمع برافروزد و مشعل فروزان فرا راه نفوسی باشد که در تقویت قوای روحی و کسب کمالات معنوی قصد تقدّم و تعالی دارند... " (۶۴۹) معهد اعلی

- مزاح :

" گاهی مزاح سبب اهتزاز قلوب گردد و مورت انشراح صدور شود ولی مزاحی که فی الحقیقه جدی محض در لباس مزاحست است این خوشتر و دلکشتر است زیرا تاثیرش بیشتر... " (۶۵۰)

حضرت عبدالبهاء

- تذکار نهایی :

" روش عبدالبهاء را دیدی، دستور العمل نما. جمیع ابواب را مفتوح خواهی یافت " (۶۵۱) حضرت عبدالبهاء

(۱)

ماخذ

- ۱ - توقیع ۲۴ می ۱۹۵۴ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بھائی
ص ۱۱۵
- ۲ - منتخباتی از مکاتیب عبدالبھاء ج ۳ - ص ۱۱۲ - ۱۱۱
- ۳ - نشریہ پیام بھائی شماره ۱۰۴ - ۱۰۳
- ۴ - سالنامہ جوانان سال ۱۰۵ - ۱۰۴
- ۵ - پیام ۱۹۸۴ - ۱۴۱
- ۶ - پیام ۱۹۸۴ - ۱۴۱
- ۷ - ترانہ امید سال ۲۹ شماره ۶ - ۵ ص ۱۶۶
- ۸ - پیام رضوان ۱۳۹
- ۹ - توقیع ظهور عدل الہی - ص ۱۴۴
- ۱۰ - مائدہ آسمانی ج ۵ - ص ۲۴۴
- ۱۱ - پیام ۲۱ شہر الرحمہ ۱۳۰ - اخبار امری سال ۵۲ شماره ۹ - ص ۲۸۱
- ۱۲ - مجموعہ آثار مبارکہ درباره تربیت بھائی - ص ۱۲۱ - ۱۲۰
- ۱۳ - مجموعہ آثار مبارکہ درباره تربیت بھائی - ص ۳۷
- ۱۴ - توقیع ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ - راهنمای جوانان - ص ۷ - ۶
- ۱۵ - پیام ۳۱ آگوست ۱۹۷۶ - مجموعه آثار مبارکہ درباره تربیت بھائی - ص ۵
- ۱۶ - پیام ۱۳۱
- ۱۷ - مجموعہ الواح مبارکہ ص ۲۷۷ - ۲۷۶

(۲)

- ۱۸ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۲۹ - ۳۳۰
- ۱۹ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۲۹ - ۳۳۰
- ۲۰ - پیام ۲۵ می ۱۹۷۵
- ۲۱ - پیام ۲۵ می ۱۹۷۵
- ۲۲ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۳۴ - ۳۳۵
- ۲۳ - راهنمای جوانان - ص ۱۵
- ۲۴ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۳۴
- ۲۵ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲
ص ۶۱
- ۲۶ - پیام رضوان ۱۹۷۳ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲
ص ۳۱۴
- ۲۷ - سالنامه جوانان سال ۱۰۵ - ۱۰۴ - ۱۷۳
- ۲۸ - پیام رضوان ۱۴۱ بدیع
- ۲۹ - رساله سؤال و جواب - ص ۱۲
- ۳۰ - رساله سؤال و جواب - ص ۴۰ - ۳۹
- ۳۱ - امر و خلق ج ۱ - ص ۳۰۴
- ۳۲ - ۶ شهرا لاسماء سنه ۱۰۲ - گنجینه حدود و احکام - ص ۱۳
- ۳۳ - ۱۵ جمادی الاولى ۱۳۴۱ - گنجینه حدود و احکام - ص ۴۶
- ۳۴ - نظامات بهائی - ص ۱۴

- ۳۵ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریهٔ عندلیب شماره ۴۶ - ص ۱۴
- ۳۶ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۰ - ۳۲۹
- ۳۷ - توقیع ۸ دسامبر ۱۹۳۵ - راهنمای جوانان - ص ۸
- ۳۸ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۵۸ - ۵۹
- ۳۹ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۵۹ - ۶۰
- ۴۰ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریهٔ عندلیب - شماره ۴۶
- ۴۱ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریهٔ عندلیب - شماره ۴۶
- ۴۲ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریهٔ عندلیب - شماره ۴۶
- ۴۳ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۲
- ۴۴ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۶۱ - ۶۰
- ۴۵ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۶۱
- ۴۶ - توقیع ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ - مجموعهٔ آثار مبارکه در بارهٔ تربیت بهائی - ص ۱۰۶
- ۴۷ - منتخبات نصوص مبارکه در بارهٔ تربیت بهائی - ص ۸۶
- ۴۸ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۶۱ - ۶۲
- ۴۹ - پیام ۱۷ می ۱۹۴۴ - نشریهٔ پیام بهائی - ص ۱۷۹
- ۵۰ - توقیع جانوری ۱۹۲۹ - توقیعات مبارکه ج ۲ - ص ۹۶ - ۹۵

- ۵۱ - پیام ۱۷ می ۱۹۹۴ - نشریۀ پیام بهائی - شماره ۱۷۹
- ۵۲ - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ - ص ۱۸۸ - ۱۸۷
- ۵۳ - مائدۀ آسمانی ج ۹ - ص ۳۸ - ۳۷
- ۵۴ - قرن بدیع ج ۲ - ص ۳۳۷ - ۳۳۶
- ۵۵ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۲۸ - ۳۲۷
- ۵۶ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریۀ عندلیب - شماره ۴۶
- ۵۷ - پیام ۱۹۸۴
- ۵۸ - پیام ۱۹۸۴
- ۵۹ - پیام ۱۹۸۴
- ۶۰ - راهنمای جوانان - ص ۱۵
- ۶۱ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۲۸ - ۳۲۷
- ۶۲ - پیام رضوان ۱۹۹۲
- ۶۳ - پیام رضوان ۱۹۷۳ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۳۱۴
- ۶۴ - توقیع ۶ مارچ ۱۹۲۵ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۲۱۲
- ۶۵ - اخبار امری سال ۵ - شماره ۱۴
- ۶۶ - پیام معهد اعلیٰ
- ۶۷ - پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۶۸ - پیام بهائی - شماره ۱۷۹
- ۶۹ - پیام بهائی - شماره ۱۷۹

- ۷۰ - پیام بھائی - شماره ۱۷۹
- ۷۱ - پیام بھائی - شماره ۱۷۹
- ۷۲ - پیام بھائی - شماره ۱۷۹
- ۷۳ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۷۰
- ۷۴ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۷۶ - ۷۵
- ۷۵ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۲۳ - ۱۲۲
- ۷۶ - توقیع شباط ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۱۲۲
- ۷۷ - توقیع ۲۰ آوریل ۱۹۳۳ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۹۴
- ۷۸ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۲
- ۷۹ - پیام بھائی - شماره ۱۷۹
- ۸۰ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۷۱ - ۷۰
- ۸۱ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۴۹ - ۴۸
- ۸۲ - توقیع ۹ جولای ۱۹۳۹ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۰۳ - ۱۰۲
- ۸۳ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۴۵
- ۸۴ - توقیع ۲۴ می ۱۹۵۴ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۱۵
- ۸۵ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۲۵ - ۱۲۴
- ۸۶ - توقیع ۱۳ کانون ۲ ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۸۶
- ۸۷ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۶۶
- ۸۸ - توقیع ۲۶ ژانویه ۱۹۳۵ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۹۷

- ۸۹ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۱۲۱
- ۹۰ - توقیع ۲۰ آپریل ۱۹۳۹ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۹۹
- ۹۱ - پیام ۱۹۸۶
- ۹۲ - توقیع ۳۱ می ۱۹۳۳ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۹۵
- ۹۳ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریه عندلیب - شماره ۴۶
- ۹۴ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریه عندلیب - شماره ۴۶
- ۹۵ - توقیع ۱۲ دسامبر ۱۹۳۹ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۱۰۵
- ۹۶ - پیام ۵ جون ۱۹۷۷
- ۹۷ - توقیع ۲۶ جولای ۱۹۴۶ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۱۱۰ - ۱۰۹
- ۹۸ - توقیع ۹ جولای ۱۹۳۹ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۱۰۳ - ۱۰۲
- ۹۹ - پیام ۲۳ ژوئن ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۵۰
- ۱۰۰ - پیام ۱۵ مارچ ۱۹۶۷ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۸۸
- ۱۰۱ - توقیع ۲۸ آپریل ۱۹۳۹ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۱۰۰
- ۱۰۲ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۱۰۳ - توقیع ایلول ۱۹۲۶ - محافل روحانیّه و وظایف آن - ص ۲۹
- ۱۰۴ - توقیع ۱۹ دسامبر ۱۹۲۴ - محافل روحانیّه و وظایف آن - ص ۲۳

- ۱۰۵ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۱۰۶ - منتخباتی از آثار مبارکه دربارهٔ تعلیم و تربیت - ص ۱۲۵
- ۱۰۷ - توقیع ۱۲ مارچ ۱۹۲۳ - مجموعهٔ آثار مبارکه دربارهٔ تربیت
بهائی - ص ۸۲
- ۱۰۸ - راهنمای جوانان - ص ۱۶ - ۱۵
- ۱۰۹ - پیام ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰ - دستخطهای بیت العدل اعظم
ج ۲ - ص ۱۷۵
- ۱۱۰ - پیام ۲۳ ژوئن ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۵۰
- ۱۱۱ - پیام ۱۴۳ بدیع
- ۱۱۲ - پیام ۱۴۳ بدیع
- ۱۱۳ - پیام رضوان ۱۹۸۴
- ۱۱۴ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریهٔ عندلیب - شماره ۴۶
- ۱۱۵ - پیام ۱۴۳ بدیع
- ۱۱۶ - توقیع ۱۸ جون ۱۹۴۶ - توقیعات مبارکه ۱۰۹ - ۱۰۲ - ص ۳۵
- ۱۱۷ - پیام رضوان ۱۹۸۷
- ۱۱۸ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۱۱۹ - پیام سپتامبر ۱۹۸۷
- ۱۲۰ - لوح مقصود - دریای دانش - ص ۲۸
- ۱۲۱ - منتخبات آثار حضرت بهاء‌الله انگلیسی - ص ۱۴۲
- ۱۲۲ - کتاب بدیع - ص ۶۹
- ۱۲۳ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت‌بهائی - ص ۸۷

(۸)

- ۱۲۴ - کتاب مستطاب ایقان - ص ۱۶۲
- ۱۲۵ - کتاب بدیع - ص ۸۲
- ۱۲۶ - اقتدارات - ص ۸۳
- ۱۲۷ - توقیع دور بهائی - ص ۲۲
- ۱۲۸ - کتاب بدیع - ص ۴۰۶
- ۱۲۹ - مکاتیب عبدالبها ج ۱ - ص ۳۱۹
- ۱۳۰ - لوح احمد فارسی - دریای دانش - ص ۱۲۲
- ۱۳۱ - منتخبات آثار مقدّسه بمناسبت احتفال مئوی - ص ۳
- ۱۳۲ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۳۴۸
- ۱۳۳ - کتاب مستطاب ایقان - ص ۱۶۹
- ۱۳۴ - حداثق میثاق - ص ۱۰۲
- ۱۳۵ - توقیع ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۶۵
- ۱۳۶ - توقیع ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۲ - مجله مطالعات معارف بهائی
دوره دوم ۳ - ص ۵
- ۱۳۷ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۲۳۸
- ۱۳۸ - توقیع ۱۴ اکتبر ۱۹۴۲ - مجموعه آثار مبارکه دربار ره تربیت
بهائی - ص ۱۰۸
- ۱۳۹ - پیام ۲۷ می ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱
ص ۳۰۳ - ۳۰۲
- ۱۴۰ - توقیع ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۶۵
- ۱۴۱ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۱۴۲ - پیام ۵ جولای ۱۹۷۳

- ۱۴۳ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۱۴۴ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۸۳
- ۱۴۵ - پیام ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷
- ۱۴۶ - پیام ۱۸ اگوست ۱۹۹۱
- ۱۴۷ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۷۸
- ۱۴۸ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۸ - ۳۳۷
- ۱۴۹ - مائده آسمانی ج ۷ - ص ۲۰۶
- ۱۵۰ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۷
- ۱۵۱ - آثار قلم اعلی ج ۶ - ص ۱۶۲
- ۱۵۲ - امر و خلق ج ۴ - ص ۲۶ - ۲۵
- ۱۵۳ - لوح دنیا - دریای دانش - ص ۹۰
- ۱۵۴ - مائده آسمانی ج ۴ - ص ۱۰۴
- ۱۵۵ - پیام ۷ شهرالقول ۱۳۳
- ۱۵۶ - توقیع ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۶۵
- ۱۵۷ - اشراقات - ص ۸۲
- ۱۵۸ - جزوه راهنمای تبلیغ - ص ۲۲
- ۱۵۹ - منتخباتی از آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت - ص ۱۴۴ - ۱۴۳
- ۱۶۰ - توقیع ۱۹ اکتبر ۱۹۳۲ - مجله مطالعه معارف بهائی دوره دوم ۳ - ص ۳

- ۱۶۱ - توفیق ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ - مجله مطالعات معارف بھائی دورہ دوم ۳ - ص ۴
- ۱۶۲ - توفیق آوریل ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱۳
- ۱۶۳ - توفیق ۲۵ سیتا مبر ۱۹۴۲ - مجله مطالعات معارف بھائی دورہ دوم ۳ - ص ۵
- ۱۶۴ - پیام رضوان ۱۹۶۷
- ۱۶۵ - خطبات مبارکہ عبدالبھاہ ج ۲ - ص ۲۲۹
- ۱۶۶ - توفیق ۱۲ می ۱۹۴۴ - بھائی نیوز شمارہ ۱۷۵ ترجمہ از انگلیسی
- ۱۶۷ - سالنامہ جوانان - ۱۰۸ بدیع
- ۱۶۸ - پیام معہد اعلیٰ
- ۱۶۹ - مکاتیب عبدالبھاہ ج ۲ - ص ۱۸۵
- ۱۷۰ - جزوہ راهنمای تبلیغ - ص ۲۲
- ۱۷۱ - پیام بھائی شمارہ ۱۰۹ - ۱۰۸ - ص ۴۳
- ۱۷۲ - مکاتیب عبدالبھاہ ج ۸ - ص ۴۴
- ۱۷۳ - امر و خلق ج ۳ - ص ۳۴۰ - ۳۳۹
- ۱۷۴ - مائدہ آسمانی ج ۹ - ص ۱۲۴ - ۱۲۳
- ۱۷۵ - توفیق ظہور عدل الہی - ص ۱۰۳
- ۱۷۶ - مائدہ آسمانی ج ۳ - ص ۴۸
- ۱۷۷ - توفیق ۴ می ۱۹۴۶ - راهنمای جوانان - ص ۱۲
- ۱۷۸ - توفیق ۱۳ شہرالجلال ۱۰۲ - توفیعات مبارکہ ۱۰۹ - ۱۰۲ ص ۳

- ۱۷۹ - پیام ۱۲۳ بدیع - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۸ - ۳۳۹
- ۱۸۰ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۶
- ۱۸۱ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۷ - ص ۷۶ - ۷۵
- ۱۸۲ - لوح مبارک قناعت - مجموعه الواح مبارکه - ص ۷۵
- ۱۸۳ - مائده آسمانی ج ۱ - ص ۸۱ و ۷۹
- ۱۸۴ - خطایات مبارکه حضرت عبدالبهاء ج ۱ - ص ۲۲۷
- ۱۸۵ - توقیع ظهور عدل الهی - ص ۱۵۸
- ۱۸۶ - توقیع ۳ ژوئیه ۱۹۴۹ - مجله مطالعه معارف بهائی دوره دوم ۳ - ص ۳
- ۱۸۷ - دریای دانش - ص ۱۲۴
- ۱۸۸ - کتاب مستطاب ایقان - ص ۱۶۳
- ۱۸۹ - لوح سلمان - مجموعه الواح مبارکه - ص ۱۵۶
- ۱۹۰ - کتاب بدیع - ص ۱۱۹
- ۱۹۱ - مکاتیب حضرت عبدالبهاء
- ۱۹۲ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۱۲۴
- ۱۹۳ - خاطرات نه ساله - ص ۴۳۹
- ۱۹۴ - توقیع ۱۴ اکتبر ۱۹۴۲ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۱۰۸
- ۱۹۵ - توقیع ۳۰ ک ۲ - ۱۹۲۶ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۲۸۰
- ۱۹۶ - دریای دانش - ص ۱۱۱

- ۱۹۷ - اخبار امری مرداد و شهریور ۲۹ شماره ۵-۶
- ۱۹۸ - اخبار امری بهمن و اسفند ۳۹ - شماره ۱۱ - ۱۲
- ۱۹۹ - نشریه محفل شماره ۲ مورخ ۵۸/۱/۱۵
- ۲۰۰ - مائده آسمانی ج ۳ - ص ۳۰
- ۲۰۱ - مجموعه آثار مبارکه دربارۀ تربیت بها ئی - ص ۱۱۷
- ۲۰۲ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۲۰۳ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۸ - ۳۳۹
- ۲۰۴ - پیام رضوان ۱۰۳ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۴۲۲
- ۲۰۵ - ارکان نظم بدیع - ص ۳۰۱ - ۳۰۰
- ۲۰۶ - ۲ دسامبر ۱۹۳۸ توفیق مبارک حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی،
- ۲۰۷ - کتاب بدیع - ص ۴۰۶
- ۲۰۸ - پیام ۲۷ می ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۱۸ - ۳۱۷
- ۲۰۹ - پیام رضوان ۱۹۶۷
- ۲۱۰ - کتاب بدیع - ص ۱۴۵
- ۲۱۱ - مجموعه آثار مبارکه دربارۀ تربیت بها ئی - ص ۱۲
- ۲۱۲ - مجموعه آثار مبارکه دربارۀ تربیت بها ئی - ص ۲۲ - ۲۳
- ۲۱۳ - مجموعه آثار مبارکه دربارۀ تربیت بها ئی - ص ۱۵
- ۲۱۴ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۸ - ص ۲۰
- ۲۱۵ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۲ - ص ۲۰۹

- ۲۱۶ - بدایع الاثر ج ۱ - ص ۲۱۱
- ۲۱۷ - توقیع ۹ جولای ۱۹۳۱ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۹۲ - ۹۱
- ۲۱۸ - مکاتیب حضرت عبدالبهاء
- ۲۱۹ - پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریه عندلیب شماره ۴۶
- ۲۲۰ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۱۰
- ۲۲۱ - لوح مبارک خطاب به شیخ محمدتقی مجتهد اصفهانی - ص ۲۰
- ۲۲۲ - لوح مبارک خطاب به شیخ محمدتقی مجتهد اصفهانی - ص ۲۱
- ۲۲۳ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۸۳
- ۲۲۴ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۸۳
- ۲۲۵ - خطرات حبیب ج ۱ - ص ۵۷ - ۵۶
- ۲۲۶ - خطرات نه ساله - ص ۴۳۹
- ۲۲۷ - توقیع ۲۸ نوامبر ۱۹۲۶ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۸۹
- ۲۲۸ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۵۷
- ۲۲۹ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی - ص ۲۰
- ۲۳۰ - پیام شهرالعلماء ۱۲۲ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۲۵۹ - ۲۵۷
- ۲۳۱ - پیام ۱۰/۸/۱۹۸۹
- ۲۳۲ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۷
- ۲۳۳ - بدایع الاثر ج ۲ - ص ۱۴۴

- ۲۳۴ - توفیق ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ - راهنمای جوانان - ص ۱۴
- ۲۳۵ - توفیق ۲۶ اکتبر ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱
- ۲۳۶ - توفیق ۲۱ می ۱۹۳۶ - راهنمای جوانان - ص ۲
- ۲۳۷ - توفیق ۲۵ دسامبر ۱۹۴۱ - مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بھائی - ص ۱۰۶
- ۲۳۸ - توفیق ۱۹۴۷ - راهنمای جوانان - ص ۱۷ - ۱۶
- ۲۳۹ - پیام ۲۱ آپریل ۱۹۸۲
- ۲۴۰ - جزوه خدمت و عبودیت - ص ۲۱
- ۲۴۱ - مکاتیب عبدالبھاہ ج ۸ - ص ۷۱
- ۲۴۲ - اشراقات - ص ۷۹
- ۲۴۳ - توفیق ۱۲ جولای ۱۹۵۲ - نمونه حیات بھائی - ص ۴۵
- ۲۴۴ - توفیق ۴ می ۱۹۴۲ - مجموعه تحقیق یدخلون
- ۲۴۵ - جزوه خدمت و عبودیت - ص ۵۶
- ۲۴۶ - جزوه خدمت و عبودیت - ص ۳۵
- ۲۴۷ - توفیق ۲۱ فوریه ۱۹۳۳ - نمونه حیات بھائی - ص ۱۲
- ۲۴۸ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۲۴۹ - نظامات بھائی - ص ۱۴
- ۲۵۰ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۱
- ۲۵۱ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰
- ۲۵۲ - آهنگ بدیع سال ۲۰ - شماره ۸ - ص ۳۳۹

- ۲۵۳ - مکاتیب عبدالبها *
- ۲۵۴ - توفیق ۱۱ مه ۱۹۴۸ - نمونه حیات بهائی - ص ۳۷
- ۲۵۵ - توفیق اگوست ۱۹۳۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۵۲۹
- ۲۵۶ - پیام رضوان ۱۹۸۸
- ۲۵۷ - رساله راهنمای تبلیغ - ص ۵۲
- ۲۵۸ - توفیق ۶ فوریه ۱۹۳۹ - نمونه حیات بهائی - ص ۱۶
- ۲۵۹ - توفیق ۶ فوریه ۱۹۳۹ - نمونه حیات بهائی - ص ۱۶
- ۲۶۰ - توفیق ظهور عدل الهی - ص ۱۷۱
- ۲۶۱ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۱۲۲
- ۲۶۲ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۱۲۲
- ۲۶۳ - توفیق ۱۲ جولای ۱۹۵۲ - نمونه حیات بهائی - ص ۴۵
- ۲۶۴ - اخلاق بهائی - ص ۱۳۷
- ۲۶۵ - مائده آسمانی ج ۹ - ص ۱۲۵
- ۲۶۶ - مکاتیب عبدالبها ج ۷ - ص ۳۱
- ۲۶۷ - جزوه خدمت و عبودیت - ص ۳۲
- ۲۶۸ - توفیق ظهور عدل الهی - ص ۱۴۵
- ۲۶۹ - پیام سپتامبر ۱۹۶۴ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۱۱۷ - ۱۱۶
- ۲۷۰ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۳۱ - ۳۳۰
- ۲۷۱ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۲۳۶ - ۲۳۵

- ۲۷۲ - توقيع ۲۸ جولای ۱۹۵۴ - نمونہ حیات بہائی - ص ۴۷ - ۴۶
- ۲۷۳ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۲۷۴ - پیام ۱۰ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ ص ۶۵
- ۲۷۵ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ ص ۵۹
- ۲۷۶ - مائدہ آسمانی ج ۸ - ص ۱۴۱
- ۲۷۷ - اخلاق بہائی - ص ۲۳۹
- ۲۷۸ - توقيع ۲۶ اکتبر ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱
- ۲۷۹ - توقيع ۲۶ اکتبر ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱۱
- ۲۸۰ - خاطرات حبیب ج ۲ - ص ۲۸۹
- ۲۸۱ - توقيع ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ - نمونہ حیات بہائی - ص ۲۲
- ۲۸۲ - توقيع ۱۷ فوریه ۱۹۴۵ - مجموعہ تحقق یدخلون ... ص ۶
- ۲۸۳ - جزوہ خدمت و عبودیت - ص ۵۶
- ۲۸۴ - مائدہ آسمانی ج ۹ - ص ۱۲۷ - ۱۲۶
- ۲۸۵ - پیام جون ۱۹۹۲
- ۲۸۶ - پیام ۱۹۸۴
- ۲۸۷ - پیام سپتامبر ۱۹۸۷
- ۲۸۸ - پیام ۲۴ دسامبر ۱۹۸۶
- ۲۸۹ - پیام ۱۹۸۴/۹/۱۱
- ۲۹۰ - پیام ۳ نوامبر ۱۹۸۶

- ۲۹۱ - پیام ۱۰/۹/۱۹۹۳
- ۲۹۲ - پیام ۲۵ می ۱۹۷۵
- ۲۹۳ - پیام ۷ شهرالقول ۱۳۳
- ۲۹۴ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۲۹۵ - پیام ۵ جون ۱۹۷۷
- ۲۹۶ - بیاد محبوب - ص ۲۹۶
- ۲۹۷ - گنجینه حدود و احکام - ص ۲۰۳
- ۲۹۸ - گنجینه حدود و احکام - ص ۲۰۴ - ۲۰۳
- ۲۹۹ - گنجینه حدود و احکام - ص ۲۰۵
- ۳۰۰ - پیام ۲ فوریه ۱۹۶۶ - مجموعه تحقّق یدخلون ... - ص ۱۵
- ۳۰۱ - پیام ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۴ - مجموعه تحقّق یدخلون ... - ص ۱۳
- ۳۰۲ - پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ - مجموعه تحقّق یدظون ... - ص ۲۰
- ۳۰۳ - پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲
ص ۵۷
- ۳۰۴ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۳ - ص ۳۱
- ۳۰۵ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۳۲۰
- ۳۰۶ - توقیع ۱۹ ژانویه ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱۱
- ۳۰۷ - توقیع آوریل ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱۳
- ۳۰۸ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله به انگلیسی - ص ۳۱۵
- ۳۰۹ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله به انگلیسی - ص ۸
- ۳۱۰ - امر و خلق ج ۳ - ص ۲۲۲

- ۳۱۱ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ - ص ۹۷ - ۹۵
- ۳۱۲ - توقیع ۲۹ مارس ۱۹۴۵ - مجموعهٔ تحقّق یدخلون - ص ۶
- ۳۱۳ - توقیع ۱۵ اکتبر ۱۹۴۹ - مجموعهٔ تحقّق یدخلون - ص ۸
- ۳۱۴ - توقیع ۲۶ مارچ ۱۹۵۷ - نمونهٔ حیات بهائی - ص ۵۱
- ۳۱۵ - توقیع ۲۷ اکتبر ۱۹۴۴ - نمونهٔ حیات بهائی - ص ۲۶
- ۳۱۶ - توقیع ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۱۶۷
- ۳۱۷ - پیام رضوان ۱۹۸۸
- ۳۱۸ - توقیع ۸ جون ۱۹۲۵ - منتخبات توقیعات مبارکه - ص ۱۴۴ - ۱۴۳
- ۳۱۹ - بدایع الانارج ۲ - ص ۲۳۳
- ۳۲۰ - گنجینهٔ حدود و احکام - ص ۲۰۹
- ۳۲۱ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ - ص ۹۲
- ۳۲۲ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۴ - ص ۶۷
- ۳۲۳ - توقیع ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ - منتخبات توقیعات مبارکه - ص ۱۳۶
- ۳۲۴ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ - ص ۷۶
- ۳۲۵ - رسالهٔ راهنمای تبلیغ - ص ۷۹
- ۳۲۶ - آهنگ بدیع سال ۲۶ - شماره ۱ - ص ۵
- ۳۲۷ - توقیع ۱۹۴۷ - راهنمای جوانان - ص ۱۷ - ۱۶
- ۳۲۸ - پیام رضوان ۱۹۸۲
- ۳۲۹ - هدیهٔ ازدواج - ص ۱۴

- ۳۳۰ - گنجینه حدود و احکام - ص ۱۲۶
- ۳۳۱ - منتخبات نصوص مبارکہ در بارہ حیات بہائئ - ص ۸۶
- ۳۳۲ - ہدیہ ازدواج - ص ۲۱ - ۲۲
- ۳۳۳ - ہدیہ ازدواج - ص ۱۷
- ۳۳۴ - ہدیہ ازدواج - ص ۱۵
- ۳۳۵ - ہدیہ ازدواج - ص ۱۶ - ۱۷
- ۳۳۶ - ہدیہ ازدواج - ص ۱۷
- ۳۳۷ - کتاب مستطاب اقدس
- ۳۳۸ - توقیع ۷ جولائی ۱۹۳۸ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۵۲
- ۳۳۹ - توقیع ۳ شہرالجمال ۹۶ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۵۲
- ۳۴۰ - توقیع ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ - آہنگ بدیع مہر و آبان ۱۳۵۲ - ص ۸
- ۳۴۱ - توقیع ۱۸ زانویہ ۱۹۴۳ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۶۹
- ۳۴۲ - توقیع ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۵۱
- ۳۴۳ - توقیع ۷ جولائی ۱۹۳۸ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۵۱
- ۳۴۴ - مکاتیب عبدالبہاء ج ۳ - ص ۳۷۱ - ۳۷۰
- ۳۴۵ - جزوہ ہدیہ ازدواج - ص ۱۷
- ۳۴۶ - توقیع ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ - آہنگ بدیع سال ۲۸ - شمارہ ۷ و ۸ - ص ۷
- ۳۴۷ - توقیع ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ - آہنگ بدیع سال ۲۸ - شمارہ ۷ و ۸ - ص ۸

۳۴۸ - توقیع ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ - آهنگ بدیع - مهر و آبسان
شماره ۱۳۵۲ - ص ۷

۳۴۹ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

۳۵۰ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی

۳۵۱ - پیام رضوان ۱۹۹۰

۳۵۲ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

۳۵۳ - پیام رضوان ۱۹۸۳

۳۵۴ - پیام رضوان ۱۹۹۲

۳۵۵ - پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰

۳۵۶ - پیام ۱۵ نوامبر ۱۹۹۰

۳۵۷ - پیام رضوان ۱۵۱

۳۵۸ - پیام رضوان ۱۵۰

۳۵۹ - مائده آسمانی ج ۸ - ص ۱۱۸

۳۶۰ - نظم جهانی بهائی - ص ۱۰۳

۳۶۱ - نظم جهانی بهائی - ص ۱۶۳

۳۶۲ - توقیع ۸ دسامبر ۱۹۳۵ - راهنمای جوانان - ص ۹ - ۸

۳۶۳ - پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸

۳۶۴ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

۳۶۵ - پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲

۳۶۶ - پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸

۳۶۷ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

- ۳۶۸ - پیام رضوان ۱۹۸۴
- ۳۶۹ - نظم جهانی بهائی - ص ۱۶۳
- ۳۷۰ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی - ص ۲۸-۲۷
- ۳۷۱ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی - ص ۸۵
- ۳۷۲ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی - ص ۲
- ۳۷۳ - حال و آینده جهان از دیدگاه دیانت بهائی - ص ۷۲-۷۱
- ۳۷۴ - پیام رضوان ۱۹۸۹
- ۳۷۵ - پیام رضوان ۱۹۶۵ - مجموعه تحقّق یدخلون - ص ۱۴
- ۳۷۶ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰
- ۳۷۷ - پیام رضوان ۱۹۹۰
- ۳۷۸ - پیام رضوان ۱۵۰
- ۳۷۹ - پیام رضوان ۱۹۹۰
- ۳۸۰ - پیام رضوان ۱۹۹۰
- ۳۸۱ - پیام رضوان ۱۹۸۵
- ۳۸۲ - پیام ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱
- ۳۸۳ - پیام رضوان ۱۹۸۹
- ۳۸۴ - پیام ۵ ژانویه ۱۹۸۹
- ۳۸۵ - پیام رضوان ۱۹۸۹
- ۳۸۶ - توقیع ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ - راهنمای جوانان - ص ۶ - ۴
- ۳۸۷ - توقیع ۲۱ می ۱۹۳۶ - راهنمای جوانان - ص ۳ - ۲

- ۳۸۸ - توقيع ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ - راهنمای جوانان - ص ۱۴
- ۳۸۹ - توقيع ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ - نظم جهانى بهائى - ص ۳۳ - ۳۲
- ۳۹۰ - توقيع ۱۹ ژانويه ۱۹۳۲ - راهنمای جوانان - ص ۱۱
- ۳۹۱ - پیام ۱۹ شهرالبيها* ۱۳۴ - ترانه امید سال ۳۰ شماره ۲
- ۳۹۲ - پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷ - مجموعه تحقّق یدخلون - ص ۱۷
- ۳۹۳ - پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷ - مجموعه تحقّق یدخلون - ص ۱۸
- ۳۹۴ - پیام رضوان ۱۹۸۲
- ۳۹۵ - پیام شهرالعلاء* ۱۲۲ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۲۶۰
- ۳۹۶ - پیام ۱۵ شهرالمشيه* ۱۲۵ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۶۵
- ۳۹۷ - پیام رضوان ۱۹۸۸
- ۳۹۸ - پیام ۱۶ نوامبر ۱۹۷۵
- ۳۹۹ - پیام نوروز ۱۳۱
- ۴۰۰ - پیام رضوان ۱۵۱
- ۴۰۱ - پیام رضوان ۱۹۸۸
- ۴۰۲ - پیام ۱۹۸۴
- ۴۰۳ - پیام رضوان ۱۲۳ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۲۸۹ - ۲۸۸
- ۴۰۴ - پیام رضوان ۱۹۹۰
- ۴۰۵ - پیام رضوان ۱۹۹۰
- ۴۰۶ - پیام رضوان ۱۵۱

- ۴۰۷ - پیام ۱۷ می ۱۹۴۴ - نشریهٔ پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۴۰۸ - توقیع جانوری ۱۹۲۹ - توقیعات مبارکه ج ۲ - ص ۱۱۵ - ۱۱۴
- ۴۰۹ - پیام ۵ جون ۱۹۷۷
- ۴۱۰ - پیام ۳ جون ۱۹۸۵
- ۴۱۱ - پیام رضوان ۱۹۸۹
- ۴۱۲ - پیام ۹ تیر ۱۳۶۷
- ۴۱۳ - پیام ۳ جون ۱۹۸۵
- ۴۱۴ - پیام ۱۹۸۵
- ۴۱۵ - پیام ۱۱/۹/۱۹۸۴
- ۴۱۶ - پیام ۳۱ مارس ۱۹۸۷
- ۴۱۷ - پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰
- ۴۱۸ - پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰
- ۴۱۹ - پیام ۱۱/۹/۱۹۸۴
- ۴۲۰ - پیام ۳ نوامبر ۱۹۸۶
- ۴۲۱ - پیام ژانویه ۱۹۸۵
- ۴۲۲ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰
- ۴۲۳ - پیام ۲۴ دسامبر ۱۹۸۶
- ۴۲۴ - پیام مارس ۱۹۸۶
- ۴۲۵ - پیام آپریل ۱۹۸۸
- ۴۲۶ - پیام ۱۹۹۳

- ۴۲۷ - پیام ۳ جون ۱۹۸۵
- ۴۲۸ - پیام ۳ نوامبر ۱۹۸۶
- ۴۲۹ - پیام ۲۴ دسامبر ۱۹۸۶
- ۴۳۰ - پیام ۳ جون ۱۹۸۵
- ۴۳۱ - پیام ۲۸ آپریل ۱۹۸۷
- ۴۳۲ - پیام ۱۴۱
- ۴۳۳ - پیام جون ۱۹۹۲
- ۴۳۴ - پیام ۱۹۸۴
- ۴۳۵ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰
- ۴۳۶ - پیام ۲۸ مارچ ۱۹۹۱
- ۴۳۷ - پیام ۲۷ نوامبر ۱۹۹۰
- ۴۳۸ - پیام رضوان ۱۹۸۷
- ۴۳۹ - پیام شهرالکمال ۱۵۰
- ۴۴۰ - پیام ۱۰/۸/۱۹۸۹
- ۴۴۱ - پیام ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷
- ۴۴۲ - پیام ۲۱ جون ۱۹۹۳
- ۴۴۳ - اشارات - ص ۲۲۵
- ۴۴۴ - خاطرات نه ساله - ص ۵۳۴
- ۴۴۵ - مکاتیب عبداللہا ج ۳ - ص ۳۰
- ۴۴۶ - توفیق ۷ جون ۱۹۵۴

- ۴۴۷ - خاطرات حبیب ج ۱ - ص ۳۶۶ - ۳۶۵
- ۴۴۸ - بدایع الآثار ج ۲ - ص ۱۱ - ۱۰
- ۴۴۹ - امر و خلق ج ۱ - ص ۱۴۴
- ۴۵۰ - خطبات مبارکه عبدالبهاء ج ۲ - ص ۲۲
- ۴۵۱ - مکاتیب انگلیسی ج ۳ - ص ۳۲۶
- ۴۵۲ - ترانه امید شماره ۲ سال ۲۷ - ص ۶۹
- ۴۵۳ - توقیع ۱۸ دسامبر ۱۹۴۵ - نمونه حیات بهائی - ص ۳۰
- ۴۵۴ - بیاد محبوب - ص ۳۰۶
- ۴۵۵ - بهاء الله و عصر جدید - ص ۲۹۷
- ۴۵۶ - مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی - ص ۷۶
- ۴۵۷ - آثار قلم اعلی ج ۵ - ص ۲
- ۴۵۸ - جزوه تبلیغ - ص ۱۵
- ۴۵۹ - پیام ۱۹ شهر البهائیه ۱۳۴ - ترانه امید سال ۳۰ شماره ۲
- ۴۶۰ - امر و خلق ج ۱ - ص ۲۲۳
- ۴۶۱ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۱۴۰
- ۴۶۲ - خدمت و عبودیت - ص ۲۸
- ۴۶۳ - حیات بهائی - ص ۱۹۲
- ۴۶۴ - گوهر یکتا - ص ۱۸۶
- ۴۶۵ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۵ - ص ۱۴۶ - ۱۴۷
- ۴۶۶ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۶ - ص ۱۰۱ - ۱۰۲

- ۴۶۷ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۴ - ص ۱۴
- ۴۶۸ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۸ - ص ۷۴
- ۴۶۹ - پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰
- ۴۷۰ - پیام مارس ۱۹۸۶
- ۴۷۱ - پیام شهرالاعلاء ۱۲۲ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۲۶۱ - ۲۶۰
- ۴۷۲ - پیام شهرالکمال ۱۵۰
- ۴۷۳ - پیام ۸ ژانویه ۱۹۷۵
- ۴۷۴ - گنجینه حدود و احکام - ص ۱۵۶
- ۴۷۵ - گنجینه حدود و احکام - ص ۱۵۹
- ۴۷۶ - حیات بهائئی - ص ۳۱
- ۴۷۷ - آثار قلم اعلی ج ۴ - ص ۳۳۸
- ۴۷۸ - امر و خلق ج ۳ - ص ۹۵
- ۴۷۹ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۶ - ص ۱۷۹
- ۴۸۰ - توقیع ظهور عدل الهی - ص ۴۹
- ۴۸۱ - راهنمای جوانان - ص ۲۱ - ۲۰
- ۴۸۲ - منتخبات نصوص مبارکه دربارہ حیات بهائئی - ص ۷۷
- ۴۸۳ - توقیع ۲۹ اوت ۱۹۴۷ - توقیعات مبارکه ۱۰۹ - ۱۰۲ - ۹۰ - ص ۹۰
- ۴۸۴ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۱۵۶
- ۴۸۵ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۱۱۹
- ۴۸۶ - مائده آسمانی ج ۹ - ص ۱۰۲

- ۴۸۷ - توفیق ۲۳ آپریل ۱۹۵۶ - نمونه حیات بهائی - ص ۴۹ - ۴۸
- ۴۸۸ - بدایع الاثار ج ۱ - ص ۱۹۷
- ۴۸۹ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۸ - ص ۳۵
- ۴۹۰ - منتخباتی از مکاتیب ۳ - نشریه پیام بهائی شماره ۱۶۷
- ۴۹۱ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۲۵۰
- ۴۹۲ - بدایع الاثار ج ۱ - ص ۶۵
- ۴۹۳ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۳۳۳ - ۳۳۴
- ۴۹۴ - گنجینه حدود و احکام - ص ۲۲۵
- ۴۹۵ - گنجینه حدود و احکام - ص ۲۲۷
- ۴۹۶ - امر و خلق ج ۳ - ص ۴۱۱
- ۴۹۷ - امر و خلق ج ۲ - ص ۴۱۳
- ۴۹۸ - پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶
- ۴۹۹ - اخلاق بهائی - ص ۶۶
- ۵۰۰ - اخلاق بهائی - ص ۶۸
- ۵۰۱ - اخلاق بهائی - ص ۷۷
- ۵۰۲ - اخلاق بهائی - ص ۷۱
- ۵۰۳ - راهنمای جوانان - ص ۷
- ۵۰۴ - توفیق ۱۹۴۶ - توقیعات مبارکه ۱۰۹ - ۱۰۲ - ص ۲۸
- ۵۰۵ - منتخبات توقیعات مبارکه - ص ۲۱۴
- ۵۰۶ - پیام ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱

- ۵۰۷ - توفیق ۱ نوامبر ۱۹۳۳ - توقیعات مبارکه ج ۳ - ص ۱۳۰
- ۵۰۸ - توفیق عصر ذہبی امر بہائی - نظم جہانی بہائی - ص ۸۹ - ۹۰
- ۵۰۹ - توفیق ۱۰ می ۱۹۲۶ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۱۸۶
- ۵۱۰ - بدایع الاثر ج ۲ - ص ۷۹ - ۸۰
- ۵۱۱ - بدایع الاثر ج ۲ - ص ۴۱
- ۵۱۲ - توفیق ۸ دسامبر ۱۹۳۵ - راہنمای جوانان - ص ۱۰ - ۹
- ۵۱۳ - توفیق ۸ دسامبر ۱۹۳۵ - راہنمای جوانان - ص ۱۰
- ۵۱۴ - بیاد محبوب - ص ۸۳
- ۵۱۵ - توفیق ۳۰ جون ۱۹۴۹
- ۵۱۶ - توفیق ۷ جولای ۱۹۴۲ - جزوہ محفل روحانی ملی - ص ۱۹
- ۵۱۷ - نظامات بہائی - ص ۱۴
- ۵۱۸ - نظامات بہائی - ص ۱۹
- ۵۱۹ - توفیق ۱۳ دسامبر ۱۹۳۲ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۱۰۸
- ۵۲۰ - توفیق ۲۷ دسامبر ۱۹۲۲ - توقیعات مبارکہ ج ۱ - ص ۳۶
- ۵۲۱ - پیام ۱۸ اگوست ۱۹۹۱
- ۵۲۲ - توفیق ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴ - مجموعہ تحقیق یدخلون - ص ۱
- ۵۲۳ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۵۵۰
- ۵۲۴ - توفیق ۱۹۴۷ - توقیعات مبارکہ ۱۰۹ - ۱۰۲ - ص ۸۸ - ۸۷
- ۵۲۵ - پیام رضوان ۱۹۹۰

- ۵۲۶ - توقيع ۲۵ دسامبر ۱۹۴۱ - مجموعه آثار مبارکه دربارہ تربیت بھائی - ص ۱۰۶
- ۵۲۷ - توقيع ۸ مارچ ۱۹۳۲ - توقیعات مبارکہ ج ۲ - ص ۲۰۲
- ۵۲۸ - توقيع جانوری ۱۹۲۹ - توقیعات مبارکہ ج ۲ - ص ۱۱۹
- ۵۲۹ - توقيع ۶ نومبر ۱۹۳۵ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۱۲۰
- ۵۳۰ - مجموعه الواح مبارکہ - ص ۲۶۵
- ۵۳۱ - توقيع ۳۱ دسامبر ۱۹۲۷ - نمونہ حیات بھائی - ص ۹
- ۵۳۲ - مکاتیب عبدالبہا ج ۴ - ص ۶۵ - ۶۴
- ۵۳۳ - اشراقات - ص ۱۵۳
- ۵۳۴ - توقيع ۲۸ آپریل ۱۹۳۳ - منتخبات توقیعات مبارکہ - ص ۲۰۹
- ۵۳۵ - خدمت و عبودیت - ص ۱۰۰
- ۵۳۶ - گنجینہ حدود و احکام - ص ۱۵۴
- ۵۳۷ - خاطرات حبیب ج ۲ - ص ۲۴۳
- ۵۳۸ - مکاتیب عبدالبہا ج ۷ - ص ۱۹۴ - ۱۹۳
- ۵۳۹ - توقيع ظهور عدل الہی - ص ۱۰۷
- ۵۴۰ - خاطرات حبیب ج ۲ - ص ۲۴۲
- ۵۴۱ - گوہر یکتا - ص ۱۴۱
- ۵۴۲ - نظم جہانی بھائی - ص ۲۱
- ۵۴۳ - توقيع ظهور عدل الہی - ص ۶۴ - ۶۳
- ۵۴۴ - توقيع ۱۹ اگوست ۱۹۵۱

(۳۰)

- ۵۴۵ - توفیق ظهور عدل الهی - ص ۱۴۶ - ۱۴۵
- ۵۴۶ - راهنمای جوانان - ص ۲۳ - ۲۲
- ۵۴۷ - توفیق ۲ اوت ۱۹۴۲ - مجموعه تحقیق یدخلون - ص ۵
- ۵۴۸ - اخلاق بهائی - ص ۶۰
- ۵۴۹ - اخلاق بهائی - ص ۶۱ - ۶۰
- ۵۵۰ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۱۸۵
- ۵۵۱ - مائده آسمانی ج ۴ - ص ۳۵۶
- ۵۵۲ - مکاتیب عبدالبهائیه ج ۸ - ص ۲۳ - ۲۲
- ۵۵۳ - توفیق تموز ۱۹۲۵ - توقیعات مبارکه ج ۱ - ص ۲۴۹
- ۵۵۴ - مائده آسمانی ج ۴ - ص ۹۴
- ۵۵۵ - مجموعه الواح عندلیب - ص ۲۴۵ - ۲۴۴
- ۵۵۶ - خاطرات حبیب ج ۲ - ص ۲۵۰
- ۵۵۷ - اشراقات - ص ۱۱۷
- ۵۵۸ - رساله راهنمای تبلیغ - ص ۱۴۰
- ۵۵۹ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۱۷۶ - ۱۷۵
- ۵۶۰ - یادداشتهائی درباره حضرت عبدالبهائیه ج ۲ - ص ۸۱۳
- ۵۶۱ - خاطرات حبیب ج ۱ - ص ۳۱۸ - ۳۱۷
- ۵۶۲ - خاطرات حبیب ج ۱ - ص ۳۹۶
- ۵۶۳ - مکاتیب عبدالبهائیه ج ۷۹ - ص ۶
- ۵۶۴ - توفیق ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ - نمونه حیات بهائی - ص ۶

- ۵۶۵ - توقیع ۲۳ زانویه ۱۹۴۵ - نمونہ حیات بھائی - ص ۲۷
- ۵۶۶ - درگہ دوست - ص ۵۵
- ۵۶۷ - مجموعہ الواح مبارکہ - ص ۷۴
- ۵۶۸ - مکاتیب عبدالبہاء ج ۷ - ص ۸۱
- ۵۶۹ - مجموعہ آثار مبارکہ دربارہ تربیت بھائی - ص ۲۰
- ۵۷۰ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۳۷۲
- ۵۷۱ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۲۰۰
- ۵۷۲ - خاطرات حبیب ج ۱ - ص ۳۴۴ - ۳۴۳
- ۵۷۳ - مکاتیب عبدالبہاء ج ۲ - ص ۳۰۳ - ۳۰۲
- ۵۷۴ - بدایع الآثار ج ۱ - ص ۲۵۸
- ۵۷۵ - خاطرات حبیب ج ۱ - ص ۳۱۱
- ۵۷۶ - مائدہ آسمانی ج ۲ - ص ۹۴
- ۵۷۷ - مکاتیب عبدالبہاء ج ۱ انگلیسی - ص ۴۲
- ۵۷۸ - اعلان صلح عمومی انگلیسی - ص ۶۰
- ۵۷۹ - اخلاق بھائی - ص ۱۵۱ - ۱۵۰
- ۵۸۰ - مائدہ آسمانی ج ۵ - ص ۱۳۷
- ۵۸۱ - توقیع شباط ۱۹۲۷ - توقیعات مبارکہ ج ۲ - ص ۲۳ - ۲۲
- ۵۸۲ - مجموعہ الواح مبارکہ - ص ۱۲۳
- ۵۸۳ - مکاتیب عبدالبہاء ج ۷ - ص ۲۴۹ - ۲۴۸
- ۵۸۴ - امر و خلق ج ۳ - ص ۱۸۵

- ۵۸۵ - مکاتیب عبدالبها ج ۵ - ص ۱۵
- ۵۸۶ - امر و خلق ج ۳ - ص ۱۰۶
- ۵۸۷ - مکاتیب عبدالبها ج ۱ انگلیسی - ص ۴۵
- ۵۸۸ - اعلان صلح عمومی انگلیسی - ص ۸۹
- ۵۸۹ - امر و خلق ج ۳ - ص ۹۸
- ۵۹۰ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۱۲۵
- ۵۹۱ - مکاتیب عبدالبها ج ۹ - ص ۱۳۱
- ۵۹۲ - اخلاق بهائی - ص ۸۵
- ۵۹۳ - مائده آسمانی ج ۹ - ص ۱۲۲
- ۵۹۴ - اخلاق بهائی - ص ۱۰۱
- ۵۹۵ - توقیع ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ - نمونه حیات بهائی - ص ۵
- ۵۹۶ - پیام ۱۰ شهر النور ۱۲۷ - دستخطهای بیت العدل اعظم
ج ۲ - ص ۱۵۸ - ۱۵۷
- ۵۹۷ - پیام ۵ جون ۱۹۷۷
- ۵۹۸ - حکایت دل - ص ۳۸۴
- ۵۹۹ - امر و خلق ج ۳ - ص ۲۰۷
- ۶۰۰ - بیاد محبوب - ص ۳۰۹
- ۶۰۱ - مکاتیب عبدالبها ج ۸ - ص ۱۷۷
- ۶۰۲ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۲۳۰
- ۶۰۳ - اقتدارات - ص ۱۸۱
- ۶۰۴ - مجموعه الواح مبارکه - ص ۲۹۷

- ۶۰۵ - مائده آسمانی ج ۲ - ص ۳۵
- ۶۰۶ - حداثق میثاق - ص ۴۶
- ۶۰۷ - مائده آسمانی ج ۸ - ص ۵۵
- ۶۰۸ - مائده آسمانی ج ۸ - ص ۱۶۱
- ۶۰۹ - مائده آسمانی ج ۸ - ص ۷۱
- ۶۱۰ - توقیع ۲ مارچ ۱۹۲۵ - توقیعات مبارکہ ج ۳ - ص ۱۶
- ۶۱۱ - مائده آسمانی ج ۵ - ص ۲۰۱
- ۶۱۲ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۳۱۰
- ۶۱۳ - پیام ۱۰ شہرالنور ۱۲۷ - دستخطہای بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۱۶۰
- ۶۱۴ - پیام ۵ جون ۱۹۷۷
- ۶۱۵ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۲۸۷
- ۶۱۶ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۳۰۹
- ۶۱۷ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۳۲۵ - ۳۲۴
- ۶۱۸ - توقیع ۱۹ سہتا مبر ۱۹۴۸ - نمونہ حیات بہائی - ص ۳۸
۳۷
- ۶۱۹ - توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ - نمونہ حیات بہائی - ص ۲۱
- ۶۲۰ - مائده آسمانی ج ۸ - ص ۱۶۰ - ۱۵۹
- ۶۲۱ - امر و خلق ج ۳ - ص ۱۸۴
- ۶۲۲ - امر و خلق ج ۳ - ص ۱۸۵
- ۶۲۳ - مکاتیب عبدالبہا ج ۹ - ص ۵۲

- ۶۲۴ - مکاتیب عبدالبها ج ۳ - ص ۳۴ - ۳۳
- ۶۲۵ - نشریه پیام بھائی - شماره ۱۷۵
- ۶۲۶ - نشریه پیام بھائی - شماره ۱۷۵
- ۶۲۷ - نشریه پیام بھائی - شماره ۱۷۵
- ۶۲۸ - نشریه پیام بھائی - شماره ۱۷۵
- ۶۲۹ - مکاتیب عبدالبها ج ۳ - ص ۴۰۰ - ۳۹۹
- ۶۳۰ - مکاتیب عبدالبها ج ۳ - ص ۸۱
- ۶۳۱ - یادداشتھائی درباره حضرت عبدالبھا ج ۱ - ص ۵۲۲
- ۶۳۲ - یادداشتھائی در باره حضرت عبدالبھا ج ۱ - ص ۵۲۳
- ۶۳۳ - توقیع ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ - نمونہ حیات بھائی - ص ۲۳
- ۶۳۴ - توقیع ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ - توقیعات مبارکہ ج ۱ - ص ۲۰۲
- ۶۳۵ - نشریہ محفل طہران
- ۶۳۶ - مائدہ آسمانی ج ۵ - ص ۱۳۷
- ۶۳۷ - مائدہ آسمانی ج ۵ - ص ۲۷۲
- ۶۳۸ - بدایع الاثار ج ۲ - ص ۳۰۲
- ۶۳۹ - مائدہ آسمانی ج ۵ - ص ۲۶۹
- ۶۴۰ - مکاتیب عبدالبھا ج ۲ - ص ۱۴۸ - ۱۴۷
- ۶۴۱ - اخلاق بھائی - ص ۱۰۳
- ۶۴۲ - مکاتیب عبدالبھا ج ۴ - ص ۱۱۳
- ۶۴۳ - خطبات مبارکہ عبدالبھا ج ۲ - ص ۵۸

- ۶۴۴ - اخلاق بهائی - ص ۸۷ - ۸۶
- ۶۴۵ - پیام ۲۷ می ۱۹۶۶ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۳۱۸
- ۶۴۶ - بدایع الآثار ج ۲ - ص ۳۰۱
- ۶۴۷ - توقیع ظهور عدل الهی - ص ۵۸
- ۶۴۸ - دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ - ص ۲۸۸
- ۶۴۹ - منتخبات نصوص مبارکه در باره حیات بهائی - ص ۱۸
- ۶۵۰ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۴ - ص ۳۰
- ۶۵۱ - مکاتیب عبدالبهاء ج ۵ - ص ۶۹

کتاب شناسی

الف - کتاب امری :

- ۱ - حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلیٰ ج ۴ - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۳۳ ب .
- ۲ - حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلیٰ ج ۵ - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۳۱ ب .
- ۳ - حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلیٰ ج ۶ - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۳۲ ب .
- ۴ - فیضی - محمد علی - اخلاق بهائی - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۲۰ ب .
- ۵ - دھقان - غلامعلی - ارکان نظم بدیع - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۳۵ ب .
- ۶ - حضرت بهاء الله - کتاب مستطاب اقدس
- ۷ - فاضل مازندرانی - امر و خلق ج ۱ - نشر دوم - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۲۲ ب .
- ۸ - فاضل مازندرانی - امر و خلق ج ۳ - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۲۸ ب .
- ۹ - فاضل مازندرانی - امر و خلق ج ۴ - مؤسسہ ملی مطبوعات امری - ۱۳۱ ب .
- ۱۰ - حضرت بهاء الله - اشراقات و چند لوح دیگر .
- ۱۱ - اعلان طرح عمومی (انگلیسی)

- ۱۲ - حضرت بهاء الله - اقتدارات
- ۱۳ - حضرت بهاء الله - کتاب مستطاب ایقان - طبع بمعرفة فرج الله ذکی - مصر
- ۱۴ - زرقانی - محمود ابن اسمعیل - بدايع الاثار ج ۱ - مطبوعه : ايليگنت فوتوليتتهوپرس - بمبئی - ۱۹۱۴ م.
- ۱۵ - زرقانی - محمود ابن اسمعیل - بدايع الاثار ج ۲ - انتشارات : کریمی پاریس - ۱۹۲۱ م.
- ۱۶ - حضرت بهاء الله - کتاب بديع - قطع کوچک (۴۱۲ صفحه)
- ۱۷ - ایلمنت - بهاء الله و عصر جدید - ترجمه جدید
- ۱۸ - ذکر الله - خادم - بنیاد محبوب - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۱ ب .
- ۱۹ - جزوه تبلیغ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۴ ب .
- ۲۰ - حضرت ولی امر الله - توقیعات مبارکه ۱۹۲۲ - ۱۹۲۶ ج ۱ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .
- ۲۱ - حضرت ولی امر الله - توقیعات مبارکه ۱۹۲۷ - ۱۹۳۹ ج ۲ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .
- ۲۲ - حضرت ولی امر الله - توقیعات مبارکه ۱۹۳۳ - ۱۹۴۸ ج ۳ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۰ ب .
- ۲۳ - حضرت ولی امر الله - توقیعات مبارکه ۱۰۲ - ۱۰۹ مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۵ ب .
- ۲۴ - حضرت ولی امر الله - حال و آینده جهان اردیگانه دیانت بهائی

- ۲۵ - فرهنگى - مسيح - حداثق ميثاق - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۲ ب .
- ۲۶ - فروتن - على اكبر - حكايت دل - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۳۴ ب .
- ۲۷ - سهراب - عنايت الله - حيات بهائى - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۷ ب .
- ۲۸ - مؤيد - حبيب - خاطرات حبيب ج ۱ - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۱۸ ب .
- ۲۹ - مؤيد - حبيب - خاطرات حبيب ج ۲ - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۹ ب .
- ۳۰ - افروخته - يونس خان - خاطرات نه ساله - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۴ ب .
- ۳۱ - گهرريز - هوشنگ - خدمت و عبوديت - لندن - انگلستان - ۱۴۶ ب .
- ۳۲ - حضرت عبدالبهاء - خطابات حضرت عبدالبهاء در اروپا و امريكا ج ۱ - به سعى فرج الله ذكى الكردى مصر - ۱۹۲۱ م .
- ۳۳ - حضرت عبدالبهاء - خطابات مباركه عبدالبهاء در سفر آريكا ج ۲ - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۷ ب .
- ۳۴ - كلبي آيوز - هوارد - درگه دوست - ترجمه: ابوالقاسم فيضى - مؤسسهُ ملى مطبوعات امرى - ۱۲۷ ب .
- ۳۵ - حضرت بهاء الله - دريای دانش - مؤسسهُ مطبوعات بهائى هند .

- ۳۶ - علائی - عبدالعلی - دستخطهای بیت العدل اعظم
ج ۱ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۰ ب .
- ۳۷ - علائی - عبدالعلی - دستخطهای بیت العدل اعظم
ج ۲ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۰ ب .
- ۳۸ - حضرت ولّی امرالله - دور بهائی
- ۳۹ - راهنمای جوانان - ترجمه: حسن محبوبی - اردیبهشت
۱۳۷
- ۴۰ - راهنمای تبلیغ
- ۴۱ - فیضی - محمد علی - رساله راهنمای تبلیغ - چاپ
دوم - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۱۷ ب .
- ۴۲ - رساله سؤال و جواب - با اجازه محفل ملّی
ایران - شهرالمشیه ۱۳۳ ب . (غیرمنتشره)
- ۴۳ - اشراق خاوری - عبدالحمید - رساله گنجینه حدود
و احکام - چاپ چهارم - دفتر ملی نشر آثار امری -
۱۰۹ ب .
- ۴۴ - حضرت ولّی امرالله - ظهور عدل الهی - ترجمه:
نصرالله مودّت - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۲ ب .
- ۴۵ - حضرت ولّی امرالله - قرن بدیع ج ۲ - ترجمه:
نصرالله مودّت - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۵ ب .
- ۴۶ - اشراق خاوری - عبدالحمید - گنجینه حدود و احکام
مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۱۹ ب .
- ۴۷ - روحیه خانم امّالیه - گوهر یکتا - ترجمه:
ابوالقاسم فیضی

۴۸ - حضرت بهاء الله - لوح مبارک خطاب به شیخ محمد

تقی مجتهد اصفهانی معروف به آقا نجفی - مؤسسہ

ملّی مطبوعات امری - ۱۱۹ ب .

۴۹ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۱ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۸ ب .

۵۰ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۲ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۱ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۳ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۲ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۴ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۳ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۵ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۴ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۶ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۵ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۸ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۶ - اشراق خاوری - عبدالحمید - مائدہ آسمانی ج ۹ -

مؤسسہ ملّی مطبوعات امری - ۱۲۹ ب .

۵۷ - دائرہ مطالعہ نصوص و الواح بیت العدل اعظم -

مجموعہ آثار مبارکہ در بارہ تربیت بهائی - ترجمہ:

نصر اللہ موّدت - مرکز جهانی بهائی - اگوست ۱۹۷۶ م .

۵۸ - حضرت بهاء الله - مجموعہ الواح عندلیب

۵۹ - حضرت بهاء الله - مجموعه الواح مبارکه - به
اهتمام: محیی الدین صبری کردی - مطبعه: سعادت -
مصر - ۱۹۲۰ م.

۶۰ - بیت العدل اعظم - مجموعه اتحقیق یدخلون فی دین
الله افواجاً - اکتبر ۱۹۹۳

۶۱ - سهراب - عنایت الله - مخالف روحانیہ و وظایف
آن - لجنه ملی نشر آثار امری - ۱۰۴ ب .

۶۲ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۱ - مطبعه:
کردستان العلمیہ - سنہ ۱۹۱۰ م .

۶۳ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۲ - مطبعه:
کردستان العلمیہ - ۱۳۳۰ هـ .

۶۴ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۳ - چاپ
اول - مصر - ۱۹۲۱ م .

۶۵ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۴ - مؤسسہ
ملی مطبوعات امری - ۱۲۱ ب .

۶۶ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۵ - مؤسسہ
ملی مطبوعات امری - ۱۳۲ ب .

۶۷ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۶ - مؤسسہ
ملی مطبوعات امری - ۱۳۳ ب .

۶۸ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۷ - مؤسسہ
ملی مطبوعات امری - ۱۳۴ ب .

۶۹ - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء ج ۸ - مؤسسہ
مطبوعات امری - ۱۳۴ ب .

۷۰ - حضرت عبدالبهاء* - مکاتیب عبدالبهاء ج ۹ - (غیر منتشره)

۷۱ - حضرت عبدالبهاء* - مکاتیب عبدالبهاء ج ۷۹ - با اجازه محفل روحانی ملی ایران - ۱۳۳ ب . (غیر منتشره)

۷۲ - منتخبات آثار مقدسه بمناسبت احتفال منوی

۷۳ - منتخباتی از آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۵ ب .

۷۴ - حضرت بهاء الله - منتخبات آثار حضرت بهاء الله (انگلیسی)

۷۵ - حضرت عبدالبهاء* - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۳ (انگلیسی)

۷۶ - منتخبات توقیعات مبارکه - لجنه ملی نشر آثار امری - ۱۰۵ ب .

۷۷ - لجنه ملی حیات بهائی - منتخبات نصوص مبارکه در باره حیات بهائی - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۳ ب .

۷۸ - نظامات بهائی (بهائی پروسیجر) - ترجمه : لجنه ملی ترجمه آثار امری - لجنه ملی نشر آثار امری

۷۹ - حضرت ولی امرالله - نظم جهانی بهائی - ترجمه : هوشمند فتح اعظم - انتشارات : مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی - ۱۴۶ ب .

۸۰ - حضرت ولی امرالله - نمونه حیات بهائی - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۱ ب .

۸۱ - هدیه ازدواج - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۲۷

ب .

۸۲ - محمودی - هوشنگ - یادداشت‌های دربارہ حضرت

عبدالبهاء ج ۱ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۰

ب .

۸۳ - محمودی - هوشنگ - یادداشت‌های دربارہ حضرت

عبدالبهاء ج ۲ - مؤسسه ملی مطبوعات امری - ۱۳۰

ب .

ب - نشریات امری :

۸۴ - آهنگ بدیع سال ۲۰ شماره ۸ - آبان ۱۳۴۴ - شهر

العلم و شهرالقدره ۱۲۲ - شماره ۲۲۴

۸۵ - آهنگ بدیع سال ۲۶ شماره ۱ - فروردین و اردیبهشت

۱۳۵۰ - شهرالبهاء و شهرالجمال ۱۲۸

۸۶ - آهنگ بدیع سال ۲۸ شماره ط و ۸ - مهر و آبان ۱۳۵۲

۸۷ - اخبار امری سال ۵ - شماره ۱۴

۸۸ - اخبار امری مرداد و شهریور ۲۹ - شماره ۶ - ۵

۸۹ - اخبار امری بهمن و اسفند - شماره ۱۲ - ۱۱

۹۰ - اخبار امری سال ۵۲ - شماره ۹

۹۱ - پیام بهائی - شماره ۱۰۳ - ۱۰۴

۹۲ - پیام بهائی - شماره ۱۰۸ - ۱۰۹

۹۳ - پیام بهائی - شماره ۱۶۷

۹۴ - پیام بهائی - شماره ۱۷۵

۹۵ - پیام بهائی - شماره ۱۷۹

- ۹۶ - ترانه امید سال ۲۷ شماره ۲
- ۹۷ - ترانه امید سال ۲۹ شماره ۶ - ۵
- ۹۸ - ترانه امید سال ۳۰ شماره ۲
- ۹۹ - سالنامه جوانان بهائی ایران - ۱۰۵ - ۱۰۴ بدیع -
لجنه ملی نشر آثار امری - ۱۰۶ بدیع
- ۱۰۰ - سالنامه جوانان بهائی ایران - ۱۰۸ بدیع
- ۱۰۱ - نشریه محفل شماره ۲ مورخ ۵۸/۱/۱۵
- ۱۰۲ - نشریه عندلیب - نشریه محفل روحانی ملی
بهائیان کانادا به زبان فارسی - سال ۱۲ - شماره
۴۶ - بهار ۱۵۰ ب .